



# مهندسی سیستم‌های مالی

\* مهندس شاهین شایان ارانی

سررسید کمتر از دو سال را داشت و دیگری مسئولیت خرید و فروش اوراق قرضه با سررسید بین هفت تا ده سال را و همین‌طور دیگران مسئول اوراق قرضه با سررسید یا ویژگی دیگر. یکی از این کارگزاران وظیفه‌ای افزون بر کارگزاران دیگر داشت، و آن اینکه چنانچه خبر مهمی از میان خبرهایی که ثانیه به ثانیه داده می‌شد، بر صفحه ظاهر گشت، آن را با صدای بلند تکرار کند که حتماً همگان از وقوع آن آگاه شوند.

از جمله مهمترین خبرگزاری‌هایی که رویدادهای جهان را لحظه به لحظه گزارش می‌کنند، خبرگزاری رویتر است که مهمترین رویدادها را حداکثر دو دقیقه پس از وقوع در یک جمله گزارش می‌کند. برای مثال اطلاع می‌دهد که «امریکا به عراق حمله کرد». کارگزاران با آگاهی از این خبر باید به سرعت نسبت به خرید و فروش اوراق بهاداری که مسئولیت سرمایه‌گذاری در آن را برعهده دارند، تصمیم بگیرند. اما اینکه این‌گونه خبرها درست است یا نه و موثق است یا نیست، باز برعهده کارگزار است. زیرا چنانچه شخصی به خبرگزاری تلفن بزند و اطلاع دهد که برای مثال نخست‌وزیر فلان کشور ترور شد، آنها ناگزیرند، این خبر را مخابره کنند.

به‌هر حال بانکی که من معاون سرمایه‌گذاری آن بودم، پانصد میلیون دلار در اوراق قرضه دولتی ژاپن سرمایه‌گذاری کرده بود. در ساعت ۵:۴۵ یکی از روزها به ورق بزنید

به‌جای مقدمه

معاون بانکی در لوس‌انجلس و مسئول تعیین استراتژی سرمایه‌گذاری چهل کارگزار بانک بودم. ساعت چهار و نیم صبح باید سرکار حاضر می‌شدیم که تا ساعت ۶ به وقت لوس‌انجلس که مقارن ساعت ۹ به وقت نیویورک بود و بورس نیویورک کار خود را آغاز می‌کرد، آماده خرید و فروش بشویم. هر کارگزار پنج - شش تلویزیون در اختیار داشت که به وسیله آنها از اطلاعات خرید و فروش و قیمت اوراق قرضه‌ای که مسئولیت خرید و فروش آن را برعهده داشت آگاه شود. وظیفه من ایجاب می‌کرد که تا ساعت ۵:۴۵ هر روز استراتژی سرمایه‌گذاری یا خرید و فروش آن روز را برای کارگزاران تعیین کنم. به این منظور از ساعت ۴:۳۰ صبح تا ساعت ۵:۴۵ بر اساس اطلاعاتی که بر تلویزیونهای کارگزاران ظاهر می‌شد، به وسیله کامپیوتری که در اختیار داشتیم، محاسبات و تحلیلهایی را انجام می‌دادم تا پی ببرم که قیمت کدام اوراق، ارزاتر یا گرانتر یا در حد بهینه است تا خرید یکی یا فروش آن دیگری را به کارگزار مربوط توصیه کنم. البته هر کارگزار مسئول نوع ویژه‌ای از اوراق قرضه بود؛ یکی وظیفه خرید و فروش اوراق قرضه دولتی با

همراه کارگزاران بانک، به کار روزانه مشغول بودیم و چون در این ساعت بورس توکیو و لندن کار خود را آغاز کرده بودند، وضع بازار توکیو و لندن را از نظر می‌گذراندیم و به تحلیل رویدادهای این دو بازار مشغول بودیم که کارگزاری که مسئول اعلام خبرهای مهم بود، اعلام کرد: «نخست‌وزیر ژاپن سکنه کرد». و ما با آگاهی از این خبر با ۵۰۰ میلیون دلار ریسک روبه‌رو شدیم که باید آن را بسرعت کنترل می‌کردیم و مسئولیت این کار در درجه اول با من بود. به‌طور طبیعی فکر کردم که با اعلام این خبر سرمایه‌گذاران بر آن خواهند شد که سرمایه‌گذار یه‌اشان را در ژاپن بفروشند چرا که محیط سرمایه‌گذاری با ناامنی روبه‌رو شده بود و معلوم نبود که اگر نخست‌وزیر ژاپن فوت کند پیامدهای آن چه خواهد بود، زیرا استراتژی اقتصادی وی مشخص بود و سرمایه‌گذار یه‌ای انجام شده در ژاپن بر آن اساس استوار بود و تا مشخص شدن استراتژی نخست‌وزیر بعدی و تثبیت آن دست‌کم ۶-۷ ماه طول می‌کشید، و آشکار است که در این مدت ارزش سرمایه‌گذار یه‌ها در ژاپن کاهش می‌یافت. در این وقت تنها ۱۰ دقیقه به آغاز کار بورس نیویورک باقی مانده بود. از کارگزاران خواستم که به دقت به تحولات بازار توکیو و لندن توجه کنند. آشکار شد که قیمت اوراق بهادار ژاپن رو به کاهش گذاشته است. و همه در حال فروش بودند و در مدت بین ۵ تا ۱۰ دقیقه قیمت‌ها ۷ درصد کاهش یافت. به بیان دیگر ۷ درصد ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری بانک ما از بین رفته بود و ۳۵ میلیون دلار در این فاصله از دست داده بودیم. در این‌گونه مواقع صرف ۵ تا ۱۰ ثانیه اثری میلیون دلاری خواهد داشت و هرچه سریع‌تر جلوی تحمل چنین زیانی گرفته شود، مناسب‌تر خواهد بود. کوشیدیم

صحت خبر را جویا شویم، اما تمام خطوط ارتباطی با ژاپن مشغول بود. در نتیجه ناگزیر باید تصمیم می‌گرفتیم. در این‌گونه شرایط فشار عصبی بسیاری نیز بر شخص وارد می‌آید. کاهش قیمت به ۸ درصد رسید. اگر خبر صحیح بود باید می‌فروختیم، منتها باید ضرر ناشی از این تصمیم را به گونه‌ای برای مقامات بانک توجیه می‌کردیم و چنانچه خبر صحیح بود و نمی‌فروختیم با زیان بیشتری روبه‌رو می‌شدیم. این تحلیل ما را به فروش سهام راهبر می‌شد، منتها چنانچه می‌فروختیم و خبر درست نبود با انتقاد اعتراض مقامات بانک روبه‌رو می‌شدیم و به هر حال ماتریسی با چهار حالت در برابر من قرار داشت: خبر درست باشد، نباشد، بفروشیم، نفروشیم. یک حالت از این ۴ حالت این بود که بفروشیم و سه حالت اینکه نفروشیم. افزون بر این استدلال دیگر این بود که چون بانک ما اوراق مورد نظر را با هدف درازمدت و حداقل برای دو سال خریده بود، فروش آن در زمان یاد شده در بالا ضروری به نظر نمی‌رسید و سرانجام به کارگزاران توصیه کردم که بفروشند. درخور توجه اینکه بجز از ۲ کارگزار بقیه (۳۸ نفر) توصیه مرا پذیرفتند و از فروش اوراق خود برهیز کردند. و جالب اینکه درست ۳ دقیقه قبل از شروع کار بورس نیویورک خبر قبلی تکذیب شد و قیمت‌ها حتی ۵ درصد از قیمت قبل از اعلام خبر سکنه نخست‌وزیر ژاپن بالاتر رفت و در این زمان توصیه کردم که بفروشند که سود بسیاری برای بانک به دست آمد.

خاطره این تصمیمگیری و شرایطی که بر آن حکمفرما بود و سرعتی که برای این کار لازم بود، تصویری از حساسیت شرایط بازار سرمایه و تصمیمگیریهای سرمایه‌گذاری را به دست می‌دهد. ●

### ● مهندسی سیستمهای مالی (Financial Systems Engineering)

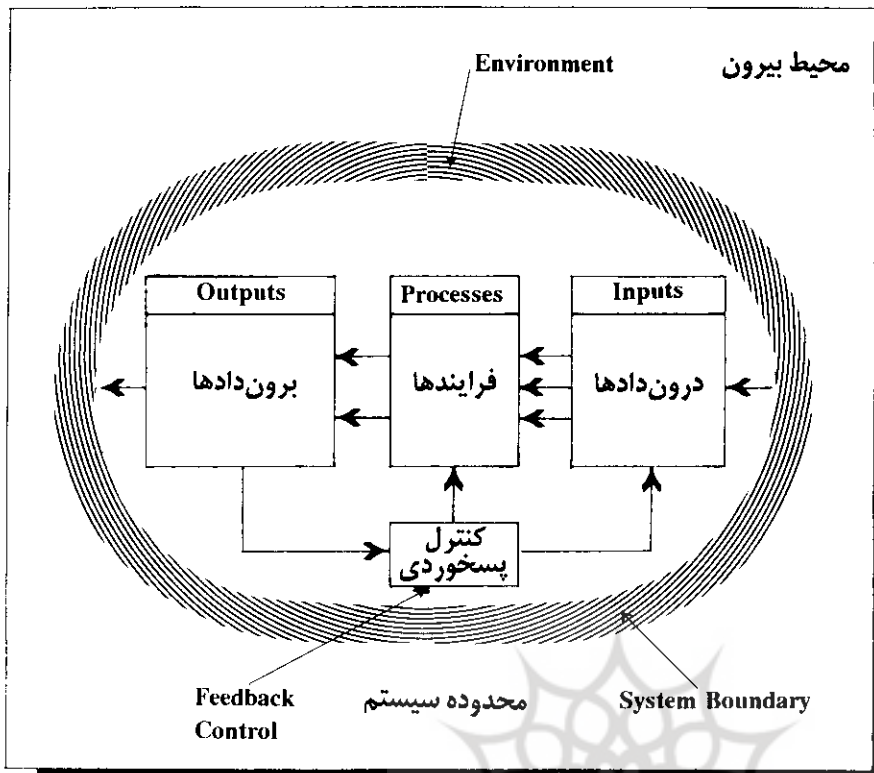
#### ● علم مهندسی

علم مهندسی رشته‌ای کاربردی است که می‌کوشد سامانه‌هایی برای برطرف کردن نیازهای انسان و سازمانها یا حل مسائل و آسانتر کردن کارها به وجود آورد. در صورتی‌که علوم پایه یا غیرمهندسی می‌کوشند تا شناختی از

نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی همزمان با کاهش نظارت دولت بر سیستم بانکی آمریکا در بانکهای بزرگ سرمایه‌گذار جهان به صورت بسیار جدی به کار گرفته شد.

- برای معرفی این رشته جدید ضروری است مفاهیم زیر به ساده‌ترین صورت تعریف شود:
- **علم مهندسی (Engineering Science)**
- **سیستمها (Systems)**
- **مهندسی سیستمها (Systems Engineering)**
- **سیستمهای مالی (Financial Systems)**

تنوع و پیچیدگی بازارهای پول و سرمایه و از میان برداشته شدن مرزهای جغرافیایی در اقتصاد، مدیران مالی و خزانه‌داران مؤسسات بزرگ جهان را با مسئولیت بسیار سنگینی روبه‌رو ساخته است. کوششهایی که در راستای ایفای چنین مسئولیتی به کار رفته است، به پدید آمدن دانش و تخصصی به نام مهندسی سیستمهای مالی انجامید که از



سیستم و محیط آن

سامانه‌های موجود به دست دهند. دستاوردهای دانش مهندسی به تولید کالا، پدید آمدن سیستم و سازمان می‌انجامد. مثالهای زیر روشنگر این تعریف است:

- (۱) سنتز مواد جدید شیمیایی و دارویی
- (۲) ساختن شش یا کلیه مصنوعی
- (۳) ساختن روبات
- (۴) به وجود آوردن سیستمهای نوین اقتصادی
- (۵) پدید آوردن سازمانهای جدید سرمایه گذاری

علم مهندسی از تخصصهای مختلفی تشکیل شده که به طور خلاصه به سه تخصص اساسی تفکیک می‌شوند:

- (۱) طراحی و مدلسازی (Design and Modeling)
- (۲) کنترل و بهینه‌سازی (Control and Optimization)
- (۳) عملیات و فرایندها (Operations and Processes)

- تحلیل و ذخیره اطلاعات و چاپ در کامپیوتر.

#### (۴) کنترل پس‌خوردی (Feed back Control)

برای تنظیم برون دادها و کنترل کیفیت و بازدهی آنها در برخی از سیستمها از روش کنترل پس‌خوردی استفاده می‌شود.

بدین وسیله در صورت وجود تفاوت و اختلاف میان برون داد مورد انتظار و برون داد واقعی سعی در تغییر متغیرهای فرایندها و درون دادها می‌شود تا بازده مطلوب بدست بیاید.

#### (۵) مرزهای سیستم و ارتباط آن با محیط (System Boundaries and Environment)

هر سیستم به وسیله مرزی از دنیای بیرون که سیستم مورد نظر درون آن قرار می‌گیرد جدا ورق بزیند

#### (۲) برون دادها (Outputs)

محصولاتی که سیستم فراهم می‌آورد برون داد سیستم است. به عنوان مثال:

- کود شیمیایی تولید شده در پالایشگاه پتروشیمی.
- بیماران شفا یافته بیمارستان.
- تحلیل فراهم آمده به وسیله کامپیوتر.

#### (۳) فرایندها و تبدیله‌ها (Transformation and Processes)

جریان و مراحل تبدیل درون دادها به برون دادها فرایند و تبدیلهای سیستم را تشکیل می‌دهد. برای مثال:

- تغییر و تبدیلهای حرارتی و شیمیایی پالایشگاههای پتروشیمی
- بخش جراحی، آزمایشگاه و اورژانس در بیمارستانها.

#### ● مفهوم سیستم

در ساده‌شده‌ترین مفهوم مجموعه‌ای از عوامل وابسته و پیوسته که نظام ارتباطی و هدفی مشخص دارند، سیستم نامیده می‌شود. هر سیستم کل یگانه‌ای است که از ترکیب اجزایی تشکیل می‌شود. ساختار سیستم اجزای زیر را دربرمی‌گیرد:

#### (۱) درون دادها (Inputs)

تمامی اطلاعات، عناصر، اجسام و یا متغیرهایی که وارد سیستم می‌شود درون داد سیستم است. به عنوان مثال:

- مواد اولیه و نیروی کاری که وارد پالایشگاه پتروشیمی می‌شود.
- بیماران که وارد بیمارستان می‌شوند.
- اطلاعات داده شده به کامپیوتر



عوامل متغیر داخلی نیز منطبق می‌کند.

استفاده از تخصص‌های مختلف مهندسی مثل طراحی و مدلسازی، بهینه‌سازی و کنترل و عملیات و فرایندها را در مورد سیستم‌های باز یا بسته، مهندسی سیستم‌ها می‌نامند که رشته‌ای جدید است و نزدیک به پانزده سال عمر دارد. چند نمونه از مهندسی سیستم‌های مختلف عبارت است از:

#### مهندسی سیستم‌های شیمیایی

(Chemical Systems Engineering)

#### مهندسی سیستم‌های مکانیکی

(Mechanical Systems Engineering)

در نمودار شماره (۳) نمونه‌ای از سیستم باز نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود همان سیستم بسته نمودار شماره (۲) به صورت باز ارائه شده است و با حرکت دادن سنگ ساکن به وسیله یک میز متحرک که از بیرون سیستم به آن نیروی حرکتی وارد می‌شود یک عامل خارجی بر روی سیستم اثر گذاشته است. مغز به‌طور پیوسته باید موقعیت فضایی سنگ را مشخص کند و دستورهای لازم را به دست بدهد تا حرکت دست با حرکت سنگ هماهنگ گردد. در

#### مهندسی سیستم‌های روانشناسی (Psychological Systems Engineering)

#### مهندسی سیستم‌های سیاسی (Political Systems Engineering)

#### مهندسی سیستم‌های اقتصادی (Economic Systems Engineering)

#### مهندسی سیستم‌های مالی (Financial Systems Engineering)

برای مثال در رشته مهندسی سیستم‌های پزشکی تمرکز بر روی ساختن دستگاه‌های تنفس، قلب و کلیه مصنوعی است. یا در رشته مهندسی سیستم‌های اقتصادی سعی در طراحی و بهینه‌سازی سیستم اقتصادی کلان می‌شود.

#### ● انواع سیستم‌های مالی

سیستم‌های مالی بسیار پیچیده، متنوع و پویا می‌باشند و به‌طور کلی برای تعریف، آنها را به دو دسته فرعی زیر تقسیم می‌کنند.

#### (۱) سیستم‌های مالی خرد (Micro Financial Systems)

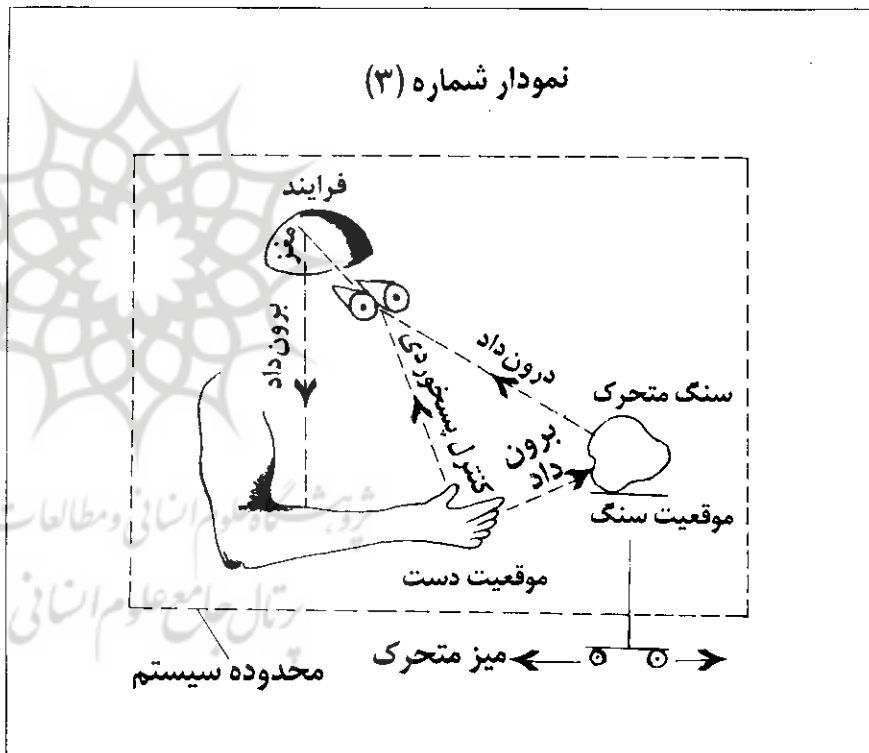
##### دربرگیرنده سیستم‌های:

- سود و زیان (Profit and Loss Systems)
- ترازنامه شرکتها (Balance Sheet Systems)
- نقدینگی شرکتها (Liquidity Systems)
- و مانند اینهاست.

#### (۲) سیستم‌های مالی کلان (Macro Financial Systems) نیز دربرگیرنده:

- سیستم‌های بازار پول و سرمایه (Money and Capital Market Systems)
- سیستم‌های بانکی و بیمه (Banking and Insurance Systems)
- سیستم‌های مالیاتی (Taxation Systems)
- و مانند اینهاست.

ورق بزنید



#### مهندسی سیستم‌های الکترونیکی

(Electronic Systems Engineering)

#### مهندسی سیستم‌های پزشکی

(Medical Systems Engineering)

#### مهندسی سیستم‌های اجتماعی

(Social Systems Engineering)

اینجا ما با سیستمی پویا روبه‌رو هستیم که وضعیت آن پیوسته در حال تغییر است.

بیشتر سیستم‌ها بخصوص سیستم‌های اجتماعی، مالی و اقتصادی از نوع باز هستند.

#### ● تعریف مهندسی سیستم‌ها (Systems Engineering)

سیستمهای مالی خرد و کلان و سیستمهای فرعی آنها باز و پویا می‌باشند. این سیستمها تحت تأثیر سیستمهای دیگر از قبیل سیستمهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی قرار می‌گیرند.

دلایل پیچیده‌تر شدن سیستمهای مالی را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

- (۱) همپیوندی اقتصاد و بازار پول و سرمایه جهانی
  - (۲) سرعت گرفتن نقل و انتقال اطلاعات اقتصادی، مالی و سیاسی
  - (۳) خصوصی شدن بیشتر مؤسسات دنیا
  - (۴) باز شدن بازارهای مختلف کشورها
  - (۵) متنوع و پیچیده‌تر شدن ساز و کار بازار پول و سرمایه جهانی
  - (۶) متنوع و پیچیده‌تر شدن روشها و ابزارهای سرمایه‌گذاری
- پیچیدگی سیستمهای مالی در مؤسسات بزرگ دنیا نیاز به کنترل و بهینه‌سازی این سیستمها را شدیدتر کرده و نیاز به بهره‌گیری از تخصص جدیدی به نام مهندسی سیستمهای مالی را برای مدیران مالی و خزانه‌داران آشکار ساخته است.

### ● موضوع مهندسی سیستمهای مالی (Financial Systems Engineering)

بهره‌گیری از دانش مهندسی در زمینه طراحی و مدل‌سازی، کنترل و بهینه‌سازی و عملیات و فرایندها در بخش سیستمهای مالی موضوع مهندسی سیستمهای مالی است. این تخصص در حال تغییر و تحولات بسیار زیادی است و حدود دهسال پیش بانکهای بزرگ سرمایه‌گذاری دنیا آن را برای رفع احتیاجات مدیران مالی و خزانه‌داران مؤسسات بزرگ به وجود آوردند. در عوض درآمدهای بسیار هنگفتی هم از طریق این تخصص عاید این بانکهای سرمایه‌گذاری گردید. برای اطلاع ده بانک بزرگ سرمایه‌گذاری دنیا با

نمودار شماره (۴)

بزرگترین بانکهای سرمایه‌گذاری جهان در سال ۱۹۹۲\*

میلادی

(ارقام به میلیون دلار)

رتبه	نام	سرمایه کل	ارزش خالص
۱	Merrill Lynch & Co.	۹,۵۷۶	۳,۲۲۵
۲	Lehman Hutton	۷,۴۹۹	۲,۰۲۷
۳	Salomon Brothers Holding Co.	۷,۱۶۲	۴,۴۴۲
۴	Goldman, Sachs & Co.**	۴,۷۰۰	۲,۴۷۷
۵	Morgan Stanley Group	۳,۳۸۰	۲,۱۷۲
۶	CS First Boston	۱,۶۱۲	۷۰۷
۷	Paine Webber Group	۱,۵۵۳	۸۹۶
۸	Dean Witter Reynolds	۱,۴۰۵	۹۰۸
۹	Bear, Stearns & Co.**	۱,۳۸۸	۱,۰۰۴
۱۰	Smith Barney, Harris, Upham & Co.	۱,۰۱۲	۷۷۳

\* مأخذ Institutional Investor

\*\* این دو بانک که بانکهای سرمایه‌گذاری می‌باشند، خصوصی‌اند و از بیشترین نرخ سوددهی برخوردارند.

توجه به سرمایه کل و ارزش خالص آنها در نمودار شماره (۴) نشان داده شده است.

وسایل و ابزارهای که بانکهای سرمایه‌گذاری برای استفاده از تخصص مهندسی سیستمهای مالی به کار گرفته‌اند عبارتند از:

- (۱) متخصصان ورزیده، باتجربه و آشنا با بازار پول و سرمایه و برخوردار از دانش مهندسی، ریاضی و کامپیوتر.
- (۲) سوپر کامپیوترها
- (۳) مدل‌های پیشرفته انحصاری ریاضی مالی با بهره‌گیری از تنوریهای:

- برنامه‌ریزی خطی و غیرخطی (Linear and Nonlinear Programming Theory)

برنامه‌ریزی خطی زمانی به کار گرفته می‌شود که رابطه بین متغیرها ساده و خطی باشد. مانند رابطه تقسیم سود و ارزش سهم. یا انتخاب بین خرید سهم عادی و ممتاز و ترکیب بهینه این دو سهم. منتها در دنیای واقعی به‌طور معمول رابطه‌ها غیرخطی است. در دنیای سرمایه‌گذاری نیز بیشتر رابطه‌ها این‌گونه است. رابطه بین ارزش اوراق قرضه با تغییر و تحولات نرخ بهره از این‌گونه رابطه‌هاست. در بازارهای بورس شاید نزدیک به



۲۰ هزار ابزار مختلف وجود داشته باشد که هر کدام نیز به چندین متغیر مختلف وابسته است. برای مثال کاربرد این شیوه برنامه ریزی می تواند به سرمایه گذاری که علاقه مند به یک میلیون دلار سرمایه گذاری باشد، رهنمود دهد که منابع مالی خود را فرضاً در ۲۰ ابزار مالی از میان ۲۰ یا ۳۰ هزار ابزار سرمایه گذاری کند.

#### - تئوری هرج و مرج (Chaos Theory)

این نظریه از رشته مهندسی کنترل سرچشمه گرفته است و در حل معادلات بسیار پیچیده و سیستمهایی که از تعادل پایدار برخوردار نیستند و معادلات مربوط بی جواب یا با جوابهای بسیار زیاد روبه رو باشد کاربرد دارد. به بیان دیگر جواب این معادلات به وضعیت اولیه سیستم (Initial Condition) و نحوه کارکرد آن بستگی دارد. این گونه معادلات که غیرخطی می باشند در موقعیتهایی مانند پیشبینی هوا مورد استفاده قرار می گیرد که تغییر اندکی در سیستم جوی ممکن است تأثیر درخورد توجه و پیشبینی ناپذیری بر وضعیت هوا بگذارد. در توصیف حساسیت این گونه سیستمها به تغییراتی اندک گفته می شود که پرواز پروانه ای در چین و حرکت بالهای آن در هوا ممکن است به وقوع طوفانی در آلاسکا بینجامد. در سالهای ۱۹۸۷ و ۸۸ که قیمت سهامهای بورس نیویورک به یکباره به طرز پیشبینی ناپذیری با

کاهش چشمگیر روبه رو شد و کاربرد مدل های گوناگون به وسیله کامپیوتر نتوانست این پدیده را توجیه کند برای تحلیل آن از تئوری هرج و مرج بهره گیری شد و نتیجه گیری شد که چون انتظار می رفت بانک مرکزی امریکا نرخ بهره را در دو ماه بعد نیم درصد افزایش دهد، این وضع پیش آمد. و رویدادی مانند پرواز پروانه پیشگفته به وقوع پیوست و سبب شد تعادل سیستم از بین برود. البته عقیده صاحب نظران این است که روی دادن این گونه امور به این مفهوم نیست که سیستم تعادل پذیر نیست، بلکه ویژگی این گونه سیستمها

این است که تعیین نقطه تعادل امکان پذیر نیست. منتها آگاهی از این ویژگی این گونه سیستمها، سبب می شود که تعامل با آنها به نحو سنجیده و هشیارانه تری صورت پذیرد. این تئوری بیشتر در سیستم اقتصاد کلان کاربرد دارد.

#### - تئوری منطق ژولیده (Fuzzy Logic Theory)

کاربرد این تئوری در مواقعی است که اطلاعات مورد استفاده با ابهام روبه رو باشد. موقعیتهایی که بیشتر اطلاعات مالی و اقتصادی با آن رویاروست. برای مثال زمانی که گفته می شود، سرمایه گذاری مفروضی خوب یا بد است این گزاره دارای ابهام و عدم قطعیت است. و از دقت گزاره ای که نمادهای صفر و یک بتواند وضعیت آن را توصیف کند، برخوردار نیست. به عبارت دیگر صورت بیان دقیقتر آن این است که سرمایه گذاری مفروض می تواند از بد تا خوب نوسان داشته باشد. در واقع بر این اساس هر قضاوتی در دامنه ای معین معنادار است و قضاوت های خوب یا بد و درست یا نادرست با عدم قطعیت روبه روست.

#### - تئوری شبکه عصبی (Neural Network Theory)

این تئوری بر پایه ساختار ارتباطات نورونهای مغز انسان شکل گرفته است. عملکرد شبکه عصبی در انسان چنین توصیف می شود که اطلاعات به صورت جریان برق از سر نورون وارد می شود و در انتهای آن بین نورونهای دیگر به نحو تصاعدی توزیع می شود و شبکه ای را پدید می آورد. بنابراین نظریه و بر بنیاد این توصیف نتیجه گیری می شود که در سیستمی که از ۲۰ متغیر تشکیل شده است، هر متغیر بر خودش و ۱۹ متغیر دیگر نیز تأثیر می گذارد که نزدیکی بسیاری با نتیجه گیریهای تئوری سیستمها دارد. این تئوری

در تصمیمگیریهای مربوط به سرمایه گذاری کاربرد فراوان یافته است. که تحلیل ارتباطات و اثرات متغیرهای مختلف در تصمیمگیریهای سرمایه گذاری را امکان پذیر می سازد.

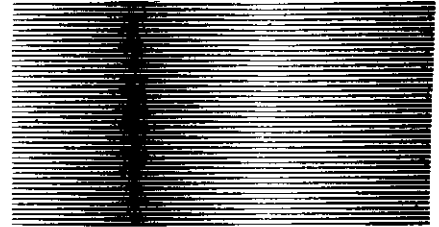
#### - تئوری آربیتراژ (Arbitrage Theory)

تئوری آربیتراژ روش یا مدل ارزشیابی سرمایه گذاری است. این تئوری نظریه ای را در مدیریت سرمایه گذاری به نام تئوری ارزشیابی آربیتراژ (Arbitrage Valuation Theory) پدید آورده است. بنابراین تئوری بازار سرمایه در وضعیتی ویژه بهینه و کاراست که در دنیای واقعی تشخیص این وضعیت امکان پذیر نیست. در حالی که در واقع قیمت اوراق بهادار در بازار با قیمت آنها در وضعیت بهینه تفاوت دارد. افزون بر این عوامل مختلفی مانند قوانین و مقررات تجاری و مالیاتی یا کنترل های دولتی و در دسترس نبودن اطلاعات صحیح فاصله قیمت بهینه با قیمت معامله و رایج را بیشتر می کند که سبب می شود سیستم از بهینگی یا کارایی متعادل خارج شود. بنابراین تئوری همین تفاوتها فرصتهای سرمایه گذاری را به وجود می آورد. فرصتی که استفاده از آن به کسب سود برای سرمایه گذاری می انجامد.

#### - تئوری هوش مصنوعی (Artificial Intelligence Theory)

این تئوری مدل کردن شیوه تصمیمگیری انسان را به صورت خودکار امکان پذیر می سازد. کاربرد این تئوری در تصمیمگیریهای سرمایه گذاری مراحل آغازین خود را پشت سر می گذارد.

مؤسسات مالی پیشرو در دنیا بخصوص بانکهای بزرگ تجاری از چهار سال پیش سعی در به وجود آوردن انضباطهای مهندسی مالی در داخل ورق بزنید



**نمودار شماره (۵)**  
بزرگترین بانکهای تجاری جهان در سال ۱۹۹۲\* میلادی  
(ارقام به میلیارد دلار)

رتبه	نام	دارائی کل	ارزش خالص	کشور
۱	Dai-Ichi Kangyo Bank	۴۰۶	۱۲	ژاپنی
۲	Mitsui Taiyo Kobe Bank	۴۰۶	۱۲	ژاپنی
۳	Mitsubishi Bank Ltd.	۳۷۹	۱۲	ژاپنی
۴	Sumitomo Bank Ltd.	۳۷۰	۱۳	ژاپنی
۵	Fuji Bank	۳۶۵	۱۱	ژاپنی
۶	Sanwa Bank	۳۵۶	۱۱	ژاپنی
۷	Credit Agricole	۳۰۳	۱۳	فرانسوی
۸	Industrial Bank of Japan	۲۸۸	۱۰	ژاپنی
۹	Credit Lyonnais	۲۸۵	۱۴	فرانسوی
۱۰	Deutsche Bank	۲۶۵	۱۰	آلمانی

\* مأخذ Eurastar

**نمودار شماره (۶)**  
بزرگترین بانکهای تجاری امریکا در سال ۱۹۹۲\* میلادی  
(ارقام به میلیارد دلار)

رتبه	نام	دارائی کل	ارزش خالص
۱	Citicorp	۲۱۷	۱۰
۲	Bank of America Corp.	۱۹۵	۱۱
۳	Chemical Banking Corp.	۱۳۷	۷
۴	Nations Bank	۱۱۶	۶
۵	Chase Manhattan Corp.	۹۸	۵
۶	J. P. Morgan & Co., Inc.	۹۴	۵
۷	Wells Fargo & Co.	۵۷	۳
۸	First Interstate Bancorp	۵۰	۳
۹	First Chicago Crop.	۵۰	۳
۱۰	PNC Financial Crop.	۴۵	۳

مأخذ: Simon G. Ferguson & Co.

شرکتهای خود نموده‌اند. محرک این عمل قطع وابستگی آنها به بانکهای سرمایه گذاری با کارمزدهای بسیار کلان بوده است. مشخصات این گونه بانکهای بزرگ تجاری دنیا و امریکا با ذکر دارایی کامل و ارزش خالص آنها در نمودارهای ۵ و ۶ نشان داده شده است.

مهمترین مسائلی که مهندسان مالی تا به حال با آنها دست به گریبان بوده‌اند عبارتند از:

**(۱) ترازنامه موسسات**  
- طراحی و مدلسازی ترازنامه (Balance Sheet Restructuring)

به این منظور نخست هدفهای شرکت مشخص می‌شود و ترازنامه‌ای با فرض تحقق هدفها طراحی می‌شود. با بهره‌گیری از مدل‌های ریاضی مالی بسیار پیشرفته ترازنامه از نظر بویایی تجزیه و تحلیل شده و سرانجام استراتژی لازم برای تبدیل ترازنامه فعلی به ترازنامه طراحی شده مشخص می‌گردد.

یکی از راههایی که برای به وجود آوردن ترازنامه طراحی شده به کار می‌رود روش جدید تبدیل به اوراق قرضه کردن داراییهای جاری و یا وامهای مسکن (Asset Securitization) است. این روش نوعی فروش تلقی می‌شود که به وسیله آن اوراق قرضه جدیدی منتشر و فروخته می‌شود که پشتوانه و وثیقه آنها همان داراییهای جاری و یا وامهای مسکن است.

در این روش شرکت داراییهای جاری و یا وامهای مسکن خود را به یک موسسه مالی نوین‌د منتقل می‌کند و این شرکت با انتشار و فروش اوراق قرضه جدید، پول دریافتی را بابت خرید این داراییها به شرکت اولیه می‌پردازد. این روش برای مؤسسات مالی بزرگ دنیا بسیار مؤثر است. این تحول در سیستم مدیریت مالی زمانی پدید آمد که بانکهای آمریکایی از زیر کنترل دولتی خارج شدند، پشتیبانی دولتی از بین رفت، نظم زمانی



بین سررسید داراییها و بدهیها مختل شد و به ورشکستگی بسیاری از بانکها انجامید. در نتیجه مدیران بانکها به فکر افتادند که نوسانات سرمایه و ریسک و بازدهی آن را کنترل کنند. به این ترتیب پای دانش مهندسی به ماجرا کشیده شد و مهندسی مالی ایجاد شد. اینان نیز تئوریهای برشمرده در بالا را به کار گرفتند، و به ارزشیابی ترانزنامه بانکها پرداختند و دریافتند که ترانزنامه‌های موجود بانکها هدفهای مدیران بانک را برآورده نمی‌کند. به این خاطر پیشنهاد کردند که برای رسیدن به هدفهای مورد نظر ساختار ترانزنامه بانک باید تغییر کند و به این منظور برای مثال بخشی از داراییها فروخته شود. به این ترتیب کارکرد ترانزنامه که ارائه تصویری از گذشته بود به ارائه چشم‌انداز آینده تغییر کرد.

در مواردی مهندسان مالی برای کنترل نوسانات ارزش سرمایه و ریسکهای بانکها با توجه به اینکه بخشی از دارایی بانکها را وامهای مسکن تشکیل می‌داد، به آنها توصیه کردند که چون وامهای مسکن با ریسک بسیار روبه‌روست و نوسانات نرخ بهره و تورم بر آن تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود که ارزش سرمایه بالا و پایین شود، بهتر است از حجم این گونه داراییها کاسته شود. به این منظور پیشنهاد کردند که بخشی از این داراییهای خود را به بانکهای دیگر یا شرکتیهای سرمایه‌گذاری جدید بفروشند که سرمایه و دارایی شرکتیهای جدید را تشکیل دهد. توصیه مهندسان مالی این بود که این شرکتها نیز برای تأمین مالی، ووراق قرضه‌ای منتشر کنند که پشتوانه آن همان وامهای مسکن باشد، و اوراق قرضه را که فروختند، بالغ دریافتی از این محل را در ازای وامهای مسکن خریداری شده به بانکهای اول بپردازند.

دلیل پیشنهاد این شیوه از سوی مهندسان مالی به جای فروش مستقیم وامها این بود که در صورت فروش مستقیم وامها، قیمت آن از قیمت بهینه پایینتر می‌رفت.

کارایی مهندسی مالی و کنترل ریسک در این است، که ساختار ترانزنامه را متناسب با هدفهای

مؤسسات طراحی می‌کند. طراحی ترانزنامه بانک و مؤسسه بیمه‌ای به هدفهای رؤسای آنها بستگی دارد. در شرکت بیمه‌ای در زمانی ممکن است ایجاد هماهنگی بین دریافتها و پرداختها و حفظ تعادل آنها در برابر تغییرات نرخ بهره و ارز از اولویت بیشتری برخوردار باشد.

### بهینه‌سازی و کنترل ریسک و بازدهی ترازنامه (Balance Sheet) Optimization and Control

پس از به‌وجود آوردن ترانزنامه مطلوب که اهداف شرکت را برآورده می‌کند مراحل بهینه‌سازی و کنترل بازدهی و ریسک ترانزنامه ضرورت می‌یابد. در این قسمت از روشهای جدید مصلوب‌سازی ترانزنامه (Balance Sheet Immunization) و حفظ بازدهی و ریسک ترانزنامه استفاده می‌شود. برای نمونه دو روش فرعی که در اینجا مؤثرند عبارتند از:

### الف) سازگار کردن چسبندگی قیمت به نرخ بهره (Modified Duration) Matching

که روشی است پیچیده که سعی در برابر کردن حساسیت ارزش فعلی کل داراییها با ارزش فعلی کل بدهیها نسبت به تغییرات در نرخ بهره می‌کند. از این طریق یک مؤسسه مطمئن می‌شود که تفاوت ارزش فعلی کل داراییها و ارزش فعلی کل بدهیها یا ارزش خالص همیشه ثابت می‌ماند. در این روش سعی می‌شود که ریسک داراییها و بدهیها و تأثیر تغییر و تحولات نرخ ارز و نرخ بهره در هر دو مورد برابر باشد و در صورت افزوده یا کاسته شدن نرخ بهره ارزش فعلی سرمایه شرکت تغییر نکند و قدرت پرداخت بدهیها در سررسید نیز حفظ شود. آشکار است که طراحی چنین شرایطی به اطلاعات فراوان و سیستمهای کامپیوتری و مدل‌سازی در هر مورد نیاز دارد.

### ب) تحلیل حاشیه سود (Margin) Analysis

در اینجا سعی در ثابت نگه‌داشتن تفاوت سوددهی کل داراییها و هزینه کل بدهیها صورت می‌گیرد. در این روش مؤسسه اطمینان دارد که سوددهی خالص همیشه حفظ خواهد شد. برای مثال بانکهای تجاری کوشش می‌کنند بازدهی داراییها از هزینه بدهیها بیشتر باشد.

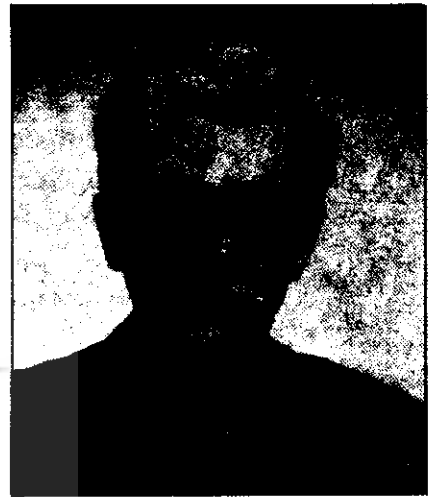
از جمله به‌طور معمول این اختلاف در بیشتر بانکهای امریکا بین ۴ تا ۵ درصد است. برای بانکهای معروف معتبرتر ۵ درصد و در سایر بانکها حتی به ۳/۵ درصد هم می‌رسد. این حاشیه منبع اصلی درآمد بانکهاست و برای دستیابی به حاشیه مورد انتظار به استفاده از این تکنیک رو می‌آورند. به این منظور ناگزیر سیستم مالی خود را با متغیرهای بازار سرمایه متعادل می‌کنند. در نتیجه باید تأثیر افزایش یا کاهش نرخ بهره را در وضعیت مورد انتظار کنترل کنند. البته چنانکه گفته شد، شرکتیهای بیمه و در مجموع مؤسسات اقتصادی مختلف هدفهای متفاوتی دارند. برای بانکها تعادل بخشیدن به ساز و کار پیشگفته بیشتر اهمیت دارد در حالی که برای شرکتیهای بیمه، هماهنگ شدن سررسیدها، و البته برای سوددهی نیز اهمیت متناسب با هدفهای شرکت قائلند. به هر حال کاربرد روش تحلیل حاشیه سود، هماهنگ کردن داراییها و بدهیها به نحوی است که حاشیه سود مورد نظر محفوظ بماند. ویژگی این تکنیکها معطوف به هدف بودن آنهاست. رواج کاربرد تکنیکهای یاد شده از نگرشی سرچشمه می‌گیرد که بر آن است کنترل یک عامل به کنترل عوامل مرتبط نیاز دارد.

### ۲ - به‌وجود آوردن ابزار جدید سرمایه‌گذاری (New Investment) Securities

در اکثر مواقع برای بهینه‌سازی و کنترل بقیه در صفحه ۱۰۱

# نگاهی به برخی

● تورّم افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌هاست که عموماً با عده‌های شاخص، به صورت میانگینهای موزون، اندازه‌گیری می‌شود. استمرار افزایش قیمت‌ها، صرف‌نظر از علل و انگیزه‌های خاص آن، مستلزم افزایش حجم مخارج برحسب واحد پول است؛ واحد پولی که قدرت خرید، یا ارزش مبادله آن با کالاها و خدمات، در حال کاهش است. اهمیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تورّم در این است که توزیع درآمد واقعی و ثروت را به نفع برخی از گروه‌های جامعه اقتصادی و به زیان برخی دیگر، تغییر می‌دهد، و واکنش‌های دفاعی به شکلهای گوناگون برمی‌انگیزد. بدین‌گونه تورّم ممکن است که توزیع منابع اقتصادی میان کاربردهای مختلف، و نیز توزیع مشاغل را، دگرگون سازد، چنان‌که این دگرگونی‌ها به شکلی بسیار نامساعد رویاروی روند رشد و توسعه اقتصادی و تکامل تاریخی جامعه قرار گیرد. ●



● \* حبیب‌الله تیموری

ظرفیت تولیدی جوامع پیشرفته سرمایه‌داری را امری طبیعی و از گرایش‌های ذاتی این نظام دانسته‌اند. از دیدگاه کینزیان و نوکینزیان، مقابله با کاستی تقاضای مؤثر و بیکاری ناشی از آن، مسئله عمده اقتصاد است، و این کاستی عمومی تقاضای مؤثر، خود ناشی از نابرابری شگرف درآمد و ثروت در جامعه سرمایه‌داری رشد یافته است. از این رو، اشباع‌شدگی ظرفیت مصرف بعضی طبقات با تهیدستی برخی دیگر همراه است. پس برای مقابله با این وضعیت، ابزاری بجز خط‌مشی مالی‌ای در دست نیست؛ به بیانی

پول» را طبق قواعد مشخص و از پیش تعیین شده کنترل کرد. اینان خط‌مشی‌های مالی‌ای را که مستلزم مداخله فعالانه دولت در روند اقتصادی است، به دلایل گوناگون، که اعتقاد به خود سامان بودن نظام «کسب و کار آزاد» پایه اصلی آنهاست، مردود شناخته‌اند. خط‌مشی مالی‌ای را می‌توان در افزایش و کاهش دادن مالیات‌ها و مخارج دولتی به همراه تغییر ساختار مالیات‌ها و مخارج دولتی، خلاصه کرد. در سوی دیگر این مناظرات، کینزیان و نوکینزیان قرار دارند، که گرایش به رکود تجاری و کاستی تقاضای مؤثر نسبت به

●  
برخوردهای ایدئولوژیک در تئوریهای تورّم از آنجاست که این پدیده نمود دیگری از کشاکش طبقات بر سر تقسیم درآمد است. این‌گونه رویاروییها بخصوص آنجا که مسئله انتخاب میان تورّم و بیکاری در میان باشد، پدیده شناخته شده‌ای است. مشخصاً، در ایالات متحده، «پولگرایان نوین» به رهبری میلتون فریدمن معتقد بودند که مسئله عمده اقتصاد، تورّم است، نه بیکاری، و برای مقابله با آن باید «حجم

# بهبودهای تئوری تورم

بسیار کلی و فوق‌العاده ساده شده، کمبود تقاضای مؤثر باید با افزایش مخارج دولتی جبران شود. در این باره، نباید فراموش کرد که کینزیان و نوکینزیان به هیچ معنا ضد سرمایه‌داری نیستند و بنابراین حل مسئله کمبود تقاضای مؤثر و بیکاری ناشی از آن را از طریق مداخله دولت در روند اقتصادی، با ابزارهای خط‌مشی مالیه‌ای، به همراه تدابیر پولی در موارد مناسب، ممکن می‌بینند.

بدین سان، اعتقاد به «اصل عدم مداخله» در نظام «کسب و کار آزاد»، پایه عقیدتی و تئوریک اقتصاددانان «نئوکلاسیک» (مابعد کلاسیک)، از جمله مکتب پولگرایی، بوده است. اعتقاد به ضرورت «مدیریت اقتصادی» به دلیل نارساییهای نهادین نظام سرمایه‌داری، که از یک سو اساس تحلیلهای کینزیان و نوکینزیان بوده است، از سوی دیگر، محور مناظرات تئوریک بر سر مسئله تورم بوده است. در نوشته حاضر عقیده بر این است که تحلیل هر موضوع اقتصادی بدون در نظر گرفتن نظام نهادهای جامعه مورد نظر و چگونگی واکنش این نظام در وضعیت مشخص تاریخی، روشنگر واقعیتها نخواهد بود.

از این گذشته، در اینجا به توصیف و بررسی مختصر برخی مشهودات مهم بسنده شده، و رابطه میان آنچه عموماً تورم نامیده می‌شود (با تعریفی که گذشت) و

مسئله اندازه‌گیری ارزشها و قیمت‌یابی‌ها و ماهیت پول، بازگشوده نشده است؛ پدیده تورم با تغییرات ارزشهای مبادله (که هم شرایط تولید و هم شرایط عرضه و تقاضا در آنها مؤثر است)، و با ماهیت پول و عملیات مالی رابطه‌ای ناگسستنی دارد؛ اگر شناخت کامل تورم، در وضعیتهای خاص، میسر باشد، همه این رابطه‌ها باید شناخته شود.

نخستین برداشت نادرستی که در تعریف تورم لازم است بدان توجه شود مرادف شناختن افزایش عمومی قیمت‌ها با تورم است. اصطلاح «تورم» در زبان فارسی به صورت ترجمه، از واژه Inflation در زبانهای اروپایی گرفته شده است، که هر دوی اینها به معنای ورم‌کردگی، یا برآماسیدگی، یا انبساط و بزرگ‌شدگی بی‌رویه است. بدین معنا، تورم «افزایش بی‌رویه مقدار پول در مقایسه با کالاهای موجود برای خرید» و (در اصطلاح عامه) به معنای «افزایش بی‌اندازه قیمت‌ها» است (همه نقل قولها از لغت‌نامه بزرگ آکسفورد است). پس باید گفت که گرچه تورم «افزایش عمومی و مستمر قیمت‌هاست»، هر افزایش عمومی قیمت‌ها لزوماً تورم نیست. افزایش عمومی قیمت‌ها بدون تورم هم ممکن است، گرچه چنین افزایشی می‌تواند متوقف و یا معکوس شود. اما در روزگار ما به دلایل نهادی، افزایش حجم پول، نه فقط پیش از

افزایش قیمت‌ها در نتیجه تغییر شرایط تولید و عرضه، بلکه بعد از آن هم، امری کمابیش اجتناب‌ناپذیر گشته، و این باعث شده است که هر گونه افزایش عمومی قیمت‌ها مرادف با تورم، که اصولاً پدیده‌ای پولی است، شناخته شود.

## تورم تقاضا

افزایش عمومی قیمت‌ها ممکن است به این صورت پیش بیاید که نقدینه‌های باارزشتر حاصل از ذخیره کردن یا مازاد درآمد گذشته در رویارویی با کمبود نسبی فرآورده‌های مورد تقاضا کم ارزشتر گردد. این را تورم تقاضا می‌نامند. پیدایش تورم تقاضا دو شرط دارد: یکی فزونی کل تقاضای مؤثر جامعه اقتصادی بر کل درآمد جاری آن، و دیگری نابسندگی ظرفیت و امکانات تولیدی جامعه برای پاسخگویی به افزایش تقاضا به دلایل گوناگون. معمولاً وجود شرط دوم را در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری «اشتغال کامل» یا چیزی نزدیک بدان می‌دانند. اما باید توجه کرد که تعریف «اشتغال کامل» در کلیت یک اقتصاد ملی امر ساده‌ای نیست و با استفاده از ظرفیت کامل یک کارخانه از پیش طراحی شده خیلی فرق دارد. در مورد کشورهای عقب‌مانده وابسته، یکی از وجوه بیماری

ورق بزنید

اقتصادی‌شان بلااستفاده بودن توانهای تولیدی به همراه اعوجاجها و ناهنجاریها در نحوه بهره‌برداری از این توانهاست. یکی دیگر از نکته‌های درخور توجه این است که لازم نیست تورم تقاضا فقط پیامدهای منفی به بار آورد؛ واکنشهای مشخصی که اقتصادهای ملی در قبال این گونه فشارها از خود بروز می‌دهند، بستگی به انعطافپذیری و توان بالندگی آنها دارد. در شرایط مساعد، ممکن است که تورم، خود به انگیزه‌ای برای توسعه اقتصادی تبدیل شود.

یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های تورم تقاضا بر اثر ذخیره‌زدایی در کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری بلافاصله بعد از دو جنگ جهانی مشاهده شده است، هر چند که فشار تقاضا نمی‌توانسته است یگانه علت آن خیزشهای تورمی باشد؛ در جریان جنگ بخش عظیمی از توان تولیدی این کشورها به تأمین نیازمندیهای جنگ اختصاص یافته بود. در نتیجه، کالاها و خدمات مصرفی مورد نیاز جمعیت غیرنظامی کمیاب و بسیاری از آنها مشمول نرخگذاری و جیره‌بندی شده بود. از سوی دیگر، سطح اشتغال و درآمدهای حقوق و دستمزد افزایش یافته بود و درآمدهایی که خرج کردن آن به علت کمیابها غیرممکن بود، به صورت پس‌اندازهای اجباری اندوخته می‌شد (اندوختن نقدیندهای که خرج کردن آن در حال حاضر ممکن یا مقتصدانه نباشد ذخیره‌سازی (گنج‌اندوزی) است). این اندوخته‌ها، که به قیمت چشم پوشیدن از بسیاری چیزهای لازم و مفید پدید آمده بود، پس از پایان جنگ و برداشته شدن کنترلها به تقاضای مؤثر تبدیل و روانه بازار شد.

ممکن است افزایش درآمد صادرات نیز، چه به علت افزایش حجم صادرات و چه به سبب صعود قیمت آن، تورم تقاضا را برانگیزاند، و ایران از کشورهایی است که این‌گونه تورم را در دهه ۱۳۵۰ تجربه کرده است. تورم تقاضا به علت افزایش درآمد صادرات منحصر به کشورهای صادرکننده مواد خام نیست و ممکن است که در کشورهای صنعتی با تولیدات و صادرات متنوعتر نیز پیش بیاید. اما توسعه‌یافتگی به معنای بهره‌مند بودن از تنوع تولیدات و انعطافپذیری توانهای تولیدی و نهادی است. فراهم بودن این شرایط در کشورهای توسعه‌یافته به آنها امکان می‌دهد تا از طریق سرعت واکنش تولیدی و مالی، از هرز رفتن دستاوردهای صادرات خود جلوگیری کنند. آلمان یکی از شناخته‌ترین نمونه‌های واکنشهای موفقیت‌آمیز و غیرتورمی به فزونی صادرات بوده است.

جلوگیری از این‌گونه تورم از جمله، و بخصوص در کوتاهمدت، مستلزم افزودن بر پس‌انداز داخلی و سرمایه‌گذاریهای خارجی به منظور بیرون نگه‌داشتن نقدیندهای اضافی از مدار هزینه‌های داخلی است. در برابر انبساط‌ناپذیری نظام تولید داخلی، راه دیگر برای مقابله با این نوع خاص از تورم تقاضا، افزودن بر واردات است، که تجربه ایران در این زمینه، باز در دهه ۱۳۵۰، اسفناک بوده است. انباشته شدن کالا در مجاری ورود کالا، معطل شدن محموله‌ها در بنادر و اسکله‌ها، اتلاف و ضایعات، افزایش شدید هزینه‌های حمل و تخلیه و توزیع، تشویق مصرف بی‌رویه، تشدید جو لابی‌لگیری اقتصادی و انواع سوءاستفاده، تخریب فرهنگ و اخلاق اقتصادی و روح آینده‌نگری و برنامه‌ریزی، گستاختن شدن

عناصر انگل و به یغما رفتن ثروت ملی از جمله ثمرات آن خیمه‌شب‌بازیهای ننگین بوده است.

ابلهی کو روز روشن شمع کافوری نهد زود بینی کش به شب روغن نباشد در چراغ بجز تورم تقاضای ناشی از گنج‌اندوزی یا افزایش درآمد صادرات تولید نشده‌ای چون نفت خام، تورم تقاضا به این علت هم می‌تواند باشد که کل مخارج جاری جامعه اقتصادی بیش از کل درآمد جاری آن است، و این نیز در حالتی است که استفاده از توانها و ظرفیت تولیدی جامعه به حداکثر خود رسیده یا بدان نزدیک شده است. این چنین فزونی تقاضا از چه منابعی ممکن است سرچشمه گیرد؟

کل مخارج، یا تقاضای مؤثر، در هر دوره مرکب است از هزینه‌های مصرفی (C) هزینه‌های سرمایه‌ای (I)، هزینه‌های (صرفاً) حکومتی (G)، و تفاضل هزینه‌های صادراتی و وارداتی (X-M)، که ممکن است مثبت یا منفی باشد، یعنی ممکن است جامعه اقتصادی دارای مازاد صادرات (X-M > 0) یا مازاد واردات (X-M < 0) باشد.

افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای و حکومتی از منابع عمده تورم تقاضاست، بدین معنا که تقاضا برای فرآورده‌های سرمایه‌ای و مصرفی بیش از آن است که بتوان آن را از محل مالیاتها و پس‌اندازهای خود خواسته مردم تأمین کرد. از این گذشته، ممکن است (و در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران هیچ شکی نیست) که سطح عمومی قیمتها به نسبتی بسیار بیشتر از افزایش حجم واقعی تقاضا افزایش یابد، که این افزایش مضاعف نتیجه تنگناهای تولید و ناهنجاریهای عرضه است. تورمی که برخاسته از مخارج



یا سرمایه‌ای باشد با بارور گشتن طرحهای تولیدی و عمرانی و افزایش عرضه حاصل از آنها جبران می‌شود، ولی افزایش مخارج غیرمولد حکومتی و نظامی چنین پیامدی ندارد. مهار کردن این نوع خاص از تورم تقاضا یا با کاهش مخارج موردنظر میسر است، یا با بیرون کشیدن ارزش آن از کیسه مردم و یا با دریافت باج و خراج و عطا یا از کشورهای دیگر. در مورد بیرون کشیدن هزینه‌های اضافی حکومتی و نظامی از کیسه مردم، باید امکان واکنشهای ناکام‌کننده، یا خنثی‌کننده آنان را هم در نظر گرفت. منظور از «هزینه‌های حکومتی» آن‌گونه هزینه‌هایی است که صرفاً به انگیزه‌های سیاسی و قدرت‌طلبانه صورت می‌گیرد و مخارج سرمایه‌ای و عمرانی و عام‌المنفعه را شامل نمی‌شود. می‌توان این‌گونه هزینه‌های حکومتی تورم‌انگیز را نوعی مالیات‌ستانی «کم دردسر» (؟) دانست. اما این نوع بسیار بدی از مالیات‌ستانی است زیرا به شدت تبعیض‌گرانه است و به ازای هر مبلغی که از این راه از کیسه مردم بیرون کشیده شود، بیش از برخدای (چند درصدی) از آن به خزانه دولت نمی‌رود و بقیه به جیب آنهایی

که قادر به واکنشهای «دفاعی» موفقیت‌آمیزند ریخته می‌شود. این مالیاتی است که به ابتکار دولت و با مشارکت آن از جیب ضعفا بیرون کشیده و به جیب قدرتمندان ریخته می‌شود.

در بحث تورم برخاسته از افزایش مخارج دولت، مسئله کسر بودجه هم به میان می‌آید. کسر بودجه ممکن است نتیجه افزایش هزینه حکومتی همراه با ثابت ماندن درآمدهای مالیاتی، یا نتیجه کاهش درآمدهای مالیاتی همراه با ثابت ماندن هزینه‌های حکومتی باشد؛ و در حالت اول شاید که تورم‌زاتر باشد تا در حالت دوم. تورم‌زا بودن یا نبودن کسر بودجه بسته بدان است که چگونه تأمین مالی بشود. اگر با ایجاد پول جدید (به شکل وام گرفتن از بانک مرکزی) یا فعال ساختن نقدینه‌های راکد (گنج‌زدایی) تأمین شود تورم‌زاست، و اگر از طریق منتقل کردن نقدینه‌های فعال به حکومت و کنار زدن مخارج بخش خصوصی به اجرا درآید مستقیماً تورم‌زا نیست؛ فرض بر این است که بخش خصوصی منفعلانه به کاسته شدن از مخارج خود تن داده است.

بدیهی است که هزینه‌های سرمایه‌ای و

ورق بزیند



یکباره باشد و در جامعه‌ای با پیشینه‌ای طولانی از ثبات عمومی قیمت‌ها پدید آید. تورم حاصل از آن به نتیجه مطلوب می‌رسد؛ بدین معنا که هزینه‌های واقعی مصرف‌کنندگان کاهش می‌یابد و فرآورده‌هایی که اینان خریداری نکرده‌اند به سرمایه‌گذاران و دولتیان انتقال خواهد یافت. اما اگر آنان بکوشند تا مصارف واقعی خود را در سطح پیشین نگه دارند یا بر درآمدهای پولیشان بیفزایند. آن‌گاه انواع دیگری از هزینه‌های واقعی - مثلاً سرمایه‌گذاری خصوصی - باید کاهش یابد. این‌گونه واکنش‌های زیان دیدگان از افزایش عمومی قیمت‌هاست که باعث می‌شود تورم به صورت نمودی از کساکش طبقات بر سر توزیع درآمد و ثروت درآید، روند افزایش قیمت‌ها ادامه یابد.

برای مثال، در مورد مالیاتهای تصاعدی، افزایش عمومی قیمت‌ها باعث می‌شود که با ثابت ماندن نرخهای مالیاتی، درصد واقعی مالیات نسبت به درآمد افزایش بیابد؛ فرض کنیم که هم سطح عمومی قیمت‌ها و هم درآمد پولی گروه خاصی از مالیات‌دهندگان ۵۰ درصد افزایش یافته است در حالی که مالیات ۱۰۰ ریال اول ۶ ریال و مالیات ۵۰ ریال بعدی هم ۶ ریال است. مالیات دهنده‌ای که از بابت ۱۰۰ ریال پیش از تورم ۶ ریال می‌داده است، از بابت ۱۵۰ ریالی که هم‌ارز همان ۱۰۰ ریال است ۱۲ ریال خواهد داد، درآمد بعد از مالیات او در حالت اول ۹۴ ریال و در حالت دوم ۱۲۸ ریال خواهد

بود. او به جای ۹ ریال  $(= \frac{150}{100} \times 6)$ ، ۱۲ ریال داده است و قدرت خرید مانده درآمدش ۲ ریال  $(= 92 - 94)$  ریال

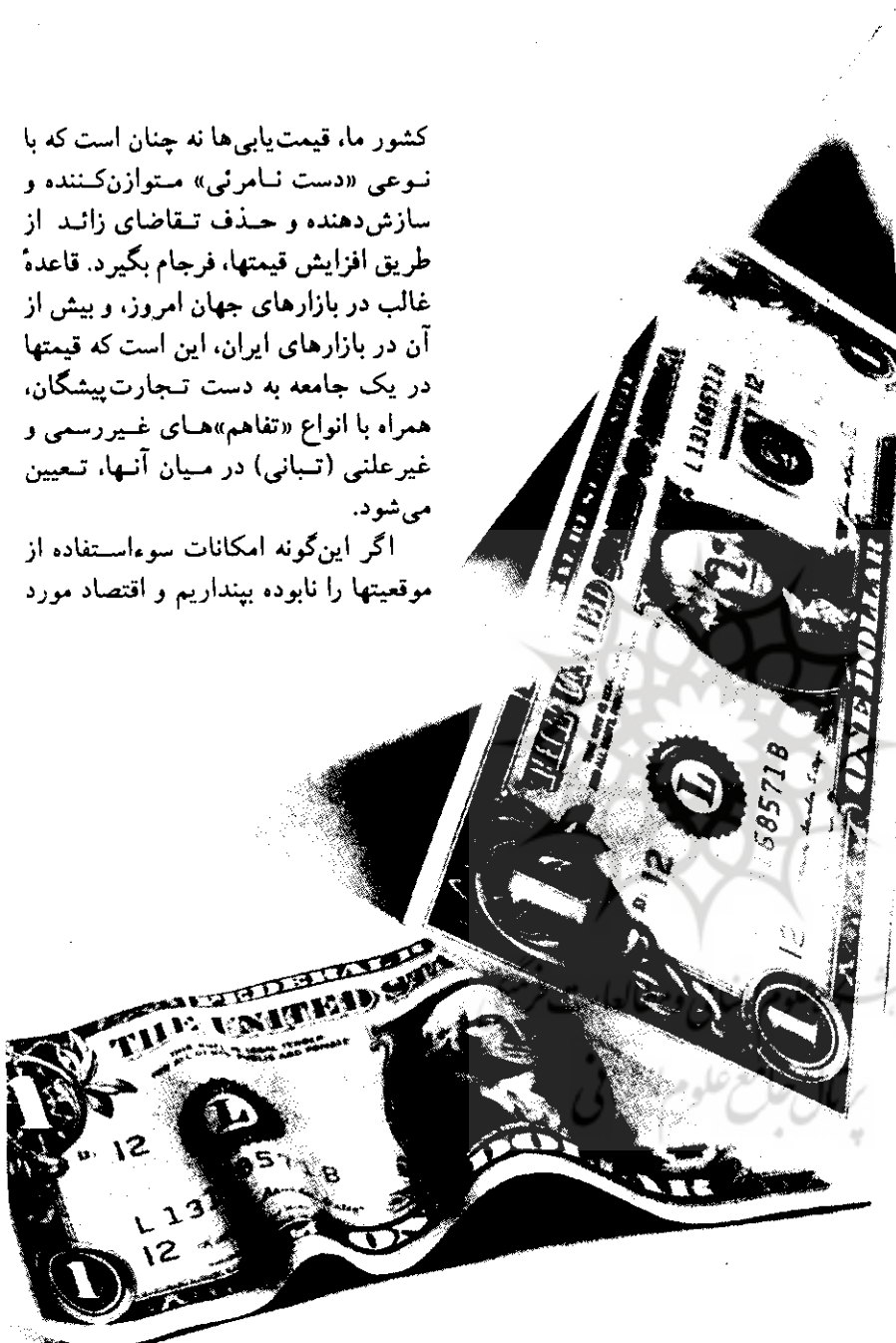
$$= \frac{138 \times 10}{150} - 94 \text{ (ریال)}, \text{ بر حسب ریالهای}$$

پیش از تورم، کاهش و به دولت انتقال یافته است.

اکنون باید دید که افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها به سبب فزونی تقاضا چگونه پدید می‌آید. در دنیای امروز، و بویژه در

کشور ما، قیمت‌یابی‌ها نه چنان است که با نوعی «دست نامرئی» متوازن‌کننده و سازش‌دهنده و حذف تقاضای زائد از طریق افزایش قیمت‌ها، فرجام بگیرد. قاعده غالب در بازارهای جهان امروز، و بیش از آن در بازارهای ایران، این است که قیمت‌ها در یک جامعه به دست تجارت‌پیشگان، همراه با انواع «تفاهم»های غیررسمی و غیرعلنی (تبانی) در میان آنها، تعیین می‌شود. اگر این‌گونه امکانات سوءاستفاده از موقعیتها را ناپوده بپنداریم و اقتصاد مورد

نظر را پیشروتر و بساماتر از آن که اکنون هست تصور کنیم، تأثیر اولیه اضافه تقاضا باید با کاهش موجودیهای انبار و افزایش ثبت سفارش نمایان گردد، نه به صورت افزایش آنی قیمت‌ها. یکی از تأثیرات ممکن افزایش تقاضا، افزایش هزینه‌ها به دلایل





متعدد است. شاید بتوان گروهی از این عوامل هزینه‌افزا را در یک عبارت قالبی، که «قانون کاهش بازدهیها» نام گرفته است، خلاصه کرد. طبق این به اصطلاح قانون، در هر وضعیت خاصی، مقادیرهای متوالی فرآورده نهایی (ستاندها) به ازای مقادیرهای متوالی منابع صرف شده (داده‌ها) ابتدا افزایش می‌یابد، سپس آهنگ این افزایش کند می‌شود... تا جایی که دیگر با اضافه کردن داده‌ها، ستانده‌ها افزایش نیابد. واقعیت کلی این است که اگر افزایش تقاضا بزرگ و دیرپا و جوابدهی کلیت اقتصاد در پدید آوردن فرآورده‌های بیشتر به دلایل گوناگون کم و کند باشد، هزینه تولید و به بازار آوردن فرآورده‌های اضافی به درجاتی بیش از افزایش فرآورده‌ها افزایش می‌یابد، و بدین‌سان افزایش تقاضا به افزایش هزینه‌ها و این نیز به افزایش قیمت‌ها می‌انجامد. طبیعی است که این روند با افزایش مزدها (به علت افزایش هزینه زندگی) و افزایش سودها (به علت افزایش ارزش جاری اجزای تشکیل‌دهنده سرمایه تولیدی و شاید هم افزایش نرخ سودها) همراه باشد.

## تورم هزینه

دیدیم که نه فقط افزایش قیمت‌های فروش، بلکه افزایش هزینه‌های تولید هم ممکن است که پیامد افزایش تقاضا باشد. ولی این هم ممکن است که افزایش قیمت‌ها به علت افزایش هزینه‌ها بدون انگیزه تقاضا و مستقل از آن باشد چگونه؟ همه هزینه‌هایی که در فرایند تولید و گردش کالاها و خدمات در داخل اقتصاد ملی صورت می‌گیرد، نهایتاً به صورت توزیع درآمد در میان دارندگان مشاغل

مربوط درمی‌آید. سودها و مزدها، دو سهم اساسی تر درآمد ملی در این طرح توزیعی است. مثلاً در مورد هر مؤسسه تجاری، قیمت فرآورده نهایی آن به سه جزء منابع رسیده (ساختمان و تأسیسات، ادوات و ملزومات و مواد اولیه، خدمات گوناگون، مانند سوخت و نیرو و روشنایی...)، حقوق و دستمزدها و سود، که معمولاً به صورت درصدی از کل هزینه صرف شده است، تفکیک پذیر است و چون به مؤسسه‌ای که هر یک به گونه‌ای در تجهیز مؤسسه اولی مشارکت دارند، بنگریم، باز همین تفکیک به اجزای سه گانه پدیدار می‌شود و به همین گونه در مورد مؤسسه‌ای که فرآورده‌های نهایی‌شان به داده‌های مؤسسه‌ات دور دوم بدل می‌شود الخ....

جزء دیگری از هزینه‌ها که در روند انواع فعالیت‌های تولیدی و تجاری پدید می‌آید و منشأ برنومرزی دارد، هزینه واردات است. از واردات آنچه در اینجا بویژه مورد نظر است، تجهیزات سرمایه‌ای و خدمات مربوط بدان، کالاهای واسطه، و مواد اولیه، از جمله مواد خوراکی ضروری برای نیروی کار کشور است. بنابراین، آنچه تورم هزینه (مستقل از تقاضا) نامیده می‌شود، ممکن است نتیجه افزایش نرخهای دستمزد، نرخهای سود، و یا نتیجه افزایش هزینه واردات باشد.

مراد از تورم وارداتی وضعیتی است که تورم هزینه عمده‌تاً نتیجه افزایش هزینه‌های واردات باشد. طبق پژوهش‌های قابل اعتمادی که به عمل آمده است، در تورم شتابان ایران بعد از انقلاب تورم وارداتی سهم چندانی نداشته است.

## تورم مزدها؟

فکر، یا شعار، «تورم مزدها» در

زمینه‌ای از تورم همراه با رکود و بیکاری در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری، بویژه ایالات متحده و انگلستان، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پدید آمد. هواداران این دیدگاه عموماً عناصر راستگرا بوده‌اند که الگوی «رقابت کامل» نو کلاسیک را به مثابه ابزاری ایدئولوژیک در دفاع از وضع موجود به کار گرفته‌اند. یکی از نتیجه‌گیری‌های این مکتب در مورد جستجوی علت بیکاری چنین بوده است که چون در حالت «رقابت کامل» مزد واقعی کار همواره به برابری با بازده تقاضای کار میل می‌کند، اگر کارگران متشکل با اقدامات انحصارگرانه مانع از کاهش مزدها به این حد «طبیعی» یا باعث افزایش مزدها به بیش از این حد بشوند، نتیجه بیکاری و یا افزایش قیمت‌ها خواهد بود؛ از این دیدگاه علت افزایش قیمت‌ها آن است که نرخ دستمزدها بیش از نرخ افزایش بازده کار افزایش می‌یابد.

بیدرنگ باید اضافه شود که افزایش دستمزدها بدون افزایش بازده کار، که طبق تئوری کلاسیک (ریکاردو) باید باعث کاهش سودها بشود، اولاً امری غیرممکن نیست، ثانیاً این افزایش به خودی خود به معنای بهبود سطح زندگی کارگران مورد نظر نیست و ممکن است که حتی با کاهش سطح زندگی‌شان همراه باشد. ولی جنبه ایدئولوژیک قضیه در این است که طبق نظریه «تورم مزدها» افزایش دستمزدها به ابتکار کارگران علت تعیین‌کننده افزایش قیمت‌ها قلمداد می‌شود؛ حال آنکه در تئوری کلاسیک افزایش مزدها به همراه کاهش سودها نتیجه دشوارتر گشتن تولید ضروریات معاش، بویژه محصولات کشاورزی است؛ یعنی با آنکه کارگران سهم

»رق بزنید

بیشتری از کل محصول تقسیم شدنی میان مزد و سود را می‌ستانند، مقدار مزد واقعی‌شان اگر چیزی کمتر از ضروریات معیشتشان نباشد، بیش از آن نخواهد بود زیرا همان کل محصول تقسیم‌شدنی نسبت به مقدار کار و سرمایه صرف شده برای تولید آن، کاهش یافته است. به هر حال افزایش سهم دستمزدها از مقدار محصول تقسیم‌شدنی میان سود و مزد، علت افزایش قیمت‌ها (گرانی) نیست، بلکه خود معلول آن است.

درباره معنای «ضروریات معیشت» یا حداقل لازم برای گذران زندگی هم این توضیح لازم است که طبق تئوری کلاسیک (ریکاردو، مارکس) و کلاسیک نو (پیرو اسرافا)، هیچ حد عینی و طبیعی که همیشه و همه جا به یک اندازه صادق باشد برای آن وجود ندارد و عوامل گوناگون، از جمله عوامل تاریخی (دینامیکی) و فرهنگی خاص هر جامعه اقتصادی در تعیین این «حداقل» مؤثر است؛ چنانکه ممکن است بخشی از مازاد اقتصادی نیز، که قاعداً باید سهم سود (و بهره زمین) بشود، به کارگران تعلق گیرد. اما این نیز، باز طبق همان تئوری کلاسیک، نمی‌تواند موجب افزایش قیمت‌ها باشد، زیرا الگوی کلاسیک، از جمله الگوی مارکس، نیز بر فرض رقابت کامل استوار است و در این وضعیت سرمایه‌داران قادر به تعیین یک جانبیه قیمت‌ها نیستند؛ اگر در نتیجه افزایش مزدها سهم سود کاهش یابد، این کاهش همگانی است و قانون تساوی سودها را نقض نمی‌کند؛ کوشش هر سرمایه‌دار برای بازگرداندن مقدار سود خود به حد پیشین، اقدامی است در مقابله با این قانون، که البته به نتیجه نخواهد رسید.

اما در این روزگاران، و بویژه در کشور

ما، قیمت‌یابی‌ها، چنان که دیدیم، شدیداً تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سودجویانه و آگاهانه است. همین وضع، با برخی تفاوت‌های چشمگیر در بعضی از کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری هم وجود دارد. از این‌رو نگرستن در توصیف‌ها و تحلیل‌های تورم در آن کشورها بینش‌های ارزنده‌ای به ما می‌دهد. به هر حال، علت‌شناسی تورم در همه جا کار مشکلی است، و در هر موردی نمی‌توان به آسانی تعیین کرد که آیا علت آغازگر یا عمده تورم فزونی تقاضا و افزایش سودهاست، یا زیاده‌خواهی دریافت دارندگان حقوق و دستمزد، زیرا در اینجا نیز، مانند هر موضوع مهم اقتصادی دیگر، هم بهم آمیختگی و پیچیدگی عوامل و پدیده‌های اقتصادی در کار است و هم ملاحظات ایدئولوژیک. این موضوع نیز، مانند هر موضوع اقتصادی دیگر، باید در زمینه مشخص مورد نظر بررسی شود.

مثلاً در مورد رابطه افزایش دستمزدها با افزایش قیمت‌ها، بررسی‌هایی که در ایالات متحد و انگلستان شده است نشان می‌دهد که حتی در مواردی که مسلم شود افزایش دستمزدها مقدم بر افزایش قیمت‌ها بوده است، باز نمی‌تواند اولی را علت واقعی دومی دانست؛ امکان این هست که کارفرمایان بزرگ، که از پیش درصد افزایش دادن قیمت‌ها بوده‌اند، از فرصتی که مطالبه افزایش دستمزد پیش آورده است، استفاده کرده باشند.

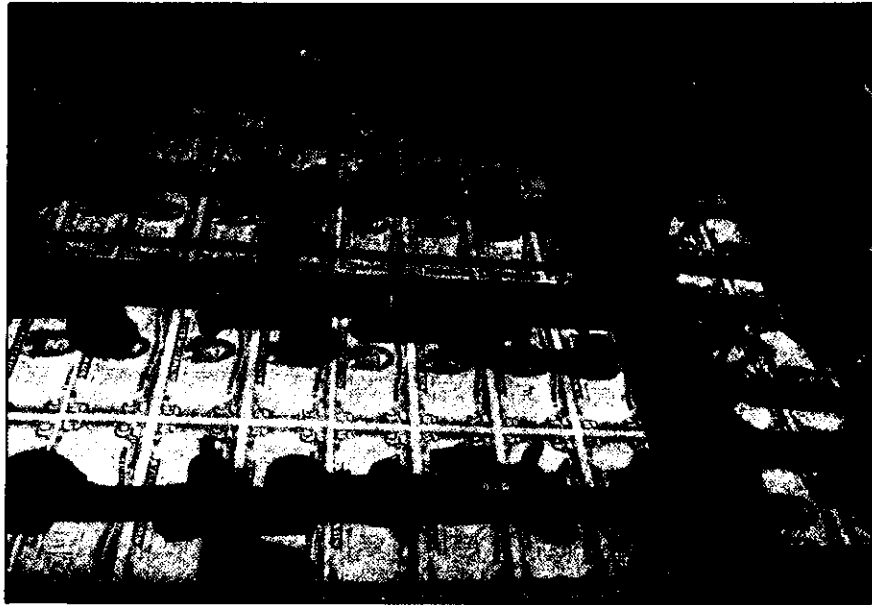
در وضعیت افزایش عمومی قیمت‌ها و مزدها، اگر مشاهده شود که درصد افزایش دومی بیش از درصد افزایش اولی بوده است، این نمی‌تواند دلیل کافی بر افزایش قیمت‌ها به سبب «فشار دستمزدها» باشد، زیرا اولاً ممکن است که افزایش دستمزدها

در بخش‌هایی شروع شده باشد که بازده کار در آنها افزایش یافته است؛ ثانیاً دستمزدها بخشی از هزینه تولید است، چنانکه مثلاً اگر دستمزدها ۵۰٪ کل هزینه‌ها باشد، با افزایش ۲۰٪ بر دستمزدها - تازه اگر تمامی آن بر خریداران تحمیل شود - قیمت‌ها باید ۱۰٪ افزایش بیابد. البته امکان افزایش دستمزدها بدون افزایش بازده کار، یا با افزایش کمتر آن، به دلایل گوناگون وجود دارد. مثلاً فزونی تقاضا اگر باعث افزایش قیمت‌ها و سودها بدون افزایش متناسب هزینه‌ها بشود، شاید به کارفرمایان امکان دهد که از محل این سودهای اضافی بر اجرت کارکنان خود بیفزایند.

آیا اگر مشاهده شود که سودها به میزانی بیش از افزایش دستمزدها افزایش یافته است می‌توان چنین نتیجه گرفت که تورم تقاضا در کار است، یعنی ابتدا قیمت‌ها و سودها افزایش یافته و سپس این افزایش‌ها به افزایش مزدها انجامیده است؟ نه لزوماً؛ ممکن است که «تورم سود» آغازگر تورم بوده باشد، بدین معنا که مؤسسات تجاری به بهانه افزایش مزدها درصد سودهای خود را افزایش داده باشند.

تورم هزینه تنها در حالتی تقریباً به وضوح خودنمایی می‌کند که سودها در حال کاهش و بیکاری در حال افزایش باشد، یا در حالتی که اشتغال کامل برقرار است، تعداد مشاغل آماده برای متقاضیان جدید در حال کاهش باشد. این قضیه خویشاوندی نزدیکی با همان «دشواری گشتن تولید» در تئوری ریکاردو دارد.

از سوی دیگر، اگر افزایش قیمت‌ها سریعتر از افزایش مزدها باشد و نشانه‌هایی از افزایش بازده کار مشهود



گام ضروری برای یافتن راههای مقابله با تورم است.

در ایران امروز، تورم تقاضای برخاسته از هزینه‌های حکومتی، با علتهای الزاماتی که به این گونه هزینه‌ها تداوم می‌بخشد، باید یکی از موضوعات مهم برای بررسی شناخته شود.

مجموعه دیگری از علل تورم را باید در افت عمومی بازده کار، به همراه فزونی فوق‌العاده مشاغل درآمدزا ولی غیرمولد، نسبت به مشاغل مولد، جستجو کرد.

از این گذشته، قیمت افزایشی‌های یک جانبه و انحصاری است که سنتی دیرینه و بسیار جاافتاده در این کشور دارد. یکی از آثار زیانبار این‌گونه «تورم فروشندگان» در ایران، تشدید نابرابریهای درآمد، توسعه فقر، کاهش قدرت خرید گروههای کثیری از مردم، و در نتیجه، تشدید رکود و بیکاری است، زیرا مازاد درآمد «شکم‌سیران»، نه می‌تواند کاستی تقاضای مؤثر نیم‌گرسنگان و گرسنگان را جبران کند و نه به مصارف تولیدی و اشتغال‌زا می‌رسد. بدیهی است که هر سه گروه از عوامل فوق با پیوندهای پویای متعددی با یکدیگر در ارتباطند.

تا آنجا که مسئولان مملکتی نتوانند از مدار بسته مانورهای لحظه‌ای در چارچوب وضعیت موجود به درآیند و بناگزیر بکوشند برای انقیام نارضایتیها مبالغ چشمگیری درآمدهای ریالی گروههایی که یک و نیم دهه فشار تورم و گرانی را بر دوش کشیده‌اند، بیفزایند، تورم شتابان کنونی بر شتاب خود خواهد افزود، مگر آنکه برای فعال گردانیدن نیروهای مولد جامعه از یک سو و مهار کردن تورم فروشندگان و کاستن از هزینه‌های

بقیه در صفحه ۱۲۸

هویدا می‌شود، چنانکه نسبت دادن تورم به زیاده‌خواهی اجرت‌بگیران موجه می‌نماید. ولی در این حالت هم ممکن است که تسلیم شدن کارفرمایان به درخواست اجرت‌بگیران به این دلیل بوده باشد که آنان از قدرت کشش بازار مطمئن بوده و توانایی افزودن بر قیمتها بدون کاهش حجم فروش را در خود یافته‌اند. بدین سان، در ورای آنچه «تورم مزدها» جلوه می‌کند، فشار تقاضای بالفعل یا بالقوه همراه با تمایل به افزایش دادن سهم سودها نهفته است. در این میان، تازه اگر افزایش اجرتها عمومیت بیابد، بدان معنا خواهد بود که قدرت کشش بازار به نفع فروشندگان افزایش یافته است. حقیقت این قضیه از دیرباز بر ایرانیان شناخته شده است.

## راههای مقابله با تورم

تورم در هر کشوری، یا در هر گروهی از کشورها، معلول مجموعه خاصی از عوامل نهادی است که ممکن است با مجموعه علل تورم‌انگیز در کشور دیگر، یا در گروه دیگری از کشورها، فرق داشته باشد. از این رو در هر موردی بررسی و شناخت عوامل مشخص موردنظر اولین

نباشد، در حالی که تعداد مشاغل آماده برای متقاضیان جدید در افزایش است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تورم معلول فزونی تقاضاست.

اینک در باره بهم پیوستگی و تأثیرات متقابل عوامل مؤثر در تورم توضیحات زیر درخور توجه است:

فرض کنیم که سودها رو به افزایش است؛ ممکن است که این افزایش از یک سو نشانه فشار تقاضا باشد، که باعث می‌شود کارفرمایان برای جلب نیروی کار به رقابت متقابل برخیزند، و در نتیجه مزدها نیز افزایش یابد. از سوی دیگر، ممکن است که همین افزایش سودها دریافت‌کنندگان حقوق و دستمزد را به مطالبه اجرت‌هایی بیش از آن که در حالت تقاضای متعادلتر مطالبه یا داده می‌شد، برانگیزاند.

همچنین، اگر افزایش دستمزدها همراه با افزایش قیمتها باشد، این نمی‌تواند دلیلی بر اثبات تورم مزدها باشد؛ شاید که قیمتها نخست به انگیزه فزونی تقاضا افزایش یافته باشد، که این به معنای افزایش هزینه زندگی اجرت‌بگیران است، و سپس اجرتها نیز به این انگیزه افزایش یافته باشد.

گاهی افزایش مزدها به شکلی خودانگیخته و مقدم بر افزایش قیمتها

# شیوه‌های تأمین مالی شرکتها در شرایط کنونی بازار سرمایه ایران



## دکتر علی جهان‌خانی

دورنمایی که کارشناسان از وضعیت اقتصادی کشور ارائه می‌کنند امیدوارکننده نیست و خبر از بروز مشکلات فراوانی در زمینه تأمین منابع ارزی و ریالی برای شرکتها می‌دهد. در چنین شرایطی بهره‌گیری از

تکنیکهای مدیریت مالی در اداره امور شرکتها بیش از پیش ضرورت دارد. در این شرایط به کارگیری بهینه منابع محدود سرمایه - از نظر صاحب‌منظران رشته مدیریت مالی - بسیار مهم است. از نظر علم مدیریت مالی وظیفه مدیران مالی از دو جزئی تشکیل می‌شود. یکی اطمینان از مطلوب بودن حجم و ترکیب داراییهای شرکت است (که در ادامه این نوشتار توضیحاتی ارائه خواهد شد که آشکار می‌سازد موضوع حجم و ترکیب داراییها در اداره امور مالی شرکت از اهمیت بسیاری برخوردار است) و دومی اطمینان از

بکارگیری بهینه منابع و بسنده بودن بازده و ریسک شرکت برای بیشینه کردن ارزش آن. مدیران از دو راه می‌توانند ارزش شرکت را بیشینه کنند. یکی از راه افزودن بر بازده شرکت و دیگری کاستن از ریسک و عدم قطعیت‌های مرتبط با دستیابی به بازده مورد انتظار.

تحولات چند سال اخیر در اقتصاد ایران آثار چشمگیری بر مدیریت مالی شرکتها گذاشته است. یکی از این تحولات افزایش نرخ ارز و سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد است. این رویداد باعث افزایش میزان سرمایه



مورد نیاز در شرکتها شده است، چرا که نیاز به سرمایه برای آغاز فعالیتی در سال ۷۳ نسبت به سرمایه‌گذاری در فعالیتی همسان در ۵ سال پیش، چندین برابر گشته است. این تغییر آثار مهمی بر تمامی شرکتها داشته است. به عنوان مثال شرکتی که با دلار ۷۰ ریال، یک میلیون دلار مواد اولیه از خارج می‌خرید جمعاً به ۷۰ میلیون ریال سرمایه در گردش نیاز داشت. ضمناً در آن زمان بانکها نیز اعتبار مناسبی در اختیار چنین شرکتی قرار می‌دادند و شاید شرکت می‌توانست با برخورداری از ۲۰ میلیون ریال نقدینگی یک میلیون دلار مواد اولیه مورد نیاز خود را به آسانی تهیه کند. در حالی که اگر همان شرکت بخواهد در زمان حاضر یک میلیون دلار مواد اولیه بخرد به سرمایه در گردش معادل ۱,۷۰۰ میلیون ریال نیاز دارد. و چنانچه این شرکت ناگزیر باشد که از طریق بازار آزاد مبلغ خرید را به فروشنده‌ای که به اعتبار ایران اعتماد ندارد پردازد به مبلغی نزدیک به ۳,۵۰۰ تا ۴,۰۰۰ میلیون ریال نیاز دارد. بدین ترتیب تحولات اخیر در اقتصاد ایران سبب شده است که نیاز شرکتها به سرمایه در شدت افزوده شود. افزایش نیاز به سرمایه در شرایطی روی داده است که بانکها نیز منابع مالی بسنده برای تأمین نیاز مالی شرکتها ندارند و بیشتر شرکتها در این زمینه با مشکلات بسیاری روبرویند و بانکها را در این زمینه مقصر می‌دانند در روزنامه‌ها نیز می‌خوانیم که وزیران صنایع به سیستم بانکی اعتراض می‌کنند که چرا منابع مالی بسنده در اختیار شرکتها قرار نمی‌دهند. البته باید

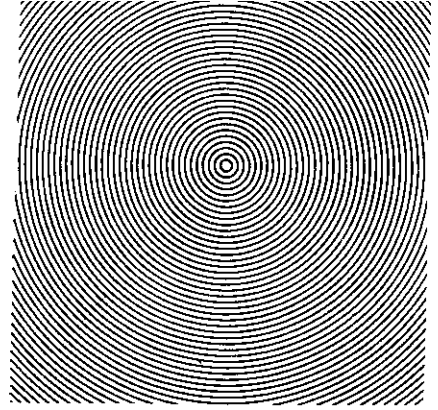
یادآور شد که شرکتها در کشورهای غربی برای تأمین نیازهای مالی خود نباید تنها به دریافت وام و اعتبار از بانکها متوسل شوند، بلکه وام بانکی تنها یکی از منابع تأمین مالی در این‌گونه کشورهاست. در این کشورها بازار مالی آنقدر رشد و توسعه پیدا کرده است که شرکتها می‌توانند مستقیماً به بازار مالی مراجعه کنند و نیازهای مالی خود را از راه انتشار و فروش اوراق بهادار تأمین کنند. افزون بر این در کشورهای غربی مؤسسات مالی دیگری مانند شرکتهای بیمه، صندوقهای بازنشستگی، سازمانهای تأمین اجتماعی و مؤسساتی که نقش واسطه مالی ایفا می‌کنند وجود دارند که سهم چشمگیری در دادن وام، اعتبار و تسهیلات به شرکتها دارند. متأسفانه در ایران این‌گونه مؤسسات در این زمینه‌ها فعالیتی ندارند و بازار مالی در ایران رشد نکرده است. در شرایط کنونی مکانیزمهای انتشار و فروش اوراق بهادار و سازماندهی مناسب برای این کار وجود ندارد. بارها آگهیهایی برای فروش و پذیره‌نویسی سهام شرکتها در روزنامه‌ها مشاهده می‌شود که دائماً تکرار می‌شوند و این بیانگر آن است که استقبال زیادی از خرید سهام نشده است. با اینکه برخی از این شرکتها را یکی از وزارتخانه‌ها یا شرکتهای دولتی پشتیبانی می‌کنند تا نشان دهند که سرمایه‌گذاری در شرکت مورد نظر تقریباً ریسک ندارد. باز هم استقبالی از آن نمی‌شود. از جمله یکی از شرکتها پس از چند نوبت انتشار آگهی پذیره‌نویسی، برای آن که به سرمایه‌گذاران اطمینان دهد که سرمایه‌گذاری در این شرکت ریسک ندارد، اعلام کرد که آماده است سهام سرمایه‌گذاران را به قیمت اسمی به اضافه سود تضمین شده بانکی بازخرید کند. اقدامی که از نوآوری و خلاقیت برخوردار بود، با این حال سرمایه‌گذاران از آن استقبال نکردند. این وضع نشانه آن است که بازار سرمایه ما دوران

کودکی را می‌گذراند و هنوز به مرحله بلوغ نرسیده است که بتواند جوابگوی نیاز مالی شرکتها باشد.

رویداد تعیین‌کننده دیگر در اقتصاد ما افزایش نرخ بهره و هزینه سرمایه است. بانکها در چهارچوب سیاستهای تعدیل اقتصادی دست به افزایش تدریجی نرخ بهره و رساندن آن به نرخ تعادلی زدند. در اثر این اقدام نرخ هزینه تسهیلات اعتباری که ۸,۶ یا ۱۲ درصد بود برای فعالیتهای مختلف تا ۱۸ و ۲۴ درصد و در اعطای تسهیلات مورد نیاز فعالیتهای خدماتی حتی بیش از اینها افزایش یافت.

تحول دیگری که در بازار سرمایه ایران در چند سال گذشته روی داد رونق بورس اوراق بهادار بود. در این دوره بسیاری از شرکتها در بورس پذیرفته شدند و بسیاری از شرکتهایی که قبلاً پذیرفته شده بودند اما غیرفعال یا نیمه فعال بودند فعال شدند و سهامشان مورد معامله قرار گرفت. رونق مجدد بورس اوراق بهادار سبب شد که آن دسته از مدیران شرکتها که به نادرست فکر می‌کردند سرمایه صاحبان سهام منبع مالی بدون هزینه و بدون دردسری است؛ متوجه شوند که این نوع سرمایه اتفاقاً از گرانترین منابع مالی است و سهامداران از پرتوقع‌ترین تأمین‌کنندگان مالی هستند و بازدهی مورد انتظار سهامداران به مراتب بیشتر از بهره‌ای است که بانکها مطالبه می‌کنند. زیرا سهامداران با برخورداری از اختیار تصویب تقسیم سود به هر میزان تأثیر مالی پیشینی‌ناپذیری بر منابع شرکت می‌گذارند. بررسی خطمشی تقسیم سود شرکتها در سالهای اخیر نشان می‌دهد که شرکتهایی که قبلاً تا حد امکان از تقسیم کردن سود خودداری می‌کردند در سالهای اخیر به تقسیم حداکثر سود روی آورده‌اند و تقسیم سود یکی از مصارف عمده وجوه در این شرکتها





شده است. این امر مدیران را متوجه کرد که سرمایه صاحبان سهام یکی از منابع گران مالی است و در به کارگیری آن باید دقت بسیار کرد.

به مراحل این تحولات اهمیت سرمایه به عنوان یکی از عوامل اصلی تولید و ضرورت دقت بسیار در به کارگیری آن را آشکار ساخت. در اقتصاد خوانده ایم که عوامل تولید عبارتند از: کار، سرمایه، مواد، ماشین و... اما برای عامل سرمایه اهمیت کمتری قائل بوده ایم. منتها در شرایط کنونی که بیشتر شرکتها با مشکل کمبود نقدینگی و سرمایه روبرو هستند، به این عامل توجه بیشتری می شود.

اما مشکل نقدینگی زمانی آشکار می شود که مؤسسه اقتصادی بخواهد داراییهای خود را افزایش دهد و برای این منظور به تأمین مالی نیاز پیدا کند. نخستین اقدام در این زمینه این است که اطمینان حاصل شود آیا از داراییهای شرکت بخوبی استفاده می شود؟ ممکن است با انجام چنین بررسی آشکار شود که شرکت به داراییهای جدید نیاز ندارد و در صورت بهره برداری بهینه از داراییها می تواند تولید را افزایش دهد.

بررسی وضعیت شرکتها نشان می دهد، که مشکل اصلی آنها تأمین مالی برای سرمایه در گردش و بویژه خرید مواد اولیه است. راهیابی برای حل این مشکل نیز در بیشتر اوقات به این نتیجه می رسد که در شرایط کنونی تأمین یکباره مواد اولیه برای ۶ ماه یا یک سال مصرف امکانپذیر نیست. بلکه باید سفارشهای خرید را به سفارشهای کوچکتر تقسیم کرد. اهمیت این موضوع در افزودن بر کارایی و بازده شرکتها به ابداع روشهایی انجامیده است که موجودی مواد اولیه تنها

برای چند ساعت مصرف نگهداری می شود. در حالی که مؤسسات اقتصادی و شرکتها در ایران می کوشند تا برای یک سال مواد اولیه تهیه کنند. اگر در زمان ارزانی دلار چنین کاری توجیه داشت، در شرایط کنونی که هم دلار گران شده و هم هزینه سرمایه افزایش چشمگیری یافته است، باید در این شیوه تجدیدنظر کرد و با تقسیم سفارشها به سفارشهای کوچکتر، نیاز مالی شرکت را تعدیل کرد. همچنین باید بررسی نمود که آیا می توان به جای خرید ماشین آلات جدید با ظرفیت بالاتر از ماشین آلات موجود استفاده کرد و آیا به جای افزودن بر تأسیسات موجود می توان از طریق تعمیرات بموقع و انجام کارهای مهندسی بر ظرفیت همین تأسیسات افزود. همچنین باید بررسی کرد که آیا داراییهای بلااستفاده یا ماشین آلاتی در شرکت وجود دارد که تا دو سال دیگر مورد نیاز نباشد، یا آیا شرکت دارای ساختمان، دفترهای فروش و داراییهایی هست که مورد استفاده قرار نگیرد. در این صورت شاید بتوان با فروش اینگونه داراییها نیاز شرکت به دریافت وام را کاهش داد. به این ترتیب دست کم بخشی از مشکل کمبود سرمایه شرکت از راه استفاده بهینه از سرمایه های موجود برطرف می شود. بیشتر شرکتها تعداد درخور توجهی وسایل نقلیه مانند اتوبوس، مینی بوس، کامیون و مانند اینها دارند. یکی از راههای تأمین مالی، فروش اینگونه داراییها و تأمین خدمات مورد نیاز از راه اجاره است. البته روی آوردن به این شیوه ها، مستلزم انجام بررسیهای امکانسنجی و توجیه پذیری اقتصادی آن است. برای مثال در صورتی که برآورد شود، که از راه فروش وسایل نقلیه بخشی از نیاز شرکت به منابع مالی رفع می شود، باید مطمئن شد در منطقه ای که شرکت در آن قرارداد، تأمین خدمات مورد نیاز به شیوه اجاره با قیمت مناسب امکانپذیر و ارزاتر از نگهداری و بهره برداری از وسایل

نقلیه موجود هست یا خیر. آشکار است که استفاده از هریک از وسایل نقلیه مستلزم استخدام راننده و تحمل هزینه تعمیر و نگهداری، بیمه و مانند اینهاست که در موارد بسیاری ممکن است هزینه اجاره وسیله نقلیه به نسبت زمان استفاده از آن کمتر از هزینه های برشمرده بالا باشد. در این بررسیها فایده استفاده از وجوه حاصل از فروش داراییهای یاد شده نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

به مراحل توجه به هزینه سرمایه از مهمترین ملاحظات است که باید در تأمین سرمایه مورد توجه قرار گیرد، عاملی که در سالهای گذشته در ایران مورد توجه نبوده است. در این راستا باید اطمینان حاصل کرد که سودی که از سرمایه گذاری عاید می شود بیش از هزینه سرمایه است. البته باید توجه داشت که هزینه سرمایه تنها سود بانکی را دربر نمی گیرد، چرا که سرمایه شرکت از منابع مختلفی تأمین می شود، که یکی از آنها بانک است. یکی دیگر از منابع، سرمایه سهامداران است که همانگونه که گفته شد هزینه آن به مراتب بیشتر از هزینه وام است یعنی در زمان حاضر بهره وامها ۱۸ درصد است، در حالی که هیچ سهامداری حاضر نیست در مؤسسه ای سرمایه گذاری کند که نرخ بازده آن کمتر از ۲۵٪ باشد.

تفسیر این رفتار سهامداران این است که شرکتها باید به سرمایه سهامداران دست کم ۲۵ درصد سود بپردازند. البته در این زمینه مسائل مالیاتی و صرفه جوییهای مالیاتی نیز نقش دارند که از بحث درباره آن در این نوشته صرف نظر می کنیم. منتها اگر فروش داراییها یا بهینه کردن میزان موجودیها و اقداماتی از این قبیل تمامی نیازهای مالی مدیریت را برطرف نکند، باید برای تأمین بقیه نیازهای مالی شرکت از الگوهایی که دانش مدیریت مالی ارائه کرده است بهره گرفت تا ترکیب بهینه ای از منابع فراهم آید.



در طبقه‌بندیهای متداول منابع مالی، با سه‌گونه منبع مالی روبه‌رویم. اول منابع مالی که ظاهراً هزینه‌ای ندارد؛ که استفاده از این‌گونه منابع بسیار به نفع شرکت است. چرا که منابع بدون هزینه سبب می‌شوند هزینه سرمایه کاهش یابد و سود سهامداران و ارزش سهام افزایش یابد. این‌گونه منابع عبارتند از:

۱. بستانکاران تجاری: که در اثر خرید نسبه کالا از عرضه‌کنندگان مواد اولیه و تجهیزات و ماشین‌آلات ایجاد می‌شود. اما اینکه تا چه میزان می‌توان از این منبع استفاده کرد به شرایط رقابتی حاکم بر بازار کالای مورد نیاز شرکت بستگی دارد. اگر بازار کالای مورد مصرف شرکت بازاری رقابتی باشد و فروشندگان آن به فروش محصولاتشان به شرکت علاقه‌مند باشند، امکان خرید نسبه برای شرکت وجود دارد و جلب موافقت فروشنده برای پرداخت بهای کالا در مدتی طولانیتر امکانپذیر است. بدین ترتیب شرکت از منبع مالی ظاهراً بدون هزینه‌ای بهره‌مند می‌شود.

۲. پیش‌دریافت از مشتریان: موفقیت این روش به موقعیت محصولات شرکت و میزان برتری آن در بازار بستگی دارد. آشکار است که هر چه قدرت انحصاری شرکت در بازار بیشتر باشد، این شیوه تأمین مالی امکانپذیرتر خواهد بود. تجربه تأمین مالی به این شیوه بویژه در سالهای اخیر در شرکتهای خودروسازی رواج داشته است و این‌گونه شرکتهای بخش درخور توجهی از نیازهای مالیشان را از این راه برطرف کرده‌اند.

۳. هزینه‌های پرداخته‌نشده: در این شیوه شرکتهای پرداخت هزینه‌های تحقق یافته خود را به بعد موکول می‌کنند.

نکته درخور توجه در کاربست شیوه‌های برشمرده این است که این شیوه‌ها ممکن است در ظاهر بدون هزینه باشند ولی در مواردی هزینه آنها به مراتب گرانتر از منابع مالی دیگر باشد. برای مثال در مورد

پیش‌دریافت از خریداران اتومبیل که شرکت بهای اتومبیل را ۶ ماه یا ۱۲ ماه قبل از تحویل خودرو دریافت می‌کند، ممکن است روند بازار به گونه‌ای باشد که در این مدت بهای اتومبیل به میزان چشمگیری افزایش یابد و در این صورت سود حاصل از تفاوت قیمت اتومبیل ممکن است بسیار بیشتر از هزینه تأمین مالی از بانکها باشد. در نتیجه هزینه تأمین مالی از محل پیش‌دریافت مشتریان بیش از هزینه بهره تسهیلات بانکی خواهد بود. این نتیجه‌گیری احتمالاً صحیح است چرا که به‌طور معمول هزینه سرمایه اشخاص بیش از نرخ بهره بانکی است. همگان آگاهند که نرخ مبادله پول در بازار غیررسمی سرمایه در ایران حدود چهار درصد در ماه است در نتیجه کسی که برای مثال یک میلیون تومان به عنوان پیش‌پرداخت به شرکت ایران خودرو می‌پردازد دقیقاً مراقبت می‌کند که سودی که از محل تفاوت قیمت اتومبیل بدست می‌آورد بیش از سود چهار درصد در ماه در مهلت انتظار باشد. البته در بعضی مواقع شرکتهای با آگاهی از این امر باز ترجیح می‌دهند از این منبع واقعاً گران استفاده کنند و این زمانی است که شرکت حق فروش اتومبیلهای تولید خود به قیمت روز را ندارد و مجبور است محصولات خود را به قیمتی که دولت یا سازمانی مسئول تعیین کرده بفروشد. در چنین وضعی شرکت سعی می‌کند قسمتی از سود خریدار خوش‌شانس را از طریق پیش‌دریافت قیمت خودرو وصول کند. در این‌گونه شرایط پیش‌دریافت از مشتری بهترین شکل تأمین مالی است.

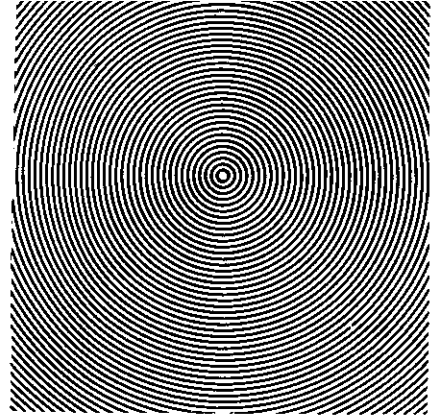
گروه دوم منابع داخلی شرکت است. منابع داخلی شرکتهای عبارتند از سود اندوخته شده و هزینه‌های غیر نقدی مانند استهلاک. تحقیقات در کشورهای مختلف نشان داده است که منابع مالی داخلی یکی از عمده‌ترین منابع مالی شرکتهاست که نزدیک به ۶۰ - ۷۰ درصد نیاز مالی آنها را مرتفع می‌کند. سهولت

به‌دست آوردن این منبع مالی، بر گرایش استفاده از آن افزوده است زیرا تنها کافی است که موافقت سهامداران در مورد تقسیم نکردن سود جلب شود و سود تقسیم نشده مجدداً در شرکت سرمایه‌گذاری شود. این شیوه بویژه در بازارهای سرمایه تکامل نیافته مانند بازار سرمایه ایران رایجتر است. چرا که مدیران شرکت آگاهند چنانچه سود تقسیم شود برای تأمین منابع مالی از محلهای دیگر با دشواریهای بسیار روبه‌رو خواهند شد. در حالی که در کشورهایی که دسترسی به بازار سرمایه آسانتر است شرکتهای با اطمینان خاطر سود شرکت را تقسیم می‌کنند، زیرا اطمینان دارند که در صورت روبه‌رو شدن با کمبود نقدینگی با مراجعه به بازار سرمایه می‌توانند نیاز خود را برطرف کنند. در این‌گونه کشورها حتی بعضی شرکتهای با وجود دسترسی به منابع مالی خارجی ترجیح می‌دهند که از آنها استفاده نکنند، زیرا استفاده از این منابع آنها را با پرس‌وجو و تفحص سرمایه‌گذاران روبه‌رو خواهد ساخت.

منبع سومی که شرکتهای می‌توانند از آن بهره‌مند شوند منابع مالی خارج از شرکت است که دریافت وام از مؤسسات مالی و یا انتشار اوراق قرضه و فروش آن به عموم، انتشار سهام ممتاز و بالاخره انتشار سهام عادی را دربر می‌گیرد. چنانکه همگان آگاهند، استفاده از وام در ایران در چارچوب عقود بانکی بدون ربا امکانپذیر است. منتها استفاده از ابزارهای مالی متنوع مانند اوراق مشارکت یا اوراق قرضه در ایران با پاره‌ای ابهامهای شرعی روبه‌روست. البته چندسالی است که مسئولان بانک مرکزی امکان انتشار اوراق جدیدی بنام اوراق مشارکت یا اوراق سرمایه‌گذاری را نوید داده‌اند که تاکنون به دلایلی تحقق نیافته است.\*

ورق بزنید

\* در زمان چاپ و انتشار این مقاله انتشار اوراق مشارکت طرح توسعه خیابان نواب به‌اجرا گذاشته شد.



به رغم وجود محدودیتها یا ابهاماتی در زمینه استفاده از ابزارهای متنوع مالی در ایران بررسی ویژگیها و کارکرد آنها و نوآوریهای که در این زمینه در کشورهای مختلف به کار بسته شده ضروری به نظر می‌رسد. در مقدمه این بررسی ضروری است توضیح داده شود چرا انواع گوناگون اوراق بهادار پدید آمده است، چرا تنها از سهم عادی برای تأمین مالی استفاده نمی‌شود و دلیل به وجود آمدن سهم ممتاز یا اوراق قرضه یا تنوع بسیار در اوراق قرضه و نیز در اوراق بهادار چیست؟ این تنوع اوراق بهادار از نیازهای متفاوت سرمایه‌گذاران سرچشمه می‌گیرد همان‌گونه که سلیقه افراد در مورد انواع اتومبیل متفاوت است و هر گروهی نوع خاصی را می‌پسندد، اوراق بهاداری هم که شرکتها منتشر می‌کنند به دلیل خواستها، نیازها و سلیقه‌های متفاوت سرمایه‌گذاران با یکدیگر متفاوتند. سرمایه‌گذاران از ریسک‌پذیری متفاوتی برخوردارند؛ چنانکه عده‌ای رویکردی بسیار محافظه‌کارانه به سرمایه‌گذاری دارند و تا اندازه محدودی ریسک می‌پذیرند این گروه از سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند پس‌اندازشان که مدت‌ها در فراهم آوردن آن کوشیده‌اند با مخاطره‌ای رو به رو نباشد، در نتیجه در جستجوی اوراق بهاداری با ریسک اندک مانند اوراق قرضه می‌باشند. برخی نیز بنا به موقعیت اجتماعی و وضعیت مالی و ویژگیهای شخصی آمادگی بیشتری برای قبول ریسک دارند و سرمایه‌گذاری همراه با ریسک متوسط و بالا را جستجو می‌کنند. این گروه سرمایه‌گذاران علاقه‌مند نیستند که در مدت زمانی طولانی ثروتمند شوند. حتی از نظر روانی از هیجانی که سرمایه‌گذاری پر ریسک برای آنان پدید می‌آورد لذت می‌برند. از همین روست که

اوراق بهادار متنوع پدید آمده است. این تنوع به شرکتها و مؤسسات اقتصادی این امکان را می‌دهد که برای تأمین مالی از اوراق بهادار یا ابزارهای مالی متناسب سلیقه و ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران استفاده کنند. تحقیقات نشان داده است که بیشتر مردم محافظه‌کارند یعنی غالباً علاقه‌مندند پس‌اندازها و منابع خود را در سرمایه‌گذاریهای کم‌ریسک به کار ببندازند. البته این گروه فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر در راستای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای پرریسک فراهم می‌آورند و سبب می‌شوند که گروههای اخیر بازده بیشتری به دست آورند. تحقیقات همچنین نشان داده است که در تمامی کشورها سرمایه‌گذارانی که ریسک بیشتری پذیرفته‌اند، بازده بیشتری هم به دست آورده‌اند. به بیان دیگر ریسک همواره از پاداش مناسبی برخوردار بوده و ریسک بیشتر سود بیشتری در بر داشته است. برای مثال کسانی که سهم عادی خریدند بازدهی بیش از بازده سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت در بانک به دست آورده‌اند.

صرف‌نظر از میزان ریسک و بازده انواع اوراق بهادار، هریک از این اوراق دارای ویژگیهای متفاوتی است که به ترتیب به معرفی ویژگیهای آنها می‌پردازیم.

اوراق قرضه آن دسته از اوراق بهاداری است که به دارنده آن سود از پیش تعیین شده و ثابت تعلق می‌گیرد. این اوراق دارای سررسید مشخصی است و منتشرکننده آن متعهد است که در زمانهای معین سود تعیین شده را بپردازد. و در سررسید نیز ارزش اسمی قرضه را بازپرداخت کند. مشخص بودن مقدار سود دارندگان اوراق قرضه و اولویت بازپرداخت اصل و سود اوراق قرضه نسبت به سایر سهامداران این اوراق را از دیدگاه سرمایه‌گذاران در ردیف اوراق بهادار کم‌ریسک قرار می‌دهد و البته به دلیل ریسک

اندک، بازده کمتری نیز دارند. به همین دلیل اوراق قرضه در شمار ارزاترین منابع مالی است. افزون بر اینها دارندگان اوراق قرضه، از حقوق مالکیت نسبت به شرکت برخوردار نیستند و به دلیل الزام منتشرکننده به بازپرداخت اصل و فرع آن، تنها زمانی می‌توانند بر داراییهای شرکت ادعا داشته باشند، که شرکت از بازپرداخت تعهداتش ناتوان بماند و در موقعیت ورشکستگی و تصفیه قرار گیرد. در چنین شرایطی چنانکه گفته شد، دارندگان اوراق قرضه برای دریافت اصل و سود اوراق از محل فروش داراییها از اولویت برخوردارند. همچنین آشکار است تا زمانی که شرکت سود ثابت این اوراق را نپردازد، نمی‌تواند سودی به سهامداران بپردازد. به این ترتیب دارنده اوراق قرضه با ریسک اندکی روبه‌روست. اما، در مقابل شرکت منتشرکننده این اوراق قرضه باید ریسک زیادی را بپذیرد، زیرا متعهد می‌شود که از محل سودهای نامعلوم آینده مبلغ مشخصی به اصل و فرع این اوراق پرداخت کند و این احتمال وجود دارد که به دلیل کاهش سود و جریانات نقدی و احتمال بروز ناتوانی نتواند تعهدات خود را بموقع انجام دهد و در نتیجه در معرض ریسک ورشکستگی یا مالی قرار گیرد. بنابراین در تأمین مالی به این شیوه باید احتیاط کرد و آن‌قدر وام گرفت که نسبت به امکان بازپرداخت اصل و فرع اوراق از محل عایدات نامعلوم شرکت اطمینان وجود داشته باشد.

سهم ممتاز در ایران به شکلی که در دنیا رایج است متداول نیست. منظور از سهم ممتاز در عرف سایر کشورها سهامی است که دارای سود ثابت و معینی باشد. به این ترتیب سود سهامداران ممتاز از پیش تعیین شده است و از این نظر شبیه اوراق قرضه است. متنها پرداخت سود به سهامداران ممتاز تعهد الزام‌آوری نیست یعنی اگر شرکت سود

نداشته باشد می‌تواند سودی به سهامدار ممتاز پرداخت نکند. از همین روست که عده‌ای عقیده دارند که سهام ممتاز مغایرتی با موازین فقهی ندارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی در شرایط موجود به‌کار گرفته شود. سهام ممتاز از حقوق مالکیت در شرکت برخوردار نیست. یعنی سهامدار ممتاز در سود و داراییها شریک نیست و بر اداره امور شرکت کنترل ندارد، و در مجامع نیز حق رای ندارد. به‌مرحال در عرف کلاسیک سهامدار ممتاز به دلیل دریافت نکردن سود نمی‌تواند شرکت را تحت تعقیب قرار دهد. منتها سهامداران ممتاز قبل از سهامداران عادی مطالباتشان را دریافت می‌کنند. چه از محل سود در زمان تداوم فعالیتها و چه از محل فروش داراییها در زمان توقف فعالیتها. شرکتی که هم سهامدار ممتاز و هم سهامدار عادی داشته باشد نخست باید سود سهامدار ممتاز را بپردازد و اگر چیزی باقی ماند به سهامداران عادی پرداخت کند.

سهام عادی گونه‌ای از اوراق بهادار است که همگان با آن آشنایی دارند و تمامی شرکتهای سهامی در ایران سرمایه خود را در قالب این نوع سهم فراهم می‌آورند. این نوع سهم به‌طور کامل از حقوق مالکیت برخوردار است، کسانی که سهام جدید شرکت را می‌خرند حق مشارکت در سود را به‌دست می‌آورند. یعنی با خرید سهم جدید از همان حقوق سهامداران قبلی برخوردار می‌شوند. پرداخت سود سهام عادی مشروط به وجود سود قابل تقسیم و تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام در مورد تقسیم سود است. البته قانون تجارت ایران پیشینی کرده است که اگر شرکتی سود داشته باشد باید دست‌کم ده درصد آن را بین سهامداران تقسیم کند. سهامداران عادی مالکان واقعی مؤسسه‌اند و البته آخرین مدعیان نسبت به داراییهای آن شمرده می‌شوند. بنابراین اگر شرکت

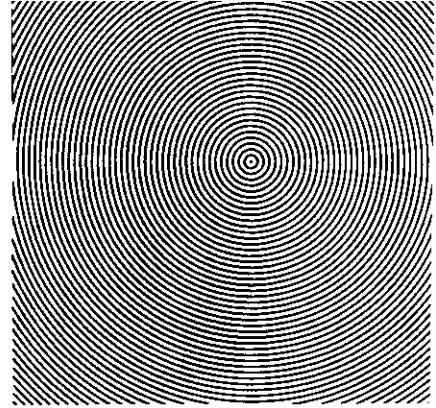
ورشکست شود نخست حق و حقوق طلبکاران و سهامداران ممتاز و سپس ادعای سهامداران عادی از محل آنچه باقی مانده است پرداخت می‌شود.

جمع‌بندی مطالب پیشگفته بیانگر آن است که از دیدگاه شرکت ریسک اوراق قرضه بیش از سایر اوراق است و افزایش بدهی ریسک ورشکستگی و مالی را افزایش می‌دهد. سهام ممتاز در ردیف بعد قرار می‌گیرد و سرانجام کم‌ریسک‌ترین نحوه تأمین مالی سهام عادی است. شرکتی که تنها منبع مالی آن سهام عادی است، احتمال ورشکستگی کمتر است چون از بابت اوراق بهادار به کسی تعهد ندارد. بنابراین بقا و ادامه حیات چنین شرکتی به مراتب بیشتر از شرکتی است که منابع مالی خود را از طریق اوراق قرضه فراهم آورده باشد.

بنابر آنچه گفته شد، شناخت ابزارهای مالی و یا اوراق بهادار به‌منظور تعیین ترکیبی بهینه از منابع مالی، اهمیت بسیار دارد. گفته شد که ارزانه‌ترین منبع مالی وام یا اوراق قرضه است. بنابراین در صورتی که کاهش هزینه سرمایه و افزودن بر سود سهامداران مورد نظر باشد باید به سوی بیشترین استفاده از وام یا اوراق قرضه رفت. اوراق قرضه یا وام به دو دلیل ارزان است: یکی اینکه این دو منبع از نظر سرمایه‌گذار ریسک کمی دارند و بهره مورد انتظار وام‌دهنده پایتتر از نرخ بازده مورد انتظار سهامدار است، دوم این‌که بنابر مقررات مالیاتی، هزینه بهره هزینه مالیاتی قابل قبولی است، و سبب می‌شود که شرکت مالیات کمتری بپردازد. به بیان دیگر صرفه‌جویی مالیاتی در استفاده از این دو منبع سبب می‌شود که استفاده از آنها ارزاتر باشد و بر سود سهامداران بیفزاید. منتها پیشینه کردن سود سهامداران هدف بسنده نیست، بلکه باید به درجه ریسک یا عدم اطمینان نسبت به سودی که به سهامدار پرداخت می‌شود نیز توجه شود. شرکتی که به

میزان درخور توجهی از وام استفاده می‌کند، پرداخت بهره ثابتی را از محل سودی که دستیابی به آن با عدم اطمینان روبه‌روست، تعهد می‌کند، چرا که به‌طور قطع نمی‌توان پیشینی کرد که شرکت در آینده چقدر سود خواهد داشت، در حالی که شرکت متعهد است بهره ثابتی را به خریداران اوراق قرضه و وام‌دهندگان بپردازد. در این صورت سود سهامداران نوسان زیاد پیدا خواهد کرد. بدین ترتیب سهامدار از سوی خرسند است که شرکت به وام مورد نظرش دست می‌یابد و چون سود مورد انتظارش افزایش می‌یابد، و از سوی دیگر نگران ریسک بیشتر سود خویش است. یعنی سهامدار اطمینان ندارد که سود بیشینه را به‌دست می‌آورد در صورت افزایش بی‌رویه بدهی، ریسک بالا سبب می‌شود که ارزش سهام شرکت احتمالاً کاهش یابد. در این باره می‌توان گفت که سودمندی استفاده از وام تا جایی است که افزایش بازدهی سهام از افزایش ریسک ناشی از بدهی بیشتر باشد. چنین رویکردی در چارچوب توجه و کنترل ساختار بهینه و مطلوب سرمایه امکانپذیر است. جدول زیر عوامل مؤثر بر انتخاب ساختار سرمایه را نشان می‌دهد. در بررسی ساختار سرمایه باید به عوامل مؤثر بر این ساختار توجه نمود. این عوامل عبارتند از درجه ریسک ورشکستگی، افزایش سود سهامداران، کاهش کنترل عملیاتی، انعطاف‌پذیری مالی و بالاخره انطباق با نیازهای کوتاهمدت. اینها عواملی هستند که در طراحی ساختار سرمایه دخالت دارند. در مورد درجه ریسک ورشکستگی چنانکه گفته شد اوراق قرضه به خاطر الزام به پرداخت بموقع اصل و فرع ریسک بسیاری دارد. چنانچه شرکت در انتخاب ساختار سرمایه نگران ریسک ورشکستگی باشد، بهتر است از انتشار و فروش اوراق قرضه خودداری کند، درحالی‌که اگر به انتشار سهام ممتاز

ورق بزیند



دست بزنند، ریسک ورشکستگی به دلیل این که پرداخت سود الزامی نیست افزایش نمی‌یابد، و سرانجام سهام عادی به‌طور کلی موجب افزایش ریسک ورشکستگی نمی‌شود. در نتیجه برحسب اینکه شرکت تا چه اندازه به ریسک ورشکستگی اهمیت می‌دهد باید در انتخاب ابزار مالی موردنظر دقت کند و این انتخاب به درجه گریز از ریسک مدیران و سهامداران بستگی دارد. اگر نرخ بازده سرمایه‌گذاری شرکتی بیش از بهره وام باشد، مابه‌التفاوت نرخ بازده و نرخ بهره وام نصیب سهامداران می‌شود. بنابراین اوراق قرضه از این نظر مناسبترین شیوه تأمین مالی است. اوراق قرضه و سهام ممتاز به دلیل این که سود ثابت دارند سبب پیشینه شدن سود سهامداران می‌شوند، البته باید توجه داشت که ریسک سهامدار ممتاز بیشتر از ریسک دارنده قرضه است. از همین روست که سود مورد انتظار سهامدار ممتاز بیش از بهره وامدهنده است، یا به بیان دیگر سهام ممتاز منبع گرانتری است. تأمین مالی از طریق انتشار سهام عادی به دلیل این که سهامداران جدید در سودهای آینده شریک هستند، در میزان سود هر سهم تأثیری ندارد. در این مورد عامل کنترل بر عملیات شرکت که به حق رأی مربوط می‌شود اهمیت پیدا می‌کند. وامدهندگان و دارندگان اوراق قرضه به‌طور طبیعی حق رأی در مجامع شرکت ندارند. بنابراین نمی‌توانند در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و نحوه اداره شرکت و تعیین سیاستهای شرکت دخالت کنند. از همین روست که شرکت‌های سهامی خاص که به صورت خانوادگی اداره می‌شوند علاقه‌ای ندارند سهام جدید را به دیگران بفروشند و انتشار اوراق قرضه یا گرفتن وام را مناسبترین شیوه تأمین مالی می‌دانند. البته دارندگان

سهام ممتاز نیز چنانچه در اساسنامه چنین حقی برایشان آنان پیشینی نشده باشد معمولاً در مجمع شرکتها حق رأی ندارند. و تا زمانی که سودشان را بموقع دریافت می‌کنند دخالتی در اداره شرکت نمی‌کنند. اما شرکتی که سهام عادی را به دیگران می‌فروشد، موجبات کاهش کنترل سهامداران کنونی را فراهم می‌سازد. از این روست که در این گونه موارد سهامداران عمده که کنترل عملیات شرکت را در دست دارند ممکن است به آسانی با فروش سهام شرکت به دیگران موافقت نکنند. یکی دیگر از ملاحظات در انتخاب روش تأمین مالی حفظ انعطافپذیری تأمین مالی در آینده است. منظور این است که امروز به‌گونه‌ای تأمین مالی شود که در آینده بتوان از گزینه‌های دیگری که به مصلحت بود استفاده کرد. گفته شد که شرکتها باید در گرفتن وام جانب اعتدال را نگه دارند. مفهوم این گزاره این است که شرکتها از جنبه اصولی نمی‌توانند بیش از ظرفیت خود وام بگیرند. از این رو اگر شرکتی در سال ۱۳۷۳ در حد ظرفیت استقراض خود وام گرفت، در سال بعد نمی‌تواند از وام استفاده کند و در صورت نیاز به منابع مالی افزون بر ظرفیت استقراض ناگزیر باید با انتشار سهام در رفع نیاز مالی خود بکوشد. از همین روست که گفته می‌شود، وامی که در هر سال دریافت می‌شود از انعطافپذیری شرکت در تأمین مالی آینده می‌کاهد و بسیاری از شرکتها حاضر نیستند انعطاف مالی خود را از دست بدهند. بویژه در بازارهایی که رقابت شدیدی جریان دارد و شرکتها ناگزیرند هر سال پروژه‌های جدیدی به اجرا درآورند که از این طریق بتوانند موقعیت خود را در شرایط رقابتی محفوظ بدارند. انعطافپذیری از جمله عوامل برتری یافتن بر رقیبان است این امر تا آنجا اهمیت دارد که ممکن است شرکتها حتی منبع مالی گرانی را به‌کار بگیرند که انعطافپذیری خود را در آینده حفظ کنند.

بیشتر اوراق بهادار یاد شده از نوع درازمدت است و وجوه حاصل از انتشار این گونه اوراق برای مدت طولانی نزد شرکت باقی می‌ماند. از جمله سرسید اوراق قرضه معمولاً ۱۰ تا ۲۰ سال است. سهام ممتاز و سهام عادی سرسید ندارد و وجوه حاصل برای همیشه نزد شرکت باقی می‌ماند. در نتیجه اگر نیازهای مالی شرکتی در طول زمان متغیر باشد بهتر است از منابع مالی کوتاهمدت استفاده کند. زیرا در صورت استفاده از منابع مالی درازمدت در زمانهایی که به منابع مالی نیاز ندارد ناگزیر از پرداخت سود و بهره آن خواهد بود. و بار مالی افزون بر نیازی را متحمل خواهد شد. علاوه بر اوراق بهادار یاد شده اوراق بهادار دیگری نیز وجود دارند که در سالهای گذشته به دنبال تغییر و تحولات بازارهای مالی ابداع شده‌اند. تحولاتی که از پیامدهای مقررات‌زدایی از بازارهای سرمایه بود. و در اثر آن شرکتها اقدام به انتشار اوراق بهادار بسیار متنوعی کردند که تا آن زمان سابقه نداشت و بازار این کشورها هر روز با گونه جدیدی از اوراق بهادار روبه‌رو شد. اقتصاد غرب در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ با تورم بسیار بالایی روبه‌رو شد. که از پیامدهای افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ بود و سبب شد اقتصاد کشورهای غربی با ضربه‌ای سهمگین و تورمی دورقمی حدود ۱۵ درصد روبه‌رو شود. البته این اندازه از تورم در جامعه ما چشمگیر نیست، در حالی که در کشورهای غربی رویدادی غیرمنتظره است و بسیاری از شرکتها را برای تأمین مالی به بازارهای مالی و بویژه بازار اوراق قرضه روانه کرد. زیرا اوراق قرضه اوراق بهاداری است که نرخ بهره‌اش در زمان انتشار مشخص می‌شود و این نرخ بهره تا زمان سرسید ثابت است و در نتیجه چنانچه پس از انتشار اوراق قرضه نرخ تورم در جامعه افزایش یابد، خریداران قبلی اوراق قرضه متضرر می‌شوند.



## عوامل مؤثر بر انتخاب ساختار سرمایه

سهم عادی	سهم ممتاز	اوراق قرضه	
ریسک ندارد زیرا شرکت تعهدی در رابطه با پرداخت سود به سهامداران ندارد.	ریسک کم است زیرا پرداخت سود الزامی نیست.	به خاطر الزام به پرداخت بموقع اصل و فرع ریسک بالاست	درجه ریسک و رشکستگی
سود به طور مساوی بین سهامداران جدید و قدیم تقسیم می شود.	سودهای مازاد بر سود سهام ممتاز به سهامداران عادی تعلق می گیرد.	سودهای مازاد بر بهره به سهامداران و شرکا تعلق می گیرد	افزایش سود شرکا
سهامداران جدید در کنترل شرکت سهم می شوند.	باعث کاهش کنترل نمی شود مگر آنکه به آنها اختیار رأی داده شود.	باعث کاهش کنترل سهامداران بر شرکت نمی شود.	کاهش عملیاتی
باعث افزایش انعطاف پذیری می شود.	باعث افزایش انعطاف پذیری می شود.	زیاده روی در استقراض باعث کاهش وام گیری در آینده می شود.	انعطاف پذیری مالی در آینده
ندارد. زیرا منبع مالی درازمدت است.	ندارد زیرا منبع مالی درازمدت است.	ندارد زیرا منبع مالی درازمدت است.	انطباق با نیازهای کوتاه مدت شرکت

بازدارنده در خرید اوراق قرضه نداشت. همچنین زمانی نیز اوراق قرضه ای منتشر شد که قیمت آن به دلار بود ولی بهره آن به مارک یا این ژاپن پرداخت می شد. این اوراق مورد توجه سرمایه گذارانی قرار می گرفت که یک رشته تعهدات ارزی داشتند. برای مثال اگر دولت جمهوری اسلامی ایران اوراق قرضه ای منتشر کند که سود آن به دلار پرداخت شود، کسانی که فرزندانشان در کشورهای خارج مشغول تحصیلند از آن استقبال خواهند کرد، چرا که بیشتر این گونه اشخاص نگران افزایش نرخ برابری ریال و دلار هستند. در نتیجه اگر برای مثال اوراق قرضه ۱۰ میلیون ریالی منتشر شود که سالانه ۷۰۰ دلار سود به دارندگان آنها پرداخت گردد چون ریسک تسعیر ارز بدین ترتیب از بین می رود، سرمایه گذاران بسیاری از آن استقبال خواهند کرد. چنین ابتکاراتی در دهه ۱۹۸۰ سبب شد گروههای بیشتری به سوی بازار سرمایه روی بیاورند و در واقع گونه ای بازاریابی مالی پدید آمد و کسانی که در جستجوی منابع مالی بودند به بررسی خواسته های مردم و سرمایه گذاران پرداختند و زمینه هایی از سرمایه گذاری را که درخور شرایط و موقعیت مالی یا انتظارات آنها بود فراهم آوردند. این جریان به پدید آمدن رشته ای در قلمرو مدیریت مالی به نام مهندسی مالی (Financial Engineering) یا طراحی مالی انجامید. مهارت متخصصان این رشته، طراحی اوراق بهادار متنوع با ریسک و بازده متفاوت بود، به نحوی که سرمایه گذاران دارای ریسک پذیری و انتظارات متفاوت را در برگیرد تا بدین وسیله بتوان پس انداز تمامی اقشار مردم را به سمت فعالیت های تجاری و صنعتی سوق داد.

برای شرایط ایران نیز می توان چند نوع اوراق بهادار را پیشنهاد کرد و در معرض بحث و بررسی قرار داد. آشکار است که طرح این اوراق بحث های بسیار و دیدگاه های موافق بقیه در صفحه ۷۷

تولید می کردند وابسته بود. مثلاً یک شرکت نفتی اوراق قرضه ای به ارزش اسمی ۱۰۰۰ دلار منتشر کرد که در تاریخ سررسید بهای بازخورد آن معادل ارزش تعداد معینی بشکه نفت بود. این شیوه سبب استقبال سرمایه گذاران از این گونه اوراق شد، بویژه آنان که با بازار نفت آشنایی داشتند یا مصرف کننده نفت بودند و می خواستند ریسکشان را در این زمینه کم کنند، یا زمانی دیگر اوراق قرضه ای منتشر شد که قیمت آن به تفره و طلا وابسته بود. بدین ترتیب خطر تورم و کاهش قدرت خرید پول نقش

زیرا زمانی که تورم افزایش می یابد قدرت خرید پول کاهش پیدا می کند. و چون در این زمان شرکتها به پول نیاز داشتند ولی به دلیل نگرانی از کاهش ارزش پول، سرمایه گذارها استقبالی برای خرید اوراق قرضه نکردند شرکتها دست به انتشار اوراق قرضه با بهره شناور زدند، یعنی اوراق قرضه ای که نرخ بهره آنها از پیش تعیین نمی شود و بهره آن تابعی است از نرخ تورم در سالهای آینده. برای مثال نرخ تورم به اضافه پنج درصد. بعضی از شرکتها نیز اوراق قرضه ای منتشر کردند که ارزش اسمی آن به قیمت کالایی که



# رونق دوباره «معاوضه کالا»؛ شیوه‌ای راهگشا در دوران رکود

ترجمه: عبدالرضا تالانه

فعال درآمدهاند.<sup>۲</sup>

کالاست<sup>۱</sup>. بسیاری اعتقاد دارند که معاوضه کالا روش و شیوه‌ای برای بقای تجارت از طریق صرفه‌جویی در وجه نقد، تحریک بخشیدن به موجودیهای راكد، فروش و واگذاری ظرفیت مازاد و تحصیل کالاها و خدمات مورد نیاز بویژه در دوران رکود است.

امروزه معاوضه کالا در ایالات متحد آمریکا در حال رشد است و جریان سالانه آن حدود شش میلیارد دلار برآورد می‌شود که با نرخ تصاعدی نیز در حال افزایش است. وال استریت ژورنال برآورد کرده است که بیش از ۱۷۵۰۰۰ شرکت (بیشتر شرکتهای کوچک) به معاوضه کالا روی آورده‌اند. اما این فقط بخشی از موضوع است زیرا که بسیاری از شرکتهای بزرگ مثل زیراکس، شرکت نفتی شل و پپسی‌کولا اکنون در زمره معاوضه‌گران

مدتهاست که رکود اقتصادی بر بخشی از جهان سایه افکنده و همراه خود، موجودیهای فروش نرفته، ظرفیتهای اضافه، تأخیر مشتریان در واریز بدهیها و در نتیجه همه اینها کمبود نقدینگی را پیش آورده است. واحدهای اقتصادی با تکیه بر خطمشی‌های مختلفی که می‌تواند در رویارویی با دوران رکود مفید باشد، خود را برای کاهش تولیدات آماده کرده‌اند.

یکی از این خطمشی‌ها روی آوردن به سوی یکی از قدیمترین ابزار تجارت یعنی معاوضه

\* نقل از: Management Accounting, Nov. 1991.

1. Bartering.

برتری مهم معاوضه در این است که به شرکت امکان می‌دهد تا از طریق مبادله کالاها در وجه نقد صرفه‌جویی کند. علاوه بر این شرکت می‌تواند از این راه، ضمن آسوده شدن از مزاحمت موجودیهای راكد خود، درآمدی نیز کسب کند. به عبارت دیگر می‌توان موجودیهای کالا را با کالاها و خدمات مورد نیاز، یا در برابر اعتبار تجاری<sup>۳</sup> یا کوپن<sup>۴</sup> (قابل استفاده برای خرید کالاها و خدمات در آینده) تعویض کرد چه اگر این کار انجام نشود ممکن است شرکت به ناگزیر موجودیهای خود را به قیمت ناچیزی بفروشد.

امروزه در آمریکا می‌توان هر چیزی را از خدمات دندانپزشکی گرفته تا هواپیما و قایق،

2. «Writeoff Avoidance,» Forbes, May 10,

1982, pp. 56 - 57.

3. Trade Credits.

4. Coupons.



معاوضه کرد. در این مورد می توان برای مثال اثاثیه اداری، ملزومات، خودرو، آثار هنری و کامپیوتر را نام برد. کرایه اتومبیل، بلیت هواپیما، عضویت در باشگاهها، آگهی، خدمات پزشکی خدمات حسابداری، نقاشی، تعمیرات و نگهداری، استفاده از سالن اجتماعات هتلها و بلیت مسابقات ورزشی از جمله خدماتی است که مورد معاوضه قرار گرفته است.

## المپیک ۱۹۸۴

یکی از نمونه های معروف معاوضه، المپیک ۱۹۸۴ لوس آنجلس است که طی آن کمیته المپیک حق امتیازهایی را در برابر دریافت کالاها و خدمات مختلفی مبادله کرد. به عنوان مثال: هواپیمایی امریکا بلیتهای هواپیما را مبادله کرد، جنرال موتورز استفاده از پانصد دستگاه اتومبیل بیوک را تعویض کرد و فوجی فیلم ۲۵۰۰۰ حلقه فیلم را در برابر حق امتیاز فراهم کرد.<sup>۵</sup>

معاوضه آنچنانکه امروزه انجام می شود تا اندازه ای با مفهوم سنتی آن متفاوت است. در

5. Mark Robichaux and Michael Selz, «Small Firms, Shorten Cash, Turn to Barter,» *The Wall Street Journal*, Nov. 26, 1990, p. B1.

گذشته معاوضه کالا فقط شامل مبادله مستقیم کالا یا خدمت با یکدیگر بوده است. رشد سریع معاوضات کالا به دلیل ترویج نوع جدیدی از واحد پول یعنی اعتبار تجاری که گاهی دلار تجاری<sup>۶</sup> یا کوپن نامیده می شود، بیشتر شده است. این کوپنها توسط شرکت معاوضه گر صادر می شود و می توان از آن برای تهیه کالاها و خدمات در یک دوره مشخص مثلاً سه سال استفاده کرد.

در حال حاضر شرکتهای معاوضه گر<sup>۷</sup> با دو شیوه در این زمینه عمل می کنند؛ یا به شکل واسطه<sup>۸</sup> و یا به شکل تهاتری<sup>۹</sup>.

## شرکتهای تهاتری

شرکتی که به شکل تهاتری عمل می کند کالاها و خدمات را در ازای اعتبار تجاری از طرف مقابل می خرد. مقدار اعتبار تجاری و یا کوپنی که این شرکت برای خرید کالاها یا خدمات می پردازد معادل قیمت بازار کالاها و خدمات مذکور است. برای تشریح موضوع شرکتی را در نظر می گیریم که موجودیهای شامل عروسک به

6. Trade Dollars.
7. Barter Exchange Companies.
8. As a Broker.
9. Clearinghouse.

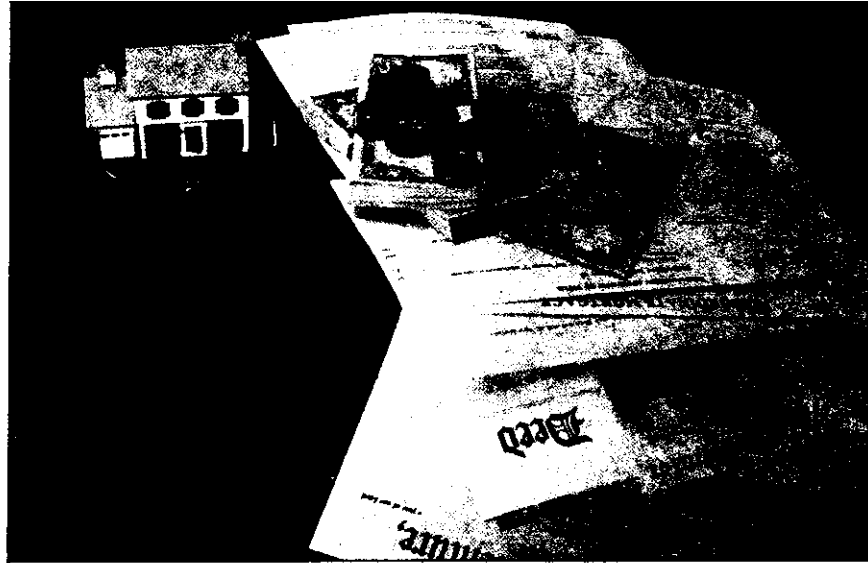
بهای تمام شده ۳۰۰۰۰۰ دلار در اختیار دارد. این کالا در شرایط عادی به قیمت ۷۰۰۰۰۰ دلار به توزیع کنندگان کالا فروخته می شود. اما چون این عروسکها مازاد بر حد معمول موجودی است، شرکت فقط می تواند آنها را به قیمت نازل یعنی ۴۰۰۰۰۰ دلار بفروشد. شرکت دیگری که کارش معاوضه است حاضر می شود تمام موجودی عروسکها را به مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰ دلار بخرد اما وجه آن را به شکل دلار تجاری می پردازد. که شرکت سازنده عروسک می تواند با استفاده از این دلار تجاری کالاها یا خدمات مورد نیاز خود را از شرکت معاوضه گر خریداری کند. محدودیتی که وجود دارد این است که دلارهای تجاری باید حداکثر طی سه سال مورد استفاده قرار بگیرد. شرکت معاوضه گر موجودیهای متنوعی از کالا را نگهداری می کند که آنها را به همان طریقی که عروسکها را خریداری کرده، به دست آورده است. لذا شرکت فروشنده عروسکها ممکن است اثانه مورد نیاز خود را با استفاده از دلار تجاری از معاوضه گر بخرد. اثاثیه مذکور به ارزش بازار یا خرده فروشی قیمتگذاری خواهد شد. علاوه بر دلار تجاری، شرکت معاوضه گر ممکن است مبلغی به عنوان حق عضویت (مثلاً پانصد دلار سالانه) همراه با مبلغی مثلاً معادل ۵٪ ارزش مبادله را بابت حق الزحمه معاوضه از شرکت فروشنده عروسک مطالبه کند که البته این مبلغ به شکل دلار واقعی دریافت می شود.

## شرکتهای واسطه ای

شرکتهای معاوضه گر بیشتر به شیوه واسطه ای عمل می کنند تا تهاتری. در این حالت می توان شرکت معاوضه گر را یک شرکت بازرگانی دوجانبه تلقی کرد. شرکت معاوضه گر کالاها یا خدمات را در ازای دلار تجاری از شرکت دیگری می خرد و سپس آنها را به شرکت سوم و یا در بازار دیگری می فروشد.

شرکت فروشنده عروسک در مورد اولویت ورق بزنید





نیازهای خود تصمیمگیری می‌کند. به عنوان مثال کامیون را انتخاب می‌کند. سپس به بازار مراجعه کرده و بهترین قیمتی را که می‌تواند کامیون مورد نیاز خود را با آن تهیه کند، تعیین می‌کند. برای مثال ۲۰۰۰۰۰ دلار. شرکت معاوضه گر که از این موضوع مطلع است و با استفاده از شبکه‌هایی که در اختیار دارد قادر است کالاها و خدمات را به قیمتی بهتر از شرکت فروشنده عروسک تهیه کند، کامیون مورد نیاز شرکت فروشنده عروسک را از بازار دست‌دوم به قیمت مثلاً ۱۲۵۰۰۰ دلار می‌خرد و بلافاصله آن را به شرکت فروشنده عروسک به قیمت ۲۰۰۰۰۰ دلار می‌فروشد. شرکت فروشنده عروسک ۷۵۰۰۰ دلار آن را به شکل دلار تجاری و ۱۲۵۰۰۰ دلار را به شکل دلار واقعی می‌پردازد. اینجا نیز شرکت معاوضه گر ممکن است حق الزحمه خود بابت معاوضه را به شکل دلار واقعی دریافت کند.

توجه داشته باشیم که نحوه عمل شرکت‌های معاوضه گر تا اندازه‌ای شبیه عملکرد دولتهاست که سیستم اقتصادی خاص خود را پیاده می‌کنند و پول خود (دلار تجاری) را رواج می‌دهند. این واحد پول رایج را فقط می‌توان برای معاملات با شرکت معاوضه گر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مورد استفاده قرار داد. در مثال ما دریافت‌کننده دلارهای تجاری یعنی شرکت فروشنده عروسک ممکن است این دلارها را به عنوان پاداش و جایزه به پرسنل خود بدهد و آنها نیز به نوبه خود ممکن است از آن برای معامله با شرکت معاوضه گر استفاده کنند.

## مشکلات معاوضه

در این نحوه عمل مشکلات حسابداری بالقوه‌ای وجود دارد. دلارهای تجاری دارای محدودیت است و از آنها فقط می‌توان برای انجام معامله با شرکت معاوضه گر، آن هم فقط برای کالاهایی که شرکت یاد شده در اختیار دارد استفاده کرد. ارزش اعتباری<sup>۱۰</sup> دلارهای تجاری با ارزش

10. Nominal Value.

اسمی<sup>۱۱</sup> آن برابر نیست. یعنی کالایی که در ازای ۱۰۰۰۰ دلار تجاری از شرکت معاوضه گر تحصیل می‌شود، ممکن است در بازار ثانویه یا از طریق فروشنده‌گانی که تخفیف می‌دهند به مبلغ ۷۰۰۰ دلار نیز به دست آید. علاوه بر این دلارهای تجاری محدودیت زمانی دارد و اگر در دوره زمانی مشخصی مورد استفاده قرار نگیرد بی‌اعتبار می‌شود.

حتی ممکن است مشکلات جدیدتری هم پیش آید. به عنوان مثال شرکت سازنده عروسک که نام واقعی آن «کلکو» است از نمونه‌هایی است که معاوضه دریافت و رکود آن نقش عمده‌ای داشته است. این شرکت عروسک‌هایی را در مقابل وقت آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیونی به یک شرکت تبلیغاتی به نام «ادمرکس» واگذار کرد. در این نوع معاوضه تعیین نرخ مبادله مشکل است. زیرا که با نزدیکتر شدن موعد پخش آگهی از تلویزیون ارزش مدت زمان باقیمانده برای تبلیغات (اوقات فروش ترفه) بسرعت کاهش می‌یابد. و در صورتی که اوقات باقیمانده فروخته نشود، ارزش آن صفر خواهد بود. در همین مثال شرکت تبلیغاتی عروسک‌هایی را که از شرکت کلکو دریافت کرده بود به شرکت ثالثی فروخت و این شرکت به نوبه خود بعضی از عروسکها را با قیمتی بسیار نازلتر از قیمت عمده فروشی به مشتریان عادی شرکت عروسک‌سازی ارائه کرد.

در حالی که در ابتدا، با جلوگیری از حذف موجودیها، حفظ نقدینگی و افزایش درآمد ناشی از معاوضه عروسکها، اوضاع بر وفق مراد شرکت کلکو بود، اما افت شرکت شروع شد و این مشکلات

11. Face Value.

با هجوم مشتریان عادی آن برای خرید عروسکها از شرکت ثالث به دوسوم قیمت عمده فروشی و عودت دادن آن به شرکت کلکو (و در نتیجه طلبکار شدن از آن شرکت به قیمت عمده فروشی) شدیدتر شد. علاوه بر این فروشنده‌گان شرکت کلکو بابت عروسکهای واگذار شده به شرکت تبلیغاتی نیز کمیسینی براساس قیمت‌های عمده فروشی درخواست کردند.<sup>۱۲</sup>

## مشکلات حسابداری

مشکلات حسابداری زیادی در ثبت معاملات معاوضه کالا با شرکت‌های معاوضه گر وجود دارد. مهمترین این مشکلات شناسایی سود یا زیان ناشی از معاوضات کالا است. این مشکل با طولانیتر شدن فاصله بین زمان دریافت و زمان استفاده از دلارهای تجاری تشدید می‌گردد. مشکل مشابه دیگر، ارزش دفتری واحدها یا دلارهای تجاری ثبت شده در دفاتر گیرنده است. وقتی شرکتی با یک شرکت معاوضه گر معامله می‌کند می‌باید ارزش قابل تخصیص به دلارهای تجاری دریافتی تعیین گردد. مشکل دیگر این خواهد بود که درآمد ناشی از معاوضه کالاها و خدمات با یک شرکت معاوضه گر چه وقت باید شناسایی شود؟

علاوه بر این، وقتی برای تحصیل کالاها و خدمات از دلارهای تجاری استفاده می‌شود، لازم است در مورد نحوه قیمتگذاری کالاها و خدمات تحصیل شده تصمیمگیری شود. یعنی کالاها و

12. Pamela Klein and John Lender, «Cash - poor Coleco found a Friend.» The Hartford Courant, August 27, 1989, pp. A1, A10, A11.

خدمات تحصیل شده باید به چه مبلغی ثبت شود. با آنکه دلارهای تجاری معادل مبلغی است که در بازار اولیه دریافت می‌شود اما دلار تجاری با دلار واقعی برابر نیست. زیرا دریافت‌کننده به همان دلیل که نتوانسته است دلار واقعی کسب کند، موجودیهای خود را در برابر دلار تجاری فروخته است. مضافاً اینکه اگر دلارهای تجاری در طی یک دوره مشخص مورد استفاده قرار نگیرد، اعتبار آن منقضی شده و بی‌ارزش می‌شود. سرانجام وقتی برای تحصیل کالاها و خدمات از دلار تجاری استفاده می‌شود، باید در مورد بهای تمام شده داراییهای تحصیل شده نیز تصمیمگیری شود.

## بیانیه شماره ۲۹ (APB#29) می‌تواند به حل مشکل کمک کند

برای حل این مشکلات نخست به بیانیه شماره ۲۹ هیئت استانداردهای حسابداری<sup>۱۳</sup> تحت عنوان «حسابداری مبادلات غیرپولی»<sup>۱۴</sup> توجه شده است. این بیانیه رهنمودی برای مبادله داراییهای غیرپولی ارائه می‌دهد. متأسفانه کاربرد این بیانیه برای مبادلاتی است که در یک نقطه مشخص از زمان واقع می‌شود یا آنکه داراییهای مورد مبادله از قبل معلوم و مشخص است. اما در حال حاضر شرکتهای معاوضه‌گر دلارهای تجاری یا کوپن را ایجاد کرده‌اند که ممکن است برای تحصیل کالاها و خدمات دیگر مورد استفاده قرار گیرد. این دلارهای تجاری در یک دوره زمانی محدود به کار می‌رود بنابراین داراییهای که قرار است با استفاده از دلار تجاری خریداری شود، در زمان معاوضه مشخص نیست.

این بیانیه تصریح کرده است که در مبادلات غیرپولی داراییهای غیرمشابه، قیمت بازار آن

13. Accounting Principles Board (APB)

14. Accounting For Nonmonetary Transactions.

دارایی که قابل اتکاتر است مورد استفاده قرار گیرد. وقتی صحبت از معاوضه کالاها یا خدمات با استفاده از دلار تجاری در میان باشد، دارایی قابل اتکاتر، کالاها یا خدمات واگذار شده خواهد بود. که به دنبال آن مشکل بعدی یعنی تعیین قیمت بازار کالاها و خدمات مزبور مطرح می‌شود. وقتی بتوان کالاها و خدمات را از کانالهای عمومی و به قیمت‌های طبیعی تهیه کرد. معاوضه کالا مورد پیدا نمی‌کند و لذا نباید قیمت فروش کالاها و خدمات در بازار اولیه<sup>۱۵</sup> به عنوان ارزش بازار مورد استفاده قرار گیرد. تعیین ارزش بازار باید بر مبنای قیمت فروش کالاها و خدمات در بازار ثانویه<sup>۱۶</sup> باشد.

مشکل دیگر برای شناسایی سود یا زیان ناشی از معاوضه پیش می‌آید. نکته مهم این است که آیا مبادله به صورت یک فعالیت که گذشت زمان آن را به دو جزء (فروش کالاها یا خدمات توسط یک شرکت و دریافت کالاها و خدمات دیگری) تفکیک می‌کند، در نظر گرفته می‌شود یا خیر؟

شق دیگر این است که مبادله را به صورت دو فعالیت جداگانه در نظر بگیریم؛ که فعالیت اول معاوضه کالاها و خدمات در ازای اعتبار تجاری و فعالیت دوم دریافت کالاها و خدماتی دیگر با استفاده از اعتبار تجاری است.

کسانی که تصور می‌کنند این نوع معاوضه خود یک فعالیت است، ممکن است شناسایی هرگونه سود یا زیان را تا زمان استفاده از دلارهای تجاری به تعویق بیندازند. طرفداران این وضعیت به

15. Primary Market.

16. Secondary Market.

عنوان دلیل به بولتن 10 - 87 EITF<sup>۱۷</sup> اشاره می‌کنند. این بولتن توصیه کرده است که اتحادیه‌های تلویزیونی برای زمان تبلیغاتی در معاوضه‌ها درآمد شناسایی نکنند، مگر آنکه توافقنامه غیرقابل فسخ برای فروش اوقات تجاری بسته شده باشد.

ولی ما اعتقاد داریم که مبادله کالاها و خدمات در ازای اعتبار تجاری، باید به عنوان مبادله‌ای غیرپولی در نظر گرفته شود. بنابراین هرگونه سود یا زیان ناشی از اختلاف بین ارزش بازار داراییها (در بازار ثانویه) و ارزش دفتری آن، باید بلافاصله شناسایی شود، به شرط آنکه فرایند کسب سود اساساً تکمیل شده باشد. کوتاهی در استفاده از دلارهای تجاری در طی دوره زمانی مشخص شده نشانه ضعف مدیریت است که منجر به بی‌اعتباری دلارهای تجاری شده است و لذا این زیان باید در دوره‌ای که دلارهای تجاری منقضی شده است انعکاس یابد.

وقتی کالاها و خدمات در ازای دلارهای تجاری معاوضه می‌شود، حق الزحمه معاوضه نیز باید منظور شود. این حق الزحمه باید به عنوان هزینه فروش ثبت شود.

وقتی دلارهای تجاری برای تحصیل کالاها یا خدمات از شرکت معاوضه‌گر (یا از طریق شرکت معاوضه‌گر) مورد استفاده قرار می‌گیرد، کالاها یا خدمات تحصیل شده باید به ارزش دفتری دلارهای تجاری بعلاوه هرگونه وجه نقد پرداختی ثبت شود. علاوه بر دلارهای تجاری مبلغی به ورق بزنید

17. Emerging Issues Task Force (EITF), Issue Number 87-10, «Income Recognition by Television 'Barter' Syndicators,» May 21, 1987.



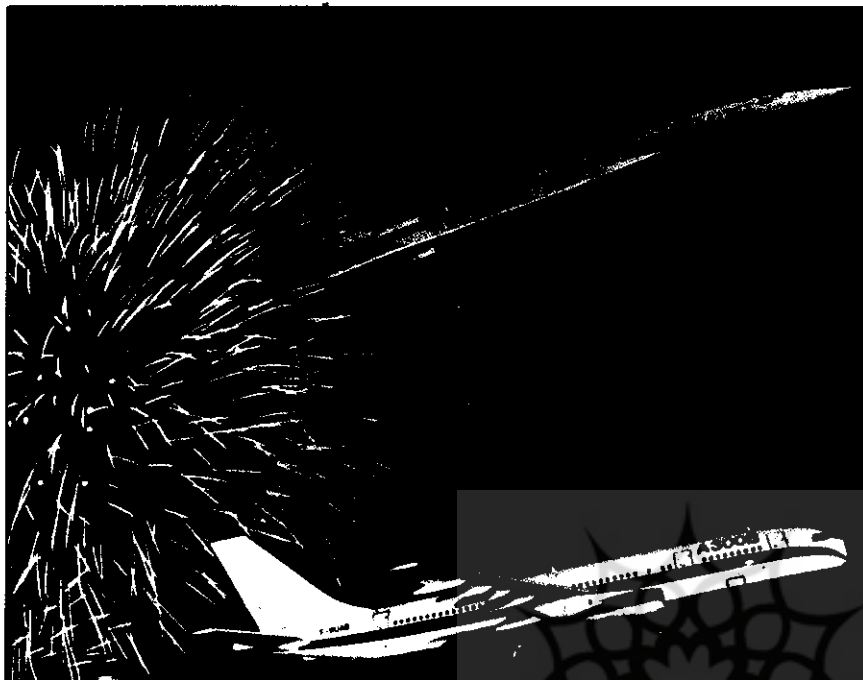
عنوان حق الزحمه معاوضه نیز باید به شکل دلار واقعی پرداخت شود که در حسابداری به عنوان بخشی از بهای تمام شده کالاها یا خدمات تحصیل شده ثبت می شود.

## تشریح حسابداری معاوضات کالا

مشکلات مطرح شده با دونمونه در زیر تشریح شده است. در نمونه اول شرکت «مانیو فکچرینگ» موجودی کالای مازاد خود را در ازای اعتبار تجاری همراه با حق الزحمه مبادله به شرکت کلیرینگ هاوس (شرکتی که به شکل تهاتری عمل می کند) می فروشد. سپس شرکت مانیو فکچرینگ از اعتبار تجاری برای خرید اثاثیه مورد نیاز خود از شرکت کلیرینگ هاوس استفاده می کند.

در نمونه دوم، شرکت هواپیمایی فلای می بلیتهای اضافی خود را به شرکت بروکر (شرکت معاوضه گری که به شکل واسطه ای عمل می کند) در ازای اعتبار تجاری همراه با حق الزحمه معاوضه می فروشد. سپس شرکت هواپیمایی فلای می از امکانات شرکت بروکر برای خرید کامیون استفاده می کند که بخشی از وجه آن را به شکل دلار واقعی و بخشی را به شکل دلار تجاری می پردازد. در این مورد شرکت هواپیمایی ابتدا مناسبترین قیمتی را که می تواند برای کامیون پیدا کند تعیین می کند و سپس شرکت بروکر کامیون را به قیمتی نازلتر تهیه کرده به شرکت هواپیمایی می فروشد.

■ **نمونه اول.** شرکت مانیو فکچرینگ نوعی سیستم ایمنی تولید می کند که آن را از طریق کانالهای عمده فروشی، توزیع می نماید. در حال حاضر این شرکت موجودیهای اضافه ای در اختیار دارد که ارزش دفتری آن ۲۰۰۰۰ دلار است ولی معمولاً در بازار عمده فروشی به قیمت ۶۰۰۰۰ دلار به فروش می رود. در حال حاضر شرکت مانیو فکچرینگ قادر نیست این موجودیها



اول مه ۱۹۹۰	دلار تجاری	۳۰۰۰۰۰
	هزینه فروش	۱۲۰۰۰
	درآمد	۳۰۰۰۰۰
	وجه نقد	۱۲۰۰۰
	بهای تمام شده کالای فروش رفته	۲۰۰۰۰۰
	موجودی کالا	۲۰۰۰۰۰
رقم ۳۰۰۰۰۰ دلار در ثبت بالا متکی به ارزش موجودیها در بازار ثانویه است.		
اول ژوئیه ۱۹۹۰	اثاثه	۲۸۰۸۰۰
	دلار تجاری	۲۷۰۰۰۰
	وجه نقد	۱۰۸۰۰
رقم ۲۷۰۰۰۰ دلار بیانگر ۹۰ درصد (۶۰۰۰۰۰ : ۵۴۰۰۰۰) ارزش دفتری دلارهای تجاری است.		
اول ماه مه ۱۹۹۳	زیان حاصل از دلارهای تجاری	۳۰۰۰۰
	دلار تجاری	۳۰۰۰۰
زیان دلار تجاری به مبلغ ۳۰۰۰۰ دلار معرف بی ارزش شدن ۶۰۰۰۰ دلار تجاری است.		

را به قیمتی بهتر از ۳۰۰۰۰۰ دلار بفروشد. در اول ماه مه ۱۹۹۰ شرکت کلیرینگ هاوس این سیستمهای ایمنی را به قیمت ۶۰۰۰۰۰ دلار می خرد و وجه آن را به شکل اعتبار تجاری می پردازد. اما شرکت مانیو فکچرینگ باید حق الزحمه ای معادل ۱۲۰۰۰ دلار رسمی نیز

پرداخت کند.

در اول ژوئیه همان سال، شرکت مانیو فکچرینگ اثاثیه‌ای که قیمت اولیه آن ۵۴۰۰۰۰ دلار است را از شرکت کلیرینگ هاوس به قیمت ۵۴۰۰۰۰ دلار می‌خرد که وجه آن را به شکل دلار تجاری پرداخت می‌کند. علاوه بر این شرکت مانیو فکچرینگ مبلغ ۱۰۸۰۰ دلار واقعی نیز بابت حق الزحمه مبادله به شرکت کلیرینگ هاوس پرداخت می‌کند.

در اول ماه مه ۱۹۹۳، ۶۰۰۰۰ دلار تجاری باقیمانده نزد شرکت مانیو فکچرینگ به دلیل آنکه در طی دوره سه ساله مورد استفاده قرار نگرفتند بی ارزش می‌شود.

این فعالیتها در دفاتر شرکت مانیو فکچرینگ به شکل زیر ثبت خواهد شد:

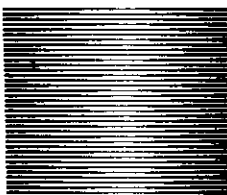
اول آوریل ۱۹۹۰	دلار تجاری	۳۰۰۰۰
	هزینه فروش	۱۹۲۰
	درآمد بلیت	۳۰۰۰۰
	وجه نقد	۱۹۲۰
مبلغ ۳۰۰۰۰ دلار درآمد بلیت، نشاندهنده ارزش بازار بلیت در بازار ثانویه است.		
۱۵ ماه مه ۱۹۹۰	کامیون	۳۸۲۰۰
	وجه نقد	۳۳۲۰۰
	دلار تجاری	۵۰۰۰



**نمونه دوم.** شرکت هواپیمایی فلائی می هنوز ۱۰۰ بلیت توریستی از پرواز پانزدهم ماه مه به مقصد پاریس را نفروخته است. قیمت معمولی هر بلیت ۴۸۰ دلار و قیمت آن با کسری تخفیف ۳۰ دلار است. شرکت بروکر بلیتهای مذکور را در اول آوریل (۱/۵ ماه قبل از پرواز) به مبلغ ۴۸۰۰۰ دلار می‌خرد و وجه آن را به شکل دلار تجاری می‌پردازد. اما شرکت فلائی می مبلغ ۱۹۲۰ دلار واقعی را نقداً بابت حق الزحمه شرکت بروکر به او می‌پردازد.

شرکت فلائی می به نوعی کامیون نیز نیاز دارد که می‌تواند آن را از منابع معمولی به مبلغ ۴۰۰۰۰ دلار بخرد. اما شرکت بروکر به دلیل امکاناتی که در اختیار دارد می‌تواند کامیون را به قیمت ۳۳۰۰۰ دلار تهیه کند. شرکت بروکر کامیون مزبور را تهیه می‌کند و به مبلغ ۴۰۰۰۰ دلار به شرکت فلائی می می‌فروشد که ۳۳۰۰۰ دلار آن را به شکل دلار واقعی و بقیه آن یعنی ۸۰۰۰ دلار را به شکل دلار تجاری از آن شرکت دریافت می‌کند. علاوه بر این شرکت بروکر مجدداً حق الزحمه‌ای به مبلغ ۱۲۰۰ دلار واقعی دریافت می‌کند. این فعالیتها در دفاتر شرکت هواپیمایی فلائی می به شکل زیر ثبت می‌شود:

بهای تمام شده کامیون به مبلغ ۳۸۲۰۰ دلار بیانگر ارزش دفتری دلارهای تجاری بعلاوه وجه نقد پرداختی (شامل حق الزحمه مبادله) است. کاربرد معاوضه توسط شرکتهای کوچک و بزرگ گسترش می‌یابد. ممکن است معاوضه مزایای زیادی داشته باشد، اما باید دقت کرد که ثبتهای حسابداری نتایج اقتصادی فعالیتهای مختلف را منعکس کند.



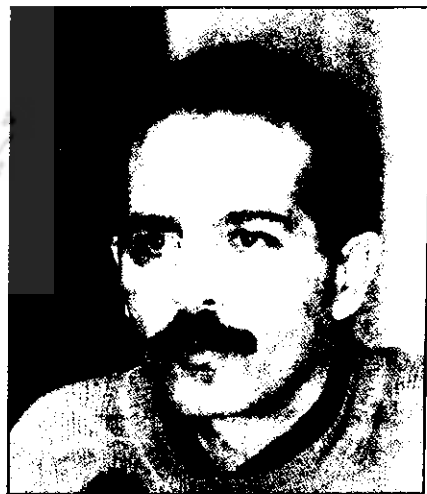


# افسون «پول باوری» و افسانه «نقدینگی» در ایران\*



## کمال اطهاری

✦ متن حاضر، سخنرانی ارائه شده در سمینار «مدیریت، برنامه‌ریزی و کنترل وجوه نقد» است. جنبه آسیب‌شناختی اجتماعی مهم این سخنرانی و ضرورت طرح چنین مسائلی که با مشکلات و ناهمواریهای اجتماعی و دسته‌جمعی سروکار دارد، ما را بر آن داشت که از نظر ارتباط زمینه این آسیب با حرفه حسابداری و حسابرسی به نقل آن در این شماره بپردازیم هرچند که پیشتر، به همین دلایل در مجله محترم ایران فردا نیز به چاپ رسیده است، اما باکی نیست چرا که هرچه طنین چنین صداهایی گسترده‌تر باشد امید به کارایی تلاشهای اندیشمندان نیز بیشتر خواهد بود. بویژه که خوانندگان نشریات تخصصی و عمومی را تداخلی در یکدیگر نیست.



### مقدمه:

از ابتدای دهه ۱۹۸۰، «پول باوری» اندیشه مسلط اقتصادی در جهان شد.

تمام مصائب اقتصادی، توقف رشد، تورم و... گشته است.

در ایران نیز بعد از پایان جنگ، از سال ۱۳۶۸ یعنی در انتهای دهه ۱۹۸۰ (یسا با فاصله‌ای ده‌ساله)، سلطه پول باوری آغاز شد. صفحات نشریات و روزنامه‌ها مملو از نوشته‌هایی گشت که در آنها مسئولان یا کارشناسان، ضمن

در این دهه دولت مقصری بزرگ شناخته شد؛ تقصیرکاری که با دخالت بیجا در امور اقتصادی، یا ممانعت از عملکرد «دست نامرئی» بازار (از طریق شرکت مستقیم در تولید)، وضع مقررات اقتصادی و حمایت گمرکی، بالا نگه داشتن ارزش پول و بالاخره کسر بودجه و عرضه بیش از حد پول، موجب



پوشیدن لباس فاخر به کسی فرزاندگی نمی‌بخشد، یا در برداشتن لباسی مندرس مانع فرزاندگی نیست و عیب و هنر هر کس به زودی آشکار می‌شود، سیاست پولی و ارزی مطلوب نیز، پرده ستر مشکلات ساختاری و سیاستهای نادرست، در بخش واقعی اقتصاد نیست و اگر سیاستهای اخیر صحیح باشد، سیاستهای نادرست پولی تنها اثری مقطعی و سطحی خواهد داشت.

همچنین، هرچند که هیچ نظامی بهتر از قیمت و بازار نمی‌تواند نقائص توزیع منابع را نشان دهد - همانند بنای سست بنیادی که به صدای آژیر از تخریب، در هنگام سیل یا زلزله، نجات نمی‌یابد اکتفا به آزادسازی قیمتها، بر روی ساختاری که به نادرستی برنامه‌ریزی و طراحی شده باشد، همچون پرداختن به «نقش ایوان» خواهد بود.

در ایران، خوشبختانه یا بدبختانه، خیلی زود کاستیهای اکتفا به سیاست‌های پولی و ارزی، آن‌هم به طریق «شوک درمانی»، آشکار شد. اقتصاد ایران، با تکیه بر دست نامرئی بازار و یله‌دادن به جریان خود به خودی آن (یا به قول پول‌باوران «جریان طبیعی» امور)، به جای به پیروی از برنامه ترتیب یافته آن، خیلی سریع به بن‌بست رسید. بن‌بستی که نشانه آن، نزول یا نابسندگی سرمایه‌گذاری ناخالص، پس‌انداز خالص، مصرف و... از یک سو، و افزایش بهای ارز از سوی دیگر است. بدین سان منابع و نقدینگی موجود نه تنها ورق بزیند



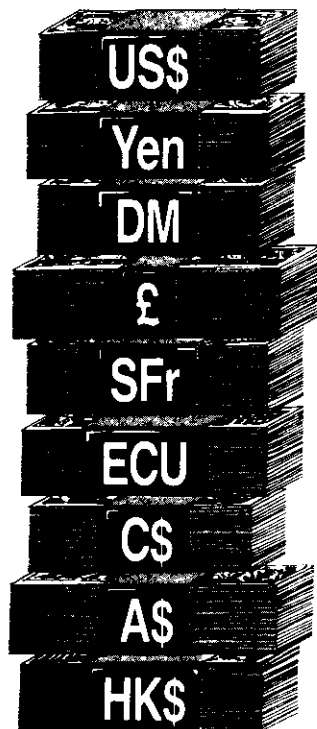
موجب آسیبهای شدید و بر باد رفتن فاجعه آمیز یک دهه شده است.

اکنون جهان بعد از یک دهه تجربه «پول‌باوری»، به خوبی به نقاط ضعف آن آگاه شده است و اگر مسئولان در دست کشیدن از این باور، همچون اعتقاد یافتن به آن، تأخیر بورزند دیگر اقتصادی برای گفتگو باقی نخواهد ماند.

به یقین، ساده کردن یا تقلیل اقتصاد به پول نادرست است و هدایت «بخش پولی» اقتصاد برای عملکرد مطلوب «بخش واقعی» آن، یعنی تولید، توزیع، مصرف، صادرات کالاها، خدمات و امور مالی کافی نیست... «بخش پولی» تنها ظرف و صورتی برای محتوا و ماهیت تولید، توزیع کالاها، خدمات و امور مالی محسوب می‌شود. البته این ظرف باید توانایی حمل و نگاهداری محتوا را داشته باشد. اما همان‌طور که

برشمردن مضار حضور و دخالت دولت در اقتصاد و ذکر مزایا و مناقب فعالیت بخش خصوصی؛ همگی رابطه بی‌چون و چرای افزایش حجم نقدینگی و تورم را گوشزد می‌کردند و در نسخه‌های شفاف‌بخشان، کم شدن هزینه دولت، عرضه پول و آزادسازی قیمتها را برای رساندن کشتی شکسته اقتصاد به ساحل نجات تجویز می‌کردند.

آخرین توصیه از این دست نیز، استفاده از عصای معجزه‌آسای تک‌نرخ شدن و حتی شناور شدن ارز بود که مجموعه اوراد «پول‌باوری» را تکمیل می‌کرد. اما اقتصاد در همین چند ورد سحرآمیز خلاصه نمی‌شود. ثنوری و تجربه اقتصادی در جهان نشان می‌دهد که اکتفا به اوراد مذکور، چنانچه در کشورهای توسعه‌یافته تنها زبان بار بوده باشد، در کشورهای توسعه‌یافته،



۱۳۶۸-۷۰، نمی توانست آثار منفی جانبی در بعضی زمینه‌ها نظیر روند قیمت‌ها و پرداخت‌های خارجی کشور بر جای نهاده باشد.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر، این دستگاه پولی کشور اعتقاد دارد که رشد اقتصاد و تولید کشور، آن‌چنان بوده است که بدهی ۳۰ میلیارد دلاری و تورم حدود ۳۰ درصدی را توجیه می‌کند. برای سنجش این ادعا، می‌توان آمار و اطلاعاتی از حساب‌های ملی ایران را که بانک مرکزی تاکنون منتشر کرده است، بررسی نمود. طبق این آمار، تولید ناخالص داخلی ایران (به قیمت عوامل و ثابت ۱۳۶۱) در سال ۱۳۷۱ نسبت به سال ۱۳۶۱ حدود ۲۱/۶ درصد و نسبت به سال ۱۳۶۴ تنها ۸/۳ درصد افزایش یافته است. در حالی که جمعیت ایران در سال ۱۳۷۱، نسبت به سال‌های مذکور، به ترتیب ۳۳/۷ درصد و ۱۹/۷ درصد افزون شده است. (ذکر ارقام سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۴، در این جا به این دلیل است که به دنبال یک دوره نزول شدید تولید ناخالص بعد از انقلاب و محاصره اقتصادی، رشد تولید ناخالص در سال ۱۳۶۱ آغاز شد و تا سال ۱۳۶۴ یعنی ۴ سال ادامه یافت. شبیه سال ۱۳۶۸ که بعد از نزول شدید

کفاف سرمایه‌گذاری را نمی‌دهد، بلکه حتی، برای خرید مواد اولیه از خارج نیز نابسند است و بر این معضلات، لزوم بازپرداخت دیون سنگین خارجی را هنگام پایین آمدن درآمد نفت باید افزود.

از نظر نگارنده، مشکلات کنونی اقتصاد ایران و از آن جمله بحران نقدینگی، ناشی از سه عامل ساختاری (یعنی)، سلطه «پول باوری» بر اندیشه مسئولان به ویژه دستگاه پولی (ذهنی) و مدیریتی (عملی) است. در این مقاله، در اساس، به عامل دوم یا سلطه «پول باوری» پرداخته خواهد شد؛ با این قصد که آشکار گردد چگونه، بالا بودن حجم نقدینگی و هزینه‌های دولت، به صورت افسون و افسانه‌ای برای پوشاندن واقعیت عدم برخورد صحیح و شایسته مسائل ساختاری و مدیریتی اقتصاد ایران درآمده است. هرچند که اخیراً مسئولان دولتی از ایراد چنین سخنانی ابراز ناخرسندی کرده‌اند، اما از آنجا که ادامه سلطه «پول باوری» اقتصاد ایران را به سرایش سقوطی چون کشورهای آمریکای لاتین و اروپای شرقی با تورم سه رقمی خواهد انداخت، چاره‌ای جز این گفتار نیست.

## بهای بسیار برای هیچ

در پاییز سال ۱۳۷۲، در نشریه علمی و تخصصی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش یکی از ادارات آن، چنین آمده است: «عملکرد مثبت اقتصاد و رشد قابل توجه تولید در دوره

۱- اداره حساب‌های اقتصاد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نشریه روند، شماره ۱۰ و ۱۱ پاییز و زمستان سال ۱۳۷۱، ص ۱۶. لازم به ذکر است که آمار این نشریه تا نیمه اول سال ۱۳۷۲ را دربر می‌گیرد، به عبارت دیگر این نشریه نه در انتهای سال ۱۳۷۱ بلکه در نیمه دوم سال ۱۳۷۲ یعنی در آستانه افزایش شدید بهای دلار منتشر شده است.

تولید ناخالص به دلیل شدت جنگ تحمیلی، رشد تولید ناخالص آغاز گشته و تا سال ۱۳۷۱ به مدت همان ۴ سال ادامه داشته است، با این تفاوت که در آن دوره کشور در جنگ تحمیلی گرفتار بوده است.)

به عبارت دیگر، آنچه «عملکرد مثبت اقتصاد و رشد قابل توجه تولید» نامیده می‌شود. به هیچ وجه با دورانی که کشور در جنگ به سر می‌برده است، قابل مقایسه نیست، چه در واقع تولید نه تنها افزایش نیافته، بلکه تولید ناخالص سرانه از ۲۴۱/۵ در سال ۱۳۶۱ و ۲۴۲/۸ در سال ۱۳۶۴ به ۲۱۹/۷ در سال ۱۳۷۱ پایین آمده است. این کاهش را باید عمدتاً ناشی از کاهش بهره‌وری تولید دانست؛ زیرا طی این مدت اگر

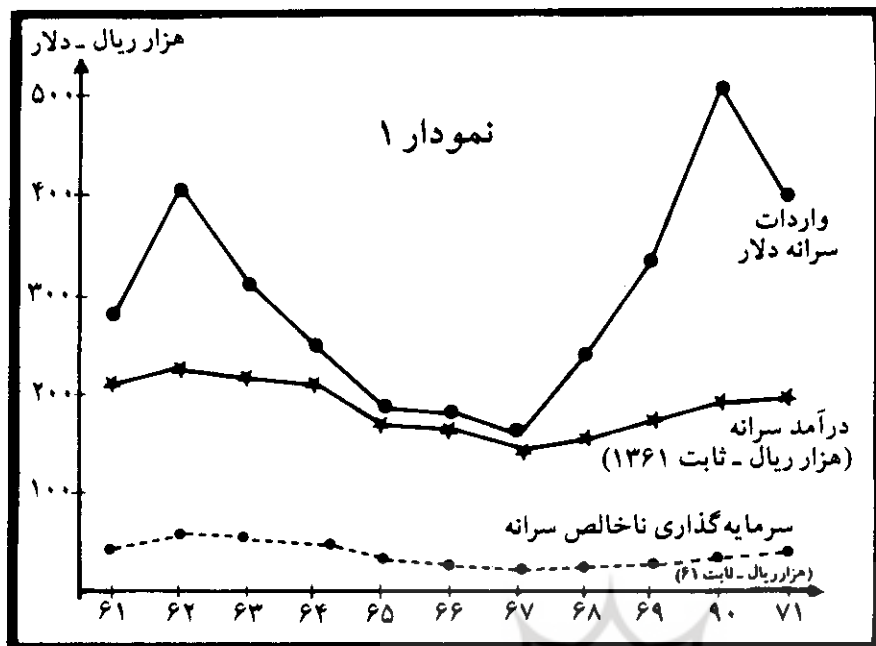
بهره‌وری تولید ثابت مانده بود، تولید ناخالص می‌بایست در حدود افزایش جسمیت افزون می‌گشت و تولید ناخالص سرانه و در نتیجه درآمد سرانه کاسته نمی‌شد.

از سوی دیگر، همان‌طور که نمودار یک نشان می‌دهد، واردات سرانه کشور در دوره ۱۳۶۸ - ۷۱ نسبت به دوره ۱۳۶۱ - ۶۴ نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش هم پیدا کرده است.

طبق نمودار، شاخص کالاهای وارداتی (قبل از ترخیص) در سالهای ۱۳۶۱ - ۷۱ تنها ۱۲ درصد افزایش یافته است. این موضوع دو واقعیت دردناک را به‌رخ مسئولان اقتصادی کشور می‌کشاند: نخست این که، کاهش بهره‌وری تولید در ایران نسبت به دوران جنگ، در حالی که واردات سرانه بیشتر یا حداقل مساوی آن دوره بوده، به‌هیچ وجه قابل قبول نیست. دوم این که، پس از یک دوران طولانی، چگونه ساختار اقتصادی ایران چنان بدون تغییر وابسته مانده است که امکان افزایش تولید را، حتی با اقلام بیدریغ واردات ندارد.

در این جا ممکن است گفته شود که واردات سرانه مذکور عمدتاً سرمایه‌گذاری شده، مستقیماً به جریان تولید وارد نگشته است و ثمرات آن در آینده آشکار خواهد شد.

همچنین در همان گزارش آمده است: «طی دوره مورد اشاره، دولت هزینه‌های سنگینی را برای اجرای پروژه‌های غیرانتفاعی متحمل شد و این امر بالطبع آثار منفی خود را در سیر بی‌رویه قیمت‌ها و فشار بر تراز پرداختهای



بسیار و سنگینی در تقابل با هیچ نپرداخته است؟

### افسون «پول باوری»

یکی از اوراد پول باوری این است که دخالت بیشتر از حد دولت در اقتصاد و هزینه‌های آن، باعث ایجاد تمام بحرانهای اقتصادی از بدو تشکیل دولت و بویژه در سرمایه‌داری معاصر بوده است! در برداشتی کلیشه‌ای از این باور، بسیاری در کشورهای توسعه یافته، ناگهان به‌گونه‌ای افسون شده از کردار اقتصادی دولت پشیمان و خواهان محدودیت آن شدند.

این باور را در همان گزارش بخوبی می‌توان ملاحظه کرد: «حجم عظیم عملیات عمرانی دولت، خصوصاً در

ورق بزنید

خارجی کشور بر جانهاد.» اما همان‌طور که نمودار یک نشان می‌دهد، تشکیل سرمایه ناخالص سرانه کشور نیز در دوره ۱۳۶۸ - ۷۱ کمتر از دوره ۱۳۶۱ - ۶۴ بوده است. در واقع بیشترین رقم سرمایه‌گذاری ناخالص در دوره پس از جنگ، در سال ۱۳۷۱ و به میزان  $2081/2$  میلیارد ریال بوده، که بالغ بر  $18/8$  درصد از بیشترین رقم آن در دوره جنگی یعنی در سال ۱۳۶۳ و به میزان  $2562/2$  میلیارد ریال (هر دو رقم به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱) کمتر است. در حالی که مطابق نمودار، واردات سرانه در سال ۱۳۷۱ بیشتر از سال ۱۳۶۱ بوده است.

بدین ترتیب، آیا جامعه با چنین رشد و سرمایه‌گذاری اندک و ناکافی، در مقابل بدهی ۳۰ میلیارد دلاری و تورم روزافزون پس از جنگ با توجه به این که طی جنگ نیز بدهی نداشت - بهای

جدول ۱ - نسبت هزینه‌های دولتی به درآمد ملی در کشورهای توسعه یافته در سالهای ۱۸۸۰ - ۱۹۸۵

ایالات متحد	انگلستان	سوئد	ژاپن	آلمان فدرال	فرانسه	
۸	۱۰	۶*	۱۱*	۱۰*	۱۵	۱۸۸۰
۱۰	۲۴	۸*	۱۹	۳۱	۱۹	۱۹۲۹
۳۷	۴۸	۶۵	۳۳	۴۷	۵۲	۱۹۸۵

\* تنها دولت مرکزی.  
مأخذ: شماره ۴

جدول ۲ - مشخصات نسبت هزینه‌ها و مصرف دولتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته سال ۱۹۸۶

میان درآمد بالا	میان درآمد پایین	کم درآمد		
۲۷	۲۷	۲۳	میان	
۷-۷۲	۸-۵۶	۹-۴۲	نسبت هزینه دولتی	دامنه
۱۷	۲۵	۱۷	تعداد نمونه	
۱۴	۱۴	۱۳	میان	
۸-۳۱	۷-۴۵	۷-۳۵	نسبت مصرف دولتی	دامنه
۱۷	۳۲	۳۱	تعداد نمونه	

مأخذ: شماره ۴

جدول ۳ - نسبت هزینه‌ها و مصرف دولتی \* به تولید ناخالص داخلی در ایران ۷۱ - ۱۳۵۳ (جاری)

۱۳۷۱	۱۳۶۹	۱۳۶۴	۱۳۶۱	۱۳۵۶	۱۳۵۳
۱۹/۶	۱۸/۲	۲۴/۴	۲۸/۱	۳۹/۷	۳۱/۸
۱۱/۸	۱۱/۱	۱۵/۵	۱۸/۱	۲۱/۰	۲۱/۲

\* هزینه‌های دولتی شامل مجموعه هزینه‌های مصرفی و تشکیل سرمایه دولت، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی.

مأخذ: آمارهای مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پروژه‌های غیرانتفاعی و اجتماعی را باید از جمله دلایل عمده در ایجاد عدم تعادل مالی، فشار بر قیمت کالاها و عوامل تولید در اقتصاد و کشور تلقی نمود. علی‌رغم نقش ساختاری پروژه‌های غیرانتفاعی و اجتماعی دولت و هزینه‌های سنگین اجرای این پروژه‌ها، سرمایه‌گذاری در این گونه طرحها بازده معقول و متناسب با حجم سرمایه‌گذاری را برای دولت ندارد... بدیهی است که این وضعیت نمی‌توانست در درازمدت ادامه داشته باشد و ضرورت داشت که هرچه سریعتر، اقدامات مقتضی از جانب دولت، در جهت محدودیت تقاضا و تقلیل فشار بر تراز پرداختهای خارجی کشور، اتخاذ شود»<sup>۲</sup>

اما واقعیت غیر از این است. در جدول ۱، نسبت هزینه‌های دولتی به درآمد ملی در کشورهای توسعه یافته، ارائه شده است. در این جدول، به وضوح آشکار است که توسعه یافتگی و بالا رفتن نسبت هزینه‌های دولت به درآمد ملی، نه رابطه معکوس بلکه مستقیم دارند. برای مثال، نسبت مذکور در فرانسه در سال ۱۸۸۰ حدود ۱۵ درصد، در سال ۱۹۲۹ برابر ۱۹ درصد و در سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۵۲ درصد بوده است. همچنین در ایالات متحد به عنوان یکی از پیشگامان اجرای سیاستهای «پول‌باوری» نسبت هزینه‌های دولتی به درآمد ملی در سالهای مذکور به ترتیب ۸، ۱۰ و ۳۷ درصد بوده است. درخور

۲ - پیشین.

۳ - پیشین.

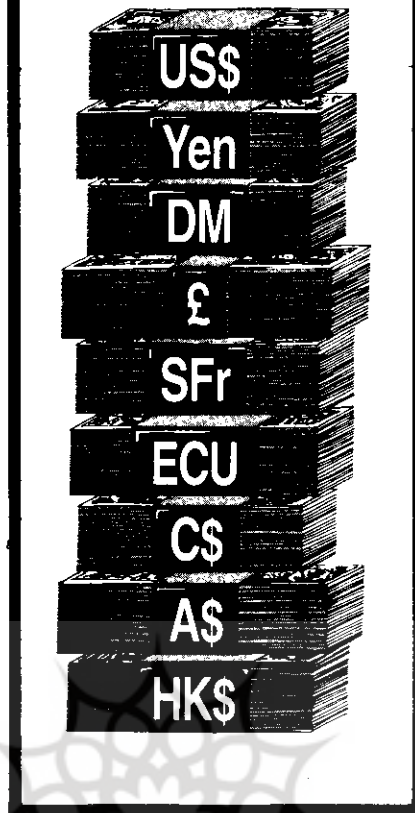
توجه است که عمده افزایش نه‌هزینه‌های نظامی بلکه هزینه‌های انتفاعی است؛ یعنی نه تنها در درازمدت نباید هزینه‌های دولت ایران کم شود، بلکه مقدار و حتی نسبت آن باید افزوده گردد.

در جدول ۲، میانگین نسبت هزینه دولتی به تولید ناخالص دولتی، در کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۸۶ ارائه شده است. در این جدول مشاهده

می شود که در نیمی از کشورهای توسعه یافته کم درآمد، نسبت هزینه دولتی بیشتر از ۲۳ درصد و مصرف دولتی بیشتر از ۱۳ درصد است؛ این نسبتها برای میان درآمدهای پایین و بالا به ترتیب ۲۷ و ۱۴ درصد بوده است.

در جدول (۳)، نسبت هزینه و مصرف دولتی در ایران به تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری) در سالهای مختلف آمده است. هزینه دولتی شامل تمام هزینه های سرمایه گذاری، مصرف بخش دولتی، شرکتهای دولتی، شهرداریها و سازمان تأمین اجتماعی می شود و هزینه مصرفی فقط هزینه های جاری آنهاست. همان طور که مشاهده می شود، در سال ۱۳۷۱ نسبت هزینه ها و مصرف دولتی به تولید ناخالص داخلی در ایران، به ترتیب ۱۹/۶ و ۱۱/۸ درصد بوده است که از غالب کشورهای جهان سوم از کم درآمد گرفته تا میان درآمد بالا، کمتر است. پس ادعای اداره مذکور، در مورد هزینه های سنگین دولتی و آثار آن بر عدم تعادلها، به هیچ وجه درست نیست. علاوه بر این، هزینه های دولتی در ایران نسبت به گذشته به طور مداوم کاسته شده است و این وضعیت در مورد تشکیل سرمایه دولتی نسبت به تولید ناخالص داخلی نیز صدق می کند. به طوری که نسبت هزینه های دولتی از ۳۹/۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۶، به ۱۹/۶ درصد در سال ۱۳۷۱ کاهش یافته و نسبت سرمایه گذاری دولتی از ۱۸/۷ درصد تولید ناخالص به ۷/۸ درصد آن نزول کرده است.

به عبارت دیگر، نقش واقعاً اقتصادی



یعنی نفت، می تواند ایجاد کننده فشار تورمی باشد. اما، هرچند کسر بودجه و اتکای بودجه به درآمد نفت به طور کلی ایجاد کننده فشار تورمی است، اندک بودن سهم و کاهش هزینه های دولتی و بورژوازی هزینه های مصرفی آن به تولید ناخالص، نشان می دهد که دلیل اصلی مشکلات اقتصادی ایران را باید جای دیگری جستجو کرد.

دولتهای کشورهای توسعه یافته مانند ایران، به دلیل عقب ماندگی ساختاری و زیربنایی کشور مجبورند و وظیفه دارند که در آماده سازی زیربنایی کشور، حضوری مستقیم داشته باشند. بدون ایجاد نیروگاهها، بندرها، راهها و راه آهن و بالاخره صنایع سنگین این کشورها نمی توانند در راه توسعه گام بردارند، حتی شرط فعالیت بخش خصوصی داخلی و حضور سرمایه خارجی نیز، وجود چنین زمینه های زیربنایی است. عمده فعالیت های زیربنایی و زیرساختی اقتصاد از توان بخش خصوصی، حتی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، خارج است. در نتیجه سرمایه گذاری دولتی در امور زیربنایی یا عمرانی، جایگاهی بدون جانشین در تشکیل سرمایه ملی دارد. به همین دلیل نیز در نظریه های توسعه که به وسیله نظریه پردازان سرمایه داری چون «روستو» ارائه شده است، تمرکز و شراکت فعال دولت در اقتصاد، شرطی برای شکستن چنبره عقب ماندگی است. از سوی دیگر، هر نوآموز متون اقتصادی نیز می داند که هزینه های زیربنایی در کوتاه مدت، یعنی تارسیدن و برق بزیند

دولت در اقتصاد ایران، از کشورهای توسعه یافته و به طور محسوسی از غالب کشورهای توسعه یافته و همچنین از گذشته خود ایران بسیار کمتر است. مسائل اقتصاد ایران، و از آن جمله تورم، نه از هزینه های دولت، بلکه از دیدگاهها و شیوه های اداره اقتصاد به وسیله دولت سرچشمه می گیرد.

یکی از بارزترین ضعف های دولت از لحاظ هزینه های خود، اتکاء به درآمد نفت و ناتوانی اش برای اخذ مالیات به اندازه کافی است. به عبارت دیگر، کسر بودجه دولت ایران از نسبت بالای هزینه هایش به تولید ناخالص به بار نمی آید، بلکه در اساس نبود نظام کارآمد مالیاتی موجب آن می گردد. تزریق مداوم بودجه دولت از منبعی بیرون از دایره تولید و توزیع کشور،



طرح عمرانی به مرحله بهره‌برداری، تورم‌زاست، اما در میان مدت یعنی با رسیدن طرح عمرانی به بهره‌برداری، با ازدیاد تولید و دامن زدن به تولیدات دیگر، اثر تورم‌زایی آن از بین می‌رود؛ از آن گذشته، بدون هزینه‌های زیربنایی، توسعه ممکن نیست. حال اگر در کشوری به دلیل مسائلی چون جنگ، دولت مجبور شود که برای به‌انجام رساندن طرح‌های عمرانی، از کسر بودجه استفاده کند موضوع فاجعه‌بار نیست، بلکه توصیه نیز می‌شود. چون هزینه‌های عمرانی دولت، اگر در کوتاه‌مدت تورم‌زا باشد، در میان و درازمدت ضد تورمی است. اما توقف فعالیتهای زیربنایی برای جلوگیری از کسربودجه و تورم، اگر هم در کوتاه‌مدت در مهار تورم موفق باشد که تجربه نشان می‌دهد چنین نیست<sup>۵</sup> در درازمدت به دلیل تنگناهای تولیدی، ناشی از عدم احداث نیروگاهها، راهها و غیره، به تورمهای شدیدتر می‌انجامد. پس چون افسوس‌شدگان نباید تکرار کرد که هزینه‌های دولت در ایران باعث عدم تعادلها و تورم بوده است، بلکه باید دید که چرا میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری انجام گرفته در ایران یا به مرحله تولید نمی‌رسد، یا نمی‌تواند زنجیره تولید را به گونه‌ای تکمیل کند که استقلال نسبی اقتصادی به دست آید.

4- Lindauer, David, L. Government & pending countries. The World Bank Research Observer, No. 1, (1992), PP. 59 - 78.

5 - Bruno, Michael, Crisis, Stabilization and Economic Reform, Clarendon Press, Oxford, 1993. PP. 42 - 49.

## افسانه نقدینگی

از زمانی که «اروینگ فیشر» در سال ۱۹۱۱ در کتاب خود به نام «قدرت خرید پول» «نظریه مقداری پول» را عرضه کرده تاکنون، عامه‌پسندترین توجیه تورم با تمسک به همین نظریه انجام گرفته است. البته بعد از انقلاب «کینزی» نظر مذکور تحت تأثیر تفسیر «کینز» از پول قرار گرفت؛ این تأثیر تا احیای دوباره نظریه مقداری پول به وسیله «پول‌باوران» ادامه داشت. اکنون تفسیرها یا نظریه‌های جدید یا هم «نهاد» آنها رایج گشته است. نظر مکتبهای اقتصادی درباره پولها هرچه باشد، اتحاد ساده‌ای که به وسیله «اروینگ فیشر» تعریف شده است، در همه آنها به نوعی طرح می‌شود. این اتحاد عبارت است از:

$$M \cdot V = P \cdot Y$$

که در آن M حجم پول، V سرعت گردش پول، Y حجم مبادلات یا درآمد و بالاخره P شاخص قیمتهاست. افسانه نقدینگی نیز از همین اتحاد سرچشمه می‌گیرد که در آن به دلیل فرض ثبات نسبی V و Y، بالارفتن نقدینگی (یا M) باعث افزایش P یا قیمتها می‌گردد و نوع پرداخته شده همین اتحاد، اساس استدلهای «پول باوران» را تشکیل می‌دهد.

اما آیا واقعاً تمام علم اقتصاد، شیوه اداره اقتصاد و مسائل توسعه اقتصادی در همین اتحاد ساده نظریه مقداری پول

خلاصه می‌شود؟ بدیهی است که هزاران دانشمند، نظریه پرداز، برنامه ریز، مدیر و... که در دولت و بنگاههای اقتصادی، دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی اقتصادی به امر خطیر ارائه نظریه‌ها، تدوین برنامه‌ها و اداره بنگاهها اشتغال دارند، به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند.

اما دستگاه پولی ایران، سخت معتقد است که پول و نقدینگی مسئله اصلی اقتصاد ماست: «در شرایط اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی و به‌ویژه اصلاح نرخ ارز و قیمتها، سیاستهای پولی می‌تواند نقش اصلی را در هدایت اقتصادی و جلوگیری از عوارض جنبی تعدیل اقتصادی، از جمله تورم، بالارفتن نرخ ارز، کسری موازنه پرداختها و تحلیل ذخایر ارزی کشور داشته باشد.» این وضعیت با توجه به روند فزاینده قیمتها، ضرورت اتکای بیش از پیش به سیاستهای پولی را مطرح می‌کند... تا با استفاده از کلیه ابزارهای سیاستهای پولی، نقدینگی جامعه تحت کنترل کامل قرار گیرد.»<sup>۶</sup>

به عبارت دیگر، این گمان وجود دارد که پول نوسنداری تمام رنجورهای اقتصادی، از تورم گرفته تا کسری موازنه پرداختها و خالی شدن ذخایر ارزی کشور است. اخیراً نیز مقام مسئول پولی کشور اعلام کرده است که تمامی متخصصان معتقدند که تنها مشکل ایران

۶ - مأخذ شماره ۱، دکتر ابراهیم شیبانی، نگامی به اقتصاد، ص ۸.  
۷ - پیشین ص ۱۲.

نقدینگی است.<sup>۸</sup>

در واقع نیز نقدینگی در ایران در ۱۵ سال اخیر رشدی سرسام‌آور داشته است. در سال ۱۳۵۸ نقدینگی ۳۵۵۰ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۱ حدود ۳۶۶۹۸ میلیارد ریال (یا بیش از ۱۰/۳ برابر سال ۵۸) بوده است. عده‌ای بی‌واسطه این افزایش نقدینگی را با افزایش قیمت‌ها مقایسه می‌کنند و از آنجا که شاخص آن در همین مدت حدود ۸/۶ برابر را نشان می‌دهد، نتیجه می‌گیرند که نقدینگی مشکل اساسی اقتصاد ایران است. این عده در همان اتحاد ساده نظریه مقداری پول هم، این نکته را در نظر نداشته‌اند که قیمت‌ها موقعی افزایش می‌یابد که مبادله کالاها و خدمات، یعنی تولید داخلی، ثابت مانده باشد، و اگر افزایش نقدینگی با برنامه‌ای سنجیده، به همراه یا برای افزایش تولید صورت گیرد، قیمت‌ها افزایش نخواهد یافت.

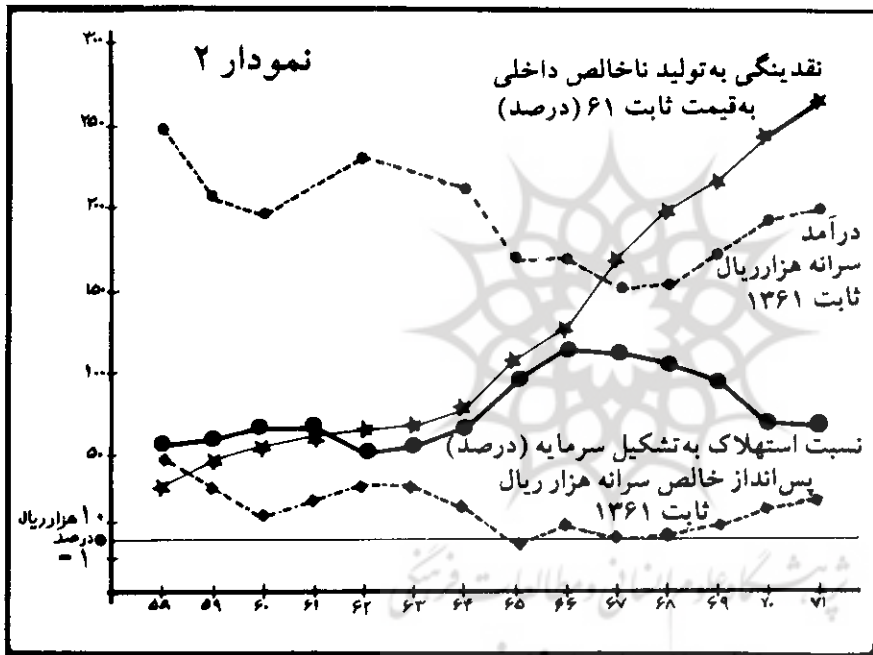
تجربه آلمان پس از جنگ نشان می‌دهد که در دوره ۱۹۴۸ - ۵۴، حجم پول نقد و سپرده‌های دیداری ۲/۴ برابر، و وام‌های کوتاه و درازمدت بانکی بیش از ۱۰ برابر شد، اما شاخص هزینه زندگی از ۱۱۲ به ۱۱۰ رسید.<sup>۹</sup> یعنی افزایش شدید نقدینگی و اعتبارات نه تنها افزایش هزینه زندگی را موجب نشد، بلکه شاخص هزینه زندگی،

۸ - هفته نامه جهان اقتصاد، شماره ۷۴ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷، از مصاحبه رئیس کل بانک مرکزی ایران با نشریه ایران تایمز.  
۹ - صمدی، سیدمادی. چگونگی بازسازی اقتصاد آلمان فدرال، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

به دلیل افزایش تولید در همین دوره، کاهش هم پیدا کرد.

اما در ایران تولید ناخالص داخلی در مدتی طولانی، یعنی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، فقط ۱۹/۲ درصد افزایش یافته و تولید سرانه در همین مدت کاسته شده است؛ در نتیجه هنگامی که به دلایل مختلف نقدینگی به بیش از ۱۰/۳ برابر می‌رسد، قیمت‌ها حدود ۸/۶ درصد افزون شده است.

قیمت‌ها در اصل افزوده نشدن برتولید است. از سوی دیگر منحنیهای دیگر نمودار ۲ نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در ایران، گذشته از آن که به طور کلی ناکافی است، از آنجا که بخش مهمی از آن فقط جایگزین ماشین‌آلات ساختمانهای فرسوده می‌شود؛ نمی‌تواند به اندازه کافی گسترش و بار تولید گسترده را موجب شود. میزان استهلاک سرمایه در دوران



در نمودار ۲ مشاهده می‌شود که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت  $(\frac{M}{Y})$  از حدود ۳۳/۶ درصد در سال ۱۳۵۸، به ۲۹۲ درصد در سال ۱۳۷۱ رسیده است؛ در همین دوره درآمد سرانه که می‌تواند خود نمادی از تولید سرانه و مصرف نیز باشد، از ۲۵۱ هزار ریال به ۱۹۷/۶ هزار ریال کاهش یافته است. در این‌جا به خوبی آشکار است که علت بالا رفتن

جنگ بیشتر از ۱۰۰ درصد و در سالهای اخیر نزدیک به ۷۰ درصد کل سرمایه ثابت را تشکیل می‌دهد. در نتیجه، پس‌انداز خالص سرانه در سال ۱۳۷۱، هنوز کمتر از سالهای ۱۳۶۴ به قبل بوده است و بدترین شاخص ملی ایران محسوب می‌شود؛ چون بیشترین نزول را بعد از انقلاب اعلام می‌کند. این شاخص، در واقع نشان می‌دهد که ورق بزیند

امکانات تولید آینده نیز چندان امیدوار کننده نیست.

برای سنجش رابطه افزایش تولید و افزایش قیمت‌ها می‌توان به نمودار ۳ رجوع کرد. در این نمودار تغییرات سالانه سه عامل نقدینگی، شاخص قیمت‌ها و تولید ناخالص داخلی با یکدیگر ترسیم شده‌اند همان‌طور که در این نمودار مشخص می‌شود، نوسانات تولید ناخالص، تغییرات شدید تورمی را بهتر از نقدینگی توضیح می‌دهد؛ یعنی هرکجا که تولید ناخالص رشد یافته، باعث کاهش چشمگیر نرخ تورم شده است. بویژه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱، تنها نوسانات رشد تولید ناخالص می‌تواند توضیح دهنده تورم باشد.

در رگرسیون ساده خطی بین نرخ تورم به‌عنوان متغیر وابسته و نرخ‌های تغییر تولید ناخالص و نقدینگی به‌عنوان متغیرهای مستقل در ایران، در دوره ۷۱ - ۱۳۵۸، مشخص شد که یک درصد رشد نقدینگی باعث افزایش ۰/۶۶ درصد در قیمت‌ها می‌شود، در همان هنگام اگر تولید ناخالص یک درصد رشد کند، ۰/۳۷ درصد از رشد قیمت‌ها می‌کاهد، اما اگر یک درصد نزول یابد، به‌همان میزان بر تورم می‌افزاید.

خواننده توجه دارد که این ضرایب در دوره‌ای به‌دست آمده است که طی آن نقدینگی بیش از ۱۰ برابر شده و تولید ناخالص تنها ۱۹/۲ درصد افزایش یافته است. یعنی حتی در این دوران بسیار دشوار نیز، افزایش تولید ناخالص می‌تواند بخش اعظم تورم حاصل از افزایش نقدینگی را خنثی کند.

به‌عبارت دیگر، مشکل اساسی اقتصاد ایران در ۱۵ سال اخیر، نه نقدینگی، بلکه استفاده نادرست از آن بوده است.

افزایش نقدینگی در ایران، به‌دلیل مسائل جنگ، محاصره اقتصادی و به‌طور کلی نیاز به فراهم آوردن امکانات زیربنایی در کشور و پاسخگویی به کاهش ارزش ریال اجتناب‌ناپذیر بوده است. اما این افزایش با برنامه سنجیده و مدیریت صحیح همراه نبوده و در نتیجه موجب تورم شدید گشته است. اگر مسئولان همچنان به افسانه نقدینگی باور داشته باشند و به این ارقام توجه و دقت نکنند به‌طور مثال در سالهای ۱۳۶۷ - ۷۰، با وجود کاهش تعداد کارکنان صنایع بزرگ به‌میزان هفتاد هزار نفر، و در نتیجه بالارفتن بهره‌وری کار در صنایع بزرگ، بهره‌وری تولید در آنها پایین آمده است<sup>۱۰</sup> یعنی به‌جای حل مسائل تولید، بازهم، اگر تنها مشکل اقتصاد ایران نقدینگی دانسته شود؛ اقتصاد که تحت تأثیر افسون پول‌باوران و افسانه نقدینگی، دچار مشکلات عدیده گشته است، در اثر کاهش درآمد سرانه، پس‌انداز سرانه و سرمایه‌گذاری سرانه، هم در چرخه باطل فقر گرفتار خواهد آمد و هم به تورم‌های سه‌رقمی، یعنی تورم ماهی ۳۰ درصد به‌جای سالی ۳۰ درصد، مبتلا خواهد شد. در این چرخه باطل، به‌دلیل رشد نیافتن کافی تولید، ارزش پول کاهش یافته، قیمت‌ها بالارفته و

۱۰ - مرکز آمار ایران. بررسی عملکرد کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور. گزیده مطالب آماری شماره ۳۵، مرداد ۱۳۷۲.

نیاز به نقدینگی بیشتر شده است، و در نتیجه تورم افزوده خواهد گشت.

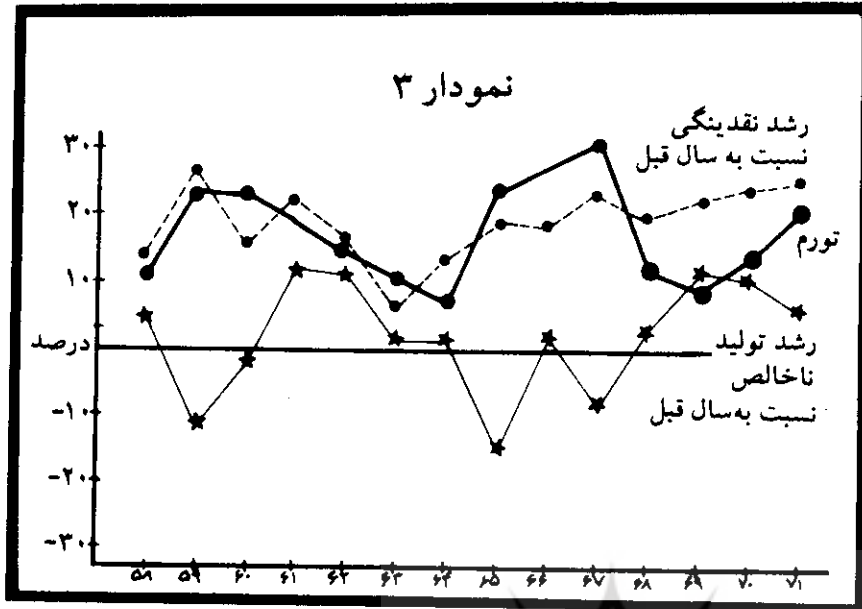
## چشم‌انداز آینده و نتیجه‌گیری

در سال ۱۳۶۷ یعنی سال پایانی جنگ تحمیلی، اقتصاد ایران در نقطه حسیض نزول و رکود به‌سر می‌برد. تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی نسبت به سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۴۸ درصد کاهش یافته و در همان حال نقدینگی ۷۴۸ درصد افزایش یافته بود. شدت تخریب جنگ باعث شده بود که پس‌انداز خالص ملی به‌میزان ۴۶/۹ میلیارد ریال منفی باشد، در حالی که این پس‌انداز در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۲۶۰۹/۲ میلیارد ریال بود.

بدین‌گونه، بدبختی است که ارزش ریال نسبت به پول کشورهای که در این مدت رشد اقتصادی داشته‌اند، پایین بیاید؛ چون در ایران؛ هر فرد کالایی کمتر و با بهره‌وری پایین‌تر تولید کرده است. همچنین، از آن‌جا که محاصره اقتصادی، جنگ، مسائل مدیریتی، قانونی و حقوقی مانع از آن شده بود که تولید همپای افزایش نقدینگی افزایش یابد، قیمت‌ها در ایران بسیار بیشتر از سطح جهانی آن افزایش پیدا کرده بود.

پس، به‌هیچ وجه امکان مبادله ارز به‌قیمت سال ۱۳۵۶ وجود نداشت و یک سیاست لازم برای اقتصاد ایران، کاهش ارزش ریال بود. در عین حال، از آن‌جا که پس‌انداز خالص منفی شده و درآمد سرانه نیز کاهش یافته بود، جامعه

نیاز داشت که دولت هم هرچه سریعتر، ثروت بادآورده معدودی را که از تورم شدید و فاصله بالای ارز آزاد با ارز رسمی به وجود آمده بود به سوی تولید سوق دهد، و هم از پس انداز یا سرمایه بین‌المللی برای بازسازی اقتصادی آن‌جا که کاهش ارزش پول امری مرسوم، استفاده از بخش خصوصی غیرموجه و ارتباط با سرمایه بین‌المللی غیرانقلابی تلقی می‌شد و بر سر این موضوعات وحدت نظر وجود نداشت، و نیز به این دلیل که دولت نتوانست از اقتصاددانان ایران که در خارج از حوزه حاکمیت در ایران و جهان پراکنده بودند به منظور فراهم آوردن قوانین و نهادهای لازم برای اقتصادی پویا و دموکراتیک استفاده کند، در نهایت، از لحاظ ذهنی افسون «پول‌باوری» غالب شد؛ از لحاظ شیوه اعمال سیاستهای تثبیت و تعدیل اقتصادی، آزادسازی و تک‌نرخ کردن یا کاهش ارزش پول نیز، این روش مقبول افتاد که «چون دولتها قادر به تحمل و اجرای منظم سیاستهای تثبیت نیستند، به احتمال زیاد در نیمه راه متوقف می‌شوند و از این بابت به اقتصاد صدمه می‌زنند. بنابراین، بهتر است مجموعه اصلاحات در مدتی کوتاه اجرا شود که فرصت توقف و صدمه بیشتر به اقتصاد به وجود نیاید... در این زمان مردم می‌پندارند که این اشکالات، همه به علت اجرای سیاست اصلاحات است و به جهت فشارهایی که سیاستهای اصلاحات، برای تغییر روش ناکارگشای زندگی به عموم مردم وارد می‌آورد، ممکن است آنها خواستار آن شوند که



نمی‌توان، صرفاً به وجود اختلال در قیمت‌ها و از آن جمله اختلال در نرخ ارز نسبت داد» و این که «پیروی محض از مکانیزم تخصیص بازار می‌تواند مشکلاتی حتی بیشتر از آثار اختلالات قیمتی را به همراه داشته باشد»<sup>۱۲</sup> همچنین مسئولان، حتی نگرشی کافی به تجارب دیگر کشورها نداشتند که در نمونه‌های موفق آنها مانند کره جنوبی، بعد از گذشت بیش از ۱۵ سال از اعمال سیاستهای موسوم به آزادسازی، هنوز در بسیاری از موارد کنترل شدید دولت بر بازار برقرار است.<sup>۱۳</sup> مسائل عمومی و بنیانی فوق باعث

اجرای سیاستها متوقف شود و یا به تعویق افتد»<sup>۱۱</sup> نتیجه این که سیاستهای تثبیت، تعدیل و آزادسازی اقتصادی و کاهش ارزش پول در ایران، با همه دیرکرد قبلی خود، با ساده‌انگاری، سراسیمگی (شوک درمانی) بدون خلاقیت و بدون فراهم آوردن قوانین، نهادهای اقتصادی و اجتماعی، مؤسسات پژوهش و توسعه و شهرکهای علمی، گروههای زبده کارشناسی و... اعمال شد و سفینه آسیب‌دیده اقتصاد ایران، بدون تمهید و دوراندیشی ناگهان به میان امواج کوبنده آزادسازی و اصلاحات رانده شد تا «فرصت توقف و صدمه بیشتر به اقتصاد به وجود نیاید» بدون آن که دقت شود «معضلات موجود در اقتصاد ایران را

۱۱ - عادل، سیدمحمدحسین. نرخ ارز و اصلاحات اقتصادی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۱. صص ۱۶۴-۱۶۳.

ورق بزنید

۱۲ - هیجانی، اکبر. «تحلیلی بر آثار اقتصادی...»، پژوهش و سیاست‌های اقتصادی، سال اول شماره ۱ تابستان ۱۳۷۲. صص ۳۰-۲۸.

13 - Slowly does it. Economist, December 11 Th. 1993. P 80.

شد که حتی، در امور بسیار بدیهی اجرای سیاستها و بویژه مسائل ارزی خطاهای فاحش صورت گیرد. یکی از این خطاهای فاحش و مخربترین آنها، آزاد کردن امکان استفاده از اعتبارات کوتاهمدت خارجی پیش از تک نرخی کردن ارز بود. دست و دلبازی مذکور باعث ایجاد ۳۰ میلیارد دلار بدهی خارجی در آستانه تک نرخی شدن بود. این بدهی هنگامی ایجاد شد که نرخ مؤثر دلار در آن زمان تنها ۵۰۰ ریال بود، ولی بعد از تک نرخی شدن ارز بیش از ۳/۵ برابر افزوده شد. این افزایش، میزان کالای لازم برای صدور جهت بازپرداخت بدهی را، به شدت بالا می برد، به طوری که در مجموع، ایران، برای بازپرداخت بدهی سالانه به میزان ۶ میلیارد دلار، می بایست بیش از نیمی از کل تولیدات صنعتی خود را - از نانی که از تنور بیرون می آید گرفته، تا فلزی که از کوره خارج می شود - صادر کند. در نتیجه از آنجایی که قبلاً با ۲۰ الی ۳۰ درصد واریز ریالی، گشایش اعتبار می شد و اکنون به دلیل بی اعتباری بانکهای ایران، این گشایش با ۲۰۰ درصد بهای کالا انجام می پذیرد، نیاز به نقدینگی یک بنگاه، ناگهان، بیش از ۳۰ برابر افزون شده است.

برای هرابجدخوان اقتصادی روشن است که بعد از کاهش ارزش پول کشور؛ اقتصاد بشدت دچار کمبود نقدینگی می شود، زیرا ناگهان ناچار است که چند

۱۴ - تأثیر تضعیف ارزش ریال بر فعالیتهای صنعتی کشور، شرکت سرمایه گذاری سازمان صنایع ملی ایران، گزارش تحقیقی شماره ۲۷، دی ماه ۱۳۷۱.

برابرس گذشته برای خرید کالاهای خارجی پول پردازد. و در داخل نیز افزایش اجباری قیمتها، به دلیل گران شدن واردات، نیاز به نقدینگی را بشدت بالا می برد. پس درست در همین زمان به اعتبارات سهل و ارزان خارجی نیاز است. به این اعتبارات، هم برای جبران کمبود پس انداز داخلی (که در اثر بالارفتن قیمت ارز کم ارزش ترهم شده است)، هم برای جبران استهلاک شدید سرمایه های ملی در دوران جنگ، و هم برای وارد کردن تکنولوژی نوین احتیاج است تا به مدد این آخری، امکان رقابت در بازار جهانی و اخذ ارز برای بازپرداخت بدهی فراهم گردد. اما مسئولان اقتصادی تمام اعتبار خارجی ایران را که ناشی از نبود بدهی در ایران پس از جنگ بود، قبلاً صرف کردند و صرف این اعتبار، همان طور که قبلاً دیدیم، نتوانست تولید و میزان سرمایه گذاری سرانه داخلی را حتی به میزان دوره ۱۳۶۱ - ۶۴ برساند. در واقع، این اشتباه فاحش موجب شده است که در حال ۱۳۷۲، اقتصاد نه تنها دچار کمبود پس انداز و نقدینگی باشد، بلکه برای خریدهای خارجی مجبور شود به جای واریز ریالی، ۲۰ الی ۳۰ درصد بهای کالا یا ۳۰ برابر آن را فراهم آورد و علاوه بر آن و بدتر از همه، حجمی بیشتر از کل سرمایه گذاری سالانه اش را به بازپرداخت بدهیهای اختصاص دهد.

این خطای بزرگ را خطای دیگری نیز تکمیل کرد و آن فروش ارز، برای به اصطلاح تثبیت قیمت آن، به همگان بود. این فروش اصولاً خود خلاف

اصول سیاستهای تعدیل بود. زیرا یکی از اهداف سیاستهای تعدیل و کاهش ارزش پول، این است که نقدینگی موجود در جامعه، به جای بورس بازی ارز یا زمین و غیره، به بازارهای مالی کشیده شود، تا با سرمایه گذاری لازم، تولید و بهره وری بالا رود. اما این فروش که تا ۲ میلیارد دلار تخمین زده می شود، به طور مضاعف قیمت دلار یعنی بیش از ۶ هزار میلیارد ریال را از بازارهای مالی منحرف کرد. زیرا یک بار، بانک مرکزی این ۲ میلیارد دلار را به نرخ بیش از ۱۶۰۰ ریال، به مردم فروخت و آن را جزء درآمدهای دولت برای مخارج جاری آن یا حذف کسر بودجه جای داد، یک بار هم، این خریداران آن را در بورس ارز به بهایی حدود ۲۰۰۰ ریال به فروش رساندند! در واقع، مقامات پولی کشور با علم به این که ارز گران خواهد شد، تولیدکنندگان را تشویق کردند که با ارز ارزان نیازهای خود را برآورده کنند و به قیمت ارزان نیز کالای خود را بفروشند. این فروش ارزان باعث شد که تولیدکنندگان برای خرید ارز گران شده، نقدینگی کافی نداشته باشند و در عین حال اعتباری هم بر ایشان نزد بانکهای خارجی باقی نمانده باشد و تیر خلاص در این سیاست، هدایت نقدینگی و پس انداز اندک موجود در جامعه، به سوی بورس بازی دلار و طلا بود.

مواضع مقامات پولی کشور، درست در آستانه جهش قیمت ارز تا بالای ۲۱۰۰ ریال، نشانه پافشاری بر اندیشه ها و سیاستهایی است که موجب زیانهای عظیم برای اقتصاد کشور شده است. یکی از این مقامات مدعی است که:



۱ - برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که این‌گونه تصمیمات را یک شبه می‌گیرند و اجرا می‌کنند، در کشور ما اجرای سیاستهای یکسان‌سازی نرخ ارز، به صورت کاملاً تدریجی انجام گرفته است.

۲ - انتخاب نرخ صحیح نیز یکی دیگر از عواملی بود که از نوسان بازار ارز جلوگیری کرد...

۳ - سومین عامل در ثبات بازار ارزی طی چند ماه اول سال جاری، سیاستهای پولی بود که از همان ابتدای سال به مورد اجرا گذارده شد... البته عوامل دیگری نظیر دخالت‌های محدود بانک مرکزی در بازارها، از طریق فروشهای نقدی ارز برای مصارف متعارف خدماتی و بالمآل جذب نقدینگی نیز، به سهم خود در جلوگیری از نوسانات بازار ارزی و افزایش نرخ ارز در این بازار مؤثر بوده است... بی تردید ادامه این ثبات، مستلزم ادامه سیاستهای جنبی و تکمیلی و بویژه سیاستهای مناسب پولی است.

این مواضع نشان می‌دهد که مقامات پولی تا چه حد تحت تأثیر اندیشه پول‌باوری بوده و از بخش واقعی اقتصاد و واقعیات آن دور مانده‌اند؛ بخصوص که در ادامه عنوان می‌شود که: مؤسساتی که به سهولت قادر به تطبیق خود با شرایط جدید هستند، دسترسی کافی به منابع مالی خواهند داشت و با مشکل عمده‌ای از نظر نقدینگی مواجه نخواهند بود؛ لکن مؤسسات غیر کارآمد... طبعاً دچار مشکل خواهند بود. در این نوع گفتارها، علاوه بر غفلت از آنچه درست چند روز بعد اتفاق

می‌افتد و غفلت بزرگ به صورت سیاستگذاری ارزی‌ای که شرح آن رفت، این مسائل نیز آشکار است:

۱ - اعمال سیاست آزاد سازی قیمت‌ها و ارز در مدت دو سه سال، با توجه به تجربه جهانی، خود نوعی شوک درمانی است. علاوه بر آن، مسئله این است که پیشتر همراه اعمال این سیاستها در بخش واقعی اقتصاد زمینه لازم فراهم شود.

۲ - دست یازیدن به آزاد سازی، برای ساختار اقتصادی ایران که تک پایه نفتی و مبتنی بر استراتژی جایگزینی واردات است، بدون فراهم آوردن مؤسسات انتقال تکنولوژی، شهرکهای علمی، گسترش آموزش فنی و دانشگاهی و پژوهشی... به دلیل آن که امکان رقابت در بازار جهانی از پیش فراهم نشده است، به منزله از بین رفتن تولید اکثریت بنگاهها، آن هم بدون جایگزین خواهد بود.

۳ - سیاستهای آزادسازی تنها در صورت گسترش فعالیت بخش خصوصی موفق می‌شود - اصولاً هدف آن این است که بخش خصوصی فعال گردد - اما هنوز نه از لحاظ قانونی، سرمایه صنعتی در مقایسه با تجاری، از امنیت کافی برخوردار است و نه نهادهای لازم چون مؤسسات مالی خصوصی، بورس اوراق بهادار و تشکلهای صنفی، شکل و ساختار واقعی پیدا کرده‌اند.

۴ - جذب سرمایه خارجی نیز شرط موفقیت و هدف آزادسازی است، زیرا پیماندهای داخلی یک کشور

توسعه‌یابنده، بویژه بعد از کاهش ارزش پول آن، کفاف توسعه را نمی‌دهد و بدون استفاده از تکنولوژی خارجی امکان حضور موفقیت‌آمیز در بازار جهانی به دست نخواهد آمد. در ایران امکان چنین جذبی چه از لحاظ امنیت اقتصادی و چه سیاسی بسیار اندک فراهم شده است.

۵ - ناکارایی مؤسساتی که پیش از سیاستهای آزادسازی، هم تحت تأثیر وقایعی چون انقلاب و جنگ بوده‌اند و هم مجبور به اطاعت از قواعد و سیاستهای موجه و ناموجه دولت، امری است از پیش معلوم. افزون بر آن، کاهش ارزش پول، هزینه‌های بنگاههای صنعتی را برای تهیه مواد اولیه و ماشین‌آلات ناگهان بالا برد.

زیرا همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، از بین رفتن اعتبار کوتاهمدت، باعث شد هزینه اعتبارات خارجی ۱۰ برابر بیش از تک نرخی شدن ارز شود که با احتساب افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، نیاز نقدینگی یک بنگاه اقتصادی بیش از ۳۰ برابر سال ۱۳۷۱ گشته است؛ این آتشی است که خشک و تر را با هم می‌سوزاند.

۶ - از آن‌جا که مسائل محیط کار بویژه از لحاظ عدالت، تخصص و کارایی حل نشده و خلاقیت و بهره‌وری امکان رشد نیافته است، هرگونه سیاست پولی که موجب و همراه افزایش تولید کافی نباشد محکوم به شکست می‌شود. در این صورت، تورم شدید و کمبودهای ارزی (به دلیل عدم امکان رقابت) پیامدهای حتمی آن بقیه در صفحه ۹۸



بدرستی و با رابطه‌ای منطقی تعیین کرد، در سطح بین‌المللی نیز رابطه ارزشها وسیله تعیین ارزش مبادله دهها اقتصاد ملی با یکدیگر به‌شمار می‌آید.

با این همه، چه در سطح ملی و چه از نظر بین‌المللی پول نیز بجز وظایف اصلی و کلاسیک خود، نقش مهم دیگری نیز دارد که اساس تعیین رابطه برابری ارزشها از آن برمی‌خیزد: پول، نه تنها وسیله مبادله کالا است، بلکه خود نیز به مثابه کالا مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد و قانون طلایی عرضه و تقاضا بر آن حاکم است. به این ترتیب، تعیین رابطه نرخ برابری ارزشها با یکدیگر، نهایتاً در هر سطحی به میزان عرضه و تقاضای هر یک از طرفین رابطه بستگی دارد. کاهش عرضه و افزایش تقاضای یک طرف در برابر افزایش عرضه و کاهش طرف دیگر، به تغییر نرخ ارز در بازار می‌انجامد. در واقع تعیین بها برای هر کالایی از جمله پول، به معنای برقراری نظمی جدید در چهارچوب نظام عرضه و تقاضاست و تغییر قیمت و برقراری قیمت جدید، از به هم خوردن رابطه قدیم و برقراری رابطه و نظمی جدید در این چهارچوب خبر می‌دهد.

چنانکه پیداست، کلیه این تحولات صرفاً بر پایه مکانیسم بازار عمل می‌کند و نرخ برابری ارزشها در هر بازار نیز بر پایه عملکرد همین مکانیسمها تعیین می‌شود. با این همه، این به معنای فقدان قدرت تأثیرگذاری سیاستگذاران بر رابطه نرخ برابری یا ناپسندیده بودن این تأثیرگذاری نیست. در هر کشور، سیاستگذاران رسمی اقتصاد ابزار یا ابزارهایی در اختیار دارند که به کمک آن می‌توانند نرخ برابری پول ملی با ارزشهای معتبر را تنظیم کنند و دست‌کم سمت و سویی مشخص به آن ببخشند. گرچه، به هر حال این قدرت

تأثیرگذاری حتی در بهترین شرایط محدودیتهایی دارد.

به‌عنوان مثال بانکهای مرکزی ژاپن و آلمان و نیز تا حدی ایالات متحده، طی سالهای اخیر با دراختیار داشتن دهها میلیارد دلار یا واحد پول ملی توانسته‌اند نوسانات نسبتاً شدید بازار ارز را در جهت دلخواه کنترل کنند. از طریق همین کنترلهاست که بانکهای مرکزی آلمان و ژاپن از سرعت افزایش ارزش مارک و ین در برابر دلار آمریکا نیز کاسته‌اند.



## ۱-۲- مورد ویژه ایران، تجربه سالهای اخیر

قوانین حاکم بر رابطه برابری ارزشها، در مورد ویژه ایران و میان ریال و دلار نیز حاکم است. هرگونه تغییر در عرضه و تقاضای ریال یا دلار در بازار داخلی، ناچار قیمت برابری اولیه را تغییر می‌دهد و پس از نوساناتی که از سایر علل نیز متأثر است، قیمت جدیدی برقرار می‌شود. در این زمینه دست‌کم به دو مقوله باید اشاره شود: نخست شرایط عرضه و تقاضای

ریال و دلار در بازار داخلی، و دوم قدرت تأثیر بانک مرکزی بر این بازار.

طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در رابطه نرخ برابری ریال با ارزشهای معتبر و عرضه و تقاضای هر یک، دگرگونیهای ژرفی رخ داده است. در طرف ریال، عرضه این پول طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۲ حدوداً ۲۲ برابر شده و طی ۱۶ سال حجم نقدینگی کشور از ۲۰۹۷ میلیارد ریال به حدود ۴۷۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است. در عین حال، در همین مدت تولید ناخالص داخلی تغییر چندانی نکرده است. به عبارت روشنتر، در قبال ۲۲ برابر شدن عرضه ریال، تقاضای واقعی آن چندان افزایش نیافت و تقریباً ثابت ماند.

در طرف دلار یا ارزشهای معتبر جهانی که در ایران همگی از وضعیت دلار تبعیت می‌کنند، شرایط عرضه و تقاضا کاملاً برعکس بوده است. به عنوان یگانه منبع عرضه دلار، ارزش درآمدهای ارزی کشور، اعم از نفت و غیرنفت، از حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ به حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ کاهش یافت و امسال نیز با وجود افزایش نسبی صادرات غیرنفتی، پیشبینی نمی‌شود که کل درآمد ارزی قابل تصرف کشور حتی به این رقم برسد. به این ترتیب، در شرایط افزایش شدید عرضه ریال در یک سوی معادله، حدود ۳۳ درصد از عرضه دلار در سوی دیگر کاسته شده است.

البته تغییر در عرضه و تقاضای ریال و دلار طی ۱۶ سال گذشته، به همین جا ختم نشد. بویژه طی سالهای اخیر، تقاضای دلار در عین کاهش جدی عرضه آن، در بازار داخلی بشدت افزایش یافت، زیرا شتاب گرفتن روند خروج سرمایه از کشور به سبب شرایط سیاسی - اجتماعی خاص بعد از انقلاب، به بهره‌برداری رسیدن دهها ورق برزید



طرح صنعتی ارزبر، نیاز شدید صنایع موجود به مصرف ارزی برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز، مستهلک شدن بسیاری از صنایع و واحدهای تولیدی و نیاز ارزی برای جایگزین کردن ماشین آلات فرسوده و سرانجام افزایش بهای جهانی کالاها و مواد اولیه مورد نیاز کشور در شرایط کاهش شدید ارزش دلار آمریکا در برابر ین ژاپن و مارک آلمان، همه و همه به تقاضای دلار در بازار داخلی بشدت دامن می‌زدند.

به این ترتیب قاعدتاً با تغییر هر یک از این شاخصها، می‌بایست رابطه اولیه نرخ برابری دلار و ریال تغییر می‌کرد و نرخ جدیدی جایگزین آن می‌شد. اما بویژه با شروع جنگ تحمیلی، دولت به منظور جلوگیری از آسفتگیهای اقتصادی و بی‌ثباتی احتمالی اجتماعی - سیاسی ناشی از آن از یک سو و تأمین نقدینگی و ارزش مورد نیاز برای اداره جنگ تحمیلی از سوی دیگر مجبور به کنترل نرخ اولیه شد. طبعاً از همین جا یعنی از سالهای ۱۳۵۸ به این سو، یک بازار آزاد ارز در کنار بازار رسمی شکل گرفت و تفاوت قیمت دلار میان این دو بازار، دقیقاً متأثر از نظام عرضه و تقاضای ریال و دلار، روز به روز بیشتر شد، تا آنجا که در عین ثبات رسمی و ظاهری قیمت دلار در بانک مرکزی، بهای

آن در بازار آزاد تا سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۲ برابر یعنی ۱۵۰۰ ریال در برابر ۷۰ ریال رسمی رسید.

طی سالهای اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲) اتفاقات نسبتاً مهمی در مبنای نرخ برابری ریال با ارزهای معتبر رخ داد. نخست آنکه دولت از سال ۱۳۶۹ نرخهای رقابتی (ابتدا ۸۰۰ ریال و سپس ۶۰۰ ریال) و در مرحله بعد شناور (حدود ۱۴۰۰ ریال تا ۱۵۰۰ ریال) را نیز در کنار قیمت ۷۰ ریال رسمی برای هر دلار، به رسمیت شناخت و به آهستگی تأمین نیازهای ارزی دستگاههای دولتی را از ارز رسمی به ارز رقابتی و سپس شناور سوق داد. این امر به معنای کاهش یا دست‌کم تثبیت تقاضای ارز از سوی عمده‌ترین مصرف‌کنندگان آن یعنی دستگاههای دولتی بود.

در مرحله دوم و همزمان با کاهش یا تثبیت تقاضای ارز، عرضه آن نیز عمدتاً به کمک اخذ میلیاردها دلار اعتبارات یوزانس افزایش یافت.

به عبارت روشنتر بدون دگرگونیهای جدی در کارکرد اقتصادی کشور و عملکرد بخش صادرات نفتی و غیرنفتی ارزش واردات کشور یکباره از حدود ۸/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۷/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۹، ۲۷/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ و حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ رسید. این اتفاق طبعاً به معنای افزایش شدید عرضه دلار به بازار داخلی بود. به این ترتیب از یک سو افزایش محدود و مقطعی قیمت نفت خام صادراتی و حجم آن، و از سوی دیگر اخذ حدود ۱۸ میلیارد دلار اعتبارات یوزانس و وام خارجی جدید، بازار عرضه و تقاضای ریال و دلار را تحت تأثیر قرار داد.

البته در طرف ریالی نرخ برابری ریال و دلار نیز اتفاقات مهمی رخ داد. از جمله طبق قانون برنامه اول، نرخ رشد نقدینگی باید بشدت کنترل می‌شد و از طریق کاهش تسهیلاتی کسر بودجه دولت، افزایش نقدینگی بدون پشتوانه در سال ۱۳۷۲ تقریباً متوقف می‌گشت، در این صورت، طبعاً در پایان برنامه باید روند کاهش ارزش ریال در برابر دلار متوقف و سپس معکوس می‌شد. اما گرچه دولت توانست از طریق تک نرخی کردن دلار در بودجه و عرضه دلار به بازار آزاد کسری بودجه خود را به طور صوری به صفر برساند، اما فشار تقاضای ناشی از آزاد شدن قیمت ارز و نرخ رشد اقتصادی، رقم رشد نقدینگی را به ۱۹/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ (در برابر ۱۰/۸ درصد برنامه)، ۲۲/۵ درصد سال ۱۳۶۹ (در برابر ۱۱/۷ درصد برنامه) و ۲۴/۶ درصد سال ۱۳۷۰ (در برابر ۹/۲ درصد برنامه) و حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد سال ۱۳۷۱ (در برابر ۵/۹ درصد برنامه) رسید، به طوری که حجم کل نقدینگی کشور در حال حاضر یعنی در سال ۱۳۷۲ بیش از دو برابر رقم برنامه، یعنی حدود ۴۷ هزار میلیارد ریال در برابر ۲۲/۷ میلیارد ریال برنامه است.

از این ارقام می‌توان دریافت که چرا اولاً به رغم افزایش شدید عرضه دلار ارزش آن در برابر ریال کاهش نیافت، و ثانیاً علت ثبات نسبی قیمت بازار آزاد ارز طی سالهای اخیر چه بود. در واقع، به ازای افزایش شدید عرضه دلار، عرضه ریال نیز روند فزاینده خود را حفظ کرد و ارقام آن به مراتب از نرخ رشد تقاضای ریال یعنی نرخ رشد اقتصادی کشور، فراتر رفت. با آنکه از ابتدای سال ۱۳۷۲ نظام قیمت آزاد ارز صورت رسمی به خود گرفت و کشور رسماً وارد نظام تک نرخی ارز شد که قاعدتاً می‌بایست به افزایش ارزش ریال

در برابر ارزشهای معتبر از جمله دلار می‌انجامید، اما تزریق ریال به بازار مصرف و دامن زدن به تقاضای ارز، مانع افزایش ارزش ریال شد.

کنترل دولتی بر اقتصاد امکانپذیر است، به نظر می‌رسد که حتی در ابتدای پیدایش شکاف میان بازار آزاد و رسمی ارز نیز می‌بایست تسلط دولت بر اقتصاد ملی گسترده باشد، زیرا در غیر این صورت،

مرکزی به دولت اشاره کرد. قاعدتاً بانک مرکزی می‌بایست به عنوان نهاد مسئول و سیاستگذار در زمینه پولی، کنترل کاملی بر عرضه ریال داشته باشد. اما به سبب مستقل نبودن بانک مرکزی از دولت، همواره این امکان برای دولت وجود داشته است که مانند سال ۱۳۶۷ حتی ۵۱ درصد از کل بودجه سالانه خود را به عنوان کسری بودجه و تحت سرفصل استقراض از سیستم بانکی، پول چاپ کند و بدون پشتوانه به بازار عرضه نماید. پیداست که این فرآیند اصلیت‌ترین عامل کاهش ارزش ریال طی سالهای گذشته بوده است.

طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ همواره بخش مهمی از تولید ناخالص ملی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ملی را سهم بخش دولتی تشکیل داده است. مثلاً طی سالهای یاد شده، سهم بخش دولتی در تشکیل سرمایه به قیمت جاری به ترتیب ۴۴ درصد، ۴۱ درصد، ۳۸ درصد، ۴۱ درصد و ۳۹ درصد بود، در همین مدت سهم هزینه مصرفی دولت در تولید ناخالص ملی بین ۱۳ تا ۱۴/۵ درصد نوسان داشت.

این عوامل در مجموع، سهم از ابتدا عمده دولت در اقتصاد ملی را عمده‌تر هم می‌کرد، زیرا در شرایط کنترل نرخ ارز، طبعاً دولت تمایل داشت تا ارز به نرخ رسمی را بیشتر در اختیار نهادها و کارگزاران دولتی قرار دهد تا مصرف‌کنندگان بخش خصوصی.

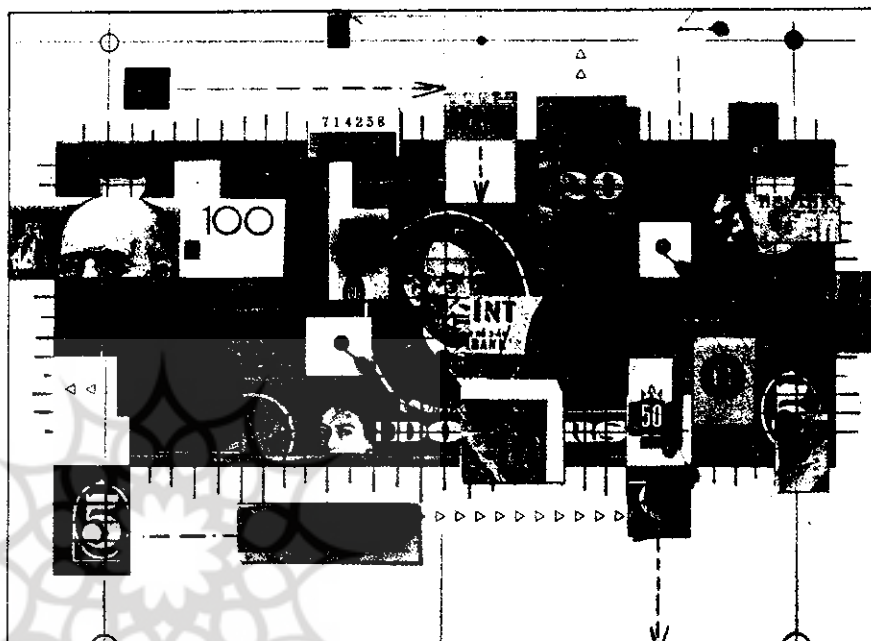
## ۲-۱-۲- تخصیص اداری ارز:

ویژگی دوم نظام چند نرخ ارز، از همین جا ناشی می‌شود: برقراری نظام تخصیص ارز، هنگامی که دولت نرخ ارز را تحت کنترل شدید قرار می‌دهد، طبعاً به ورق بزیند

دولت اساساً قادر به کنترل رسمی نرخ ارز نخواهد بود.

ارقام و شواهد موجود نیز این امر را در مورد ایران تأیید می‌کند. در تمام سالهای دهه ۱۳۶۰، بیش از ۹۵ درصد از کل درآمد ارزی کشور به عنوان مهمترین منبع تعیین نرخ برابری ارز و اثرگذاری بر آن، از طریق فروش نفت خام به دولت تعلق داشته است، همین نکته همواره موجب شده است تا دولت به عنوان یگانه عرضه کننده واقعی ارز، حتی در دوران تک نرخ نیز نقش تعیین کننده در سمت و سوی نرخ گذاری ارزهای معتبر ایفا کند.

از سوی دیگر به عنوان نشانه بارز تسلط دولت بر اقتصاد در نظام چند نرخ ارز، باید به وابستگی تمام عیار بانک



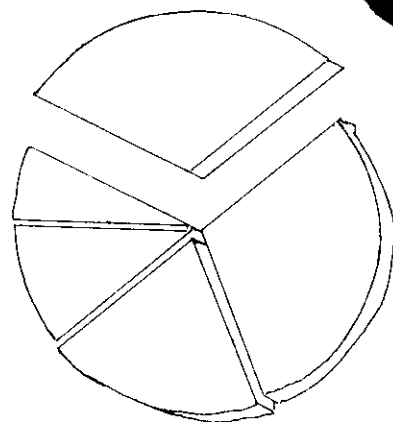
## ۲- معایب و ویژگیهای نظام چند نرخ ارز با تکیه بر تجربه واحدهای تولیدی

### ۲-۱- ویژگیهای نظام چند نرخ

#### ۲-۱-۱- تسلط دولت بر اقتصاد:

نخستین ویژگی اقتصاد مبتنی بر سیستم چند نرخ ارز، کنترل شدید دولت بر اقتصاد و تسلط آن بر بخشهای گوناگون تولیدی است. از آنجا که برقراری بازار آزاد در کنار بازار رسمی تنها از طریق





معنای آن است که در برابر انبوه متقاضیان ارز و در شرایط نبود منابع کافی عرضه، دست به گزینش مصرف‌کنندگان ارزی می‌زند. مقوله تخصیص ارز و کمیته ارزی و... تمام پیامدهای آن، از همین جا برمی‌خیزد. بزرگترین عارضه این فرآیند، تخصیص اداری و نه اقتصادی منابع ارزی است که بخشی از پیامدهای آن در فصل بعدی مورد بررسی مختصر قرار خواهد گرفت.

## ۲-۱-۳- عدم تعادل اقتصادی:

ویژگی مهم دیگر نظام چند نرخ که هم می‌تواند علت و هم معلول وجود این نظام باشد، در عدم تعادل اقتصادی است. مهمترین مکانیسم این عدم تعادل نیز برهم خوردن اصلیت‌ترین نقش پول به عنوان «معیار ارزش کالاها و خدمات» است. در شرایط عادی، پول رابطه واقعی و منطقی میان صدها هزار نوع کالا و خدمت را به گونه‌ای چنان دقیق برقرار می‌کند که حاصل هر فعالیت اقتصادی در هر زمینه‌ای با توجه به نیروی انسانی و سرمایه در کار، کمابیش نزدیک به هم خواهد بود. اما در نظام تک نرخ، به سبب

تخصیص ارز به قیمت به مراتب کمتر از قیمت بازار به این یا آن بخش یا کالا، رابطه میان کالاها و خدمات برهم می‌خورد و کارکرد اصلی پول مختل می‌شود. مثلاً در حالی که سفر با اتومبیل شخصی قاعدتاً باید گرانتر از سفر با اتوبوس یا هر وسیله دیگری باشد، در عمل برعکس این حالت پدید آمده و خود اختلالات پرشماری مانند افزایش مصرف سوخت و تردد بیش از حد خودروهای تک سرنشین، را به بار می‌آورد. به این اختلال، بحث بازار آزاد و دولتی کالاها و خدمات همراه با تمام پیامدهای آن را نیز باید افزود.

## ۲-۲- معایب نظام چند نرخ با تکیه بر تجربه‌های واحدهای تولیدی

واقعیت این است که گرچه برقراری نظام چند نرخ ارز در یک اقتصاد جنگی و شرایط بحرانی شاید اجباری، اجتناب‌ناپذیر و حتی غیرارادی باشد، اما کارکرد این نظام بویژه در شرایط نبود یک سیستم اداری و مدیریتی کارآ و خلاق و هدفمند، معایبی دارد که به نوبه خود خسارت‌های ساختاری به پیکره و زیربنای اقتصادی - اجتماعی کشور وارد می‌آورد. تجربه عملی اداره واحدهای تولیدی کشور طی سالهای دهه ۱۳۶۰، اکنون دیدگاه بسیار روشنتری پیرامون نتایج عملی کاربرد این نظام به دست داده است. کاربرد این نظام در واحدهای تولیدی کشور نتایجی داشته که عموماً به مثابه یک کاستی بزرگ، به اتلاف منابع ملی و تشدید ضعف این واحدها انجامیده است، ضمن آنکه در یک اقتصاد غیرجنگی ضرورت اساسی چند نرخ هم وجود ندارد.

## ۲-۲-۱- گسترش روحیه اسراف:

نخستین اتفاقی که در اثر عملکرد یک نظام دو نرخ ارز و پدید آمدن بازار رسمی و سیاه کالا و ارز رخ می‌دهد، پیدایش نوعی رأفت به نفع مصرف‌کنندگان دولتی است که بر اثر تخصیص اداری و نه اقتصادی ارز، از نوعی سوسید ریالی بدون آشکار شدن در صورتهای مالی بهره‌مند می‌شوند. در طی سالهای دهه ۶۰ گرچه در پی تخصیص اداری ارز به واحدهای تولیدی، این واحدها عموماً موظف به عرضه محصولات خود به قیمت رسمی می‌شدند، اما اولاً نبود نظام نظارتی کارآمد و ثانیاً چشمپوشی عمدی این نظام، در بسیاری موارد شرکتها را قادر می‌ساخت تولیدات خود را که به قیمت تاریخی تمام شده بود، به قیمت بازار آزاد بفروشند.

طی سالهای دهه ۱۳۶۰، این جریان به سبیل درآمدهای بساد آورده‌ای برای شرکت‌های دولتی منجر شد که به هیچ وجه ماهیت تولیدی نداشت و بعضاً تحت عنوان «درآمدهای غیرعملیاتی» از اصل فروش و سود نیز بیشتر می‌شد. به این ترتیب، جریان چشمگیری از تولید عمدی ضایعات در صنعت و واحدهای تولیدی کشور به راه افتاد که گرچه برای شرکتها سود خالص بود، اما بدیهی است که به مثابه خونی تلقی می‌شد که از تن اقتصاد ملی می‌رفت. به عنوان نمونه اغلب مطبوعات کشور کاغذ مصرفی سهمیه خود را به قسمت دلار ۷۰ ریال خریده و مثلاً ۱۰ درصد آن را به عنوان ضایعات به قیمت بازار آزاد می‌فروختند و به این ترتیب کاغذ مصرفی‌شان رایگان از آب درمی‌آمد. این روند طی سالهای اجرای برنامه اول که شرکتها رسماً اجازه یافتند

میلیاردها دلار موجودی مواد اولیه و سهمیه ارزی خود را به قیمت بازار آزاد بفروشد شدتی بیسابقه یافت. طی این روند، شرکت‌هایی با سالها زیان سالانه، ناگهان به سود بادآورده‌ای دست یافتند که میلیاردها ریال زیان انباشته‌شان را طی یک سال محو کرد. ارقام و درصدهای سود سالانه از ظرفیت اقتصاد ایران تجاوز کرد... و خلاصه رونقی به ظاهر بی‌پایان آغاز شد.

همه اینها، طبعاً به گسترش شدید ریخت و پاش و روحیه اسرافکارانه انجامید و در صورت تکرار باز هم به این روحیه دامن خواهد زد. بدیهی است که با

این هزینه‌های گزاف و غیرتولیدی را در شرایط فرسودگی ماشین‌آلات و توقف تشکیل سرمایه می‌پردازد.

## ۲-۲-۲- پنهان ماندن سوبسید اعطایی از سوی دولت و تخصیص ناهنجار آن:

به این ترتیب، در واقع تخصیص اداری ارز همراه با تفاوت قیمت آن در بازار آزاد و دولتی، به معنای سوبسیدی است که

البته بخش اعظم آن نیز یا به کلی به هزینه‌های مصرفی و جاری رسید، و یا اساساً به هدر رفت.

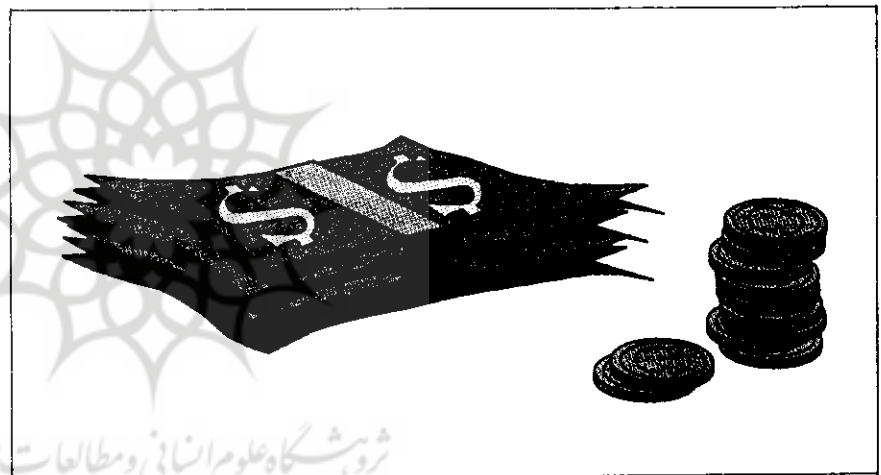
پیداست که پرداخت سوبسید، برخلاف تصور بسیاری از دست‌اندرکاران، نه تنها عامل ناپسندی نیست، بلکه بویژه برای اقتصاد در حال گذاری مانند ایران الزامی است و هنوز هم حتی در به اصطلاح آزادترین، کسایتالیست‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصادهای دنیا مانند ژاپن و ایالات متحد و اتحادیه اروپا به فراوانی پرداخت می‌شود، اما مسأله اینجاست که به هر حال سوبسید باید هدفی را آن هم در مدتی معین دنبال کند: افزایش توان رقابت، گسترش صادرات،... اما می‌بینیم که عملاً در ایران هیچ‌یک از این هدفها در پرداخت سوبسید ارزی در نظر گرفته نشده یا دست کم تحقق نیافته است.

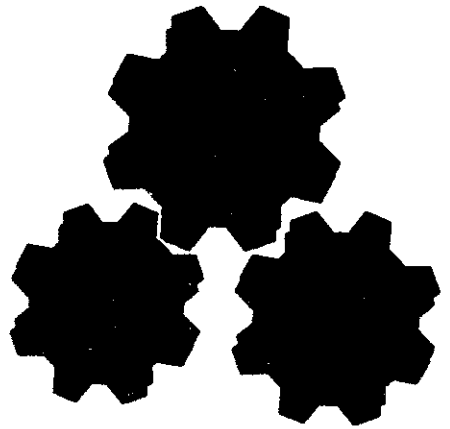
## ۲-۲-۳- پنهان ماندن چگونگی مدیریت:

نتیجه این رخدادها در هر واحد تولیدی و اقتصادی آن است که میزان تأثیرگذاری مدیریت بر اداره شرکت، به سبب نقش گرفتن تأثیر فرایندهای بیرونی، روز به روز کمتر می‌شود، به این معنا که وقتی بر اثر یک سلسله عملیات دولتی با ماهیت بازرگانی صرف، سود هنگفتی عاید شرکتها شود: طبعاً چگونگی مدیریتها و پیامدهای مثبت و منفی آن، در سایه این سود بادآورده رنگ می‌بازد. به عبارت دیگر در این شرایط با هر نوع مدیریتی می‌توان به دریافت درآمدها و سود کلان، تضمین فروش تحت هر شرایط، و با هر کیفیتی که کالای مورد نظر داشته باشد، مطمئن بود. در این حالت طبیعی است که ورق بزیند

دولت به واحدهای تولیدی و اقتصادی تحت پوشش خود می‌پردازد. با این تفاوت که اولاً این سوبسید پنهان است و در هیچ حسابی منعکس نیست و بنابراین کسی نمی‌تواند پیرامون آن حسابی بگیرد یا پس بدهد و ثانیاً به سبب دارا بودن همین ماهیت پنهانی، جهتگیری مشخص و هدفمندی نمی‌توان برای آن قائل شد. در نتیجه، طی سالهای گذشته عملاً دهها میلیارد دریا سوبسید و رأفت بدون هیچ‌گونه سود و ثمری برای اقتصاد ملی، در اختیار مؤسسات دولتی قرار گرفت و

وجود این همه سود سالانه که ماهیت اصلی آن در هیچیک از حسابهای مالی منعکس نیست، شرکتها به هزینه‌هایی روی می‌آورند که اساساً ظرفیت واقعی کارکرد آنها اجازه آن را نمی‌دهد. از اینجاست که خریدن و گرداندن گرانقیمت‌ترین باشگاههای ورزشی، اتومبیلهای گرانقیمت، استخدام بی‌رویه نیروی انسانی... آغاز می‌شود. در اینجا، ظاهراً شرکتها از این همه هزینه‌زیانی نمی‌بینند جز آنکه مالیات کمتری می‌پردازند، اما واقعاً این اقتصاد ملی است که بهای همه





به بهای آزاد تمام می‌شود و عرضه می‌گردد، حال آنکه قیمت کالای وارداتی به ارز رسمی است. به این ترتیب، در وهله نخست فرایند خودکفایی ملی و اتکا به نیروها و ظرفیتهای تولیدی داخلی مختل می‌شود و شرکتها به خرید خارجی رغبت بیشتری می‌یابند. سپس بر اثر همین عرضه بیکاری گسترش می‌یابد و همزمان مصرف ارزی کشور به عنوان یک ثروت ملی بدون کوچکترین ارزش افزوده داخلی بالا می‌رود.

به عنوان مثال در سال ۱۳۶۲، ۲۰۰ هزار دلار کسک از فرانسه وارد شد یا در سال ۱۳۶۹ که همزمان با سرازیر شدن سیل دلارهای نفتی و یوزانس بود شرکت‌های دولتی از میلیاردها دلار به قیمت رقابتی بهره‌مند شدند و همزمان امر افزایش تولید به هر قیمت در دستور کار صنعت قرار گرفت، بسیاری از این شرکتها برای افزایش سرعت تولید و بهره‌گیری هرچه بیشتر از این دلارهای به ظاهر باد آورده، قطعات فراوانی را که طی سالهای دراز از فهرست کالاهای وارداتی حذف کرده و به تولید داخل رسانده بودند مجدداً از خط تولید خارج کرده و باز به وارد کردن همان قطعات از خارج پرداختند، زیرا به این ترتیب اولاً تولید طبعاً سرعت بیشتری می‌گرفت، ثانیاً با استفاده از ارز رقابتی محصول ارزانتر تمام می‌شد و ثالثاً به هر حال کالای ساخته شده کیفیت مطلوبتری داشت. شاید یکی از علل عمده چند برابر شدن مصرف ارزی کل کشور در عین عدم افزایش استفاده از ظرفیت تولیدی به همان نسبت طی این سالها، همین عرضه بوده است.

## ۲-۲-۵ - افزایش سهم واردات و تشدید آسیب پذیری اقتصاد

افزایش و تشدید گرایش مصرف ارز و وارد کردن هر چه بیشتر از خارج، ظاهراً در سطح شرکتها و واحدهای تولیدی - اقتصادی، یک حرکت کاملاً معنی‌دار و اقتصادی - البته در شرایط دونرخه بودن ارز است، اما همین گرایش، در سطح اقتصاد ملی به افزایش سهم واردات و نتیجتاً تشدید آسیب پذیری اقتصاد کل کشور می‌انجامد.

مثلاً به طور عمده به همین دلیل، ارزش واردات کشور از ۸/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ به ۲۷/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ و حدود ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ رسید. طی همین مدت، قرار بود که رشد سالانه واردات کالاهای اساسی ۱۸/۷ درصد، کالاهای مصرفی استراتژیک منفی ۴/۳ درصد (۴/۳ - درصد) و سایر کالاها ۳۲ درصد باشد. اما عملکرد چهار سال ۱۳۶۸ - ۷۱ به ترتیب ۴/۳ درصد، ۲۳/۳ درصد و ۲۷/۶ درصد بود. به این ترتیب، در عمل علاوه بر سرازیر شدن سیل واردات به کشور، در جهت استفاده از رأفت پدید آمده، سرعت واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای به مراتب از حد برنامه و به زیان کالاهای سرمایه‌ای پیشی گرفت. می‌توان به جرأت ادعا کرد که بخش عمده‌ای از بدهی و تعهد خارجی ۳۰ میلیارد دلاری کشور در حال حاضر، معلول وجود همین دلارهای رقابتی در سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ است.

## ۲-۲-۶ - وارد شدن شوک ادواری به اقتصاد

افزایش سهم واردات خود به خود همواره تشدید آسیب پذیری اقتصاد ملی را در شرایط وابستگی کامل آن به صادرات نفت دربر داشته است. بویژه از سال ۱۳۶۹

انگیزه مدیران برای اعمال درست مدیریت شامل جلوگیری از افزایش هزینه، بهبود کیفیت و کمیت تولید... ضعیف شده و سرانجام تمایز میان مدیران کارآمد و ناکارآمد از میان می‌رود. مسأله کیفیت کالاهای ساخت شرکت‌های دولتی طی سالهای گذشته و چگونگی فروش آن، خود گواه روشنی بر این ماجراست. ضعیف شدن انگیزه رقابت میان مدیرتها و واحدهای تولیدی نیز مشکل دیگری است که از شرایط فوق ناشی می‌شود.

## ۲-۲-۴ - اختلال در روندهای طبیعی یک اقتصاد سالم

با دخالت غیرطبیعی و غیراقتصادی در امر اقتصاد، بدیهی است که بسیاری از مشخصه‌های اقتصاد ملی و شرکتی، مختل خواهد شد. تخصیص اداری ارز و ایجاد مزیتی مطلق برای واردکنندگان در برابر تولیدکنندگان، برای بسیاری از واحدهای تولیدی و بازرگانی، خرید کالا از خارج سودآورتر از تولید همان کالا یا خرید از داخل کشور است، زیرا کالای تولید داخل



فرایند خودکفائی، تولید داخلی و سرانجام توسعه تکنولوژیک و نوآوری بشدت مختل شده است. در حالی که بدون تولید می توان به کسب حداقل ۲۰ درصد سود مطمئن بود، چه نیازی به تولید و فن آوری است که با تمام زحمات آن حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد سود دارد؟ می توان گفت که تا زمان ادامه کارکرد نظام دو نرخ، این فرایند همچنان متوقف یا دست کم بطئی خواهد بود.

## ۲-۲-۸- برهم خوردن نقش اصلی پول

چنانکه به اختصار گفته شد، یکی از نقشهای اصلی پول در هر جامعه، معیار ارزش بودن برای هر کالا یا خدمت است. در جوامع امروز با دهها هزار گونه کالا و خدمت متفاوت، از طریق تهاتر نمی توان به مبادله و تعیین ارزش پرداخت. بنابراین پول با تعیین این ارزش برای هر کالا، در واقع موتور محرکه اقتصاد یعنی سرمایه گذاری را به راه می اندازد؛ با تعیین دائمی قیمتها، سرمایه ها خود به خود راه خود را می یابند و در مجموع اقتصاد به طرز متناسب و کمابیش همگون و هماهنگ در تمام بخشها به یکسان توسعه می یابد.

در نظام دو یا چند نرخ، ارز و با پرداخت انواع سوبسیدهای پنهان و اعلام نشده، دیده می شود که در بسیاری بخشها، قیمتهای بازار آزاد پایینتر از حد واقعی و در بسیاری بخشهای دیگر بالاتر از آن است. همین عارضه سرمایه ها را به طور خودکار به یک سو سوق می دهد و تعادل اقتصادی مختل می شود؛ مثلاً با اعطای انواع سوبسیدهای پنهان به بخش مواد ورق بزنید

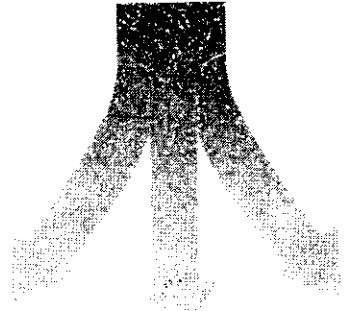
در همین جا باید به افزایش تقاضای کاذب ارز در نظام دو نرخ اشاره کرد که بر اثر کارکردهای بالا پدید می آید و ارقام پیشگفته نیز تجربه آن در سالهای اخیر را تأیید می کند. مثلاً با اینکه ارزش واردات کشور در سال ۱۳۷۰ به حدود ۳/۵ برابر رقم سال ۱۳۶۷ رسید، اما عطش تقاضای ارز به هیچ وجه فرو ننشست و اگر محدودیت ظرفیت ساختاری کشور و اعطای اعتبارات خارجی اجازه می داد، این واردات می توانست در سال ۱۳۷۱ به ۴۰ میلیارد دلار یا حتی بیشتر هم برسد که خوشبختانه چنین نشد. در حال حاضر نیز با فاصله گرفتن قیمت دلار دولتی از قیمت بازار آزاد، می توان مشاهده کرد که سیل تقاضا برای دلار شناور به سوی سیستم بانکی سرازیر شده است، زیرا حتی با فروش دوباره این دلارها، شرکتها می توانند مطمئن باشند که بدون کوچکترین عملیات تولیدی دست کم ۲۰ درصد سود به دست می آورند.

## ۲-۲-۷- توقف توسعه تکنولوژیک

تجربه نشان داده است که در طی سالهای استفاده از نظام تخصیص ارز و سیستم دو نرخ و چند نرخ، آن، با افزایش درآمد ارزی و به تبع آن واردات،

به بعد که واردات سرعت رو به افزایش گذاشت، این آسیب پذیری وسیعتر شد تا آنجا که می توان گفت آسیب وارده به اقتصاد کشور بر اثر کاهش قیمت جهانی نفت خام به ۱۱ دلار در حال حاضر، نسبتاً از آسیب وارده بر اثر سقوط قیمت نفت به حدود ۵ دلار در اواخر سال ۱۳۶۴ بیشتر است، زیرا اکنون کشور با رسیدن به درآمدهای نفتی، بدون حالت جنگی - به ۱۰ میلیارد دلار، به همان حدی آسیب می بیند که با یک اقتصاد جنگی و درآمد ارزی ۵ میلیارد دلاری در سال ۱۳۶۵ می دید.

از سوی دیگر، تظاهر این آسیب پذیری در بازار داخلی، به صورت افزایش یکباره قیمت ارز در بازار آزاد است که دیر یا زود دولت و سیستم نرخگذاری اداری را از خود متأثر کرده و به دنبال خود می کشاند. با اصرار سیستم قیمتگذاری دولتی به ادامه یک نرخ ثابت، به آهستگی فاصله نرخ دولتی و آزاد به حدی می رسد که همانند تجربه عملی مشاهده شده، ادامه نرخ اولیه برای دولت هم ناممکن می شود و سیستم بانکی مجبور است خواه ناخواه قیمت فروش رسمی خود را یکباره و در مقیاسهای بزرگ افزایش دهد. همه اینها به توقف سرمایه گذاری و تولید، گسترش بی رویه بخش خدمات، دلالی... دامن می زند.



پس‌نفساله است. این بخش طی دوره ۱۳۶۸-۷۲ جمعاً حدود ۳۳ میلیارد دلار (اعم از پتروشیمی و...) جذب کرد، اما مجموع صادرات صنعتی کشور در همین مدت به زحمت به ۲ میلیارد دلار می‌رسد که البته بخشهای مهمی از این صادرات ماهیت معدنی و نه صنعتی دارد و نیز اساساً فاقد ارزش افزوده اقتصادی است.

### ۲-۱۰- اتلاف منابع ملی

نتیجه کارکرد همه عوامل فوق، طبعاً اتلاف منابع ملی است، ریخت و پاش منابع، افزایش واردات، کاهش بهره‌وری نیروی کار، عدم سرمایه‌گذاری، کاهش شدید ارزش افزوده ناشی از تولید داخلی، سوق داده شدن سرمایه‌ها به‌طور غیرطبیعی به سمت بعضی بخشها... همه و همه به معنای رفتن خون از کالبد اقتصاد ملی است. از همینجاست که می‌توان پی برد چرا بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تزریق ارز طی پنج سال گذشته و نیز دهها میلیارد دلار دیگر طی سالهای قبل از آن، چنانکه باید و شاید در توسعه اقتصادی کشور تأثیر نگذاشته و با هر بار کاهش درآمد ارزی، تمام رونق اقتصادی به‌دست آمده از قبیل رشد، اشتغال، سرمایه‌گذاری و... یکباره جای خود را به رکود، بیکاری و... می‌سپارد. در واقع، نظام چند نرخ بودن ارز همواره به مثابه کانالی عمل کرده که می‌توان گفت از طریق آن اقتصاد ملی و حتی ارزش افزوده درآمد نفتی از راههای مرئی و نامرئی به خارج از کشور منتقل شده است.

### ۲-۳- آیا سیستم کنونی تک‌نرخ است؟

با توجه به تجربه‌های در دسترس و نیز شرایط فعلی، هنوز نمی‌توان از وجود یک نظام تک‌نرخ واقعی ارز سخن گفت. هنوز بین ارز دولتی و آزاد، حدود ۲۰ درصد اختلاف قیمت وجود دارد و همین اختلاف می‌تواند بسیاری از مشکلات پیشگفته را همچنان ناگشوده باقی بگذارد. به عنوان نمونه‌ای بسیار ساده و آشکار، می‌توان به مسأله خرید بلیت سفر خارجی و پرداخت عوارض خروج از کشور برای دریافت ارز به نرخ شناور و رسمی اشاره کرد. حتی با تمام این هزینه‌ها، گاه دریافت ارز و فروش آن در بازار آزاد، سودآور بوده و همین موجب ازدحام شدید مردم در برابر گیشه بانکها و تشدید تقاضای کاذب ارز شده است.

بنابراین، چنانکه پیداست تنها با اظهار دست‌یافتن به یک نظام تک‌نرخ نمی‌توان به نیل به نتایج آن امید بست، بلکه بیش از هر چیز این نظام برآستی باید صورت تحقق بیابد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که در کنار یک استراتژی مدون و پیگیر همراه با دستگاه اجرایی کارآمد، نتایج آن در میان مدت به منصفه ظهور برسد.

### ۳- اثرات تک‌نرخ شدن ارز

طبیعی است که گذار از یک اقتصاد بسته‌بشدت وابسته به ارز تخصیص یافته به طریق اداری به اقتصاد تک‌نرخ، اثرات و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی در کوتاهمدت و بلندمدت برجای می‌گذارد و می‌توان گفت که در چهارچوب سیاست تعدیل اقتصادی، بزرگترین و بیشترین آثار را در هر عرصه‌ای به‌دنبال دارد. برخی برآوردهای کارشناسی، اثر درآمدی ارزی بر اقتصاد ایران را بین ۵۰ (مستقیم)

غذایی وارداتی، طی سالهای دهه ۱۳۶۰ قیمت بازار بسیاری از محصولات کشاورزی استراتژیک در کشور چنان پایین بود که کفاف قیمت تمام شده را نیز نمی‌کرد و حتی با اعطای سوبسید آشکار دولتی، رشد تولید و سرمایه‌گذاری در اغلب این محصولات مانند گندم، بکلی مختل شده بود که عوارض آن هنوز پابرجاست. متقابلاً در پاره‌ای محصولات دیگر، قیمت بازار به مراتب بالاتر از حد معمول و منطقی بوده و همین موجب شده تا سرمایه‌ها به سوی آن بخش جریان پیدا کنند (مشکل حمل و نقل و عدم سرمایه‌گذاری در آن تا حد رسیدن به یک بحران، نمونه‌ای عملی در این مورد است).

### ۲-۲-۹- کاهش قدرت رقابت

همه این عوامل موجب می‌شود که شرکتها و بنگاههای اقتصادی، به سبب کاهش بهره‌وری نیروی انسانی، توقف توسعه تکنولوژیک، وجود بازار مصرف داخلی سیری‌ناپذیر، عدم سرمایه‌گذاری، و سرانجام اسراف در هزینه‌ها، قدرت رقابت در سطح بین‌المللی را نداشته باشند. نمونه عملی این وضعیت، تجربه بخش صنعت طی سالهای اجرای برنامه اول



تا ۷۰ درصد (غیرمستقیم) تولید ناخالص داخلی و حتی بیشتر می‌داند و طبیعی است که با تک نرخی شدن قیمت ارز، تمام این عرضه گسترده تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در صورت اعمال یک استراتژی مدون، مدبرانه، هدفمند و قدرتمندانه از سوی دولت در مورد تک نرخی شدن ارز، این جریان طبعاً و در وهله نخست اقتصاد ملی را به سوی کارکردی صرفه‌جویانه‌تر با بهره‌وری بیشتر و ضایعات کمتر هدایت می‌کند. به این لحاظ اثر مثبت تک نرخی شدن، چه در سطح اقتصاد ملی و چه در سطح شرکتها، جلوگیری از خسارتها و ضایعاتی است که نظام دو یا چند نرخی ارز ایجاد می‌کند و در بخشهای پیشین همین گزارش مورد اشاره مختصر قرار گرفت. اما برای بررسی اثرات کوتاهمدت و فوری این چگونگی بر اقتصاد وضع مالی شرکتها، به نظر می‌رسد که ارائه تصویری از وضع کنونی ضروری باشد.

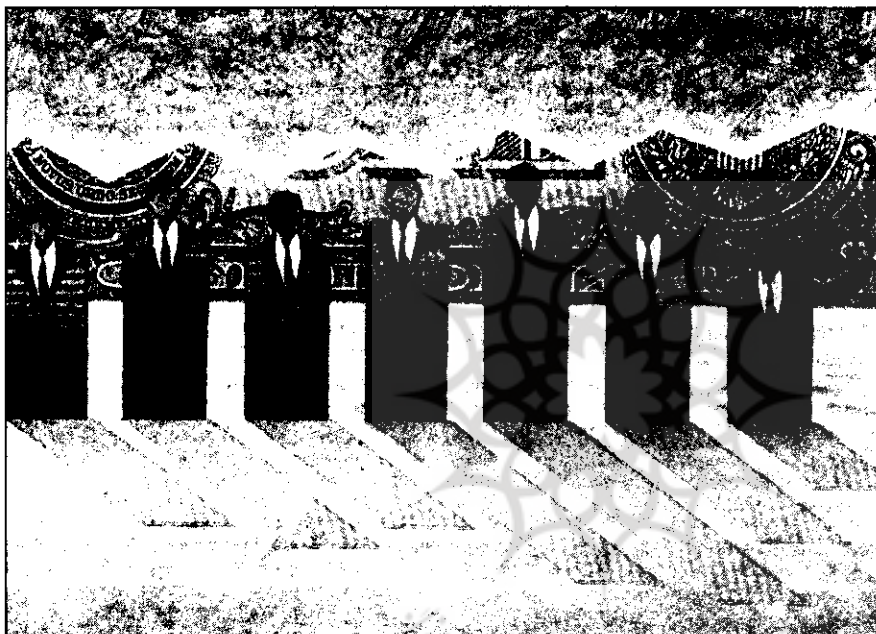
### ۳-۱- شرایط کنونی

همچنانکه قبلاً ذکر شده، در حال حاضر و برابر آخرین برآوردهای در دسترس سازمان برنامه و بودجه، حجم نقدینگی کل کشور حدود ۴۷/۶ هزار میلیارد ریال تخمین زده می‌شود که نسبت به رقم سال ۱۳۷۱ بیش از ۳۳ درصد رشد یافته است. در همین زمان یعنی طی سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۷۱ رشد پایه پولی نیز بیش از ۳۳ درصد و رشد شاخص قیمتها یعنی تورم نیز ۳۰ درصد برآورد می‌شود. این در حالی است که خوشبینانه‌ترین برآوردها از رشد تولید ناخالص داخلی طی سال ۱۳۷۲ کمتر از ۳ یا ۴ درصد است. به این ترتیب، در طرف عرضه و

تقاضای ریال در معادله ریال و ارز، در حال حاضر بدون تغییر چشمگیری در تقاضای ریال که در ارقام نازل رشد تولید ناخالص داخلی تبلور یافته، رشد عرضه آن بیش از ۳۰ درصد بوده است. متقابلاً در طرف عرضه دلار به عنوان شاخص اصلی ارز در ایران، روندها جهتی کاملاً برعکس دارند؛ یعنی از یک سو درآمدهای ارزی کشور به سبب سقوط شدید قیمت‌های

دیگر تقاضای دلار طی ماههای اخیر، سرعت رو به افزایش گذاشت. بنابراین، عجیب نیست که در آبان ماه گذشته قیمت ارز در بازار آزاد طی مدتی بسیار کوتاه یکباره بین ۲۵ تا ۴۰ درصد افزایش یافت و سرانجام طی هفته‌های اخیر ۳۰ درصد افزایش تثبیت شده است.

در عین حال، با وجود تضمین دولت در قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور، برآورد

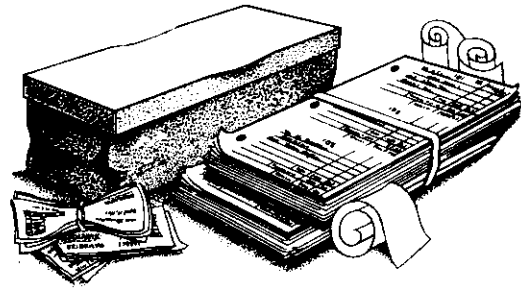


سازمان برنامه و بودجه در پیش‌نویس نخست لایحه برنامه دوم توسعه نشان می‌دهد که بودجه کل کشور امسال نهایتاً حدود ۲۰۰۰ میلیارد ریال کسری علنی خواهد داشت و اگر دولت بخواهد از طریق چاپ اسکناس این کسری را تأمین کند، راهی جز افزایش مجدد قیمت دلار در بازار آزاد وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد که بخشی از این کسری، از طریق افزایش اخیر قیمت ارز در بازار آزاد و رسمی، تأمین شده باشد.

بنابراین، روشن است که شرایط کنونی

ورق برزید

جهانی نفت خام بشدت کاهش یافته و پیشبینی می‌شود که از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ (همراه با صادرات غیرنفتی) به کمتر از ۱۲ یا ۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ برسد و از سوی دیگر ضرورت بازپرداخت میلیاردها دلار بدهی خارجی عقب‌افتاده و سررسید نشده، عرضه دلار به بازار داخلی را به حدود نصف سال ۱۳۷۱ رسانده است. از نظر تقاضا نیز در نتیجه گسترش روحیه مصرف‌گرایی و افزایش جمعیت از یک سو و شتاب اغلب واردکنندگان برای بهره‌مندی از مزایای محاسبه سود و عوارض گمرکی و از سوی



بازار ارزی و پولی کشور، به هیچ وجه پدید آمدن ثبات قیمت ارز را نوید نمی‌دهد و افزایش مجدد قیمت ارز در بازار آزاد، اجتناب‌ناپذیر است. طی ماههای اخیر، به سبب الزام شرکتها از سوی بانک مرکزی به ثبت سفارش در بانک برای گشایش اعتبار خارجی، واردات مواد اولیه و واسطه اغلب شرکتها در حد گسترده‌ای کاهش یافته است. این عارضه، طبقاً با طی یک فاصله زمانی مشخص به کاهش تولید محصول و کاهش فروش در بازار خواهد انجامید که اثرات آن اکنون نیز در مورد بسیاری از واحدها ظاهر شده است و در پی آن، وضعیت نقدینگی شرکتها هر چه بیشتر به وخامت می‌گراید.

این در حالی است که مطابق برآوردهای سازمان برنامه و بودجه، خالص بدهی شرکتهای دولتی به بانک مرکزی در تعقیب سیاست تک‌نرخی کردن قیمت ارز، از ۱۴۷۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ با ۱۴۸ درصد افزایش به ۳۶۵۷ میلیارد ریال می‌رسد. به عبارت دیگر به‌رغم ۲/۵ برابر شدن خالص بدهی شرکتهای دولتی که به معنای رشد یکباره اعتبارات اعطایی سیستم بانکی به شرکتها نیز هست و به سبب لزوم اتخاذ سیاست انقباضی قابل افزایش بیشتر نیست، باز هم این شرکتها به معضلات نقدینگی بزرگی دچارند.

البته در مجموع شرایط کنونی را هنوز

نمی‌توان مصداق کامل یک نظام اقتصادی آزاد مبتنی بر تک‌نرخی شدن ارز دانست، زیرا در حال حاضر اولاً هنوز میان قیمت رسمی ارز و قیمت آن در بازار آزاد تفاوت چشمگیری در حد ۲۰ درصد وجود دارد؛ ثانیاً دولت نه به کمک روشها و سیاستهای اقتصادی، بلکه با فرمانها و دستورعمل‌های صرفاً «اداری» به کنترل تقاضا دست زده و ثالثاً ارز موجود همچنان به طریق اداری و در داخل جلسات تخصیص می‌یابد و به این ترتیب، تخصیص اقتصادی آن مطرح یا دست‌کم معلوم نیست. اساساً بر سر اینکه در اقتصادی با مشخصه‌های ایران که منشأ ۹۰ درصد ارز موجود در اقتصاد دولت است تا چه حد می‌توان سیاست تک‌نرخی را اجرا کرد، بحث وجود دارد. اما به هر حال پیداست که حداکثر، نظام موجود ارز، دونرخه است، نه تک‌نرخه و طبقاً همچنان تمام عوارض و آثار این نظام تحقق پیدا می‌کند.

### ۲-۳- اثرات تک‌نرخی شدن ارز بر شرکتها:

از آنجا که اقتصاد ملی جز فعالیت اقتصادی تک‌تک واحدها و بنگاههای اقتصادی و اشخاص حقیقی و حقوقی نیست دست‌کم در اینجا می‌توان اثرات کوتاه‌مدت و درازمدت تحولات اقتصادی را، کمابیش در هر دو سطح به‌طور یکسان ارزیابی کرد.

#### ۱-۲-۳- کمبود نقدینگی:

در کوتاه‌مدت، فوریت‌ترین اثر اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز، تشدید کمبود

نقدینگی بنگاههای تولیدی و اقتصادی است. از آنجا که تغییر نرخ ارز به معنای تغییر ارزش پول ملی است، افزایش بهای ارز به معنای آن است که در موقعیت جدید، بنگاههای اقتصادی برای ادامه روند تولید و فعالیت خود، به نقدینگی ریالی بیشتر نیاز دارند. در واقع، کاهش ارزش پول ملی به معنای افزایش قیمت کالاها و بویژه کالاهای وارداتی است. پس این کاهش ارزش ساختار قیمتها را به‌طور کلی در هم می‌ریزد. به عنوان مثال، در اغلب شرکتهای تولیدی، تغییر نرخ ارز به افزایش چند صد درصدی نقدینگی و بودجه مورد نیاز منجر شده است. در اینجا، به لحاظ اهمیت حیاتی و جوه نقد در گردش امور تولیدی و اقتصادی کشور و مؤسسات اقتصادی، مساله یافتن منابع مالی جدید و تأمین جوه نقد، اهمیتی اساسی پیدا می‌کند.

با توجه به تجربه چند ماه اخیر، چنین به‌نظر می‌رسد که بسیاری از مدیران واحدهای تولیدی بویژه در بخش دولتی، به سبب عمدتاً ذهنیتهای سابق، تحلیل درستی از اثرات و ابعاد اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز ندارند. به عنوان مثال، اغلب این مدیران انتظار دارند که با افزایش قیمت ارز، نقدینگی بیشتری به صورت اعتبار بانکی در اختیار شرکتها و متقاضیان گذاشته شود، حال آنکه سیاست انقباضی، در بطن تک‌نرخی شدن ارز قرار دارد و بدون اتخاذ این سیاست، اعلام سیاست تک‌نرخه یا اجراشدنی نیست و یا به چنان دور باطلی از تورم در سطح کشور می‌انجامد که سرنوشتی جز فروپاشی کامل اقتصاد ملی نخواهد داشت.

از سوی دیگر، حتی اگر دولت با چاپ اسکناس و تزریق نقدینگی به سیستم بانکی نیاز شرکتها را برآورده کند، برای این شرکتها ثمری نخواهد داشت، زیرا با

هر میزان تزریق پول به جامعه بدون پشتوانه تولیدی و عرضه متناسب ارز، قیمت ارز مجدداً بالا رفته، نیاز شرکتها به نقدینگی مجدداً برقرار و حتی تشدید خواهد شد.

بحث تک نرخي کردن ارز، اساساً در بستر کمبود منابع ارزی طرح می‌شود و با هر میزان تزریق ریالی، این کمبود تنها از طریق خارج شدن برخی مصرف‌کنندگان ناکارآمد ارز رفع شدنی خواهد بود، ضمن آنکه برابر مطالعات کارشناسی انجام شده بر اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۴۰ - ۷۰، تجربه نشان داده است که رشد حجم پول و نقدینگی - بویژه طی سالهای دهه ۱۳۶۰ - اثر چندانی بر رشد ملی بدون نفت نداشته و برعکس صرفاً تشدید فشارهای تورمی را باعث شده است.

نشان می‌دهد که دست‌کم در کوتاهمدت، کاهش تولید چه در سطح ملی و چه در سطح بسیاری از بنگاههای تولیدی، اجتناب‌ناپذیر است. علت این امر را باید در افزایش قیمت تمام شده کالا در شرایط کاهش ارزش پول ملی جستجو کرد که در کنار لزوم سیاست انقباضی، بناچار به کاهش تقاضا و محدود شدن مصرف کل جامعه می‌انجامد. در مورد اغلب مؤسسات تولیدی نیز این امر صدق می‌کند، مگر آن دسته شرکتها که کالاهای تولیدیشان با هر میزان افزایش قیمت نیز در بازار مصرف کشتی و متقاضی دارد.

البته کاهش تولید، به شرایط عادی تک‌نرخي کردن ارز بازمی‌گردد. در مورد تجربه کنونی ایران به سبب کاهش شدید درآمدهای ارزی، شدت کاهش تولید

پیشبینی سال آینده، باید متناسب همین رقم کاهش تولید را در کنار افت تولید ناشی از اجرای سیاست تک‌نرخي ارز انتظار داشت.

بنابراین باید برای مدیران واحدهای اقتصادی روشن باشد که کاهش تولید در اغلب مؤسسات تحت مدیریتشان اجتناب‌ناپذیر است و باید برای مقابله با اثرات این کاهش تولید تجهیز شد.

### ۳-۲-۳- تعطیلی بسیاری از بنگاههای اقتصادی

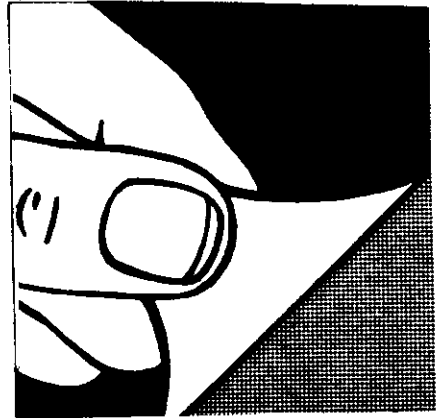
تظاهر اثر تک‌نرخي شدن ارز و کاهش تولید و افزایش تورم و سیاست انقباضی در اقتصاد کلان، تعطیلی اجباری و اجتناب‌ناپذیر بسیاری از بنگاههای اقتصادی است. به‌طور کلی در شرایط فزونی تقاضای مؤثر بر عرضه دلار، به دو گونه می‌توان عمل کرد: دولت می‌تواند یا به تناسب میزان ارز در اختیار، درصدی از ظرفیت تمام واحدهای تولیدی را فعال نگه دارد، یا آنکه با اعمال سیاستهای اقتصادی و عمل به موازین آن، اجازه دهد تا صلاحیتهای اقتصادی، متقاضیان واقعی و شایسته ارز را معین کند. نخستین برخورد که طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد عمل قرار گرفته همان تخصیص اداری، و دومی تخصیص اقتصادی است. به این ترتیب، اگر برآستی قرار باشد که ارز موجود در بازار به مصرف‌کنندگان واقعی آن (با هزینه تولید کمتر، بهره‌وری بالاتر، سوددهی بیشتر...) اختصاص یابد، پس بسیاری از مصرف‌کنندگان کنونی آن که با استفاده از سوبسید اعطایی دولت از این ارز بهره می‌برند، باید از گردونه رقابت خارج شوند. ورق بزنید



مضعف خواهد بود، زیرا فشار انقباضی ناشی از افزایش قیمت ارز در کنار کاهش عرضه آن، کاهش تولید را تشدید می‌کند. با توجه به کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی در درآمدهای ارزی کشور طی امسال و

### ۳-۲-۳- کاهش تولید

تجربه بیشتر کشورهایی که سیاست تک‌نرخي شدن ارز را به اجرا گذاشته‌اند



نیز سرعت می بخشد و می تواند به افزایش ارزش صادرات غیرنفتی منجر شود، زیرا مؤسسات اقتصادی برای دستیابی به ارزش معتبر، با جدیت بیشتری لوازم گسترش صادرات را فراهم می آورند. نشانه هایی از این گرایش، طی سالهای اخیر مشاهده می شود.

### ۳-۲-۵- تحلیل لایحه بودجه سال ۱۳۷۳

چشم انداز کوتاهمدت یا یکساله وضعیت پولی و نقدینگی کشور، دورنمای چندان متعادلی را برای شرکتها ترسیم نمی کند. لایحه بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور، بر پایه حدود ۱۳ میلیارد دلار درآمد ارزی سال بر مبنای قیمت هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال، حدود ۵۵،۲۵۱ میلیارد ریال بودجه برای شرکتهای دولتی و بانکها، و ۲۹،۰۱۲ میلیارد ریال بودجه عمومی دولت برای سال ۱۳۷۳ پیشبینی کرده است. در دورن درآمدهای اختصاصی و بودجه شرکتها، درآمدهای شرکتها دولتی حدوداً ۴،۳۶۴ میلیارد ریال از هزینه های آنها کمتر دیده شده که قرار است از محل ۷،۳۱۴ میلیارد ریال وام داخلی تأمین شود. در مورد این بودجه، ملاحظاتی وجود دارد که ذکر آن، برای نگرش شرکتها به وضعیت واقعی دولت در سال ۱۳۷۳ مفید به نظر می رسد.

**الف -** درآمدهای ارزی دولت در سال ۱۳۷۳ به گواهی همگی کارشناسان و بیشتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ۱۰ میلیارد دلار فراتر نخواهد رفت. ظاهراً مجلس درآمد ارزی سال آینده را ۹ میلیارد دلار برآورد کرده است. این به معنای آن

است که ارقام لایحه پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی، تنها از این محل بیش از ۶،۶۰۰ میلیارد ریال کسری دارد.

**ب -** درآمدهای مالیاتی سال ۱۳۷۳ معادل ۶۴۰۰ میلیارد ریال پیشبینی شده است. در سال ۱۳۷۲ از بودجه ۵۴۰۰ میلیارد ریالی درآمد مالیاتی، حدود یک چهارم تحقق نیافته و به همین نسبت، با توجه به کاهش اجباری درآمدها در سال ۱۳۷۳، ظاهراً دست کم ۱۰۰۰ میلیارد ریال از مالیات پیشنهادی تحقق نخواهد یافت.

**ج -** با توجه به صوری بودن بخش بزرگی از بودجه پیشنهادی سال ۱۳۷۳ شرکتها دولتی به سازمان برنامه و بودجه، به نظر می رسد که رقم کسری بودجه شرکتها از ۴۳۶۴ میلیارد ریال به مراتب فراتر خواهد رفت و همین عارضه نیاز این شرکتها به اعتبارات سیستم بانکی را تشدید می کند.

**د -** از سوی دیگر نکته جالب توجه اینکه از ۷۳۱۳ میلیارد ریال وام بانکی در نظر گرفته شده به منظور پرداخت به شرکتها دولتی، حدود ۵۶۳۰ میلیارد ریال یعنی ۷۷ درصد آن تنها به ۱۵ شرکت غول پیکر شامل نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد مبارکه، گوشت کشور، توانیر، ملی فولاد و... اختصاص یافته و بقیه یعنی ۱۶۸۳ میلیارد ریال دیگر برای حدود دو هزار شرکت دولتی در نظر گرفته شده است.

**ه -** جدا از مسأله تحقق درآمدهای دولت یا شرکتها دولتی از یک سو و وام بانکی اختصاص یافته به شرکتها

در اینجاست که مفاهیم اقتصادی مانند رقابت، کاهش هزینه ها، افزایش بهره وری و... معنا می یابد. در واقع می توان گفت که طبیعتاً نتیجه و حتی هدف تک نرخی شدن ارز در چهارچوب سیاست تعدیل اقتصادی نیز همین است. به همین دلیل، نگرانی آن دسته از واحدهای تولیدی عمدتاً دولتی که از تبعات این سیاست نگرانند، طبیعی به نظر می رسد.

### ۳-۲-۴- اثرات بر اقتصاد ملی در میانمدت

در صورت اجرای درست و هوشمندانه سیاست تک نرخی کردن ارز در چهارچوب استراتژی مدون اقتصادی و فراهم آمدن تمام عناصر، لوازم، بسترها و زمینه های آن، تک نرخی شدن ارز می تواند در میانمدت به کاهش مصرف و سپس کاهش سرعت مصرف ملی و افزایش تشکیل سرمایه و به تبع آن سرعت گرفتن رشد اقتصادی بینجامد. در کنار اینها، کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای معتبر، گرایش صادراتی کشور را

دولتی از سوی دیگر، این نکته نیز اهمیت دارد که مطابق پیوست اولیه لایحه برنامه پنجساله دوم توسعه، مبلغ تسهیلات بانکی در نظر گرفته شده از سوی دولت برای پرداخت به سیستم بانکی، در جهت حمایت از بهره بانکی بخش صنعت، در تمام برنامه دوم حدود ۷ هزار میلیارد ریال است. به عبارت دیگر کل بخش صنعت و معدن در تمام ۵ سال آینده، جمعاً مبلغ ۴۸۲ میلیارد ریال از دولت بابت پرداخت ۸ درصد از بهره بانکی ۷ هزار میلیارد ریال بالا، سوبسید دریافت خواهند کرد و جالبتر اینکه در سه سال نخست اجرای برنامه دوم، سوبسید پرداختی در این زمینه صفر خواهد بود.

به این ترتیب، به نظر نمی‌رسد که شرکتها بتوانند امیدی به سیستم بانکی کشور برای جبران کسری نقدینگی خود داشته باشند، ضمن آنکه پرداخت نرخ بهره اعتبارات بانکی کشور همین حالا هم از توان بسیاری از شرکتهای تولیدی خارج است.

#### ۴ - نتیجه:

به عنوان نتیجه گیری کلی، گزارش حاضر بر آن است که سیاست تک نرخی کردن ارز، نه تنها از ضروریات اقتصاد ایران است، بلکه در صورت اعمال هوشمندانه می‌تواند به شکوفایی اقتصاد ملی نیز بینجامد، زیرا این سیاست به کاستن از هزینه‌ها و ریخت و پاشهای زاید، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع، جدی گرفتن امر بازاریابی بین‌المللی... و در نهایت محدودیت مصرف ملی، افزایش

سرمایه‌گذاری ملی، ارتقای تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمد ارزی که معنای آن تقویت پول ملی است، منجر می‌شود.

#### ۴-۱- در سطح شرکتها

در سطح شرکتها، تک نرخی شدن ارز باید به معنای لزوم محکم کردن کمربندها در تمام زمینه‌ها باشد. اگر هم تاکنون امکان داشته، به هر حال در زمان حاضر توان اقتصادی کشور اجازه ادامه بسیاری از کارکردها، رفتارها و ذهنیتهای جاری را نمی‌دهد. از جمله، همانند همه مؤسسات اقتصادی دنیا، کاستن از حتی یک ریال هزینه‌های زائد، باید در دستور کار شرکتها قرار بگیرد؛ بهره‌وری ماشین‌آلات، سرمایه و نیروی انسانی باید تا سر حد امکان افزایش یابد، راههای استفاده بهینه از منابع باید مجدداً ارزیابی شود. نقاط مزیت نسبی فراموش شده بسیاری در کشور وجود دارد که می‌تواند بررسی و پیگیری شود. بودجه سالانه شرکتها و منابع و مصارف وجوه باید متناسب با واقعیتها و نه صرفاً با یک ضرب و تقسیم ساده ارز مورد نیاز در نرخ جدید بسته شود، به تأمین نقدینگی مورد نیاز از سیستم بانکی چندان نباید امید داشت، میزان برآوردها از بازار مصرف و تقاضای مؤثر و قدرت خرید جامعه باید حتماً واقعی باشد، زیرا در غیر این صورت می‌تواند در عین تحقق هزینه‌ها، به عدم تحقق درآمدها منتهی شود. بازاریابی بین‌المللی و ارتقای کیفیت محصولات تولیدی به منظور گسترش صادرات باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، و از همه مهمتر، کارایی گردش سرمایه شرکتها باید افزایش یابد. در واقع اکنون نرخ گردش سرمایه بسیاری از شرکتهای داخلی به مراتب کمتر از رقم مشابه همان

صنعت در جهان است و این یعنی اتلاف منابع.

بنابراین، مهمترین عامل زنده ماندن بنگاههای اقتصادی در شرایط اجرای سیاست تعدیل و تک نرخی شدن ارز، یک بازننگری جامع و عمدتاً کیفی در اصول اقتصادی اداره واحدهای تولیدی و بازرگانی است. با توجه به بهره‌مندی چند دهه‌ای کشور از منابع ارزی فراوان و سهل‌الوصول، این بازننگری به مثابه اساس هرگونه تحول مقداری و مادی، حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است و مؤسساتی که دیر متوجه این قضیه بشوند چاره‌ای جز خارج شدن از گردونه رقابت ندارند.

#### ۴-۲- استراتژی اقتصادی

چنانکه گفته شد، سیاست تک نرخی کردن ارز، هم برای اقتصاد ایران ضرورت دارد و هم می‌تواند به شکوفایی نهایی آن منجر شود. اما نکته بسیار مهم در این جنبه آن است که تک نرخی کردن ارز در تحلیل نهایی تنها یکی از سیاستهای مرتبط به هم و علت و معلولی تعدیل اقتصادی است. بنابراین، با فراموش کردن یا مسکوت گذاشتن جنبه یا جنبه‌هایی از استراتژی تعدیل اقتصادی در قالب یک هدفگیری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مطلقاً نمی‌توان به اثرگذاری مثبت اجرای این سیاست امید داشت، ضمن آنکه در این صورت، آثار منفی شدت بیشتری به خود خواهد گرفت.

مثلاً بدون تغییر در قانون کار و ماهیت آن، اجرای سیاست تک‌نرخی کردن ارز نتیجه نخواهد داد، اما در عین حال بدون برقراری یک نظام کارآمد تأمین اجتماعی نیز تغییر در قانون کار جز خسارات ژرف

بقیه در صفحه ۱۲۲

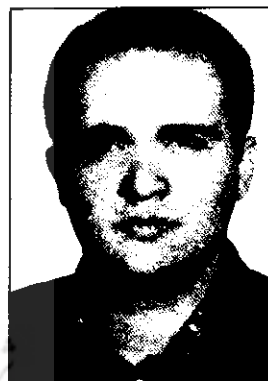


# مدلهای تعیین میزان بهینه نقدینه و دشواریهای کار بست آن در ایران

● نقدینه عبارت از وسیله‌ای است که مؤسسات جهت انجام مبادلات اقتصادی به کار می‌برند و موجودی نقد نزد مؤسسه (صندوق)، پولهای خارجی، چک و موجودی حسابهای بانکی و تنخواه گردانها را در بر می‌گیرد.

نقدینه در میان اقلام داراییهای هر مؤسسه دارای اهمیت ویژه‌ای است چرا که به کمک آن خرید و فروش کالاها و داراییها، وصول مطالبات، پرداخت تعهدات و سایر مبادلات نقدی صورت می‌گیرد. مؤسسات با استفاده از روشهای مدیریت وجوه نقد می‌کوشند هرگونه وجه نقد اضافی خود را در سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت در اوراق و اسناد بهادار به کار ببرند. اینگونه اقلام شبه نقدینه خوانده می‌شود و دارای دو ویژگی اساسی و بسیار مهم تبدیل پذیری بسیار سریع به نقد و ریسک بسیار اندک است.

اگر به ترازنامه مؤسسات با دقت بنگریم درخواستیم یافت که اغلب مانده نقدینه در آنها رقم درخور توجهی را نشان می‌دهد مثلاً به جدول زیر که نشاندهنده نقدینگی و نسبت آن به کل داراییهای چند شرکت بزرگ جهان است توجه کنید: ●



● مهدی مرادزاده فرد



● علی مصدر

## جدول شماره یک: نقدینگی و نسبت آن به کل داراییهای چند شرکت بزرگ جهان در سال ۱۹۸۸

نام شرکت	وجوه نقد (میلیون دلار)	کل دارائیه (میلیون دلار)	درصد وجوه نقد به کل دارائیه
فورد (Ford)	۹۱۴۵	۳۳۵۱۱	۲۷/۳٪
آی.بی.ام. (IBM)	۶۷۷۲	۶۳۶۸۸	۱۰/۶٪
تکزاکو (Texaco)	۳۷۱۵	۳۲۰۱۲	۱۱/۶٪
بویینگ (Boeing)	۳۲۶۹	۱۷۶۶۵	۱۸/۵٪
آی.ان.سی فارماکتیکالز (INC Pharmaceuticals)	۲۹۹	۶۵۰	۴۶٪
گلدن نوگت (Golden Nugget)	۳۵۳	۸۴۰	۴۲٪

در شرایطی که به این نقدینه سودی تعلق نمی‌گیرد این سوال مطرح می‌شود که شرکت چقدر باید نقدینه نگهداری کند، چرا که می‌توان با استفاده از آن نقدینه دست به سرمایه‌گذاری کوتاهمدت زد و درآمد کسب کرد. البته در این میان باید به نقدینه‌ای که موسسه جهت خرید کالاها و خدمات و پرداخت تعهداتش نیاز دارد توجه کامل داشت زیرا حتماً موسسه پرداخت حقوق کارکنان خود را به سرمایه‌گذاری در اوراق و اسناد بهادار ترجیح می‌دهد. پس مؤسسات چقدر باید نقدینه نگهداری کنند تا هم پاسخگوی نیازهای معاملاتیشان باشد و هم هزینه فرصت از دست رفته نگهداری نقدینه اضافی<sup>۲</sup> حداقل شود.

تعیین نقدینه مناسب در مؤسسات مستلزم تعیین منافع و هزینه‌های نگهداری آن است. منافع حاصل از نگهداری نقدینه شامل تسهیلات و اطمینان‌خاطری است که

### 2. Opportunity Costs.

برای مؤسسه فراهم می‌شود و هزینه نگهداری نقدینه عبارت از درآمدهایی است که در صورت سرمایه‌گذاری با آن می‌توان کسب کرد ولی با نگهداری آن به دست نمی‌آید. اگر مؤسسه بخواهد نقدینه مناسب مورد نظر خود را تعیین کند باید منافع حاصل از سرمایه‌گذاری انجام شده در نقدینه، با ارزش منافع به دست آمدنی از سرمایه‌گذاری در اسناد بهادار با همان مبلغ برابر شود، به عبارت دیگر نقدینه مؤسسه به قدری باشد که خالص ارزش فعلی سرمایه‌گذاری در آن برابر با صفر گردد.

### دلایل نگهداری نقدینه:

برای نگهداری نقدینه در مؤسسات دو دلیل اصلی وجود دارد.<sup>۳</sup> دلیل اول نیاز به آن ۳. برای نگهداری نقدینه در مؤسسات علاوه بر این دو دلیل، دلایل دیگری نیز اقامه می‌شود. نگاه کنید به:

Fundamentals of Financial Management - Eugene F. Brigham-Pryden - 1989 - p. 779.

جهت انجام معاملات در روال عادی فعالیتهای مؤسسات است. از جمله چنین مواردی می‌توان به پرداخت حقوق پرسنل، بهای کالاهای خریداری شده، پرداخت بدهیها، مالیات و سود سهامداران اشاره کرد. دلیل دیگر نگهداری نقدینه دارا بودن مسانده‌های جبرانی<sup>۴</sup> است. این شکل از نقدینگی اغلب نزد بانکها نگهداری می‌شود تا در مقابل بتوان از خدمات ارائه شده توسط آنها استفاده کرد.<sup>۵</sup>

نقدینه‌ای که مؤسسه کسب می‌کند

ورق بزنید

### 4. Compensating Balance.

۵. مانده‌های جبرانی حداقل میزان موجودی است که بانکها در مقابل خدماتی که ارائه می‌کنند توقع دارند مؤسسات نزد آنها نگهداری کنند. جهت کسب اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Managerial Finance - Neveu - South Western - 1989 - p. 244.



حاصل از فروش کالاها و خدمات، فروش داراییها و تأمین مالی جدید با صدور سهام یا به صورت بدهی است. نقدینه وارد به مؤسسه و خارج شده از آن الزاماً با یکدیگر تقارن زمانی ندارند و به همین خاطر همیشه نگهداری مقداری نقدینه جهت انجام پرداختها ضروری می‌گردد. حال اگر نقدینه اضافی در اوراق و اسناد بهادار و در بازاری سرمایه‌گذاری شود که دارای ریسک بسیار پایین و ظرفیت خرید و فروش بالا باشد، می‌توان هر زمان که نیاز به نقدینه باشد با فروش اوراق و اسناد بهادار و یا حتی استقراض این نیاز را برآورده کرد. البته خرید و فروش در بازار و نیز استقراض در بردارنده هزینه‌هایی است که به آنها هزینه‌های معاملاتی<sup>۶</sup> گفته می‌شود.

### نحوه تعیین مانده نقدینه مناسب:

میزان مانده نقدینه مناسب مبلغی مابین هزینه‌های فرصت از دست‌رفته ناشی از نگهداری نقدینه و هزینه‌های معاملاتی

هزینه نگهداری نقدینه هزینه فرصت از دست‌رفته است که میزان آن را می‌توان براساس زیان حاصل از بهره‌کسب نشده ناشی از عدم سرمایه‌گذاری در اوراق و اسناد بهادار تعیین کرد. برای به‌دست آوردن مانده مناسب نقدینه لازم است منافع حاصل از نگهداری آن را با هزینه‌های نگهداری نقدینه برابر کرد. محاسبه مانده مناسب نقدینه برای مؤسسات بسیار مهم و ضروری است و جهت انجام آن ابتدا باید مبلغ مانده‌های جبرانی محاسبه شود که لازم است حتی‌الامکان در کمترین میزان ممکن باشد و سپس باید در تعیین مانده نقدینه مناسب وجود مانده‌های جبرانی نادیده گرفته شود و تمامی محاسبات و ملاحظات بدون در نظر گرفتن وجود آن صورت پذیرد.

### 6. Trading Costs.

### شکل اول:

هزینه‌های نگهداری نقدینه به ریال

کل هزینه‌های نگهداری نقدینه

هزینه‌های فرصت از دست‌رفته

هزینه‌های معاملاتی

میزان نقدینه

$C^*$

مانده نقدینه مناسب

ناشی از نگهداری نقدینه کمتر از میزان لازم است. شکل زیر ارائه‌کننده مفاهیم این موضوع در قالب یک نمودار است:<sup>۷</sup> هزینه‌های معاملاتی هنگامی که مؤسسه برای به‌دست آوردن نقدینه اوراق و اسناد بهادار خود را می‌فروشد افزایش

7. Corporate Finance - Ross, Wester field & Jaffe - Irwin & Toppan - 1990 - P. 721.

می‌یابد و هزینه‌های فرصت از دست رفته نیز با افزایش مانده نقدینه نگهداری شده افزایش پیدا می‌کند چرا که نگهداری نقدینه اضافی بازدهی در بر نخواهد داشت. در نتیجه منحنی هزینه‌های معاملاتی با نگهداری نقدینه بیشتر به پایین میل کرده کاهش می‌یابد و بالعکس هزینه‌های فرصت از دست رفته با نگهداری نقدینه بیشتر میل به افزایش دارد. در نقطه  $C^*$  که در شکل نشان داده شده، منحنی هزینه‌های مذکور باهم برخورد می‌کنند و در این نقطه منحنی هزینه‌های کل هم در حداقل خود قرار می‌گیرد و این نقطه مانده نقدینه مناسب نامیده می‌شود. برای تعیین مانده نقدینه مناسب مدل‌های متعددی ارائه شده است. در زیر به تشریح چند مدل معروف از بین آنها می‌پردازیم.

### مدل باومول<sup>۸</sup> برای تعیین مانده نقدینه مناسب:

مدل باومول بر پایه مفاهیم مدل میزان سفارش اقتصادی<sup>۹</sup> که پیشتر جهت کنترل موجودیهای جنسی ارائه شده بود استوار است. ویلیام باومول اولین کسی بود که توجهش به این مدل ساده موجودی جلب شد و تشخیص داد که این مدل قادر است بعضی از اطلاعات را در مورد مدیریت مانده‌های نقدی تأمین کند<sup>۱۰</sup>. وی برای هزینه‌های فرصت از دست رفته ناشی از

8. Baumol Model.

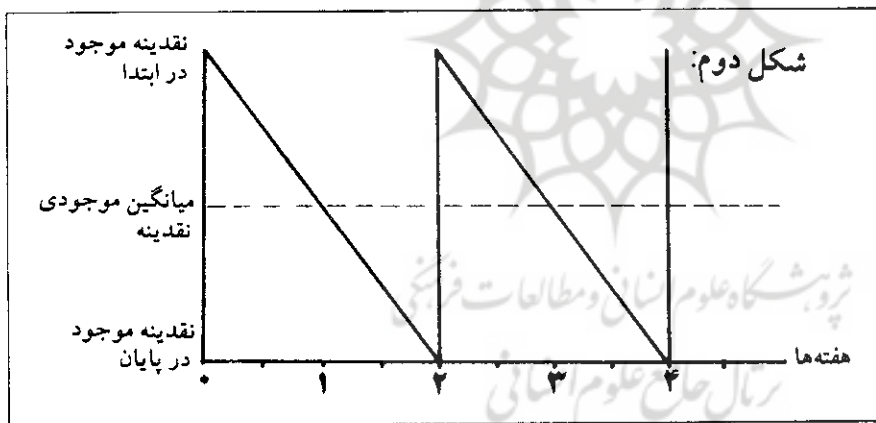
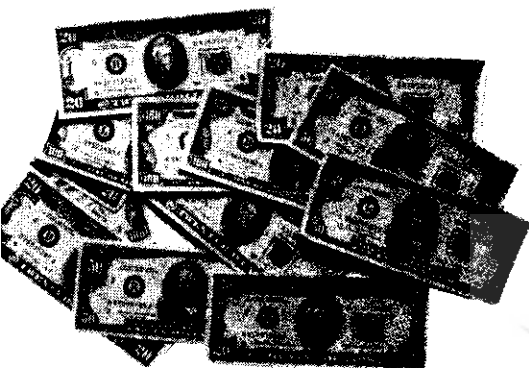
9. Economic Ordred Quantity. (EOQ)

10. Principales of Corporate Finance - Brealy & Myers - Mc Graw- Hill - 1991 - P. 776.

نگهداری نقدینه و هزینه‌های معاملاتی ناشی از سرمایه‌گذاری نقدینه اضافی در اوراق و اسناد بهادار مدلی ارائه کرد که جهت تعیین مانده نقدینه مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این مدل فرض می‌شود که موسسه در طی دوره‌ای معین (مثلاً یک‌سال) تقاضای ثابتی برای نقدینه دارد و وجوه نقد مورد نیازش را در طی این دوره از طریق خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار به دست می‌آورد. چون هزینه‌های معاملاتی بسیار کمتر از هزینه‌های فرصت از دست رفته ناشی از نگهداری نقدینه است لذا نقدینه اضافی موسسه در سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت متمرکز می‌شود و هر زمان که نیاز به نقدینه وجود داشت با فروش آنها

ریال اوراق و اسناد بهادار در بازار سرمایه‌گذاری بسیار کمتر از ۵۴۰ است. بنابراین حتی نگهداری یکروزه دو میلیون ریال وجه نقد نیز برای مؤسسات مقرون به صرفه نخواهد بود. مدل باومول را که تحت شرایط اطمینان برای تعیین مانده نقدینه مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد<sup>۱۱</sup> می‌توان به شکل نموداری زیر ارائه کرد:



همان‌گونه که مشاهده می‌شود هر دو هفته یک بار که موجودی نقدینه نزد مؤسسه به صفر می‌رسد، با فروش سرمایه‌گذاریها نسبت به تأمین وجه نقد مورد نیاز اقدام می‌شود و در این بین بقیه در صفحه ۶۶

11. Financial Management & Policy - James C. Van Horn- Ninth Edition - Prentice Hall - 1989 - P. 404.

تقاضا برای نقدینه پاسخ داده می‌شود.

برای تشریح کمتر بودن هزینه‌های معاملاتی از هزینه‌های فرصت از دست رفته به مثال زیر توجه کنید: هزینه‌های فرصت از دست رفته نگهداری دو میلیون ریال با نرخ بهره سالانه ۱۰٪ برای یک روز برابر با ۲۷/۰۰۰۰ درصد یا ۵۴۰ ریال می‌شود، در حالی که هزینه‌های معاملاتی دو میلیون

## فهرست اسامی

### حسابداران مستقل در تاریخ

۱۳۷۳/۱۲/۲۹

حسابداران مستقل آن گروه از اعضای انجمن می‌باشند که از نظر انجمن صلاحیت انجام کار حسابرسی دارند.

# انجمن حسابداران خبره ایران

• این فهرست به ترتیب حروف الفبا تهیه شده و تقدم و تأخر اسامی به این علت است.

نام خانوادگی	تلفن	محل کار
حمزه پاک‌نیا	۶۵۳۱۸۲	سازمان حسابرسی
مهربان پروز	۸۵۹۵۵۰	موسسه حسابرسی پروز و همکاران
محمدرضا پنازادی	۸۳۲۱۶۶	سازمان حسابرسی بنیاد
ایرج پورحسین اکبری	۸۹۳۱۹۰	وزارت صنایع
غسرو پورمعمار	۸۸۸۰۸۱۲	مؤسسه حسابرسی نمودگر
حبیب جامی	۶۴۸۲۲۳۵	موسسه حسابرسی امیم
مصطفی جان‌نثاری	۳۱۹۰۳	سازمان حسابرسی - اهواز
محمد جم	۸۹۱۲۴۶	موسسه حسابرسی آگاهان و همکاران
مجتبی جواهرنشان	۶۵۲۲۹۴	موسسه حسابرسی پردازش
مسعود حاجی‌الحمید	۸۳۲۷۱۶	موسسه حسابرسی بهدوران
سیدمحسن حجازی	۲۰۴۴۰۰۵	
مرتضی حجازی	۷۵۳۷۲۳۶	شرکت توتال پخش
احمد حمیدی‌راوری	۸۹۵۹۳۰	سازمان حسابرسی
حسن حیاط‌شاهی	۲۲۷۸۷۶۴	موسسه حسابرسی رمز
امیرعلی خانخلیلی	۶۵۲۲۹۴	موسسه حسابرسی پردازش
حسن خدائی	۸۰۸۹۹۹۶	
اصغر خرازی	۶۳۴۶۸۱	
اصغر خرمی‌دیزجی	۸۴۵۴۳۸	مؤسسه حسابرسی تدبیرنوین
هوشنگ خستوئی	۸۹۱۰۹۱	سازمان حسابرسی
حسین خطیبیان	۷۸۶۴۱۱۷	
داود خمارلو	۸۹۲۳۱۶	موسسه حسابرسی خیره
بهروز دارش	۹۳۱۲۵۱	موسسه حسابرسی دش و همکاران
محمدنبی داهی	۸۸۰۱۹۰۴	موسسه حسابرسی ممیز
اسپک دراستپانیانس	۸۸۴۴۷۰۳	
عباسعلی دهدشتی‌نژاد	۸۹۹۷۱۸	موسسه حسابرسی رایبند
مصطفی دیلمی‌پور	۸۰۸۰۷۳۲	دانشگاه تهران
محمدعلی رادمان	۸۸۸۰۸۱۲	مؤسسه حسابرسی نمودگر
سیروس رحمانی	۲۴۴۲۸۵	سازمان حسابرسی - تبریز
مرتضی رحمانی یگانه	۸۹۰۲۲۸	سازمان حسابرسی
حسین رضائی	۸۳۵۹۷۳	موسسه حسابرسی رضائی و همکاران
غلامرضا (بیژن) زاهدی	۸۹۰۲۲۱	سازمان حسابرسی
منوچهر زندی	۶۵۴۲۸۸	موسسه حسابرسی حسابرسین
غلامرضا سلامی	۶۴۳۵۱۵۵	موسسه حسابرسی سلامی و همکاران
محمدتقی سلیمان‌نیا	۸۹۹۵۴۳	موسسه حسابرسی همیارحساب
سیاوش سهیلی	۸۹۲۳۱۶	موسسه حسابرسی خیره
سیدمهدی سیدمهدی	۸۷۱۳۲۸۹	موسسه حسابرسی سیستم‌یار
علی شاه‌نظری	۲۴۱۷۹۵	سازمان حسابرسی - اصفهان
فرامرز شایگان	۸۰۱۲۳۱۵	مؤسسه حسابرسی آزمون
محمد شریعتی	۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی

نام خانوادگی	تلفن	محل کار
سورن آب‌نوس	۸۳۲۳۱۶	مؤسسه حسابرسی نواندیشان
رضا آتش	۸۳۵۳۹۱	مؤسسه حسابرسی بهمند
پورو آواکیانس	۸۳۰۵۸۸	موسسه حسابرسی پیش‌آگاه
حمیدرضا ارجمندی	۶۵۳۱۷۵	سازمان حسابرسی
عباس اسرارحقیقی	۸۷۱۲۳۳۵	موسسه حسابرسی بیداران
حسن اسمانی	۶۵۴۲۸۸	موسسه حسابرسی حسابرسین
سیدعباس اسحاق‌زاده‌پاک‌دامن	۶۴۳۵۲۲۳	موسسه حسابرسی ایران‌مشهود
پرویز افتخارجوهری	۲۲۶۵۸۳۶	موسسه حسابرسی استاندردکار
یداله امیدواری	۸۸۶۹۹۹۶	موسسه حسابرسی بیداران
فریبرز امین	۸۹۹۷۱۸	موسسه حسابرسی رایبند
عباس امینی	۸۹۰۲۴۰	سازمان حسابرسی
فریدون ایزدپناه	۸۶۸۲۹۴	
نریمان ایلخانی	۸۹۰۵۲۸	شرکت راهبرد ارقام
میلتن ایوان‌کریمیان	۹۳۱۲۵۱	موسسه حسابرسی دش و همکاران
سیدمحمد یزرگ‌زاده	۸۶۷۶۲۸	موسسه حسابرسی شهرپور
اصغر بهنیا	۲۲۷۵۷۶	سازمان حسابرسی - اصفهان
منوچهر بیات	۸۳۷۹۲۸	موسسه حسابرسی بیات‌رایان



نام خانوادگی	تلفن	محل کار	نام
محمد هلی شعبانی سبزه میدان	۶۷۴۴۲۵	موسسه حسابرسی طوس	محمد هلی شعبانی سبزه میدان
نریمان شهربانی	۸۹۹۵۴۳	موسسه حسابرسی همیار حساب	نریمان شهربانی
تیرانداز شکبیا	۷۸۶۰۸۵۴	موسسه حسابرسی هزینه یاب	تیرانداز شکبیا
احد شله چی	۸۹۰۲۴۹	سازمان حسابرسی	احد شله چی
سیروس شمس	۸۹۰۲۴۲	سازمان حسابرسی	سیروس شمس
منصور شمس احمدی	۸۲۹۱۰۰	موسسه حسابرسی شاهدان	منصور شمس احمدی
محمد شوقیان	۸۹۰۲۴۴	سازمان حسابرسی	محمد شوقیان
فریده شیرازی	۸۹۱۲۴۶	موسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	فریده شیرازی
پرویز صادقی	۶۵۶۰۷۸	سازمان صنایع ملی ایران	پرویز صادقی
سعید صدرائی نوری	۸۲۵۳۹۳	موسسه حسابرسی بهمند	سعید صدرائی نوری
غلامرضا صرام	۸۹۰۲۴۹	سازمان حسابرسی	غلامرضا صرام
قاسم ضرفامی	۲۷۵۰۹۹		قاسم ضرفامی
اصغر طهوری	۸۹۳۹۰۰	موسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	اصغر طهوری
احمد عبائی کوپائی	۸۸۲۶۴۷۸		احمد عبائی کوپائی
سید حسین عزیززاده	۹۳۱۲۵۱	موسسه حسابرسی دش و همکاران	سید حسین عزیززاده
علیرضا عطفونی	۶۴۳۵۳۲۴	موسسه حسابرسی ایران مشهود	علیرضا عطفونی
سید داود علوی	۶۵۸۵۳۲	موسسه حسابرسی پارس	سید داود علوی
نعمت الله علیخانی راد	۸۹۲۳۱۶	موسسه حسابرسی خیره	نعمت الله علیخانی راد
جعفر عوض پور	۸۸۲۷۵۵۶	موسسه حسابرسی کاشفان	جعفر عوض پور
علاءالدین ففاری اقدس	۸۹۶۸۷۳	سازمان حسابرسی	علاءالدین ففاری اقدس
کامبیز غیائی	۲۲۶۸۳۷۹	موسسه حسابرسی احتساب	کامبیز غیائی
بهرام غیائی	۸۹۹۷۱۸	موسسه حسابرسی مختار و همکاران	بهرام غیائی
هوشنگ غیبی	۲۲۴۴۵۰	آموزشگاه حسابداری غیبی - کرمان	هوشنگ غیبی
خسرو فخیم هاشمی	۸۸۲۲۶۰۵	موسسه حسابرسی قضاوت	خسرو فخیم هاشمی
جمشید فراروی	۸۹۱۲۴۶	موسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	جمشید فراروی
فرزاد فرهنگدیزجی	۸۸۲۴۸۸۷	موسسه حسابرسی نوگا	فرزاد فرهنگدیزجی
بهزاد فیضی	۸۹۱۲۴۶	موسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	بهزاد فیضی
ظاهر قدوسی	۸۹۵۹۳۰	سازمان حسابرسی	ظاهر قدوسی
محمد ابراهیم قربانی فرید	۷۵۰۸۴۶۳	موسسه حسابرسی فرید	محمد ابراهیم قربانی فرید
رضا قندی	۶۵۸۵۳۲	موسسه حسابرسی وثیق	رضا قندی
حمیدرضا قهرانی	۸۲۷۳۳	سازمان حسابرسی - اهواز	حمیدرضا قهرانی
علیرضا کریمی طار	۸۳۲۷۱۶	موسسه حسابرسی بهداوران	علیرضا کریمی طار
فریدون کشانی	۶۳۰۸۸۱	موسسه حسابرسی آزمون	فریدون کشانی
بهرام کلانترپور	۶۴۱۹۳۹۴	شرکت توسعه صنایع بهشهر	بهرام کلانترپور
محمد رضا گلچین پور	۶۴۳۵۳۲۲	موسسه حسابرسی ایران مشهود	محمد رضا گلچین پور
محمود گلرخی	۶۴۰۸۳۰۶	موسسه حسابرسی سیستم یار	محمود گلرخی
پرویز گلستانی	۶۷۳۴۳۶	سازمان بورس اوراق بهادار تهران	پرویز گلستانی
جواد گوهرزاد	۸۸۴۰۱۶۳	موسسه حسابرسی نمودار	جواد گوهرزاد
سیروس گوهری	۸۵۹۵۵۰	موسسه حسابرسی شراکت	سیروس گوهری

نام خانوادگی	تلفن	محل کار	نام
عبدالمجید محلاتی کاظمینی	۸۷۴۱۱۷۹	موسسه حسابرسی محلاتی و همکاران	عبدالمجید محلاتی کاظمینی
محمود محمدزاده	۲۶۰۶۷۹	سازمان حسابرسی - اصفهان	محمود محمدزاده
محمد باقر محمدی	۸۸۸۶۲۲۸		محمد باقر محمدی
رسول محمدی سالک	۶۴۰۷۶۳۷		رسول محمدی سالک
نصرالله مختار	۸۹۳۴۹۶	موسسه حسابرسی مختار و همکاران	نصرالله مختار
ابوالقاسم مرآتی	۸۸۲۶۶۸۴	موسسه حسابرسی بیات رایان	ابوالقاسم مرآتی
علیرضا مستغاثی	۲۴۳۸۵۳	موسسه حسابرسی بهداوران - اصفهان	علیرضا مستغاثی
عبدالکریم مستوفی زاده	۸۳۲۶۷۲	موسسه حسابرسی حق بیان	عبدالکریم مستوفی زاده
علی اصغر مسلمی	۶۵۳۱۵۲	سازمان حسابرسی	علی اصغر مسلمی
واقناک مسیحی شاه نظریان	۸۹۱۲۷۷	بانک تجارت	واقناک مسیحی شاه نظریان
علی مشرفی آرنانی	۸۳۵۳۹۲	موسسه حسابرسی بهمند	علی مشرفی آرنانی
همایون مشیرزاده	۸۹۳۴۹۶	موسسه حسابرسی رایمند	همایون مشیرزاده
شیرین مشیرفاطمی	۸۰۷۷۱۶۰		شیرین مشیرفاطمی
زهرا مطلب زاده	۸۸۴۲۵۹۱	موسسه حسابرسی مطلب زاده	زهرا مطلب زاده
رضا معظمی	۸۹۰۸۱۲	موسسه حسابرسی آفران	رضا معظمی
محمد تقی منصوری راد	۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی	محمد تقی منصوری راد
اکبر منفرد	۸۸۶۵۹۳۶	موسسه حسابرسی مدیر یار	اکبر منفرد
هوشنگ منوچهری	۸۹۰۲۴۶	سازمان حسابرسی	هوشنگ منوچهری
ابراهیم موسوی	۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی	ابراهیم موسوی
حسین موشانی	۸۸۰۱۹۰۴	موسسه حسابرسی ممیز	حسین موشانی
حلیمه خاتون موصلی	۸۹۰۲۴۰	سازمان حسابرسی	حلیمه خاتون موصلی
عبدالامیر میرآب	۶۴۶۶۴۸۰	موسسه حسابرسی ادیب	عبدالامیر میرآب
پرویز میرآرمندهی	۸۸۰۷۴۱۲	شرکت سایار کامپیوتر سیستم	پرویز میرآرمندهی
مجید میراسکندری	۸۸۹۹۷۲۲	انجمن حسابداران خیره ایران	مجید میراسکندری
منصور میرزاخانی نافچی	۳۹۹۸۱	اصفهان	منصور میرزاخانی نافچی
ایرج نجفیان	۸۴۲۱۳۴	موسسه حسابرسی ایران یاور	ایرج نجفیان
عبدالرضا نوربخش	۷۵۳۷۹۴۴	موسسه حسابرسی نوربخش و همکاران	عبدالرضا نوربخش
ایرج نیک نژاد	۶۴۶۳۳۹۵	شرکت یزدیاف	ایرج نیک نژاد
اسدالله نیلی اصفهانی	۸۹۳۲۸۰	سازمان حسابرسی	اسدالله نیلی اصفهانی
محمد حسین واحدی	۲۴۱۷۹۵	سازمان حسابرسی - اصفهان	محمد حسین واحدی
فریدون وحدتی نیکزاد	۸۵۲۰۱۲	شرکت سی رنگ	فریدون وحدتی نیکزاد
اکبر وقارکاشانی	۸۴۷۵۹۹	موسسه حسابرسی و خدمات مدرست حسابداران امروز	اکبر وقارکاشانی
بهرروز وقتی	۲۶۳۸۸۳	موسسه حسابرسی رازدار	بهرروز وقتی
علی هاشم نژاد شیرازی	۸۹۹۵۴۳	موسسه حسابرسی اندیشان	علی هاشم نژاد شیرازی
اصغر هشی	۸۳۵۳۹۱	موسسه حسابرسی بهمند	اصغر هشی
عباس هشی	۸۳۰۶۸۴	موسسه حسابرسی بهمند	عباس هشی
کارو هوانسیان فر	۸۳۲۳۱۶	موسسه حسابرسی تواندیشان	کارو هوانسیان فر

$$\frac{\delta TC}{\delta C} = \frac{K}{Y} \cdot \frac{TF}{C^2} = 0$$

در این رابطه  $\frac{\delta TC}{\delta C}$  هزینه‌های نهایی کل<sup>۱۲</sup>،  $\frac{K}{Y}$  هزینه فرصت از دست رفته نهایی<sup>۱۳</sup> و  $\frac{TF}{C^2}$  هزینه‌های معاملاتی نهایی<sup>۱۴</sup> است.

می‌توان نتیجه گرفت که مانده نقدینه مناسب هنگامی به دست می‌آید که هزینه‌های فرصت از دست رفته نهایی برابر با هزینه‌های معاملاتی نهایی باشد یا:

$$\frac{K}{Y} = \frac{TF}{C^2}$$

در نتیجه مانده مناسب نقد یا  $C^*$  با توجه به رابطه فوق برابر می‌شود با:

$$C^* = \sqrt{\frac{YTF}{K}}$$

به عنوان مثال اگر در موسسه‌ای  $F = 1000$  ریال،  $T = 31200000$  ریال و  $K = 10\%$  باشد، مانده نقدینه مناسب برابر خواهد بود با:

THIS NOTE IS LEGAL TEND FOR ALL DEBTS, PUBLIC AND P



L 06230741

12. Marginal Total Costs.
13. Marginal Opportunity Costs.
14. Marginal Trading Costs.

میانگین نقدینه موجود نزد موسسه نیز به صورتی ساده و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

موجودی نقدینه در پایان + موجودی نقدینه در ابتدا = میانگین موجودی نقدینه

۲

دفعاتی که موسسه طی سال به فروش اوراق و اسناد بهادار خود می‌پردازد، محاسبه می‌شود. لازم است ابتدا کل مبلغ مورد نیاز جهت پرداختها طی سال تعیین شود. آنگاه براساس نقدینه مورد نیاز در دوره‌هایی مشخص طی سال مثلاً هر دو هفته یک بار هزینه‌های معاملاتی به شرح زیر خواهد بود:

$$\text{هزینه‌های معاملاتی} = \frac{T}{C} \times F$$

که در آن  $T$  معرف کل نقدینه مورد نیاز طی سال و  $F$  نیز هزینه‌های خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار در هر معامله است که برای هر معامله مبلغ آن ثابت فرض می‌شود.

پس از تعیین این هزینه‌ها جمع آنها هزینه کل ناشی از نگهداری نقدینه را به شرح زیر به دست می‌دهد:

$$\text{کل هزینه‌ها} = \left(\frac{C}{Y} \times K\right) + \left(\frac{T}{C} \times F\right)$$

برای تعیین میزان نقدینه مناسب لازم است از رابطه هزینه‌های کل نسبت به موجودی نقدینه  $C$  دیفرانسیل گرفته شده و نتیجه برابر با صفر قرار داده شود. در این صورت خواهیم داشت:

به عنوان مثال اگر مؤسسه‌ای برای پرداختهای نقدی خود هر دو هفته نیاز به سه میلیون ریال نقدینه داشته باشد متوسط موجودی نقدینه آن به شرح زیر خواهد بود:

$$\text{ریال} \quad \frac{3000000 + 0}{2} = 1500000$$

هر قدر میزان نقدینه نزد موسسه افزایش یابد موجب افزایش میانگین موجودی نقدینه می‌شود و در نتیجه هزینه‌های فرصت از دست رفته ناشی از نگهداری نقدینه نیز افزایش پیدا می‌کند در حالی که نگهداری نقدینه بیشتر، موجب ضرورت کمتر دفعات فروش اوراق و اسناد بهادار و کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌شود. اگر میزان موجودی نقدینه مؤسسه کاهش یابد هزینه فرصت از دست رفته نیز کاهش پیدا می‌کند ولی هزینه‌های معاملاتی افزایش می‌یابد. باومول روابط زیر را جهت تعیین میزان هزینه‌های فرصت از دست رفته و هزینه‌های معاملاتی بیان کرده است:

هزینه‌های فرصت از دست رفته مساوی با میانگین موجودی نقدینه ضربدر نرخ بهره است یا:

$$\text{هزینه فرصت از دست رفته} = \frac{C}{Y} \times k$$

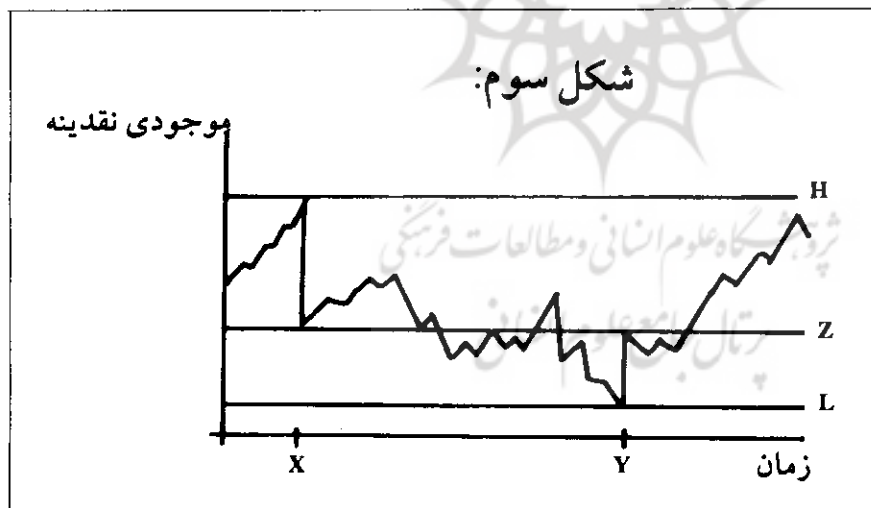
که در اینجا  $C$  نشانه موجودی نقدینه

12

*Ross & Jaffe*

*Treasury of the United States*

توجه می‌شود. در این مدل فرض بر این است که توزیع خالص جریانهای نقدی (جریانهای نقدی ورودی منهای جریانهای نقدی خروجی) دارای یک توزیع نرمال است و مبلغ خالص جریانهای نقدی می‌تواند بیشتر یا کمتر از مبلغ مورد انتظار آن باشد. شکل زیر نشان‌دهنده حاصل کار میلرواور است<sup>۱۸</sup>:



مدل میلرواور نیز مانند مدل باومول بر هزینه‌های فرصت از دست رفته و ورق بزنید

18. Corporate Finance - Ross, Westerfield & Jaffe - Irwin & Toppan - 1990 - p. 726.

$$\text{مانده نقدینه مناسب} = \sqrt{\frac{2 \times 31200000 \times 1000}{\%10}} = 789937$$

لحاظ کاربرد این مدل در همه موارد پذیرفتنی نیست و به مدل پیشرفته‌تری نیاز است که با در نظر گرفتن چنین نوسانهایی در جریانهای ورودی و خروجی نقدینه

برای محاسبه هزینه فرصت از دست رفته و هزینه‌های معاملاتی در سطح C\* به شرح زیر می‌توان عمل کرد:

$$\begin{aligned} \text{هزینه‌های فرصت از دست رفته} &= \frac{789937}{2} \times \%10 = 39497 \\ \text{هزینه‌های معاملاتی} &= \frac{31200000}{789937} \times 1000 = 39497 \end{aligned}$$

براساس آن بتوان مانده نقدینه مناسب را تعیین کرد.

مرتن میلرو دانیل اور توانستند با استفاده از تغییرات تصادفی روزانه که در جریانهای ورودی و خروجی رخ می‌دهد

**مدل میلرواور<sup>۱۵</sup> برای تعیین مانده نقدینه مناسب:**

همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد مدل باومول در شرایط اطمینان درخور استفاده است و فرض اساسی آن بر ثابت بودن تقاضا برای نقدینه طی دوره برنامه‌ریزی است. این مدل را می‌توان تا هنگامی خوب دانست که موسسه به طور مداوم و یکنواخت از موجودیهای نقدینه خود استفاده کند که معمولاً چنین نیست. در بعضی اوقات موسسات ممکن است مقدار زیادی از صورتحسابهای مربوط به فروشهای نسبه خود را دریافت کنند و در نتیجه حجم وسیعی نقدینه به داخل شرکت سرازیر شود و بالعکس در بعضی اوقات با پرداخت طلب فروشندگان وجه نقد بسیار زیادی از شرکت خارج شود<sup>۱۶</sup>. به همین

مدل بهتری برای تعیین مانده نقدینه مناسب ارائه کنند که به مدل تصادفی<sup>۱۷</sup> نیز معروف است. در مدل میلرواور، هم به جریانهای ورودی و هم به جریانهای خروجی نقدینه

17. Stochastic Model.

15. Miller & Orr Model.

16. Principales of Corporate Finance - Brealy & Myers - Mc Graw Hill - 1991 - p. 777.

هزینه‌های معاملاتی متکی است و در هر دو این مدلها فرض برای این است که هزینه‌های معاملاتی ناشی از هر بار خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار ثابت و درصد هزینه‌های فرصت از دست رفته برای هر دوره نگهداری نقدینه براساس نرخ بهره روزانه اوراق و اسناد بهادار محاسبه شدنی است. تفاوت این مدل با مدل باومول در این است که مدل میلرواور هم به جریانهای ورودی و هم به جریانهای خروجی نقدینه توجه دارد و نیز متغیرهای این مدل به صورت تصادفی از تعدادی از معاملات دوره‌های مختلف برگزیده می‌شوند.

در مدل میلرواور دامنه عمل بین بالاترین حد  $H$  و پایینترین حد  $L$  از نظر زمانی کنترل می‌شود. پایینترین حد را اغلب مدیریت تعیین می‌کند و می‌تواند رقمی مثلاً برابر با صفر باشد. انحراف در مانده نقدینه بین بالاترین و پایینترین حد از دامنه عمل بوده و تا زمانی که مانده نقدینه مابین این دو حد قرار دارد موسسه نیازی به فروش سرمایه‌گذاریها جهت کسب نقدینه یا خرید آنها برای سرمایه‌گذاری نقدینه اضافی خود نخواهد داشت. اما زمانی که مانده نقدینه به بالاترین حد برسد همان‌طور که در نقطه  $X$  رخ داده است موسسه باید به میزان  $H-Z$  ریال اوراق و اسناد بهادار خریداری کند. این مبلغ فزونی نقدینه نسبت به مانده نقدی  $Z$  است. در حالتی دیگر هرگاه مانده نقدینه به کمترین حد خود تنزل کند، همان‌طور که در نقطه  $Y$  می‌بینیم، موسسه باید به میزان  $Z-L$  ریال از اسناد و اوراق بهادار خود را بفروشد و مانده نقد خود را به میزان  $Z$  برساند.

در این مدل مانده نقدینه مناسب برابر با  $Z$  است و کل هزینه‌های مورد انتظار ناشی از

اعمال این مدل برابر با هزینه‌های معاملاتی مورد انتظار و هزینه‌های فرصت از دست رفته مورد انتظار خواهد بود. در این مدل مبلغ مانده نقدینه مناسب و حد بالا به گونه‌ای که کل هزینه‌های مورد انتظار به حداقل برسد به شرح زیر تعیین می‌شود:

$$Z = \sqrt[3]{\frac{3F\delta^2}{FK+L}}$$

در اینجا  $\delta^2$  نشاندهنده واریانس روزانه خالص جریانهای نقدی بر مبنای ۲ انحراف معیار است.

$$H = 3Z - 2L$$

همچنین میانگین مانده نقدینه را نیز به شرح زیر می‌توان محاسبه کرد:

$$\text{میانگین مانده نقدینه} = \frac{2Z}{3}$$

برای تشریح این مدل فرض کنید  $F = 1000$  ریال، نرخ سالانه بهره ۱۰٪ و انحراف استاندارد روزانه جریانهای نقدی ۲۰۰۰ ریال باشد. در این صورت هزینه روزانه فرصت از دست رفته مساوی خواهد بود با:

$$0.1 = \frac{1}{(1+K)^{365}}$$

$$1 + K = \sqrt[365]{1.1}$$

$$= 1/0.00261$$

$$K = 0.00261$$

واریانس روزانه خالص جریانهای نقدی نیز مساوی است با:

$$\delta^2 = (2000)^2 = 4000000$$

حال با فرض اینکه مدیریت پایینترین حد را برابر با صفر در نظر گرفته باشد، خواهیم

داشت:

$$Z = \sqrt[3]{\frac{3 \times 1000 \times 4000000}{(4 \times 0.00261) + 0}} = 22568$$

ریال

$$H = 3 \times 22568 = 67704$$

$$\text{ریال میانگین} = \frac{2 \times 22568}{3} = 30091$$

مانده نقدینه

اعداد فوق‌گویی این است که در موسسه فرضی باید هرگاه مانده نقدینه به مبلغ ۶۷۷۰۴ ریال برسد ۴۵۱۳۶ ریال آن را (۲۲۵۶۸ - ۶۷۷۰۴) صرف خرید اوراق و اسناد بهادار کند و نیز هرگاه مانده نقدینه آن به صفر رسید ۲۲۵۶۸ ریال (۰ - ۲۲۵۶۸) از سرمایه‌گذاریها رابفروشد و موجودی نقدینه خود را به میزان مناسب برساند. از اعمال این روش متوسط موجودی نقدینه موسسه فرضی برابر با ۳۰۰۹۱ ریال برآورد می‌شود. برای استفاده از مدل میلرواور باید چهار مورد زیر به وسیله مدیریت تعیین شده باشد:

- ۱ - تعیین پایینترین حد مانده نقدینه.
  - ۲ - برآورد انحراف استاندارد روزانه جریانهای نقدی.
  - ۳ - تعیین نرخ بهره.
  - ۴ - تعیین هزینه‌های معاملاتی ناشی از خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار.
- مدل احتمالی<sup>۱۹</sup> جهت تعیین مانده مناسب نقدینه:

چنانکه گفتیم مدل باومول مبتنی بر این نظر است که جریانهای نقدی دارای روندی پیشبینی شدنی هستند و مدل میلرواور جریانهای نقدی را دارای الگویی تصادفی و رق بزنید



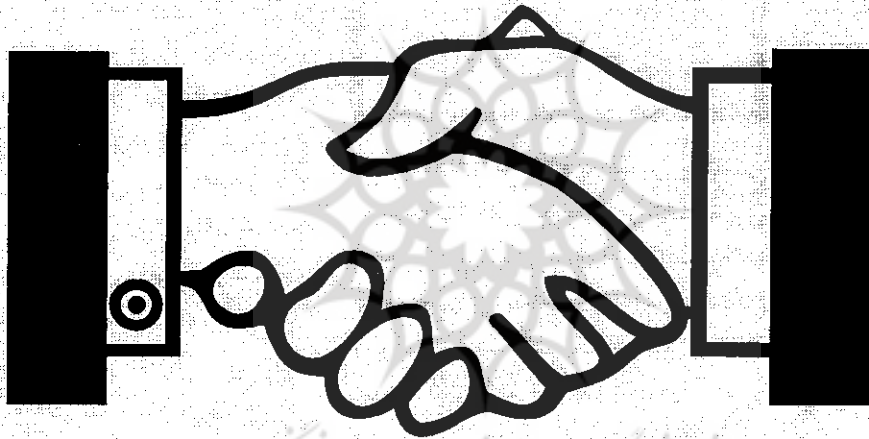
مجموعه های نرم افزاری

M N A

میکرو نرم افزار

سیستم حسابداری تراز با

# ۷ سال سابقه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پستال پلازما علوم انسانی

سیستم حسابداری



عضو و سهامدار شرکت تحقیقاتی انفورماتیک ایران  
در گروه شرکت طراد اوان انفورماتیک ایران  
( طبق آیین نامه تصویب شورای عالی انفورماتیک کشور )

دفتر مرکزی :

تهران ۱۳۱۳۶ ، خیابان آزادی

مجتمع برجساز ، طبقه ۱۲

تلفن : ۹۲۳۶۶۹ ، ۶۴۲۷۱۹۵ ، ۶۴۲۷۱۹۶ ، ۶۴۲۰۱۹۶

فاکس : ۹۳۹۶۵۶ ( ۰۲۱ )

M N A



می‌داند. مدل احتمالی بر این نظر استوار است که جریانهای نقدی موسسات نه کاملاً پیشبینی شدنی و نه کاملاً تصادفی هستند. این مدل، جریانهای نقدی را در یک حدود معین و درخور فرمولبندی براساس پراکندهگیهای احتمالی برای تقاضایی که نسبت به نقدینه وجود دارد می‌داند. جهت تشریح این مدل به ترسیم موسسه‌ای فرضی و وضعیت نقدینه و سرمایه‌گذاریهای آن می‌پردازیم:

فرض کنید نرخ بازدهی که از اوراق و اسناد بهادار در قالب سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت به دست می‌آید ۸ درصد در هفته، ریسک سرمایه‌گذاریها اندک و تبدیل‌پذیری آنها به نقدینه زیاد باشد. هزینه‌های معاملاتی را نیز به دو بخش تقسیم می‌کنیم (۱) هزینه‌های کمیسیون خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار که ۳ درصد و (۲) هزینه‌های ثابت ناشی از هر معامله که معادل ۴۰ ریال برای هر معامله است. در این زمان، موسسه‌ای براساس بررسیهای انجام شده و تجارب قبلی خود در نظر دارد حداقل سه میلیون ریال نقد در پایان هر هفته در اختیار داشته باشد. جهت تأمین وجه نقد مورد احتیاج، موسسه استقراض نخواهد کرد بلکه با فروش سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت نیاز خود را برطرف خواهد نمود. هدف در اینجا ایجاد توازن مناسب بین موجودی نقدینه و اوراق و اسناد بهادار بر مبنای پیشبینیهای نقدی مؤسسه است. در ابتدای هفته موسسه ۳/۲ میلیون ریال نقدینه و ۱/۸ میلیون

سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت دارد و مانده احتمالی وجه نقد را در پایان هفته بدون خرید و فروش سرمایه‌گذاریها به شرح زیر پیشبینی می‌کند:

احتمال وقوع	میلیون ریال
۰/۱	۲/۹
۰/۱	۳
۰/۲	۳/۱
۰/۳	۳/۲
۰/۲	۳/۳
۰/۱	۳/۴

مانده‌های یاد شده براساس پیشبینی موسسه با اتکا بر تجربه آن از تغییرپذیری احتمالی جریانهای نقدی برآورد شده‌اند. فرض اول این است که براساس پیشبینی فوق اگر شرکت یکصد هزار ریال از سرمایه‌گذاریهای خود را در ابتدای هفته به فروش رساند احتمال اینکه مانده نقدینه در پایان هفته کمتر از سه میلیون ریال شود، صفر است. فروش یکصد هزار ریال اوراق و اسناد بهادار متضمن ۴۰ ریال هزینه ثابت و ۳۰ ریال هزینه کمیسیون است. سود خالص حاصل از این فرض در اولین سطر جدول شماره ۳ نشان داده شده است. از ۱۳۶۰ ریال سود ناخالص حاصل از سرمایه‌گذاریها برای هفته (۱/۷ × ۰/۰۰۸ × ۱/۷ میلیون ریال)، هزینه فروش یکصد هزار ریال اوراق و اسناد بهادار را که ۷۰ ریال است کسر می‌کنیم و رقم ۱۲۹۰ ریال سود خالص مورد انتظار ما ناشی از سرمایه‌گذاریهای

کوتاهمدت خواهد بود.

فرض دوم این است که ۱/۸ میلیون ریال اوراق و اسناد بهادار را طی هفته حفظ کنیم و در ابتدای هفته آنها را نفروشیم، که در این صورت ۰/۱ احتمال دارد تا پایان هفته نیاز به فروش یکصد هزار ریال از سرمایه‌گذاریها جهت رسیدن به سطح سه میلیون ریال نقدینگی، به وجود آید. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنیم هزینه مورد انتظار فروش اوراق و اسناد بهادار در این فرض برابر است با  $7 = 0.1 \times [40 + (0.003 \times 100000)]$  ریال که این مبلغ از سود ناخالص ناشی از سرمایه‌گذاریها  $(1440 = 1/8 \times 0.008 \text{ میلیون})$  کسر می‌شود و سود خالص مورد انتظار ۱۴۳۳ ریال برای هفته به دست می‌آید.

البته باید این واقعیت را نیز در نظر گرفت که امکان دارد اوراق و اسناد بهادار در طی هفته برای رسیدن به سطح نقدینه سه میلیون به فروش رسد. در این صورت علاوه بر هزینه‌های معاملاتی، هزینه فرصت از دست رفته‌ای در نتیجه سود کسب نشده ناشی از سرمایه‌گذاریها نیز خواهیم داشت. اگر مدیریت قادر باشد احتمال فروش اوراق و اسناد بهادار را طی هفته با درصد مناسبی از اطمینان تعیین کند با فرض اینکه کل مبلغی که لازم است از اوراق و اسناد بهادار فروخته شود ۲۰۰,۰۰۰ ریال باشد و مدیریت پیشبینی کند نیمی از آن باید در طی هفته و نیمی دیگر در پایان هفته فروخته شود و به طور متوسط اوراق و اسناد بهادار در روز دوم هفته فروخته شده و دوسوم سود حاصل از آنها به دست نیاید و رقم سود کسب نشده ۰/۰۶ درصد در هفته

جدول شماره ۳: سود مورد انتظار حاصل از نگهداری سرمایه گذارهای کوتاه مدت

سود ناخالص مورد انتظار	کل هزینه های مورد انتظار	کل هزینه های مورد انتظار فروش	هزینه های ثابت و سود کسب نشده ناشی از فروش قبل از پایان هفته	هزینه های فروش	فروش احتمال وقوع	احتمال مبلغ	هزینه های خرید	سود ناخالص در هفته (۱) (۰/۰۰۰۸)	مبلغ سرمایه گذارها به میلیون ریال
۲-۹	۳-۸	۵×(۶-۷)							
ریال ۱۲۹.۰۰۰	ریال ۷.۰۰۰	ریال ۷.۰۰۰	-	ریال ۷۰	۱.۰۰	ریال ۱۰۰.۰۰۰	-	ریال ۱.۳۶۰	ریال ۱.۷
۱۴۳.۳۰۰	۷۰۰	۷۰۰	-	۷۰	۰.۱۰	۱۰۰.۰۰۰	-	۱.۴۴۰	۱.۸
		۱.۱۰۰	ریال ۱.۰۰۰	۱۰۰	۰.۱۰	۲۰۰.۰۰۰	ریال ۷۰	۱.۵۲۰	۱.۹
		۷۰۰	-	۷۰	۰.۱۰	۱۰۰.۰۰۰			
۱۴۳.۲۰۰	۸.۸۰۰	۱.۸۰۰							
		ریال ۱.۶۲۵	۳.۲۵۰	۱۳۰	۰.۱۰	۳۰۰.۰۰۰	۱۰۰	۱.۶۰۰	۲.۰
		۱.۱۰۰	۱.۰۰۰	۱۰۰	۰.۱۰	۲۰۰.۰۰۰			
		۱.۴۰۰	-	۷۰	۰.۲۰	۱۰۰.۰۰۰			
۱۴۵.۸۷۵	۱۴.۱۲۵	ریال ۴.۱۲۵							
		ریال ۲.۳۲۰	۷.۲۰۰	۱۶۰	۰.۱۰	۴۰۰.۰۰۰	۱۳۰	۱.۶۸۰	۲.۱
		۱.۶۲۵	۳.۲۵۰	۱۳۰	۰.۱۰	۳۰۰.۰۰۰			
		۲.۲۰۰	۱.۰۰۰	۱۰۰	۰.۲۰	۲۰۰.۰۰۰			
		۲.۱۰۰	-	۷۰	۰.۳۰	۱۰۰.۰۰۰			
۱۴۶.۷۵۵	۲۱.۲۴۵	ریال ۸۲.۴۵							
		ریال ۳.۲۳۰	۱۳.۳۰۰	۱۹۰	۰.۱۰	۵۰۰.۰۰۰	۱۶۰	۱.۷۶۰	۲.۲
		۲.۳۲۰	۷.۲۰۰	۱۶۰	۰.۱۰	۴۰۰.۰۰۰			
		۳.۲۵۰	۳.۲۵۰	۱۳۰	۰.۲۰	۳۰۰.۰۰۰			
		۳.۳۰۰	۱.۰۰۰	۱۰۰	۰.۳۰	۲۰۰.۰۰۰			
		۱.۴۰۰	-	۷۰	۰.۲۰	۱۰۰.۰۰۰			
۱۴۶.۵۰۰	۲۹.۵۰۰	ریال ۱۳.۵۰۰							
		ریال ۴.۴۰۰	۲۲.۰۰۰	۲۲۰	۰.۱۰	۶۰۰.۰۰۰	۱۹۰	۱.۸۴۰	۲.۳
		۳.۲۳۰	۱۳.۳۰۰	۱۹۰	۰.۱۰	۵۰۰.۰۰۰			
		۴.۶۴۰	۷.۲۰۰	۱۶۰	۰.۲۰	۴۰۰.۰۰۰			
		۴.۸۷۵	۳.۲۵۰	۱۳۰	۰.۳۰	۳۰۰.۰۰۰			
		۲.۲۰۰	۱.۰۰۰	۱۰۰	۰.۲۰	۲۰۰.۰۰۰			
		۷۰۰	-	۷۰	۰.۱۰	۱۰۰.۰۰۰			
۱۴۴.۹۵۵	۳۹.۰۴۵	ریال ۲۰.۰۴۵							

۲۵٪ هزینه مورد انتظار، ۳۲/۵ ریال پیشبینی می شود. جدول زیر هزینه های ناشی از فروش اوراق و اسناد بهادار را طی هفته در سطوح مختلف نشان می دهد:

جدول شماره ۴ نشان می دهد که با افزایش فروش اوراق و اسناد بهادار طی بقیه در صفحه ۱۰۰

را ۳۰۰۰۰۰ ریال فرض کنیم که با احتمال ۲۵٪ نیمی از آن در روز دوم هفته فروخته شود، علاوه بر ۴۰ ریال هزینه ثابت اضافی، سود کسب نشده ای نیز برابر با ۹۰ ریال (۱۵۰۰۰۰×۰/۰۰۰۶) خواهیم داشت و کل هزینه ها ۱۳۰ ریال خواهد بود که با احتمال

باشد. علاوه بر ۴۰ ریال هزینه های اضافی ثابت معاملاتی، ۶۰ ریال نیز سود از دست رفته خواهیم داشت و هزینه ها جمعاً ۱۰۰ ریال خواهد بود که با احتمال ۱/۱ هزینه مورد انتظار مربوط، ۱۰ ریال می گردد. اگر مبلغ اوراق و اسناد بهادار لازم برای فروش

# سمینار

## «اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت و اوراق مشارکت»



سمینار «اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت و اوراق مشارکت» از شمار سمینارهای فصلی انجمن حسابداران خبره ایران در روزهای ۳ و ۴ بهمن ماه سال ۱۳۷۳ با حضور بیش از ۳۰۰ نفر مشتمل بر اعضای هیئت مدیره، مدیران عامل، مدیران امور مالی، حسابداران و حسابرسان و کارشناسان رشته‌های گوناگون در هتل بین‌المللی لاله برگزار شد. در این سمینار موضوعاتی نظیر ابزارها و بازارهای مالی، تنوع اوراق قرضه در بازارهای سرمایه، اندازه‌گیری خطر و محاسبه هزینه اوراق بهادار، معرفی مهندسی مالی و کاربرد آن، نحوه تبدیل مطالبات به اوراق بهادار و طراحی این‌گونه اوراق، مقررات قانونی و مسائل مالیاتی و روشهای حسابداری آن و همچنین بررسی چگونگی انتشار اوراق مشارکت پروژه نواب با یاری استادان و کارشناسان رشته‌های ذیربط مورد بررسی قرار گرفت. بخش درخور توجهی از اوقات این سمینار صرف بحث و بررسیهای کارشناسی گسترده با مشارکت شرکت‌کنندگان در زمینه‌های یاد شده شد. افزون بر این در بخشی از زمان سمینار، چگونگی انتشار اوراق مشارکت پروژه نواب نقد و بررسی شد.

چکیده‌ای از این سمینار در این شماره بازتاب یافته است. در آغاز جلسه، آقای محمد شلیله دبیر سمینار، گزارشی درباره چگونگی برگزاری سمینار ارائه کرد. وی گفت: برگزاری این سمینار نشانه‌دهنده اشتیاق درخور ستایش کارگزاران و متخصصان برای چاره‌جویی درباره دشواریهایی است که اقتصاد کشور با آن رویاروست. ایشان همکاری صمیمانه استادانی که طرح مسائل علمی این سمینار را برعهده داشتند نشانه آمادگی جامعه علمی و حرفه‌ای برای حل مشکلات یاد شده توصیف کرد و افزود که این سمینار به ابتکار آقای دکتر عبده تبریزی و همکاری استادان



آقای محمد شلیله دبیر سمینار

شرکت‌کننده طراحی شده و از حمایت آقای هوشنگ خستویی رئیس شورای عالی انجمن و همکارانشان در این شورا برخوردار شده است. ایشان همکاری آقای مجید میراسکندری دبیرکل انجمن در زمینه پشتیبانی سمینار و کوشش خانم منیژه نفیسی را در اداره امور ثبت نام و پذیرش شرکت‌کنندگان را ستود و در پی آن از آقای هوشنگ خستویی، درخواست کرد که سمینار را افتتاح نمایند.

انتشار اوراق مشارکت پروژه نواب را به دلیل رعایت نکردن شیوه اصولی پذیره‌نویسی مورد انتقاد قرار دادند و بی‌توجهی به تناسب بین ریسک و بازده نسبت به ریسک و بازده سپرده‌های بانکی در انتشار اوراق مشارکت

## افتتاح سمینار

**آقای هوشنگ خستویی** نخست‌مقدم شرکت‌کنندگان را گرامی داشتند و حضور شرکت‌کنندگان در سمینار را در راستای راهیابی به شیوه‌هایی برای توسعه و تکامل بازار سرمایه در ایران ارج نهادند. ایشان ساختار عقب‌مانده بازار سرمایه در ایران را از موانع بنیادی رشد اقتصادی کشور قلمداد کردند و افزودند از آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی کوشش‌های گسترده‌ای در راستای بررسی و ارائه پیشنهاد در زمینه توسعه بازار سرمایه، در دستور کار انجمن ما قرار گرفته است. ایشان بررسی مسائل و مشکلات و عملکرد بورس اوراق بهادار تهران، نظام بانکداری و مسائل مدیریت مالی در ایران را در شماره‌های گذشته ماهنامه حسابدار و برگزاری سمینار در زمینه مدیریت، برنامه‌ریزی و کنترل و چوه نقد را نشانه توجه انجمن به بازار سرمایه و کوشش در زمینه پیوند دانش و کاربرد حسابداری و مدیریت مالی توصیف کردند و در ادامه گفتند سمت‌گیری ما در سومین سمینار حسابداری ایران نیز، همپا و همراه دانشگاه شهید بهشتی، بررسی مسائل بازار سرمایه بود و به آگاهی حاضران رساندند که همزمان با برگزاری این سمینار، انجمن به طراحی برگزاری سمیناری در زمینه بانک و بازار سرمایه در ایران مشغول است.

آقای خستویی استقبال شایان توجه مردم از اوراق مشارکت طرح نواب و سهام فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه و حجم درخور اعتنای معاملات در بازار آزاد ارز و هجوم مردم برای خرید سکه طلا در ماه‌های اخیر را نشانه‌دهنده ظرفیت بالقوه سرمایه‌گذاری جامعه دانستند و هدف از این اجلاس را بررسی و تبادل نظر در راستای راهیابی به حل مشکلات سرمایه‌گذاری ذکر کردند و در پایان همکاری و رایزنی استادان و کارشناسان رشته مدیریت مالی و متخصصان سرمایه‌گذاری، حقوق و حسابداری را برای برگزاری این سمینار سپاس گفتند و کوشش‌های همکارانشان در انجمن در این زمینه را ارج نهادند.

## آقای هوشنگ خستویی

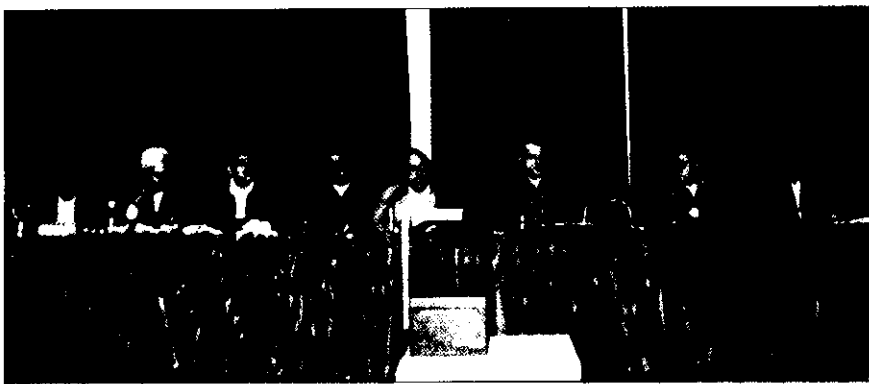
نامبرده را آشکار ساختند.

دکتر عقیلی در ادامه بحث خود به بررسی مسئله ریسک از نظر سرمایه‌پذیران و سرمایه‌گذاران پرداختند و نقش عامل‌های زمان و تعهد و تضمین را در میزان ریسک سرمایه‌پذیری و سرمایه‌گذاری بر رسیدند و دیدگاه‌های کارشناسانه و چارچوبانه‌ای در مورد نحوه انتشار اوراق قرضه و مشارکت در شرایط کنونی بازار سرمایه ایران ارائه کردند. سپس سودمندی‌های اقتصادی مراجعه مستقیم سرمایه‌پذیران به ورق بزنید

ابزارهای مختلف تأمین مالی مانند اوراق مشارکت، اوراق سرمایه‌گذاری، وام بانکی و سهام عادی به پایان بردند و سپس به تشریح درجه ریسک و توان تأمین نقدینگی اجزای ساختار سمت چپ ترازنامه و هزینه ناشر اوراق و سرمایه‌پذیر در هر مورد پرداختند. ایشان آنگاه مسئله تأمین کمبود منابع مالی سرمایه‌پذیران در ایران را مورد توجه قرار دادند و در ادامه، نحوه

## بازارها و ابزارهای مالی و پیچیدگی بافت مالی

**آقای دکتر پرویز عقیلی استاد رشته مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری** که ارائه‌کننده این مقاله بودند، مطالب خود را با بحث پیرامون بازار پول و سرمایه آغاز کردند و با بررسی



پس اندازکنندگان و سرمایه گذاران را تحلیل کردند و سرانجام ضرورت انجام اصلاحاتی در نظام بانکی، خصوصی سازی بانکها، آزاد شدن نرخ بهره و ضرورت تمرکز نقش و وظایف بانک مرکزی بر حفظ ارزش ریال، جلوگیری از تورم و نظارت بر عملیات بانکها به جای دخالت در امور آنها یا مداخله در زمینه تخصیص اعتبار را یادآور شدند.

با شرایط و سلیقه های متفاوت سرمایه گذاری و سرمایه گذاران مطابقت دارد و افزودند که بهره گیری از چنین امکانات گسترده ای به آسانی می تواند به گسترش و توسعه و تکامل بازار سرمایه ایران نیز یاری دهد.

ایالات متحد ارائه کردند. سپس ویژگیهای فرهنگی سرمایه گذاران ایران و محیط سرمایه گذاری و مقررات مربوط را در ایران بررسی کردند و به بحث درباره شرایط و ضوابط انتشار اوراق قرضه و خصوصیات مختلف آن پرداختند و گستره ای از تنوع اوراق بهادار را به دست دادند.

دکتر عبده تبریزی در ادامه بحث خود، علل تغییر قیمت اوراق قرضه و شیوه درجه بندی این اوراق و مؤسساتی را که به این کار اشتغال دارند مورد توجه قرار دادند. ایشان در جریان بررسی هر یک از مقوله های پیشگفته، مسائل مربوط به ایران را نیز بررسی کردند و در ادامه نقش و اهمیت اوراق بهادار با پشتوانه وامهای مسکن و تبدیل به اوراق قرضه کردن وامها را بررسی کردند و سرانجام در پایان سخنانشان نتیجه گرفتند که گستره و ابزارهای بسیار متنوعی برای سرمایه گذاری پدید آمده است که هر یک از اوراق بهادار در این گستره

## دانش و کاربرد مهندسی مالی

**مهندس شاهین شایان ارانی رئیس کل سابق سرمایه گذاری بانک First Interstate Bancorp** در امریکا ارائه کننده این مقاله به سمینار بودند که چون بخش چشمگیری از موضوع مورد بحث ایشان در مقاله ای با عنوان «مهندسی سیستمهای مالی» در همین شماره ماهنامه بازتاب یافته است از معرفی مختصر آن پرهیز می شود.



آقای دکتر پرویز عقیلی

تنوع اوراق قرضه در بازارهای سرمایه جهان امروز

بررسی این موضوع را آقای دکتر حسین عبده تبریزی استاد رشته مدیریت مالی و سرمایه گذاری عهده دار بودند. ایشان بحث خود را با ذکر مقدمه ای درباره نحوه طراحی اوراق مشارکت یا اوراق قرضه در چارچوب بانکداری بدون ربا آغاز کردند و به بررسی سابقه انتشار اوراق قرضه در ایران پرداختند و آن را با بحث درباره تنوع اوراق قرضه و تشریح بازارهای اولیه و ثانویه ادامه دادند و شواهدی آماری از حجم و نسبت اوراق قرضه مختلف در بازار اوراق قرضه



آقای مهندس شاهین شایان ارانی



آقای دکتر حسین عبده تبریزی



## اندازه‌گیری خطر و محاسبه هزینه آن در مورد اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت

سخنران این جلسه سمینار آقای دکتر علی جهان‌خانی استاد رشته مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری بودند. ایشان در بحث خود به بررسی عوامل اندازه‌گیری خطر (ریسک) اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت پرداختند و درجه نوسان‌پذیری سود عملیاتی شرکت، حجم سود عملیاتی شرکت در مقایسه با میزان سود تعهد شده اوراق بهادار با بازده ثابت، اولویت دارندگان این اوراق نسبت به سایر طلبکاران و سهامداران شرکت در دریافت عایدات، وثیقه‌ها و تضمینهای اوراق مشارکت، حجم تعهدات ناشی از اوراق و اوراق همراه با اولویت برتر در مقایسه با کل داراییهای شرکت و اندازه شرکت را به عنوان شاخصهای ریسک اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت برشمردند و نحوه کاربرد هر یک را توضیح دادند و سپس شیوه محاسبه هزینه تأمین مالی از این راه را بررسی کردند.

«مراحل عملی انتشار اوراق مشارکت» و «بررسی نحوه طراحی اوراق جدید متناسب با نیازهای منتشرکننده با توجه به محدودیت بازار سرمایه ایران» موضوعهای دیگر این سمینار بودند که به ترتیب به وسیله آقایان دکتر عبده تبریزی و دکتر پرویز عقیلی بررسی شدند. در این سمینار همچنین ویژگیهای اوراق مشارکت پروژه نواب تحت عنوان «اوراق مشارکت و نخستین تجربه بعد از انقلاب» و شرایط و نحوه انتشار آن مورد بررسی قرار گرفت.

## پیشینه و مسائل و مقررات قانونی

آقای محمد رنگچیان مشاور حقوقی و



آقای دکتر علی جهان‌خانی



آقای محمد رنگچیان

وکیل پایه یک دادگستری ارائه‌کننده این مقاله به سمینار بودند. ایشان نخست تاریخچه مختصری از پیشینه و پیدایش اوراق بهادار در جهان را به دست دادند. سپس تاریخچه پیدایش و تحولات اوراق بهادار در ایران و مقررات مربوط به آن را بررسی کردند و با تحلیل حقوقی اوراق بهادار در ایران بحث را ادامه دادند. آقای رنگچیان در بخش بعدی مقاله خود به توصیف جنبه قانونی اوراق قرضه شرکتها، شرایط صدور آن، تشریفات قانونی مربوط به انتشار اوراق قرضه، ویژگیهای

ورقه قرضه و شرایط پذیرش سهام شرکتها در بورس تهران پرداختند، تفاوت اوراق قرضه و سهام را بررسیدند و ملاحظات قانونی درخصوص اوراق بهادار را برشمردند.

## بررسی مسائل مالیاتی اوراق مشارکت

این مقاله که به وسیله آقای غلامرضا سلامی حسابرس و مدرس رشته حسابداری و قوانین مالیاتی و تجاری فراهم آمده بود به دلیل مسافرت ایشان به وسیله آقای هوشنگ خستویی ارائه شد و در آن به بررسی همانندیهای بسیار اوراق مشارکت و اوراق قرضه و تنها وجه افتراق آنها پرداخته شد، سپس مسئله اوراق مشارکت و بازار سرمایه مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه‌گیری شد که اوراق مشارکت کنونی از شانس شرکت در بازار سرمایه برخوردار نخواهد شد و دلایل این چگونگی توضیح داده شد. در ادامه مقررات قانونی ناظر بر انتشار اوراق مشارکت و پس از آن اوراق مشارکت و مسئله مالیات و ابهامات و نارساییهای آن در این زمینه بررسی شد.

## مبانی حسابداری اوراق مشارکت

بررسی این بخش از موضوع سمینار را آقای منصور شمس احمدی حسابرس و مدرس رشته حسابداری دانشگاهها عهده‌دار بودند. ایشان نخست تعریفی درباره مفاهیم اوراق مشارکت ارائه دادند و سپس نحوه محاسبه بهای تمام شده سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت را بررسی کردند و در ادامه سخنان خود روش ثبت حسابهای مربوط در دفاتر صادرکننده و سرمایه‌گذار را توضیح دادند، و به بررسی روشهای تخصیص صرف و کسر اوراق مشارکت و انعکاس ورق بزنید



آقای منصور شمس احمدی

اوراق مشارکت در صورت‌های مالی و نحوه طبقه‌بندی آن در صورت‌های مالی پرداختند. نامبرده در بخش دیگری از سخنان خود، در مورد حسابداری هزینه‌های صدور اوراق مشارکت مطالبی ارائه کردند و نظر برخی صاحب‌نظران رشته حسابداری را در این زمینه یادآور شدند.

### بحث آزاد و پرسش و پاسخ و ارزیابی اوراق مشارکت پروژه نواب

ساعاتی از بخشهای پایانی هر روز سمینار به بحث آزاد و پرسش و پاسخ در مورد مطالب طرح شده در هر روز اختصاص داشت که با استقبال شرکت‌کنندگان همراه بود. این بخش از برنامه روز دوم به طرح بحثهای گسترده‌ای در زمینه ارزیابی اوراق مشارکت پروژه نواب اختصاص یافت و نکات مثبت و نارساییهای آن از زوایای گوناگون مورد توجه قرار گرفت. در این قسمت ۲ تن از کارشناسان بانک مرکزی نیز جلسه را یاری دادند. توجه به موضوعهای بررسی شده در این جلسه می‌تواند از نارساییها و دشواریهای این‌گونه اقدامات در آینده بکاهد.



## یافته‌های بررسی ارزیابی شرکت‌کنندگان\*

درباره سمینار «اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت و اوراق مشارکت»

(ارقام: درصد)

بسیار خوب	خوب	نسبتاً خوب	ضعیف	ارزیابی دستاوردهای سمینار
۲۱	۵۴	۲۱	۴	
بسیار سودمندتر	نسبتاً سودمندتر	در همان حد	ضعیف‌تر	
۱۱	۳۶	۴۹	۴	مقایسه با سمینارهای دیگر
بسیار خوب	خوب	نسبتاً خوب	ضعیف	نحوه ثبت نام
۵۶	۳۶	۸	—	
بسیار	نسبتاً	در همان حد	ضعیف‌تر	نحوه اداره
۴۵	۴۷	۷	۱	
محتوای سخنرانیها (به‌طور کلی)	۳۳	۴۵	۱۸	۴
نحوه ارائه سخنرانیها (به‌طور کلی)	۲۹	۴۸	۱۷	۶
طول مدت	کاملاً مناسب	نسبتاً مناسب	نامناسب	
۴۵	۴۵	۴۸	۷	
محل برگزاری	۴۲	۴۰	۱۸	
آیا به‌طور کلی از این سمینار راضی بودید	بلی	خیر		
۹۲	۹۲	۸		

\* ۴۷/۵ درصد شرکت‌کنندگان در سمینار پرسشنامه ارزیابی سمینار را تکمیل کردند.

### شناسنامه سمینار

#### اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت و اوراق مشارکت

● **برگزار کننده:** انجمن حسابداران خبره ایران (بخش انتشارات و ارتباطات)

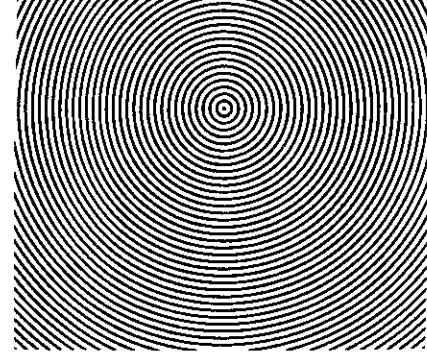
● **طراحی و برنامه‌ریزی:** دکتر حسین عبده تبریزی، هوشنگ خستویی، محمد شلیله

● **دبیر:** محمد شلیله

● **امور پشتیبانی:** دبیرخانه انجمن حسابداران خبره ایران (مجید میراسکندری)

● **پذیرش:** منیژه نفیسی

● **همکاران:** سعید جعفری، اکرم هاشمپور، علی‌اکبر حاجی حسینی



## دنباله شیوه‌های تأمین مالی شرکتها در شرایط کنونی

بهای حق انشعاب افزایش یافته را که در مدت فرضی روی می‌دهد به دارنده اوراق قرضه پردازد. این روش سبب می‌شود بسیاری با توجه به افزایش طبیعی حق انشعاب همراه با تورم راغب باشند که در این اوراق سرمایه‌گذاری کنند. زیرا پیشینی می‌کنند که پولی که در سررسید دریافت خواهند کرد بیش از مبلغ پرداختی خواهد بود و کاهش قدرت خرید پول در دوره اوراق قرضه را جبران خواهد کرد. یا شرکتی مانند ایران خودرو ممکن است اوراق قرضه‌ای را منتشر کند که ارزش اسمی آن در زمان بازخرید، برای مثال یک بیستم قیمت یکدستگاه اتومبیل پیکان باشد. این گونه اوراق قرضه ممکن است مورد توجه کسانی قرار گیرد که اکنون دارای اتومبیل هستند و نگرانند که اگر روزی اتومبیلشان فرسوده شود، درآمدشان تکافوی جایگزین کردن آن را نکند.

نمونه‌های پیشنهادی گونه‌هایی از نوآریه‌هایی در اوراق بهادار است که می‌تواند در شرایط و موقعیتهای متفاوت به کار گرفته شود.

در زمان حاضر بسیاری از شرکتها در کشورهای پیشرفته برای جلب توجه سرمایه‌گذاران اوراق بهاداری مانند سهام عادی را با امتیازاتی از جمله اختیار فروش آنها همراه می‌کنند. ویژگی این گونه اوراق این است که دارنده سهم می‌تواند در هر زمان سهم خود را به مؤسسه‌ای که خرید آن را در هر زمان تضمین کرده است، به قیمت توافقی بفروشد. این شیوه به سرمایه‌گذار امکان می‌دهد که از یک سو در خرید سهام با ظرفیت بازدهی سرمایه‌گذاری کند و به افزایش قیمت سهم در بازار امیدوار باشد، و از سوی دیگر فرصتی داشته باشد که چنانچه شرکت در اجرای برنامه‌های خود موفق نشد از اختیار پیشگفته استفاده کند، یعنی سهم را بفروشد و دیگر ریسک یا نگرانی نداشته باشد. \*

سال بعد پرداخت می‌گردد. و این از نوآریه‌هایی است که برای مدیران مالی درخور توجه است.

ورقه قرضه دیگری که استفاده از آن را در شرایط کنونی ایران می‌توان توصیه کرد اوراق قرضه تبدیل‌پذیر به سهام عادی است. ویژگی این اوراق این است که دارنده آن از دو محل بازده به دست می‌آورد: یکی از محل دریافت بهره آن که در زمان انتشار نرخ بهره مشخص می‌شود و دوم از محل افزایش تدریجی قیمت آن. یعنی دارنده این قرضه که با پرداخت مبلغ معینی آن را می‌خرد مختار است اوراق قرضه خود را قبل از سررسید به تعدادی سهم عادی همان شرکت تبدیل کند. اگر قیمت سهم این شرکت در بورس افزایش یابد ارزش قرضه تبدیل‌پذیر هم متناسب با آن افزایش خواهد یافت. و بنابراین دارنده این گونه قرضه از طرفی از درآمد ثابتی که بهره اوراق قرضه است بهره‌مند می‌شود و از طرف دیگر از درآمد احتمالی ناشی از تغییر قیمت سهم. کاربرد این اوراق در شرایط ایران به انجام تعدیلاتی بستگی دارد که بتوان بهره آنها را صفر کرد یا بهره‌ای شناور برای آن در نظر گرفت و عامل ربا را از آن حذف کرد.

اوراق قرضه توصیه کردنی دیگر اوراق قرضه با بهره شناور است. در این گونه اوراق قرضه شرکت تعهدی نسبت به پرداخت بهره ثابت ندارد و بهره آن را تحولات آینده بازار که ممکن است تغییرات نرخ تورم یا نرخ بهره بانکی باشد تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد چنانچه بهره چنین قرضه‌ای شناور باشد، با دشواری فقهی روبه‌رو نشود. یا شاید بتوان اوراق قرضه‌ای منتشر کرد که بهره یا ارزش اسمی آن به قیمت کالایی که شرکت می‌فروشد وابسته باشد. برای مثال ممکن است شرکت مخابرات اوراق قرضه‌ای عرضه کند که ارزش اسمی آن متناسب با بهای حق انشعاب تلفن در زمان حاضر و قرضاً ۱۰۰۰۰۰۰ ریال باشد. منتها در سررسید،

و مخالفی را برمی‌انگیزد. یکی از انواع اوراق بهادار مناسب شرایط ایران، اوراق قرضه بدون بهره است. اوراق قرضه بدون بهره که در اصطلاح اوراق قرضه با بهره صفر (Zero Coupon) نامیده می‌شود، گونه‌ای از اوراق بهادار است که به طور کلی بهره‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد و از این نظر با شرایط ایران که در آن پرداخت بهره با منع شرعی روبه‌روست، مطابقت دارد. این گونه اوراق به قیمتی کمتر از ارزش اسمی فروخته می‌شوند و سود سرمایه‌گذار از محل مابه‌التفاوت قیمت زمان خرید و ارزش اسمی زمان سررسید به دست می‌آید. و از این نظر با معاملات تجاری موضوع عقود بانکی بدون ربا که اکنون در سیستم بانکی ایران رایج است همانندی بسیار دارد. در این روش شرکت اوراقی را به قیمت معین می‌فروشد و متعهد می‌شود آن را در آینده به قیمتی بالاتر بخرد. اوراق قرضه بدون بهره مزایای بسیاری برای شرکت‌های منتشرکننده دارد. و از جمله شرکت می‌تواند تفاوت قیمت فروش و خرید آن را بتدریج به عنوان هزینه مالی در حسابهای شرکت منظور کند. در سال ۱۹۸۲ شرکتی اوراق قرضه ۲۰ ساله‌ای را که ارزش اسمی آن ۱۰۰۰ دلار بود به قیمت ۶۰ دلار فروخت؛ یعنی کسی که در زمان خرید ۶۰ دلار پرداخته بود، بیست سال بعد ۱۰۰۰ دلار دریافت می‌کرد. بدین ترتیب شرکت نیز می‌تواند ۹۴۰ دلار را طی ۲۰ سال به عنوان هزینه بهره مستهلک کند. تفسیر این کار این است که این گونه قرضه‌ها به شرکتها امکان می‌دهد هزینه قابل قبول درخور توجهی از نظر مالیاتی در سالهای نخست انتشار آنها به دست بیاورند و در نتیجه از نظر مالیاتی صرفه‌جویی مهمی ناشی از هزینه غیرنقدی به عمل آورند، زیرا هزینه‌ای که در سال مفروض به حساب گرفته می‌شود، ۲۰

# تشخیص ترکیدگی

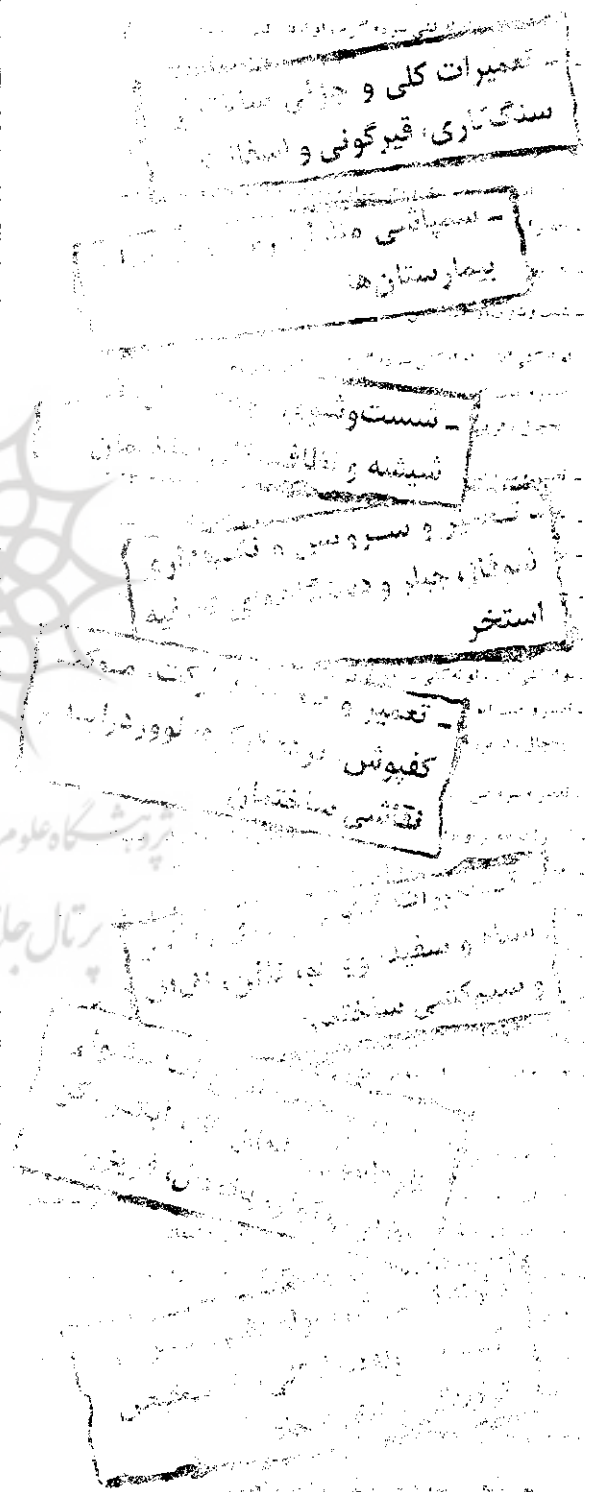
«بند» ششماه بود که به دلیل بیماری از منزل بیرون نیامده بودم. دوران خوشی بود، تمام کارهای مؤسسه حساسی را به شریک «بند» سپرده، خود در منزل دراز به دراز خوابیده بودم، پول هم مرتب توسط شریک محترم «بند» به منزل فرستاده می شد و البته خیلی بیشتر از دورانی که دوفتری اداره مؤسسه را به عهده داشتیم.

صبحانه را خورده و لباس پوشیده بودم و آماده می شدم که به نحوی خودم را به مؤسسه بکشانم که زنگ خانه به صدا درآمد. عیال گوشی دریاکن برقی را برداشت و گفت: «بفرمایید... نخیر، ما تا کسی سرویس نخواستیم بودیم... از مؤسسه فرستاده اند؟ ... بسیار خوب الان می آیند!» «بند» را می گویند؟ دیگر شکام به یقین تبدیل شد، حتماً در نبود «بند»، شریک محترم گنجی، چیزی پیدا کرده است و برای اینکه «بند» سگته نکند، دارد یواش یواش «بند» را شیرفهم می کند.

جای شما خالی راننده تا کسی چنان احترامی به «بند» گذاشت که هیچکدام از کارمندان مؤسسه یا حتی مشتریان تا حالا نگذاشته بودند. پیش خود «بند» گفتم: «دیدم جوجه را آخر پاییز می شمارند؟ آخر کار معلوم شد حساسی یعنی چه! ملت فهمیدند، دولت هم فهمید، تعاونی هم فهمید! درست و حسابی گیر نیفتاده بودند، حالشان نبود، نمی دانستند این حرفه هم مثل پزشکی و وکالت و مهندسی مشاور است، بدون آن نمی توان آب خورد! خوب خودمانیم چقدر آب بخوریم ما حساسیها.» اگر سیگار برگ داشتیم، پکی به آن زده می افزودم: «دوستان عزیز بخش خصوصی، دولتی و تعاونی، ما حساسیها کینه جو نیستیم، حالا که قدر ما را فهمیده اید، ما هم در نهایت صمیمیت برای شما کار می کنیم و پدرتان را در نمی آوریم.»

در همین افکار مردم دوستانه بودم که تا کسی از حرکت ایستاد و پیاده شدید خواستم کرایه آژانس را بدهم، راننده قبول نکرد و گفت: «ما ماهانه می گیریم قربان!» از در که وارد شدم، دیدم مقداری خرت و پرت این طرف و آن طرف ریخته، مثل خرده موکت و جاروی موکت شوری، قیروگونی و پوشال کولر و توپهای های لوله بازکنی و غیره... بوهای مختلفی هم می آمد مثل بوی سم و مواد پاک کننده و چیزی مثل بوی فاضلاب. این طور به نظرم رسید که کار تعمیرات و نظافت و سمپاشی دفتر را دارند یکجا انجام می دهند. خوب وقتی درآمد بالا باشد آدم به همین فکرها هم می افتد دیگر. در مواقع عادی که آدم معطل یک لقمه نان خالی باشد که به فکر این حرفها نمی افتد. راستی خودمانیم شما چندوقت است آزمایش خون داده اید؟ آیا اتومبیل قراضه تان را بیمه کرده اید؟ هیچ می دانید بیمه عمر چه خواصی دارد؟

منشی مؤسسه همان طور که داشت با تلفن حرف می زد از جای خود نیم خیز شد و با تکان دادن سر، سلام بلندبالایی کرد و با دست، اتاق شریک «بند» را



شان دادا مثل کسی بود که حقوقش تازگیها اضافه شده باشد. مدت‌ها بود چنین استقبالی از رؤسا نمی‌کرد! البته طبق معمول داشت راجع به تعمیر تلویزیون صحبت می‌کرد، منتها این بار بدون اینکه قصد مخفی‌کاری داشته باشد! خوب معلوم است دیگر، او هم مثل ما درآمدش اضافه شده و حالا می‌تواند تلویزیون (شاید رنگی) اش را تعمیر هم بکند! نوش جانش، خیلی زحمت می‌کشد، حق دارد. ولی آخرین جمله اش خیلی عجیب بود. گفت: «آقا جان گارانتی که یکماهه است، حتماً عیب دیگری دارد اگر مایلید دستور تعمیر جدید صادر کنم؟» انگار حقوقش خیلی زیاد شده است!

وارد اتاق شریک «بنده» شدم و کمی جا خوردم، راستش چیزی شبیه رایحه بهترین ادکلن‌های فرانسوی همراه بوی مشمئزکننده لجن و خیلی معذرت می‌خواهم، عرق بدن به اضافه بوی توتون پیپ مخصوص شریک «بنده» به مشام خورد. دستش هم که سابقاً همیشه گچی بود (تدریس هم می‌فرمودند)، کمی به نظرم روغنی و چرب و تا حدودی سیاه آمد.

بعد از احوالپرسی مفصل، گفتم: دوست عزیز «بنده»، چرا خودت هم داری به تعمیرکاران کمک می‌کنی؟ اصلاً توی اتاق تو که چاه فاضلاب نیست، قضیه چیست؟ بچه‌ها کجا بند؟ تاپیست‌ها، کمک حسابرسها، حسابرسها، حسابرسهای ارشد، مسوولان کار، طراحان سیستم، مشاوران مدیریت؟

گفت: خیلی شلوغ نکن، تازه فهمیده‌ام که مؤسسه را چطوری باید اداره کرد اگر هم می‌خواهی کلاهمان توی هم نرود یا سهمت را بگیر و برو یا با توجه به علاقه شخصی‌ات، کارهای تعمیرات برقی را به تو می‌دهم که انجام بدهی! البته باید «مدیریت کیفیت جامع یا Total Quality Management داشته باشی‌ها! ما با روشهای منسوخ قدیمی کار نمی‌کنیم!»

خودتان حدس بزنید چند تا شاخ از سر «بنده» بیرون آمده باشد، خوب است! استدعا کردم کمی توضیح بدهد، تعمیرکار برقی یعنی چه؟ بیست و پنج سال سابقه حسابرسی چه می‌شود؟

گفت: ببین خلاصت کنم، تاپیست‌ها را فرستاده‌ام برای تعمیر ماشینهای تایپ شرکتهای مختلف، کمک حسابرسها را برای قیروگونی و اسفالت، حسابرسها را برای تعمیر و نصب پارکت، موکت، کفپوش، پرده کرکره، لووردرایه و این حرفها، حسابرس‌های ارشد را برای سمپاشی منازل، رستورانها و بیمارستانها، مسوولان کار را هم فرستاده‌ام برای تعمیر و نصب انواع لباسشویی، ظرفشویی، اجاق گاز و غیره، طراحان سیستم را فرستاده‌ام دنبال لوله کشی، لوله بازکنی، تنظیم دفاتر قانونی و اظهارنامه مالیاتی با کامپیوتر، مشاوران مدیریت هم مشغول تشخیص ترکیبگی لوله و مشاوره در مورد طرز تخلیه چاه هستند. درآمدمان هم شش برابر سهامداران بورس تهران است، حسابرسی هم نمی‌کنیم!

آدم چیزی بگویم که تابلوی روی دیوار را نشانم داد:



## خدمات ما :



شماره ثبت ۱۰۱۶۸۲

- لوله کشی گاز ، لوله کشی سرد و گرم ، لوله باز کنی ، تشخیص ترکیدگی و تخلیه چاه
- تعمیر و نصب انواع لباسشویی ، ظرفشویی ، اجاق گاز ، آبگرمکن ، بخاری ، کولر ، یخچال ، فریزر
- تعمیر و سرویس و نگهداری شومیز ، چلیر و دستگاہهای تصفیه استخر
- تعمیرات تلویزیونهای رنگی سیاه و سفید ، ویدئو ، تلفن ، اف اف و سیستم کشتی ساختمان
- تعمیرات کلی و جزئی ساختمان ، سنگ‌کاری ، فیرگونی و اسفالت
- تعمیر و نصب پارکت ، موکت ، کفپوش ، پرده کرکره ، لووردرایه و نقاشی ساختمان
- شست و شوی موکت ، مبیل ، قالی ، شیشه و نظافت کلی ساختمان
- تنظیم دفاتر قانونی ، اظهارنامه مالیاتی ، نگهداری حسابهای اماکن مسکونی و تجاری ، حسابداری و حسابرسی
- سمپاشی منازل ، رستورانها و بیمارستانها

(نام و نشانی و تلفن در دفتر مجله محفوظ است)

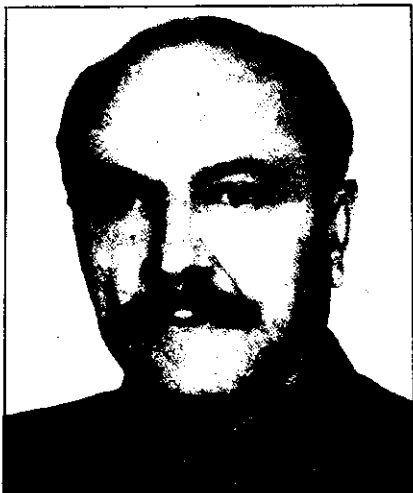


# مدیریت سرمایه در گردش

## و بودجه نقدی

### (در چارچوب بودجه جامع)

\* دکتر رضا شباهنگ



دکتر رضا شباهنگ

این مقاله متن سخنرانی نویسنده در سمینار «مدیریت، برنامه‌ریزی و کنترل وجوه نقد» است که در دی‌ماه سال ۱۳۷۲ به وسیله انجمن حسابداران خبره ایران برگزار شد و در آن شالوده‌های اساسی مدیریت سرمایه در گردش و بودجه نقدی در چارچوب بودجه جامع، به بیانی ساده و گویا چنانکه خواست و شیوه استاد محترم می‌باشد، بررسی می‌شود.

تغییر می‌کند و مدیران باید به‌طور مستمر و پویا سطح این سرمایه‌گذاریها را مورد بررسی قرار دهند و از مطلوب بودن آن مطمئن شوند. در بسیاری از موارد، سطح مطلوب نیز کمیته در حال تغییر است. برای مثال، میزان سرمایه‌گذاری در موجودیهای مواد و کالا در مواقعی که فروش در سطح نسبتاً بالا قرار دارد، با سطح مطلوب موجودیها در ماههایی که فروش به نسبت کمتر است یکسان نیست.

نظر به اینکه مبلغ سرمایه‌گذاری در داراییهای جاری ممکن است سریعاً تغییر کند، الزامات تأمین مالی مربوط به آن نیز متغیر است. سوءمدیریت در اداره داراییهای جاری احتمال دارد هزینه‌های چشمگیری دربر داشته باشد. سرمایه‌گذاری بیش از حد لازم در داراییهای جاری، منابع مالی محدود واحد انتفاعی را که می‌تواند در موارد سودآورتر مورد استفاده قرار گیرد به خود اختصاص می‌دهد

### مدیریت سرمایه در گردش

یکی از وظایف اساسی مدیران مالی، اعمال مدیریت بر سرمایه در گردش یعنی داراییها و بدهیهای جاری واحد انتفاعی است. چهار نوع اصلی داراییهای جاری عبارتند از موجودی نقد، اوراق بهادار، حسابهای دریافتی و موجودیها، که نخست مورد بحث قرار می‌گیرد، و سپس به بدهیهای جاری پرداخته خواهد شد.

اعمال مدیریت بر داراییهای جاری در مقایسه با اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات توجه بیشتری را طلب می‌کند، زیرا میزان سرمایه‌گذاری در هر یک از انواع داراییهای جاری به‌طور روزانه

که موجب تحمل هزینه فرصت از دست‌رفته خواهد شد. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری کمتر از حد لازم در داراییهای جاری نیز ممکن است پر هزینه باشد. مثلاً نابسند بودن وجوه نقد موجب می‌شود که تعهدات واحد انتفاعی بموقع ایفا نشود یا نگهداری موجودیها به میزان ناکافی موجب از دست رفتن فروش و نارضایتی مشتریان می‌گردد. اعمال مدیریت کارآمد و اثربخش بر داراییهای جاری مستلزم آن است که ابتدا با قواعد

1. Opportunity cost

کلی مربوط به سرمایه‌گذاری در هریک از انواع دارایی‌های جاری موجودی نقد، اوراق بهادار، حساب‌های دریافتی و موجودیها آشنایی حاصل شود و همواره سه جنبه اساسی زیر مدنظر قرار گیرد:

- ۱- ویژگی‌های بنیادی دارایی و چگونگی استفاده از آن توسط واحد انتفاعی.
- ۲- منافع و هزینه‌های مربوط به مبلغ سرمایه‌گذاری در دارایی.
- ۳- مخاطرات همراه با سرمایه‌گذاری در دارایی.

## مدیریت وجوه نقد

امروزه اصطلاح مدیریت وجوه نقد<sup>۱</sup> بر مباحث کلی اداره وجوه نقد واحد انتفاعی، گردش وجوه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت در اوراق بهادار اطلاق می‌شود.

## سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار

واحدهای انتفاعی غالباً وجوه نقد اضافی خود را به‌طور موقت یا درازمدت در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌کنند. دلایل این قبیل سرمایه‌گذاریها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- ایجاد آمادگی برای مقابله با نوسانات فصلی فروش و همچنین پیامدهای دوره‌های رونق و رکود اقتصادی،

۲- نگهداری ذخیره‌ای نیمه دائمی از اوراق بهادار برای مواجهه با رویدادها و نیازهای پیشبینی نشده، و

۳- حفظ آمادگی برای پرداختهای برنامه‌ریزی شده در آینده نزدیک.

## 2. Cash management

## دلایل نگهداری وجوه نقد

بسیاری از پرداختها و دریافت‌های واحدهای انتفاعی مستلزم صدور چک از محل حساب‌های جاری است. واحدهای انتفاعی معمولاً به‌وسیله چک به کارکنان و فروشندگان مواد و کالا پرداخت می‌کنند و مشتریان عمده آنان نیز به همین طریق عمل می‌کنند. تعداد نسبتاً اندکی از معاملات با پول نقد انجام می‌شود که آن نیز در سطح خرده‌فروشی است. بنابراین در این مبحث، اصطلاح وجه نقد به گونه‌ای به کار گرفته می‌شود که شامل اسکناس و موجودی حساب‌های بانکی باشد.

واحدهای انتفاعی نظیر اشخاص حقیقی پول نقد نگهداری می‌کنند تا چک‌های صادره آنان از آن محل پرداخت شود. مبلغ وجه نقدی که نگهداری می‌شود، نه تنها به برداشتهای حساب جاری بستگی دارد بلکه تحت تاثیر وجوه واريز شده به آن حساب نیز قرار می‌گیرد. بدیهی است چک‌های واريز شده به حساب بانکی، دست‌کم به دو روز زمان نیاز دارد تا مبالغ آنها در دسترس قرار گیرد.

## کنترل وجوه نقد

نگهداری وجوه نقد در سطح حداقل لازم، مستلزم اعمال مدیریت دقیق است بویژه در آن گروه از واحدهای انتفاعی که شعبی در نقاط مختلف دارند. مدیریت کارآمد وجوه نقد ایجاب می‌کند که مدیر مالی در مقاطع زمانی مناسب از موجودی کلیه حساب‌های بانکی واحد انتفاعی آگاه باشد. در برخی از شرکت‌های بزرگ که با مقادیر بالایی از وجه نقد سروکار دارند، مقطع زمانی مناسب روزانه است.

در برخی از کشورها، مدیر مالی می‌تواند از پایانه کامپیوتر دفتر کار خود، از موجودیهای بانکی واحد انتفاعی در بانکهای مختلف آگاه شود. با

داشتن این اطلاعات، مدیر مالی می‌تواند درباره نقل و انتقال پول بین حساب‌های مختلف تصمیمگیری کند.

تمرکز وجوه نقد، ساده‌ترین روش برای اعمال کنترل روی آن است. هنگامی که مازاد موجودی حساب‌های مختلف مشخص شود، می‌توان این وجوه را در یکی از حساب‌های اصلی واحد انتفاعی در بانک متمرکز کرد. حساب اخیر، حساب تمرکز وجوه نامیده می‌شود. در برخی از کشورها، نقل و انتقال وجوه میان حساب‌های مختلف در یک بانک یا بانکهای متفاوت از طریق استفاده از خط ارتباطی مخصوص سیستم بانکی به‌طور آبی انجام می‌گیرد. در این‌گونه موارد، حتی می‌توان از پایانه کامپیوتر مدیر مالی به این نقل و انتقالات اقدام کرد. بانک مرکزی ایران نیز درصدد است چنین سیستمی را بین بانکهای مختلف کشور و بانکهای بین‌المللی ایجاد کند.

## مدیریت گردش وجوه نقد

مدیریت گردش وجوه نقد عبارت است از اعمال مدیریت بر روش‌های وصول و پرداخت وجه نقد به‌منظور دستیابی به هدفهای زیر:

- ۱- وصول وجه نقد از مشتریان در کوتاهترین زمان ممکن، و
- ۲- پرداخت به فروشندگان و سایر طلبکاران با کمترین سرعت ممکن.

واحدهای انتفاعی همانند اشخاص حقیقی همواره با مسئله مدیریت گردش وجوه نقد سروکار دارند. در کشورهایی که استفاده از کارت‌های اعتباری و مدت زمان مجاز برای تاخیر در پرداخت<sup>۳</sup> متداول است، اشخاص حقیقی و واحدهای انتفاعی می‌کوشند حداکثر بهره را از مدت زمان مجاز بگیرند و تا سر حد امکان از اعتبارات بدون هزینه تامین مالی استفاده کنند.

ورق بزنید

## 3. Float

## ارزیابی روشهای مدیریت وجوه نقد

صرف نظر از اندازه واحد انتفاعی و پیچیدگی عملیات آن، برای ارزیابی روشهای مدیریت وجوه نقد می توان روشی یکسان به کار برد. در این روش اساسی، هزینه های اعمال مدیریت کارآمد بر وجوه نقد با منافع حاصل از آن مقایسه می شود.

هزینه های مربوط به مدیریت وجوه نقد معمولاً عبارتند از: کارمزدهای پرداختی به بانکها، اوقات صرف شده مدیر مالی و کارکنان مسئول، حقوق و دستمزد و هزینه های مربوط به سرمایه گذاری در ترمینالهای کامپیوتر و وسایل ارتباطی لازم.

منافع اصلی اعمال مدیریت بر وجوه نقد نیز بازدهی است که می توان از سرمایه گذاری وجوه نقد آزاد شده در اوراق بهادار یا سایر موارد به دست آورد.

## مدیریت حسابهای دریافتی

حسابهای دریافتی معرف جمع اعتباراتی است که واحد انتفاعی به مشتریان خود اعطا می کند. بنابراین، مانده این حساب ترازنامه معادل صورت حسابهای پرداخت نشده از طرف مشتریان است.

از نظر مدیر مالی، مبلغ ریالی حسابهای دریافتی را می توان به دو بخش تقسیم کرد.

یک بخش معرف وجوه نقدی است که واحد انتفاعی برای تهیه و تدارک کالاهای فروش رفته پرداخت کرده است. بخش دیگر نیز عبارت است از تفاوت بین وجوه نقد پرداخت شده و قیمت های فروش کالاهای فروخته شده. وجوه نقد پرداخت شده، سرمایه گذاری واقعی واحد انتفاعی در حسابهای دریافتی است و یا قیما نده این حساب، معرف سود حسابداری می باشد.

تصمیمگیری اساسی مربوط به حسابهای دریافتی، تعیین سقف اعتبارات اعطایی به

مشتریان و شرایط حاکم بر آن است. مدیر مالی در تعیین سیاستها و خط مشی های واحد انتفاعی برای اعطای اعتبار به مشتریان نقش با اهمیت دارد. در بخش زیر این سیاستها و خط مشی ها بررسی می شود.

## تصمیمات اعطای اعتبار

واحدهای انتفاعی معمولاً به سه گروه از مشتریان اعتبار اعطا می کنند. این گروهها عبارتند از اشخاص حقیقی، سایر واحدهای انتفاعی، و ارگانهای دولتی. نظر به این که فروش به ارگانهای دولتی تا حدود زیادی مشابه فروش به سایر واحدهای انتفاعی است، تحلیلهای این بخش، به فروش واحد انتفاعی به اشخاص حقیقی و سایر واحدهای انتفاعی محدود می شود.

## اعطای اعتبار به اشخاص حقیقی

واحدهای انتفاعی در فروشهای خود به اشخاص حقیقی، معمولاً نوعی اعتبار به صورت وصول وجوه مربوط در مدتی بعد از تاریخ فروش، اعطا می کنند.

این اعتبارات یا به صورت مستقیم و یا از طریق کارتهای اعتباری<sup>۴</sup> واگذار می شود. اعتبارات واگذاری به مشتریان به صورت مستقیم، حسابهای دریافتی را ایجاد می کند.

کلیه تصمیمات اعطای اعتبار در وهله نخست بر پایه ارزیابی واحد انتفاعی از احتمال پرداخت صورت حسابها توسط مشتریان قرار می گیرد. تعیین مبلغ حداکثر یا سقف اعتبار اعطایی به مشتری، مخاطره واحد انتفاعی را از لحاظ عدم پرداخت مشتری محدود می کند. در تصمیمگیری مربوط به اعطای اعتبار به یک مشتری مشخص، لازم است مدیر مالی احتمال عدم پرداخت مشتری را با برآورد منافع حاصل از اعطای اعتبار مقایسه کند. منافع اعطای اعتبار شامل فروشهای

### 4. Credit cards

اضافی و هزینه های تأمین مالی دریافتی، از مشتریان است.

## اعطای اعتبار به سایر واحدهای انتفاعی

اغلب فروشهای واحد انتفاعی به سایر واحدها به طور نسبه انجام می گیرد. بر اساس خط مشی اعتباری واحد انتفاعی فروشنده، مبلغ خرید طی مدت معینی از طرف خریدار پرداخت می شود. در این گونه موارد، فروشنده می تواند تخفیف مشخصی را در صورت پرداخت زودتر از موعد مبلغ خرید برای مشتری در نظر بگیرد. مثلاً، خریدار ممکن است یک درصد مبلغ صورت حساب را در صورت پرداخت وجه آن طی ۱۰ روز از جمع مبلغ کسر کند. علاوه بر این، فروشنده، سقف اعتبار یا حداکثر مبلغ فروش نسبه به یک مشتری خاص را نیز تعیین می نماید.

به طور کلی، شرایط اعتباری واحدهای انتفاعی که در بازار معینی فعالیت می کنند، با توجه به رقابت بازار و خط مشی های رقبا تعیین می شود. اما، در تصمیمگیری مربوط به اعطای اعتبار به یک واحد انتفاعی مشخص، مدیر مالی اطلاعاتی را درباره وضعیت مالی و تاریخچه گذشته آن واحد گردآوری می کند. منبع اولیه این قبیل اطلاعات معمولاً مؤسسات تحلیلگر اطلاعات مالی هستند که واحدهای انتفاعی را از لحاظ میزان اعتبار و استحکام وضعیت مالی رده بندی می کنند. با استفاده از این اطلاعات، می توان میزان مخاطره مربوط به اعطای اعتبار به یک مشتری خاص را تعیین کرد. مدیر مالی علاوه بر این اطلاعات اولیه، می تواند اطلاعات اضافی دیگری را درباره ویژگیهای مشتریان گردآوری کند. این ویژگیها به شرح زیر است:

- ۱- خصوصیات مشتری (Character) از لحاظ تمایل به پرداخت ب موقع بدهی،
- ۲- ظرفیت یا توان مشتری (Capacity) برای واريز بموقع بدهیها،

- ۳- شرایط کلی اقتصادی محیط (Condition) ورق بزنید

# دایا سیستم

## محیط کامپیوتری خود را عرضه می‌دارد

سخت‌افزار:

- کامپیوترهای رده IBM PERSONAL SYSTEM. (رده PC و PS شرکت IBM)
- کامپیوترهای COMPAQ.
- نرم‌افزارهای SCO - UNIX.
- ترمینالهای دوزبانه (انگلیسی / فارسی) ALIS.
- چاپگرها و ماشین تحریرهای IBM - LEXMARK.
- فرآورده‌های ارتباطات و شبکه‌ها
- GATEWAY COMMUNICATION
- سیستم‌های چندکاربره SPECIALIX.
- تولیدات CLEO.
- (HIGH - QUALITY IBM CONNECTIVITY SOLUTION)

آدرس: بزرگراه آفریقا خیابان وحید دستگردی (ظفر) شماره ۲۷۲ کدپستی: ۱۹۱۷۶  
تلفنهای: ۲۲۷۳۰۲۶ - ۲۲۷۴۲۴۴ - ۲۲۷۰۵۳۴ - ۲۲۷۱۴۵۵ - ۲۰۰۹۰۹۱  
فاکس: ۲۲۲۹۷۰۸ تلکس: ۲۱۲۹۳۸ AMEIR

دایا سیستم

نماینده رسمی

IBM

Personal Computers

COMPAQ

SCO  
THE SANTA CRUZ OPERATION



GATEWAY  
COMMUNICATIONS, INC.

Specialix

alis

CLEO  
CLEO Communications

LEXMARK

واحد انتفاعی (مشتری)،

۴ - سرمایه (Capital) که به قدرت مالی

مشتری اشاره دارد، و

۵ - وثیقه‌ای (Collateral) که مشتری در قبال

بدهی خود ارائه می‌کند.

## ارزیابی خط‌مشی اعطای اعتبار

تصمیم‌گیریهای مربوط به اعطای اعتبار به یک مشتری معین تا حدود زیادی به خط‌مشی کلی واحد انتفاعی برای اعطای اعتبار بستگی دارد. چنانچه واحد انتفاعی در تعیین شرایط اعتبار و مبلغ مربوط نسبتاً سختگیر باشد، سرمایه‌گذاری کمتری در حسابهای دریافتی خواهد داشت، زیان کمتری از لحاظ حسابهای بلاوصول تحمل خواهد کرد و به احتمال زیاد، درآمد فروش آن نیز کمتر خواهد بود.

بدیهی است آسان کردن شرایط اعطای اعتبار و قبول مشتریان واجد شرایط اعطای اعتبار و قبول مشتریان واجد مخاطره بیشتر، نتایجی برعکس موارد بالا بیار خواهد آورد.

به منظور ارزیابی خط‌مشی اعطای اعتبار، مدیر مالی باید وجوه نقد حاصل از اجرای هر یک از خط‌مشی‌های اعتباری ممکن (وصول حسابهای دریافتی به علاوه فروشهای نقدی) و نیز هزینه‌های نقدی و مبلغ سرمایه‌گذاری مربوط را برآورد کند. با در اختیار داشتن این برآوردها، نرخ تنزیل  $K$  و نرخ مالیات بر درآمد  $T$  می‌توان سود خالص حاصل از اجرای هر یک از خط‌مشی‌های اعتباری را به شرح زیر محاسبه کرد: (مبلغ سرمایه‌گذاری)  $K$  - (هزینه‌های نقدی - درآمدهای نقدی)  $(I-T) =$  سود خالص با به‌کارگیری فرمول بالا، مدیر مالی می‌تواند خط‌مشی اعتباری موجد بالاترین مبلغ سود خالص را انتخاب کند.

## مخاطره حسابهای دریافتی

حسابهای دریافتی معمولاً دارایی به نسبت



## مدیریت موجودیها

اعمال مدیریت بر میزان سرمایه‌گذاری در موجودی مواد و کالا مانند نگهداری سطح آب در مخزنی است که در پیچه خروجی آن باز باشد. چون آب از مخزن پیوسته در حال خارج شدن است، اگر جریان ورود آب از حد معینی آهسته شود، مخزن بزودی خالی خواهد شد. اگر سرعت ورود آب از حد معینی هم بیشتر شود مخزن آب سرریز می‌گردد. ارقام مشخص موجودیها نظیر آب موجود در مخزن در حال تغییر است اما، سطح موجودی را می‌توان ثابت نگهداشت. مسئله اساسی از دیدگاه مدیر مالی این است که درباره سطح مطلوب موجودیها تصمیم‌گیری و میزان تحصیل ارقام در هر یک از دوره‌های مالی به منظور نگهداری سطح مطلوب تعیین شود.

## انواع موجودیها

واحدهای انتفاعی، ارقام مختلف موجودی را با هدفهای گوناگون نگهداری می‌کنند. اما سه نوع ورق بزنید

کم مخاطره‌ای شناخته می‌شود. مخاطره اساسی این دارایی، احتمال نپرداختن مطالبات توسط مشتریان است. در شرایط متعارف، برآورد جمع زیان ناشی از مطالبات بلاوصول با ضریب اطمینانی قابل قبول امکان‌پذیر است، بویژه در شرایطی که واحد انتفاعی به تعداد زیادی از مشتریان فروش نسبه داشته باشد و خط‌مشی اعتباری آن نیز ثابت بماند. این‌گونه زیانهای متعارف را می‌توان هزینه اعطای اعتبار به مشتریان تلقی کرد.

مخاطره حقیقی حسابهای دریافتی هنگامی ایجاد می‌شود که تعداد نسبتاً زیادی از مشتریان به‌طور ناگهانی با مشکلات مالی روبه‌رو شوند.

در برخی کشورها میتوان فروشهای نسبه و حسابهای دریافتی را بیمه کرد. در این قبیل موارد، وصول خسارت از شرکت بیمه طریقه‌ای برای کاهش مخاطره حسابهای دریافتی محسوب می‌شود. اما بطورکلی حسابهای دریافتی یک دارایی پرمخاطره تلقی نمی‌شود و می‌توان در ارزیابی خط‌مشی‌های اعتباری، از نرخ تنزیلی کمتر از میانگین هزینه تامین مالی واحد انتفاعی استفاده کرد.



# دایا سیستم

## محیط کامپیوتری خود را عرضه می‌دارد

نرم افزار:

● در تهیه سیستم‌های کاربردی، نرم افزارهای بنیادی مورد استفاده،  
اهمیتی معادل خود سیستم دارد.

## دایا سیستم

از نرم افزارهای بنیادی نسل چهارم

ORACLE

و

UNIX

ORACLE®

UNIX

استفاده می‌کند تا کیفیتی غیر قابل رقابت را داشته باشد.

- دایا سیستم نرم افزارهای خود را پشتیبانی کرده، مرتباً آنها را بهبود داده (UPGRADE) و به مشتریان خود منتقل می‌کند.
- آموزش از پایه‌های ارتباط قوی دایا سیستم و مشتریان است.
- سیستم‌های دایا به شکل PACKAGE نیست بلکه هسته مرکزی و اساسی نظام جامع است که متناسب با نیازمندیهای استفاده کننده مطابقت داده می‌شود.

آدرس: بزرگراه آفریقا خیابان وحید دستگردی (ظفر) شماره ۲۷۲ کدپستی: ۱۹۱۷۶  
تلفنهای: ۲۲۷۳۰۲۶ - ۲۲۷۴۲۴۴ - ۲۲۷۰۵۳۴ - ۲۲۷۱۴۵۵ - ۲۰۹۰۹۱ فاکس: ۲۲۲۹۷۰۸ تلکس: AMEIR ۲۱۲۹۳۸

با اهمیت موجودی که توسط اغلب واحدهای انتفاعی نگهداری می‌شود عبارت است از مواد اولیه، کالاهای در دست ساخت و کالاهای ساخته شده. طبقه‌بندی اقلام موجودیها در هر یک از انواع سه گانه بالا، به ماهیت عملیات واحد انتفاعی بستگی دارد.

موجودیهای واحدهای تولیدی معمولاً شامل هر سه نوع موجودی بالاست، سطح موجودیهای نگهداری شده در هر واحد انتفاعی، به ماهیت عملیات آن بستگی دارد و ممکن است در واحدهای مختلف بسیار متفاوت باشد.

## تصمیمگیری اساسی درباره موجودیها

اگرچه منافع، هزینه‌ها و مخاطرات هر یک از انواع موجودی با دیگران متفاوت است اما کلیه آنها دارای دو ویژگی مشترک است:

(۱) برای تحویل موجودیها باید مخارجی انجام شود و (۲) نگهداری موجودیها مستلزم تحمل هزینه است.

موجودیها صرف‌نظر از نوع آن، به‌طور مستمر مصرف می‌شود. مواد اولیه و کالای در دست ساخت در فرایند تولید به مصرف می‌رسند و کالای ساخته شده نیز به فروش می‌رسد. نرخ مصرف موجودیها<sup>۵</sup> یکی از پارامترهایی است که در مدیریت موجودیها چپاید در نظر گرفته شود. از لحاظ اعمال مدیریت بر موجودیها، تصمیمات اساسی عبارتند از این که چه تعداد کالا سفارش داده شود و در چه زمانی سفارش کالا ارسال گردد. از دیدگاه مدیر مالی، تصمیمگیری اساسی این است که چه سطحی از سرمایه‌گذاری در موجودیها انتخاب شود. در این تصمیمگیری، چهار نوع مخارج و هزینه به شرح زیر مطرح است:

- ۱- مخارج تحویل و تخفیفات خرید،
- ۲- هزینه سفارش،
- ۳- هزینه نگهداری موجودیها، و

5. Usage rate



نبوده و بیش از آن باشد، واحد انتفاعی امکان تأمین تقاضای مشتریان را نخواهد داشت و درآمد فروش مربوط از دست خواهد رفت. این پدیده معمولاً فقدان موجودی<sup>۷</sup>، نامیده می‌شود. فقدان موجودی نیز با تحمل هزینه فرصت از دست رفته همراه است.

به منظور پرهیز از فقدان موجودی، واحدهای انتفاعی معمولاً موجودی ایمنی<sup>۸</sup> نگهداری می‌کنند. این ذخیره، مقدار حداقل اقلام کالا است که با توجه به نرخ مصرف و زمان مورد نیاز برای تحویل تعیین می‌شود.

## مزایای بازاریابی

در تصمیمگیری راجع به تعیین سطح مطلوب سرمایه‌گذاری در موجودیها لازم است تاثیر نگهداری اقلام متنوع و کافی توسط واحد انتفاعی بر افزایش فروش مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، تصمیمات مزبور تا حدود زیادی به سیاستهای بازاریابی واحدهای انتفاعی بستگی دارد. ورق بزنید

7. Stockout
8. Safety stock.

۴- هزینه تأمین مالی  
مخارج بالا در مدل ریاضی مقدار اقتصادی سفارش موجودی منظور و مقداری محاسبه می‌شود که نتیجه آن مساوی حداقل جمع هزینه‌های مربوط باشد.

## مزایای سرمایه‌گذاری در موجودیها

علاوه بر مخارج و هزینه‌هایی که در تعیین سرمایه‌گذاری در موجودیها در نظر گرفته می‌شود، عوامل دیگری نیز بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد که مستقیماً به تعداد با صرفه سفارش ارتباط ندارد.

## پرهیز از فقدان موجودی

در ساخت مدل مقدار اقتصادی سفارش، فرض بر این است که نرخ مصرف کالا و همچنین، زمان مورد نیاز برای تحویل<sup>۹</sup> دقیقاً معلوم است و ابهامی در این موارد وجود ندارد. اما در عمل این مفروضات مصداق پیدا نمی‌کند. مثلاً چنانچه میزان تقاضا در یک دوره پیشبینی شده یکسان

6. Leadtime

# دایا سیستم

## سیستم حسابداری و مالی

- این سیستم «استراتژی با دید جامع» برای کلیه سیستمهای مالی است که امکان تلفیق سایر سیستمها مثل حسابداری صنعتی در آن فراهم شده است.
- سیستم، معاملات را به شکل صحیح و در زمان وقوع، بدون تأخیر ثبت می‌کند.
- اطلاعات مالی را «به روز» در اختیار مدیریت قرار می‌دهد.
- گزارشهای تفکیکی شعب و ادارات متعدد را فراهم می‌کند.
- بهره‌وری کنترل‌های داخلی را بالا می‌برد.
- امکان استفاده کاربران متعدد را بدون مداخله در کار یکدیگر فراهم می‌کند، ضمن آنکه در هر آن مشخص می‌کند در چه تاریخ، چه کسی اطلاعات را به سیستم وارد کرده است.
- امنیت اطلاعات را به طور کامل تأمین می‌کند.

### قابلیتها:

- ثبت کلیه اسناد در گردش شرکت در دفاتر مالی بطور مستقیم و در زمان واقعی (ON LINE REAL TIME)
- صدور اتوماتیک فرمهای گردش شرکت نظیر (فرمهای پرداخت، دریافت، واگذاری اسناد بحساب بانک...) توسط سیستم.
- ایجاد سند ثبت روزنامه بر اساس فرمهای گردش عملیات بصورت اتوماتیک.
- امکان ایجاد کد حساب (گروه، کل، معین، تفصیلی) به تعداد نامحدود.
- امکان تغذیه اسناد مالی از سیستمهای دیگر نظیر (حقوق و دستمزد، انبار، اموال و دارایی ثابت و...) بصورت مستقیم.
- ایجاد اسناد روزنامه در سطح معین و در پایان روز.
- ایجاد اسناد حسابداری در سطح کل در پایان روز، هفته یا ماه.
- امکان بکارگیری سیستم توسط شعب مختلف در یک زمان.
- امکان ایجاد تعداد نامحدود سند حسابداری در هر دوره مالی.
- امکان تهیه گزارشات و صورتهای مالی (FINANCIAL STATEMENTS) بصورت لحظه‌ای.
- تخصیص شماره سریال اسناد بطور اتوماتیک.
- کنترل اتوماتیک تراز بودن اسناد توسط سیستم.
- امکان تأیید، تصویب اسناد با استفاده از رمز.
- امکان ذخیره و بازیابی کلیه اطلاعات سیستم در صورت آسیب دیدن یا از دست دادن اطلاعات بدلیل سخت‌افزاری و یا موارد پیش‌بینی نشده.
- امکان تعبیه رمز در سیستم بمنظور اجتناب از دسترسی‌های غیرمجاز بر روی اطلاعات سیستم و بر ملا شدن اطلاعات محرمانه برای کاربران فاقد مجوز.
- فهرست‌گرا بودن سیستم (MENU DRIVEN).
- ثبت: نام کاربر، تاریخ، ساعت، نوع عملیات (ایجاد، اصلاح، حذف). پس از ورود کاربر به سیستم و استفاده از فرمها توسط وقایع‌نگار بمنظور ردیابی و حفظ امنیت سیستم.

آدرس: بزرگراه آفریقا خیابان وحید دستگردی (ظفر) شماره ۲۷۲ کدپستی: ۱۹۱۷۶  
تلفنهای: ۲۲۷۳۰۲۶ - ۲۲۷۴۲۴۴ - ۲۲۷۰۵۳۴ - ۲۲۷۱۴۵۵ - ۲۰۰۹۰۹۱ فاکس: ۲۲۲۹۷۰۸ تلکس: AMEIR ۲۱۲۹۳۸

## افزایش قیمت موجودیها

در دوره‌هایی که قیمت اقلام موجودی در حال افزایش است، واحدهای انتفاعی به نگهداری اقلام بیش از مقدار تعیین شده توسط مدل‌های سفارش کالا تمایل دارند. در این گونه موارد، تا جایی که افزایش قیمت مورد انتظار بیش از افزایش هزینه‌های مربوط به نگهداری اقلام موجودی باشد، سرمایه‌گذاری در موجودیها نیز می‌تواند افزایش یابد. این پدیده در برخی موارد، سفته‌بازی<sup>۹</sup> نامیده می‌شود. مدیران مالی باید این قبیل سفته‌بازیها را در حد محتاطانه‌ای کنترل کنند. زیرا زیاده‌روی در این مورد ممکن است پرهزینه و مخاطره‌آمیز باشد.

## مخاطره سرمایه‌گذاری در موجودیها

مخاطره اصلی سرمایه‌گذاری در موجودیها، امکان کاهش قیمت اقلام در بازار و تحمل زیان توسط واحد انتفاعی است. کاهش قیمت ممکن است به دلیل پیشرفتهای تکنولوژیکی و ارائه محصولات مرغوبتر به بازار واقع شود. مدیران مالی باید از میزان مخاطرات همراه با سرمایه‌گذاری در موجودیها آگاه باشند و در تصمیمگیریهای مربوط به تعیین سطح موجودیها، این مخاطرات را در نظر بگیرند. این کار با منظور کردن زیانهای مورد انتظار در هزینه نگهداری یا اعمال نرخ تنزیل بالاتر برای اقلام مخاطره‌آمیز انجام می‌گیرد.

## مدیریت بدهیهای جاری - تامین مالی کوتاهمدت

پس از طرحریزی سرمایه‌گذاری در داراییهای جاری و پیشبینی وجوه مورد نیاز، مدیر مالی باید

### 9. Speculation.

ترتیبیات لازم را برای تامین مالی برگزیند. وامگیری کوتاهمدت نوعاً برای پشتیبانی سرمایه‌گذاری در داراییهای جاری به کار می‌رود. در انتخاب منابع تامین مالی کوتاهمدت معمولاً موارد زیر مورد توجه مدیر مالی قرار می‌گیرد:

- هزینه تامین مالی

- تاثیر بر رده‌بندی اعتباری

- قابلیت اتکا

- محدودیتهای

- انعطاف‌پذیری

در تصمیمگیری مربوط به انتخاب منبع تامین مالی کوتاهمدت لازم است به کلیه موارد پیشگفته توجه شود.

منابع اصلی تامین مالی کوتاهمدت که به ایجاد بدهیهای جاری می‌انجامد به ترتیب اهمیت عبارتند از: اعتبارات تجاری، استقراض از سیستم بانکی و صدور اسناد تجاری. اعتبارات تجاری و صدور اسناد پرداختی معمولاً شکل تضمین نشده اعطای اعتبار است در حالی که سیستم بانکی هم وام بدون تضمین و هم وام تضمین شده اعطا می‌کنند. وام تضمین شده وامی است که وامگیرنده بخشی از داراییهای خود را در مقابل وام دریافتی به وثیقه می‌گذارد. واحدهای انتفاعی معمولاً حسابهای دریافتی یا موجودیهای مواد و کالا را پشتوانه اعتبارات کوتاهمدت قرار می‌دهند.

## اعتبارات تجاری

هنگامی که یک واحد انتفاعی کالاهایی را از یک واحد انتفاعی دیگر می‌خرد، معمولاً ناگزیر از پرداخت فوری بهای کالاها نیست. در دوره‌ای که بهای کالاها خریداری شده به فروشنده پرداخت نشده است، خریدار بدهی جاری به فروشنده دارد که تحت عنوان حسابهای پرداختی در ترازنامه منعکس می‌شود. این گونه معاملات، منبعی برای تامین مالی کوتاهمدت برای واحد انتفاعی خریدار محسوب می‌شود.

## استقراض از سیستم بانکی

دومین منبع تامین مالی کوتاهمدت واحدهای انتفاعی، استقراض از سیستم بانکی است. وامهای کوتاهمدت بانکها معمولاً براساس قراردادهای عقود است که بین بانک و واحد انتفاعی وامگیرنده منعقد می‌شود. این عقود عبارتند از مضاربه، مشارکت مدنی، مساقات و مانند آنها.

هزینه تامین مالی وامگیری از سیستم بانکی، براساس توافق بین واحد انتفاعی و بانک تجاری وامدهنده تعیین می‌شود. هرچه مخاطره واحد انتفاعی بیشتر باشد، هزینه تامین مالی نیز بالاتر خواهد رفت.

## اسناد تجاری

اسناد تجاری معمولاً اوراق بهادار مبادله شدنی است که به وسیله واحدهای انتفاعی به بانکها، مؤسسات مالی یا سایر واحدهای انتفاعی فروخته می‌شود. هزینه تامین مالی این گونه اسناد، به وضعیت مالی و رده‌بندی اعتباری واحد انتفاعی صادرکننده آن بستگی دارد.

## وام تضمین شده

آن گروه از واحدهای انتفاعی که رده‌بندی اعتباری مناسب برای وام تضمین شده ندارند، ناگزیر باید بخشی از داراییهای خود را نزد وامدهنده به وثیقه بگذارند. داراییهایی که در این گونه موارد به وثیقه گذاشته می‌شود، اصطلاحاً تضمین وام<sup>۱۰</sup> نامیده می‌شود.

بدیهی است واحدهای انتفاعی وامگیرنده می‌کوشند که تا حد امکان از وامهای بدون تضمین استفاده کنند زیرا وثیقه گذاشتن داراییها، مستلزم تحمل هزینه‌های اضافی است.

مهمترین منابع وامهای تضمین شده عبارتند از بانکهای تجاری، مؤسسات مالی و خریداران ورق بزنید

### 10. Loan Collateral

# دایا سیستم

## سیستم حقوق و دستمزد

هر سیستم مکانیزه کاربردی باید:

- مستقل از محیط‌های سخت‌افزاری و سیستم‌های عامل، کارا باشد.
- بتواند حجم نامحدود داده‌ها را عمل کند.
- در حفظ اطلاعات، امنیت کامل را ارائه نماید.
- براحتی مورد استفاده قرار گیرد، نگهداری شود و تعمیر گردد.
- به سایر سیستم‌های کاربردی مرتبط، اتصال منطقی داشته باشد.

### قابلیت‌ها:

- امکان معرفی مشخصات پرسنلی بصورت پویا (محدود و نامحدود).
- امکان معرفی انواع پارامترهای اجرایی بر اساس تصمیم مدیریت.
- امکان معرفی آیین‌نامه‌های اجرایی.
- امکان معرفی انواع وام‌ها.
- امکان معرفی انواع حسابها (سرفصل، هزینه، عوامل هزینه...).
- امکان ثبت و اخذ انواع احکام پرسنلی (حقوقی، مرخصی، مأموریت...).
- امکان ثبت و انفصال موقت کارکنان با در نظر گرفتن کلیه آثار محاسباتی.
- امکان معرفی انواع محاسبات در مورد عیدی، پاداش، بهره‌وری، ذخیره خدمت سنواتی پرسنل....
- امکان تعدیل جدول مالیاتی در مقطع از سال.
- امکان ارائه اتوماتیک اسناد حسابداری حقوق و دستمزد به سیستم حسابداری - دفتری.
- امکان اخذ انواع گزارشات و آمارها از طریق معرفی محل حوزه‌های اطلاعاتی در گزارش (پویایی گزارشات) بر روی صفحه تلویزیونی کامپیوتر و یا چاپگر.
- امکان محاسبه مطالبات معوقه پرسنل بصورت اتوماتیک (پرداخت‌های برگشتی).

آدرس: بزرگراه آفریقا خیابان وحید دستگردی (ظفر) شماره ۲۷۲ کدپستی: ۱۹۱۷۶  
تلفن‌های: ۲۲۷۳۰۲۶ - ۲۲۷۴۲۴۴ - ۲۲۷۰۵۳۴ - ۲۲۷۱۴۵۵ - ۲۰۰۹۰۹۱ - فاکس: ۲۲۲۹۷۰۸ - تلکس: AMEIR ۲۱۲۹۳۸



حسابهای دریافتی.<sup>۱۱</sup> متداولترین داراییهایی که برای وامهای کوتاهمدت به وثیقه گذاشته می شود عبارتند از حسابهای دریافتی و موجودیها.

## بودجه نقدی در چارچوب بودجه جامع

حفظ نقدینگی به منظور پرداخت بموقع تعهدات، یکی از هدفهای واحدهای انتفاعی است. بعضی سازمانهای دولتی نیز ناگزیر از پرداخت بموقع صورت حسابها و تعهدات خود هستند و به نحوی به موضوع نقدینگی اهمیت می دهند. انجام تعهدات نقدی معمولاً آسان نیست زیرا سودآوری و نقدینگی الزاماً به طور همسو حرکت نمی کنند. مثلاً تعداد زیادی از واحدهای انتفاعی هنگامی که در مرحله سودآوری نسبتاً مطلوبی بوده اند با مشکلات عمدهای از لحاظ نقدینگی مواجه شده اند. در این گونه موارد معمولاً حسابهای دریافتی و موجودیهای در حال افزایش، مشکلات نقدینگی و کمبود وجوه نقد را ایجاد می کند.

یکی از ابزارهای مفید برای اعمال مدیریت بر وجوه نقد، تهیه بودجه نقدی است. ضمن تهیه این بودجه، گردش وجوه نقد به طور کلی در دوره بودجه برآورد می شود. تهیه بودجه نقدی بدون توجه به بودجههای عملیاتی و مالی واحدهای انتفاعی امکانپذیر نیست و لازم است بودجه نقدی در داخل اجزای مختلف بودجه جامع بررسی شود.

## بودجه جامع

بودجه جامع<sup>۱۲</sup> محصول نهایی فرایند برآورد و تهیه بودجه یک واحد انتفاعی است که شامل بودجههای جداگانه هر یک از بخشهای تابعه آن واحد می شود. ترکیب دقیق و مشخص بودجه جامع تا حدودی به حجم عملیات و نوع فعالیت واحد انتفاعی بستگی دارد. اما به هر صورت، این

11. Factors
12. Master budget.

بودجه معرف طرح کلی واحد انتفاعی در دوره بودجه است. بخشهای مختلف بودجه جامع به نحوی منظم با یکدیگر جمع می شود و طرح عملیاتی مشروح واحد انتفاعی را برای دوره بودجه به وجود می آورد.

بودجه جامع به دو بخش اصلی بودجه عملیاتی و بودجه مالی تقسیم می شود. در بودجه عملیاتی، اقلام بهای تمام شده هزینههای عملیاتی و درآمدهای دوره بودجه مورد بررسی قرار می گیرد و در نتیجه سود خالص عملیات بودجه بندی می شود.

بودجه مالی، مشتمل بر بودجه بندی وضعیت مالی و سایر بودجههای مورد نیاز مدیریت مالی است. ضمناً بودجه مالی تا حدود زیادی به بودجه عملیاتی و وضعیت مالی اول دوره بودجه بستگی دارد.

## بودجه عملیاتی

بودجه عملیاتی دربرگیرنده برآوردها و بودجه بندی فعالیتهای تولیدی و غیر تولیدی واحد انتفاعی یا به بیان دیگر، اجزای صورت حساب سود و زیان آن است. اجزای مختلف این بودجه به شرح زیر است:

## بودجه فروش

این بودجه که معمولاً در اولین مرحله از فرایند بودجه تهیه می شود یکی از مهمترین اجزای بودجه عملیاتی است. بودجههای دیگر تا حدود زیادی به آن وابسته اند یا از آن منتج می شوند. بودجههای موجودی کالا، تولید، پرسنلی، فروش و بازاریابی، اداری و سایر فعالیتهای به طور عمده از درآمد مورد انتظار از فروش تأثیر می گیرند.

بودجه فروش معمولاً به عوامل گوناگونی مانند وضعیت کلی اقتصادی، تصمیمات قیمت گذاری، واکنشهای رقیبان تجارتنی، وضعیت صنعت، برنامههای بازاریابی و مانند آن بستگی دارد. در

تهیه بودجه فروش معمولاً از خدمات متخصصان گوناگون نیز استفاده می شود. اگرچه بودجه فروش در نهایت برحسب ریال است اما باید حاوی جزئیات مشروح و کافی درباره ترکیب محصولات و الگوهای فروش نیز باشد تا بتوان بر مبنای آن درباره تغییر سطوح موجودیها و مقادیر تولید تصمیمگیری کرد.

## بودجه موجودی کالای آخر دوره

این موجودیها، بخش عمدهای از داراییهای جاری بسیاری از واحدهای انتفاعی را تشکیل می دهد و تصمیمگیری در مورد آن یکی از وظایف مهم مدیریت محسوب می شود. کمیابی مواد اولیه، طرز تلقی مدیریت نسبت به موجودیها، هزینه نگهداری موجودیها، هزینه سفارش و سایر متغیرهای مربوط، بر این گونه تصمیمات اثر می گذارد.

## بودجه تولید

بودجه مقادیر تولید، نقطه شروع فرایند تهیه بودجه تولید است. بودجههای مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار ساخت بر بودجه مقادیر تولید متکی است. مجموع این بودجهها به طور کلی بودجه تولید نامیده می شود.

به منظور برآورد بودجه مواد مستقیم، مدیران باید سطوح جاری و مورد انتظار موجودیها را همراه با پیشبینی فروش مورد توجه قرار دهند. بودجه ماهانه مواد، منعکس کننده نوسانهای دورههای فروش و مدت زمان مورد نیاز برای تحویل آن است.

بودجه دستمزد مستقیم برای طرحریزی تولید و مدیریت پرسنل مورد نیاز است. در تهیه این بودجه لازم است به مهارتهای لازم برای ترکیب تولید توجه کافی شود. ضمناً باید برای تغییر در نیازمندیهای نیروی انسانی که بر اثر نوسانهای دورههای تولید به وجود می آید، برنامه ریزیهای لازم به عمل آید زیرا اثر نوسانهای تولید به ورق بزنید



## نظام جامع انبارها

● دایا سیستم با توجه به تجربیات چند ده ساله مدیران خود در مدیریت، حسابداری و حسابرسی، معتبرترین سیستم انبارداری را عرضه می‌کند.

### قابلیتها:

- نگهداری مشخصات فروشندگان، مراکز مصرف، انبارها، مشخصات کالا،...
- پردازش فرمهای جاری انبارها (رسید، صدور، برگشت، انتقال،...) بصورت «بلادرنگ» (REAL TIME)
- کنترل موجودیها در کلیه انبارهای شرکت (تعدادی / ریالی)
- امکان تقویم موجودی در اثنای ورود کالا به انبار (یک مرحله‌ای) و یا تقویم آن پس از ثبت در کاردکس تعدادی (دو مرحله‌ای)
- قابلیت نگهداری قیمت خریدهای خارجی برحسب ارزهای مربوطه
- حسابداری انبارها
- کنترل خریدها با قیمت برآوردی (قطعی نشده باشد)
- انبارگردانی و ارائه مغایرتهای موجودی فیزیکی و موجودی
- صدور اتوماتیک اسناد حسابداری انبارها و تغذیه مستقیم آن به سیستم حسابداری مالی
- کنترل گردش اقلام انبار به تفکیک مراکز مصرف
- ارائه اقلام در سطح سفارش و اقلام راکد
- امکان صدور قطعات در سطح محصولات با استفاده از سیستم مکانیزه متشکله محصولات (BOM)
- ارائه ارزش تقویم موجودی بر اساس گروههای تعریف شده توسط کاربران
- حفاظت و امنیت داده‌ها در مقابل دسترسیهای غیرمجاز با استفاده از روش DYNAMIC MENUS
- ارائه گزارشات مورد نیاز انبارها، حسابداری صنعتی، اداره مواد و سایر واحدهای ذیربط.
- سهولت کاربرد: فهرست گرانی MENU DRIVEN و بهره‌گیری از کمکهای موضوعی و لحظه‌ای ONLINE CONTEXT SENSITIVE HELP
- انعطاف‌پذیری و سهولت اعمال تغییرات در قبال نیازهای آتی با صرف حداقل زمان و هزینه

آدرس: بزرگراه آفریقا خیابان وحید دستگردی (ظفر) شماره ۲۷۲ کدپستی: ۱۹۱۷۶  
تلفنهای: ۲۲۷۳۰۲۶ - ۲۲۷۴۲۴۴ - ۲۲۷۰۵۳۴ - ۲۲۷۱۴۵۵ - ۲۰۰۹۰۹۱  
فاکس: ۲۲۲۹۷۰۸ تلکس: ۲۱۲۹۲۸ AMEIR

طرح‌ریزی نیروی انسانی، در مقایسه با طرح‌ریزی مواد و سربار ساخت، مهمتر است و مسائل و مشکلات بیشتری را ایجاد می‌کند.

بودجه سربار ساخت شامل کلیه اقلام بهای تمام شده غیر مستقیم مانند مواد غیرمستقیم، دستمزد غیرمستقیم و اقلام مشابه است. در تهیه این بودجه، تفکیک اقلام ثابت و متغیر سربار ساخت دارای اهمیت است.

## بودجه بهای تمام شده کالای فروش رفته

در واحدهای تولیدی، بودجه بهای تمام شده کالای فروش رفته مستقیماً از بودجه تولید به دست می‌آید. اختلاف بین این بودجه و بودجه تولید مربوط به میزان موجودی کالا در اول و آخر دوره بودجه است.

## بودجه هزینه‌های اداری

این بودجه شامل هزینه‌های فعالیت‌های غیرتولیدی واحد انتفاعی است. در برخی موارد، هزینه‌های ثابتی در این بودجه وجود دارد که می‌توان در صورت لزوم آن را کم یا حذف کرد. این قبیل هزینه‌ها شامل اقلامی نظیر تحقیق و توسعه، برنامه‌های آموزش کارکنان و بخشی از هزینه‌های پرسنلی است.

## بودجه هزینه‌های فروش و بازاریابی

فعالیت‌های فروش و بازاریابی به نحو مؤثری بر مبلغ فروش اثر می‌گذارد. بنابراین بودجه هزینه‌های فروش و بازاریابی باید در مراحل اولیه فرایند بودجه‌بندی یعنی همزمان با بودجه فروش تهیه شود. لازم به توضیح است که همه هزینه‌های فروش و بازاریابی به نحو مستقیم و متناسب با مبلغ فروش تغییر نمی‌کند. برخی از این هزینه‌ها مانند حقوق مدیران بازاریابی ثابت است و برخی دیگر ممکن است گرایش‌های متفاوتی

داشته باشند.

## سود خالص بودجه شده

هنگامی که کلیه بودجه‌های پیش‌فکته تهیه شود، به آسانی می‌توان سود خالص را بودجه‌بندی کرد. این رقم کلیدی که معرف هدف واحد انتفاعی در مورد سود خالص عملیاتی است، بسیاری از فعالیت‌های واحد را در دوره بودجه منعکس می‌کند. در پاره‌ای از موارد، واحد انتفاعی انتظار اقلام غیرعملیاتی موثر بر سود، نظیر سود یا زیان حاصل از فروش دارایی‌های غیرجاری را دارد که این ارقام نیز در بودجه‌بندی سود خالص منظور می‌شود.

اگرچه مالیات بر درآمد بر مبنای سود واقعی محاسبه می‌شود اما به منظور به دست آوردن سود خالص بعد از مالیات می‌توان رقم مالیات بردرآمد را نیز برآورد و از سود خالص بودجه شده کسر کرد.

## بودجه مالی

اگرچه بودجه عملیاتی واحدهای انتفاعی (واحدهای تولیدی و بازرگانی) و غیرانتفاعی تا حدودی متفاوت است اما، بودجه مالی این‌گونه واحدها شبیه یکدیگر است. اجزای مختلف بودجه مالی به شرح زیر است:

## بودجه مخارج سرمایه‌ای

بودجه‌بندی سرمایه‌ای معمولاً شامل تهیه اقلام عمده‌ای مانند ماشین‌آلات و تجهیزات است اما در برخی موارد، پروژه‌های دیگری نیز در این طبقه‌بندی منظور می‌شود. مثلاً اجرای یک برنامه درازمدت آموزش کارکنان را می‌توان در بودجه‌بندی سرمایه‌ای منظور کرد. بودجه‌بندی سرمایه‌ای مستلزم تصمیم‌گیری بسیار حساسی است زیرا این مخارج در مقایسه با مخارج عملیاتی نوعاً مبالغ بیشتر و آثار دوربردتری بر هدف‌های واحد انتفاعی و نحوه دستیابی به آن دارد.

## بودجه نقدی

حفظ نقدینگی کافی و بهینه در واحدهای انتفاعی، تهیه بودجه نقدی را ایجاب می‌کند. نقطه شروع فرایند تهیه بودجه نقدی معمولاً برآورد وجوه نقد حاصل از عملیات است که از تعدیل رقم سود خالص بودجه شده به منظور خارج کردن اقلام غیرنقدی مانند استهلاک به دست می‌آید. ضمناً کلیه اقلام نقدی غیرعملیاتی نیز در بودجه نقدی منظور می‌شود. نمونه‌هایی از این اقلام غیرعملیاتی عبارت است از خرید و فروش زمین، ساختمان و تجهیزات، فروش سهام و اوراق قرضه، بازخرید سهام و مانند آن. بودجه‌بندی سود خالص و گردش وجوه نقد ممکن است در یک دوره مالی اختلاف نسبتاً زیادی با یکدیگر داشته باشد. این اختلاف معمولاً به دلیل تغییر در میزان سرمایه در گردش و یا جریان وجوه نقد غیر عملیاتی ایجاد می‌شود.

بودجه نقدی سالانه برای اعمال مدیریت بر وجوه نقد، درازمدت و غیرمفید محسوب می‌شود. بودجه‌های نقدی ماهانه، هفتگی و حتی روزانه ممکن است برای مقاصد و نیازهای اطلاعاتی مدیران مفیدتر باشد. دوره بودجه نقدی معمولاً به نیازمندی‌های طرح‌ریزی، مشکلات و مسائل بالقوه گردش وجوه نقد بستگی دارد.

مدیریت وجوه نقد به منظور ایجاد توازن معقول بین نقدینگی از یک سو و سودآوری از سوی دیگر اعمال می‌شود. یعنی ضمن این که از موجود بودن نقد برای پرداخت بموقع تعهدات اطمینان به دست می‌آید، از راکد ماندن وجوه نقد و لطمه وارد شدن به سودآوری نیز جلوگیری می‌شود. بودجه نقدی کمک بسیار مؤثری برای اعمال مدیریت بر وجوه نقد و ایجاد توازن مورد نظر است.

## ترازنامه بودجه شده

این بودجه بندی با استفاده از ترازنامه اول

بقیه در صفحه ۹۸

# دایا سیستم

## نرم افزارهای دیگر

- دایا سیستم آمادگی دارد سایر سیستمهای مورد نیاز شامل مجموعه‌ای از سیستمهای بهم پیوسته را نیز تهیه کند.
- متخصصین دایا سیستم در زمینه‌های غیر مالی نیز فعالیت دارند.
- از جمله سیستمهای غیر مالی، موارد زیر قابل ارائه است:

### ● نظام آموزشی واحدی:

- ثبت و نگهداری مشخصات دانشجویان جدید (اطلاعات فردی، شغلی، بانکی...)
- ثبت و نگهداری اطلاعات مربوط به عملکرد و سوابق درسی دانشجویان
- ثبت و نگهداری مشخصات رشته‌های تحصیلی، دروس هر رشته، درسهای پیش نیاز
- ثبت و نگهداری دروس ارائه شده در هر نیمسال تحصیلی، ساعات تدریس دروس و مشخصات اساتید.
- کنترل دانشجویان انتقالی از سایر دانشگاهها، تغییر رشته دانشجویان، دانشجویان مهمان...،
- انعطاف پذیری در اجرای مفاد آئین‌نامه‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی در ارتباط با شرایط قبولی، مردودی، مشروط بودن، مدارک تحصیلی معادل...،
- صدور اتوماتیک برگ انتخاب درس و حذف و اضافه دروس در هر نیمسال تحصیلی
- انجام کلیه عملیات مربوط به تهیه و صدور کارنامه (محاسبه جمع نمرات، معدل گیری...)
- امکان اخذ گزارشات متنوع آماری و مقایسه‌ای برحسب (مقطع و رشته تحصیلی، نوع پذیرش، جنسیت...)
- کنترل حضور و غیاب، مرخصی و انصراف از تحصیل دانشجویان و ارائه گزارشات مربوطه
- صدور اتوماتیک برگ تأییدیه شرکت در امتحانات
- امکان دسترسی لحظه‌ای به کلیه سوابق دانشجویان از طریق صفحه نمایش
- فهرست‌گرا (MENU DRIVEN) بودن سیستم
- قابل استفاده در محیطهای تک کاربره، چند کاربره و شبکه

### ● سیستم مکانیزه کتابخانه:

- ثبت مشخصات انواع مواد کتابخانه‌ای، شامل: کتاب، مجله، روزنامه...

- ارائه امکانات فهرست نویسی
- پیگیری سفارشات مواد کتابخانه‌ای
- پیگیری امور امانات و رزرو مواد کتابخانه‌ای
- ثبت مشخصات انواع مشترکین کتابخانه
- ثبت اطلاعات مربوط به ناشرین
- جستجو جهت ارائه جواب در مورد انواع سئوالهای متقاضیان
- تهیه انواع گزارشات

توضیح آنکه کلیه امکانات فوق با زبانهای فارسی و انگلیسی ارائه می‌گردد و از آنجا که تحت سیستم مدیریت بانک اطلاعاتی ORACLE و زبان نسل چهارم وابسته آن نوشته شده است، لذا مستقل از انواع محیطهای سخت افزاری و سیستمهای عامل مختلف می‌باشد. علاوه بر فوق سیستم به نحوی طراحی گردیده که دارای قابلیت‌های تغییرپذیری در مورد هر نوع سلیقه و یا درخواست جدید، در اسرع زمان می‌باشد.

آدرس: بزرگراه افریقا خیابان وحید دستگردی (ظفر) شماره ۲۷۲ کدپستی: ۱۹۱۷۶  
تلفنهای: ۲۲۷۲۰۲۶ - ۲۲۷۲۲۴۴ - ۲۲۷۰۵۳۴ - ۲۲۷۱۴۵۵ - ۲۰۰۹۰۹۱  
فاکس: ۲۲۲۹۷۰۸ تلکس: ۲۱۲۹۳۸ AMEIR



## بررسی عملکرد و دستاوردهای یکساله

انجمن حسابداران خبره ایران

در

# مجمع عمومی

## سالانه

چهارشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۳

● مجمع عمومی عادی سالانه انجمن حسابداران خبره ایران روز چهارشنبه ۲۴ دی ماه سال جاری در سالن اجتماعات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برگزار شد. در این جلسه نخست اعضای هیئت رئیسه مجمع برگزیده شدند، سپس گزارش شورای عالی انجمن دربرگیرنده نتایج عملکرد و اقدامات یکساله و پیشنهادهای شورای عالی برای تصویب به مجمع ارائه شد. پس از قرانت گزارش شورای عالی، بازرس قانونی انجمن گزارش خود را به مجمع ارائه کرد. سپس در مورد پیشنهادهای شورای عالی تصمیمگیری شد و سرانجام سه نفر از اعضای شورا برای تکمیل تعداد اعضای آن برگزیده شدند.

● خلاصه گزارش این اجلاس را می خوانید:



## آغاز اجلاس

در این جلسه نخست اعضای هیئت رئیسه مجمع به ترتیب آقای اصغر خرازی به عنوان رئیس مجمع و آقایان محمد تقی نژاد عمران و اسدالله نیلی اصفهانی به عنوان ناظران مجمع و آقای نوراعلا شیخ‌الاسلامی به عنوان منشی جلسه انتخاب شدند.

## گزارش شورای عالی

گزارش شورای عالی به وسیله آقای هوشنگ خستویی رئیس شورا به جلسه ارائه شد. ایشان در آغاز گزارش به توصیف شرایط کنونی اقتصاد کشور پرداختند و آن را نامطلوب توصیف کردند و افزودند کوششهایی که در زمینه خصوصی‌سازی، ایجاد تحول در بازار سرمایه و تنوع بخشیدن به اوراق بهادار و یکسان‌سازی نرخ ارز انجام گرفته، مؤسسات اقتصادی را با دشواریهایی روبه‌رو ساخته که گذار از آن به کاهش تولید و رقابت و در مواردی به توقف فعالیتهای مؤسسات انجامیده است. آقای خستویی اضافه کردند، اگرچه بروز پیامدهای برشمرده انتقاد صرف از سیاستهای پیشگفته را توجیه نمی‌کند، اما گستره و پیچیدگی دشواریها نتیجه نادیده گرفتن ضرورت اتکا به پژوهشهای کاربردی برای تدوین و اجرای سیاستهای اقتصادی است. رئیس شورا نسبت به پیامدهای توسل به شیوه آزمون و خطا در سیاستگذاریها هشدار دادند و افزودند دشواریهای کنونی اقتصاد کشور از پیامدهای یکسان‌سازی نرخ ارز و کاهش برابری ریال در برابر ارز سرچشمه می‌گیرد که از زمان اجرای این سیاست بتدریج آغاز شده و اکنون شتاب گرفته است. ایشان راه برون رفت از این دشواریها را که مؤسسات اقتصادی را با کاهش سرمایه روبه‌رو

ساخته است، تاکید بر کارایی اقتصادی مؤسسات دانستند و کنترل این امر را مستلزم حسابداری و حسابخواهی توصیف کردند و خواستار نظام بخشیدن به حرفه حسابداری به تریبی که دولت و مجلس با تصویب قانونی در این باره آن را ضروری دانسته‌اند، شدند و سرانجام شیوه اجرای قانون را در نخستین مرحله مورد انتقاد قرار دادند.

اجرای تبصره (۱) قانون را خلاف این مشی ارزیابی کردند.

آقای خستویی پس از تشریح وضعیت مالی انجمن و ارائه گزارشی از تصمیمات شورای عالی انجمن در دوره مورد گزارش، که به تصویب مجمع عمومی نیاز دارد، مهمترین فعالیتهای و اقدامات انجمن را در دوره یکساله برشمردند. ایشان در این



آقای هوشنگ خستویی

قسمت نخست به تشریح فعالیتهای کمیته‌های پذیرش اعضای عادی و تشخیص صلاحیت حسابداران مستقل پرداختند و از موفقیت کمیته‌های یاد شده در برگزیدن ۳۸ نفر از حسابداران برخوردار از صلاحیت برای عضویت در انجمن و تشخیص صلاحیت ۱۳ نفر از داوطلبان کسب عنوان حسابدار مستقل یاد کردند. رئیس شورای عالی انجمن برگزاری دوره‌های مشترک آموزشی کوتاهمدت، تکمیلی و عالی با مشارکت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، مرکز آموزش و پژوهش صنایع ایران و برگزاری ورق بزیند

آقای خستویی در ادامه به ذکر کوششهای انجمن در راستای ترویج واقع‌بینی در زمینه اجرای ماده واحده لایحه جامعه حسابداران رسمی در سالی که گذشت و بازتاب آن در ماهنامه «حسابدار» پرداختند و بر ضرورت بهره گرفتن از تجربیات انجمنهای حرفه‌ای در جهان تاکید کردند و گفتند انجمن حسابداران خبره ایران به رغم درک ضرورت نظارت دولت در امور حرفه، خواهان واقع‌بینی مجریان و کارگزاران دولت و تفکیک دخالت در اجرای قانون از نظارت منطقی و متعارف بر اجرای آن شدند و نادیده گرفتن نظر طیف وسیع حسابداران در تدوین آیین‌نامه

## قدردانی از اعضای سابق شورا

در مجمع عمومی عادی سالانه امسال به ابتکار آقای مجید میراسکندری دبیرکل انجمن رسمی نو بنیان نهاده شد و به پاس خدمات صادقانه و مؤثر آقایان هوشنگ خستویی، محمد شلیله و پرویز گلستانی که دوره عضویت آنان در شورای عالی انجمن پایان یافته بود، نشان «خدمت ممتاز» به آنان اعطا شد. ●



هوشنگ خستویی

علی البدل برای سال مالی ۱۳۷۳ - ۷۴ انتخاب شدند.

## انتخابات اعضای جدید شورای عالی

انتخاب ۳ عضو جدید شورای عالی انجمن برای جایگزینی ۳ نفر از اعضا که طبق اساسنامه دوره عضویت آنان در شورای عالی پایان گرفته بود و ۳ نفر عضو علی البدل، بخش دیگر برنامه اجلاس سالانه انجمن بود که پس از معرفی کاندیداها، در این موارد رأی گیری به عمل آمد که نتیجه آن در مورد اعضای اصلی و علی البدل به شرح زیر است:

ردیف	نام	نام خانوادگی	تعداد رأی
۱	مجید	میراسکندری	۱۵۱
۲	غلامرضا	سلامی	۱۴۶
۳	جمشید	فراروی	۱۲۵
۴	ابوالقاسم	فخاریان	۱۲۴
۵	سیاوش	سهیلی	۱۲۲
۶	پرویز	صادقی	۶۴

برگزیده شدگان ردیف ۱ تا ۲ به عنوان عضو اصلی و برگزیده شدگان ردیف ۳ تا ۶ به عنوان عضو علی البدل انتخاب شدند. ●

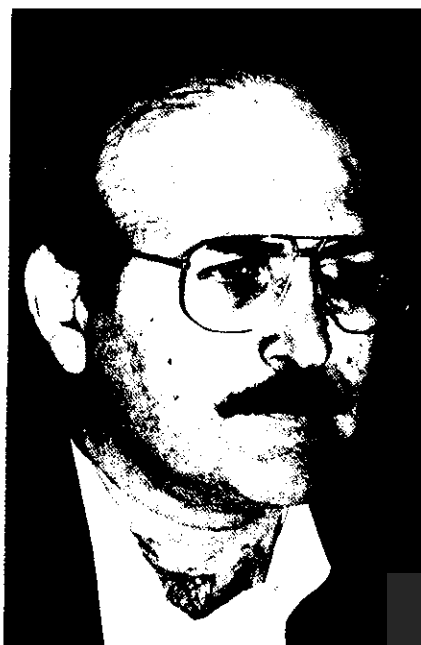
دوره های آموزشی ویژه را از شمار فعالیتهای مؤثر کمیته آموزش انجمن ذکر کردند. بخش دیگر گزارش رئیس شورای عالی به تشریح فعالیتهای انتشاراتی و روابط عمومی انجمن اختصاص داشت و در این باره به برگزاری سومین سمینار حسابداری در آبانماه سال ۷۲، و سمینار «مدیریت، برنامه ریزی و کنترل وجوه» در دی ماه همان سال و اقدامات انجام شده در زمینه برگزاری سمینار «اوراق بهادار با نرخ بازده ثابت و اوراق مشارکت» در بهمن ماه سال جاری اشاره کردند. افزون بر این تداوم انتشار نشریه «حسابدار»، کیفیت آن و انتشار رویدادها و دیدگاههای اعضای حرفه در مورد لایحه «استفاده از خدمات تخصصی حسابداران با صلاحیت به عنوان حسابدار رسمی» در این نشریه را مورد توجه قرار دادند.

ایشان در پایان از کوششهای اعضای کمیته های یاد شده در بالا و دبیرکل انجمن قدردانی کردند و در پایان اعضای انجمن را به همکاری بیشتر با انجمن فرا خواندند.

### مصوبات مجمع

پس از ارائه گزارش شورای عالی انجمن، آقای حسن خدایی بازرس انجمن گزارش خود را قرائت کردند. سپس ترازنامه مورخ ۱۳۷۳/۶/۳۱ و حساب درآمد - هزینه سال مالی منتهی به این تاریخ تصویب شد. افزایش ورودیه اعضای عادی و حق پذیرش عنوان حسابداران مستقل به ترتیب از مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ و ۲۰۰،۰۰۰ ریال به ۵۰،۰۰۰ ریال از تاریخ ۱۳۷۳/۵/۱۱ که با تصویب شورای عالی انجمن برقرار شده بود و دریافت حق ورودیه مجدد به مبلغ ۵۰،۰۰۰ ریال از اعضای که در موقع مقرر در اساسنامه و فرصتهای تعیین شده از سوی شورای عالی انجمن حق عضویت خود را نپرداخته اند، تنفیذ شد. روزنامه کیهان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهیهای انجمن برگزیده شد و آقای حسن خدایی به عنوان بازرس اصلی و آقای مرتضی حجازی به سمت بازرس

## شناختنامه و پیشینه اعضای جدید شورای عالی:



غلامرضا سلامی

- متولد سال ۱۳۲۴ تهران
- فوق لیسانس حسابداری از دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت ۱۳۵۰
- معاون امور اداری مرکز بررسیهای بازرگانی و صنعتی وزارت اقتصاد
- رئیس حسابداری شرکتهای مختلف در بخش خصوصی
- حسابرس، سرپرست امور سیستم و شریک مؤسسه حسابرسی امین
- معاون اداره کل امور مالی دانشگاه تهران
- رئیس اداره بودجه و روشهای بانک شهریار
- مدیر مالی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- عضو هیئت مدیره مؤسسه حسابرسی اثبات کار
- مدیر مؤسسه حسابرسی مشیران
- مدیر مؤسسه حسابرسی سلامی و همکاران
- مدرس درسهای قانون تجارت و مالیاتها
- عضو کمیته های مختلف انجمن ●

ورق برزنی



مجید میراسکندری

- متولد سال ۱۳۳۱ تهران
- فوق لیسانس حسابداری از دانشکده حسابداری شرکت نفت ۱۳۵۶
- کارشناس واحد خدمات مدیریت مؤسسه حسابرسی دقیق
- حسابرس داخلی بانک ایران و ژاپن
- عضو هیئت مدیره کارخانجات پارس الکتریک و شرکتهای تابعه
- مدیرعامل شرکت خدمات پارس
- حسابرس سازمان حسابرسی (مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع و سازمان برنامه)
- شریک و مدیر مؤسسه حسابرسی بصیران و بینا
- مدرس رشته حسابداری دانشگاهها
- دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران و عضو کمیته های مختلف انجمن ●



محمد شلیله



پرویز گلستانی

## دنباله افسون پول باوری و افسانه نقدینگی در ایران

توان ملی سرمایه‌گذاری برای باز تولید گسترده، به شدت تقلیل یافته است. با این همه، حضور سرمایه خارجی به دلیل مسائل اقتصادی و سیاسی موجود، در چشم‌انداز وضعیت فعلی ناچیز و اندک می‌نماید.

تمام آنچه گفته شد، هشدار بود حاکی از این که جامعه در آستانه بحران و درغلتیدن در سرراشویی قرار دارد و در صورت تداوم نوع اندیشه و عمل رایج در اقتصاد، با وجود تمام امکانات بالقوه و بالفعل، ایران، سرنوشتی بهتر از کشورهای آمریکای لاتین و اروپای شرقی نخواهد داشت و ثمره تلاش سالهای زیادی برباد خواهد رفت.

جامعه ما از لحاظ منابع طبیعی، سرمایه‌ای و مهمتر از آن، نیروی انسانی، هم از لحاظ تخصص و هم روح فداکاری، امکان آن را دارد که در این سرراشوب نغلتد. اما شرط آن فراخوانی ملی از نیروها برای فراهم آوردن خرد لازم جهت برنامه‌ریزی توسعه و بازویی پرتوان برای اجرای آن است. ●

خواهد بود.

۷- بنگاههای اقتصادی و غیراقتصادی بسیاری، به دلیل سوءمدیریت یا برنامه‌ریزی نامناسب یا کمبود ارز، با وجود مخارج بسیار، به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند و این وضعیت هم بر سر راه تولید مانع ایجاد می‌کند و هم تورم‌زاست. در نهایت باید گفت که اقتصاد ایران در شرایطی بسیار مشکل و سخت‌تر از سال ۱۳۶۷ به سر می‌برد. گرانی و کمبود ارز، کمبود نقدینگی، حذف سوبسیدهای نهاده‌ها و اعتبارات بانکی، تولید را بسیار مشکل و راکد کرده است و جایی برای پس‌انداز بنگاه باقی نمی‌گذارد. ثبات دستمزدها در مقابل افزایش قیمت‌ها، باعث کم شدن درآمد و پس‌انداز خانوارها گشته است و کم شدن مصرف واقعیشان، سبب خرید کمتر آنها و تشدید رکود اقتصادی می‌شود. درآمد نفت به دلایل اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان کاهش یافته است و به نظر نمی‌رسد که در میان مدت امکان افزایش قابل توجه آن و همچنین صادرات غیرنفتی، وجود داشته باشد.

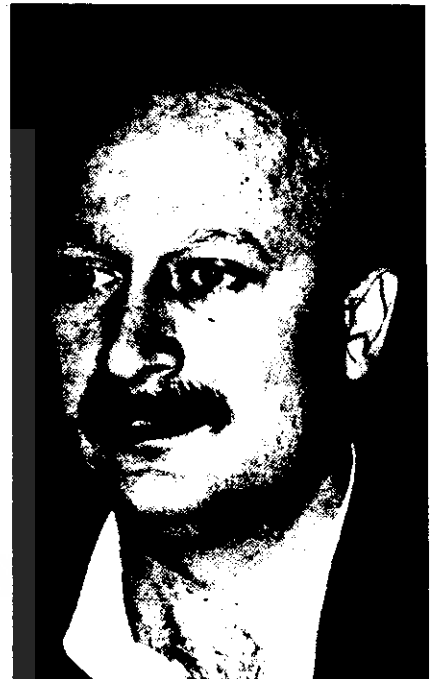
## بررسی عملکرد و

## دستاوردهای یکساله

## انجمن حسابداران خبره

## ایران در

## مجمع عمومی سالانه



جمشید فرآوری

- متولد سال ۱۳۳۱ همدان

- لیسانس اقتصادسنجی از دانشگاه لندن

- عضو پیوسته انجمن حسابداران خبره

انگلستان و ویلز

- سرپرست حسابرسی در مؤسسه پیت

مارویک میچل لندن

- برنامه‌نویس سیستم شرکت سهامی

خدمات ماشینهای محاسب الکترونیک

- حسابرس شرکت سهامی حسابرسی

- شریک مؤسسه حسابرسی آگاهان و

همکاران ●

## دنباله مدیریت سرمایه

## در گردش و بودجه نقدی

دوره بودجه و تغییرات مورد انتظار درمانده حسابهایی که در بودجه‌های عملیاتی مخارج سرمایه‌ای و نقدی منعکس است به دست می‌آید. این صورت، وضعیت مالی واحد انتفاعی را در آخر دوره بودجه نشان می‌دهد و چنانچه انتظارات مدیریت را برآورده نکند لازم است در طرحها و برنامه‌های عملیاتی تجدید نظر شود.

## صورت گردش وجوه نقد بودجه شده

این بودجه‌بندی آخرین جزء بودجه جامع است که در فرایند طرح‌ریزی مالی، وسیله‌ای مفید و کمکی مؤثر به مدیریت محسوب می‌شود. این صورت معمولاً با استفاده از ارقام منعکس در بودجه صورت حساب سود و زیان و تغییرات مانده‌های حسابهای ترازنامه‌های برآوردی در اول و آخر دوره بودجه تهیه می‌شود. ●



انجمن حسابداران  
خبره ایران

# دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی



اتاق بازرگانی و صنایع  
و معادن ایران

## و دوره‌های تکمیلی حسابداری و امور مالی

● اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، هشتمین دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی (ویژه لیسانسیه‌ها)، سومین دوره تکمیلی (۲) (ویژه فوق دیپلمه‌ها) و نهمین دوره تکمیلی (۱) (ویژه دیپلمه‌ها) را با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران به شرح زیر برگزار می‌نماید:

دوره تکمیلی (۱) حسابداری و امور مالی	دوره تکمیلی (۲) حسابداری و امور مالی	دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی
<ul style="list-style-type: none"> <li>حسابداری مالی</li> <li>مباحثی از حسابداری مالی تکمیلی</li> <li>حسابداری صنعتی</li> <li>مدیریت مالی و بودجه</li> <li>حسابرسی</li> <li>قانون مالیاتهای مستقیم</li> <li>قانون تجارت</li> <li>آشنایی با کامپیوتر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>حسابداری مالی پیشرفته (۱)</li> <li>حسابداری مالی پیشرفته (۲)</li> <li>حسابداری صنعتی (۲)</li> <li>حسابداری مدیریت</li> <li>کاربرد استانداردهای حسابداری</li> <li>مدیریت مالی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کاربرد استانداردهای حسابداری</li> <li>حسابداری مالی</li> <li>حسابداری مدیریت</li> <li>مدیریت مالی</li> <li>حسابرسی</li> <li>قانون مالیاتهای مستقیم</li> <li>قانون تجارت</li> <li>آشنایی با کامپیوتر</li> </ul>
<p>● مدرک دیپلم متوسطه و پنج سال سابقه کار در حسابداری یا حسابرسی</p>	<p>● مدرک دوره تکمیلی (۱) حسابداری و امور مالی. ● یا فوق دیپلم و سه سال سابقه کار در حسابداری یا حسابرسی</p>	<p>● لیسانس حسابداری یا رشته‌های مشابه و سه سال سابقه کار حسابداری یا حسابرسی</p>

شرایط شرکت‌کنندگان:

● مدت آموزش هر یک از دوره‌های فوق ۲۶۰ ساعت (فقط روزهای پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۳)

● محل ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر:

خیابان طالقانی بین خیابان فرصت و خیابان دکتر مفتاح آموزشگاه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلفن: ۸۳۸۳۳۴



## جدول شماره ۴

کل مبلغ اوراق و اسناد قابل فروش	هزینه‌های ثابت اضافی	سود کسب نشده	کل هزینه‌های اضافی	احتمال وقوع	هزینه‌های اضافی مورانتظار
۱۰۰۰۰۰	-	-	-	-	-
۲۰۰۰۰۰	۴۰	۶۰	۱۰۰	۰/۱	۱۰
۳۰۰۰۰۰	۴۰	۹۰	۱۳۰	۰/۲۵	۳۲/۵
۴۰۰۰۰۰	۴۰	۱۲۰	۱۶۰	۰/۴۵	۷۲
۵۰۰۰۰۰	۴۰	۱۵۰	۱۹۰	۰/۷	۱۳۳
۶۰۰۰۰۰	۴۰	۱۸۰	۲۲۰	۱	۲۲۰

## دنباله مدل‌های تعیین میزان بهینه نقدینه و دشواریهای

هفته هزینه‌های اضافی مورد انتظار ناشی از آن با چه روندی افزایش می‌یابد.

با توجه به وجود هزینه‌های اضافی مورد انتظار ناشی از فروش اوراق و اسناد بهادار قبل از پایان هفته فرض سومی را نیز می‌توان در نظر گرفت بدین صورت که شرکت در ابتدای هفته ۱/۹ میلیون ریال سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت را در اختیار گیرد که این مستلزم خرید ۱۰۰۰۰۰ ریال اوراق و اسناد بهادار بیشتر با هزینه ۷۰ ریال  $(100000 \times 0.0003 + 40)$  خواهد بود. علاوه بر این با احتمال ۰/۱ شرکت مجبور خواهد بود تا پایان هفته ۲۰۰۰۰۰ ریال از سرمایه‌گذاریها و با احتمال ۰/۱ ناچار به فروش ۱۰۰۰۰۰ ریال از سرمایه‌گذاریها جهت نگهداری مانده نقدینه خود در سطح ۳۰۰۰۰۰۰ ریال در پایان هفته است.

هزینه‌های معاملاتی در این صورت به ترتیب برابر با ۱۰۰ ریال

$(200000 \times 0.0003 + 40)$  یا ۷۰ ریال  $(100000 \times 0.0003 + 40)$  خواهد بود.

اگر موسسه مجبور به فروش ۲۰۰۰۰۰ ریال از سرمایه‌گذاریهای خود تا پایان هفته باشد با احتمال ۰/۱ نصف این مبلغ را باید در طول هفته بفروشد و همان‌طور که قبلاً محاسبه کردیم هزینه مورد انتظار این امر ۱۰ ریال خواهد بود. وقتی ما مجموعه

هزینه‌های ستونهای ۶ و ۷ جدول شماره ۳ را در احتمال وقوع آنها ضرب و حاصل را جمع کنیم نتیجه مبلغ مورد انتظار هزینه کل فروش برابر با ۱۸ ریال است. این مبلغ به هزینه‌های خرید اوراق و اسناد بهادار افزوده شده و هزینه کل مورد انتظار به ۸۸ ریال می‌رسد. با کسر کردن این رقم از سود ناخالص ناشی از سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت طی هفته درآمد خالص ۱۴۳۲

سطح سرمایه‌گذاریها بر مبنای هفته به هفته به همین روال صورت خواهد گرفت.

در مدل احتمالی می‌توان بسیاری از مفروضات و برآوردها را با توجه به شرایط موجود تغییر داد. این مدل یکی از چند مدل احتمالی است که برای تعیین سطح مناسب نقدینه به کار گرفته می‌شود و با کاربرد آن به همراه تعیین سطح مناسب سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت، مانده نقدینه مناسب مؤسسه نیز مشخص می‌گردد.

مدلهای سه گانه مذکور هر یک با فرض اینکه فرایند دریافت و پرداختهای نقدی موسسات (۱) دارای شکل پیشبینی‌پذیر (۲) تصادفی و (۳) نه کاملاً تصادفی و نه کاملاً پیشبینی‌پذیر است، ارائه می‌شود. لذا کاربرد آنها جهت تعیین مانده مناسب نقدینه منوط به مشخص کردن فرایند دریافت و پرداختهای موسسه و سپس تأمین سایر شروط و مفروضات هر یک از مدلهاست. اگر بخواهیم از این مدلها جهت تعیین مانده

ریال خواهد بود. وقتی این محاسبات برای سطوح مختلف نگهداری اوراق و اسناد بهادار انجام می‌شود نتایج مانند اطلاعات ارائه شده در ردیفهای جدول شماره ۳ خواهد بود. این جدول نشاندهنده سود خالص مورد انتظار برای یک سطح نگهداری اوراق و اسناد بهادار است. مشاهده می‌کنیم که مناسبترین سطح برای نگهداری اوراق و اسناد بهادار ۲/۱ میلیون ریال در هفته است که سود خالص مورد انتظار ناشی از آن ۱۴۶۷/۵۵ ریال در هفته است. نتیجه می‌گیریم شرکت باید در ابتدای هفته ۳۰۰۰۰۰ ریال اوراق و اسناد بهادار اضافی بخرد.

سطح مناسب نگهداری اوراق و اسناد بهادار برای هفته بعد بر مبنای موقعیت نقدی، پیشبینی نیازهای نقدی هفته بعد و سطح اوراق و اسناد بهادار در آن زمان به طریق مشابه محاسبه خواهد گردید و تصمیمگیری جهت تعیین مانده نقدینه و

### کناره‌گیری حسابدار «حسابدار» برای کسب تجربیات متنوع

خانم میترا مقدس‌زاده حسابدار ماهنامه «حسابدار» که چند سالی حسابداری ماهنامه را برعهده داشتند پس از کسب تجربه بسنده در این زمینه، به منظور دستیابی به تجربیات متنوعتر به همکاری با یکی از مؤسسات اقتصادی کشور درآمدند. ایشان دارای درجه لیسانس حسابداری و همکاری صمیمی، دلسوز و مؤثر برای ماهنامه بودند. فرصت را غنیمت می‌شمیریم و یاریها و همکاریهای بیدریغ وی را ارج می‌نهمیم و برایشان در تجربه‌های که آغاز کرده‌اند موفقیت آرزو می‌کنیم.

نقدینه مناسب در ایران بهره‌گیری کنیم لازم است ابتدا جریانهای نقدی در مؤسسات ایرانی بررسی و فرایند آنها تعیین شود که این خود می‌تواند موضوع پژوهش جداگانه مفصل باشد.

از این گذشته با مشکل تازه‌ای روبه‌رو هستیم که عبارت از چگونگی سرمایه‌گذاری نقدینه اضافی است. می‌دانیم که سرمایه‌گذاری نقد اضافی در ایران در سهام سایر شرکتها سرعت لازمی را که جزء مفروضات اساسی بازار کاربرد مدلهای فوق است، ندارد و گذشته از مسئله چگونگی پرداخت سود، نقل و انتقالات سهام نیازمند صرف زمان بالایی است. همچنین اوراق و اسناد خزانه و بازرگانی نیز در ایران وجود ندارد و بانکها را هم نمی‌توان جهت سرمایه‌گذاری نقدینه اضافی مؤسسات با اهدافی که تشریح شد، مطابق و مناسب دانست. زیرا نحوه پرداخت سود به سپرده‌های بانکی با مدت نامعلوم مشخص نیست و نیز در پرداخت سود به سپرده‌های کوتاهمدت روشی که اعمال می‌شود عبارت از پرداخت سود به حداقل موجودی سپرده‌گذار است و نه میانگین موجودی وی، بویژه که امکان دارد در طی دوره‌های برنامه‌ریزی موجودی حساب بانکی بارها به صفر تقلیل یابد و در نتیجه به آن سودی تعلق نگیرد.

حال اگر به سراغ بازارهای معاملاتی با سرعت بالا در ایران برویم با بازارهایی چون بازار خرید و فروش ارز و طلا روبه‌رو خواهیم شد که سرعت مورد نظر را جهت تبدیل نقدینه به سرمایه‌گذاری و بالعکس داراست اما ریسک بسیار زیادی را نیز با خود به همراه دارد.

در نتیجه می‌توان گفت کاربرد مدلهای مذکور در ایران نظر به شرایط و ویژگیهای موجود امکانپذیر به نظر نمی‌رسد. جهت رفع مشکل دو راه حل زیر را می‌توان در نظر گرفت: اول به وجود آوردن بستر اجرایی این

## دنباله

### مهندسی سیستمهای مالی

بازدهی و ریسک ترازنامه مؤسسات، احتیاج به وسایل و ابزارهای جدید سرمایه‌گذاری است که در بازار پول و سرمایه وجود ندارد. به همین دلیل مهندسان مالی به طراحی و به‌وجود آوردن ابزارهای جدید سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند تا از این طریق دشواریهای مربوط به کنترل و بهینه‌سازی ریسک و بازدهی ترازنامه را حل کنند. این‌گونه ابزارهای جدید کارایی بازار پول و سرمایه را بالا برده و مدیریت ترازنامه را مؤثرتر کرده است.

برای مثال مهندسان مالی توصیه می‌کنند که اگر مؤسسه اقتصادی با افزایش نرخ بهره روبه‌روست که سبب کاهش ارزش سرمایه می‌شود، ضروری است دارایی جدیدی به داراییهای مؤسسه افزوده شود که ارزش آن به همان نسبت رو به افزایش باشد، تا تعادل مورد انتظار را به‌وجود آورد. منتها ممکن است ابزار مالی مناسبی برای این کار در بازار وجود نداشته باشد. در نتیجه به‌وجود آوردن ابزارهای جدید ضرورت پیدا می‌کند.

فعالیت و رقابت در زمینه ابزار جدید سرمایه‌گذاری بسیار شدید است و از روشهای تبدیل به اوراق قرضه کردن داراییها استفاده زیادی شده است. اوراق قرضه جدید که از طریق تبدیل به اوراق قرضه کردن داراییها در امریکا به‌وجود آمده‌اند عبارتند از:

**- اوراق قرضه با پشتوانه داراییهای جاری (Asset Backed Securities) در برگیرنده:**  
الف) اوراق قرضه با پشتوانه وامهای ماشین (Auto Loan Backed Securities)

ب) اوراق قرضه با پشتوانه وامهای قایقهای

تفریحی (Boat Loan Backed Securities)

ج) اوراق قرضه با پشتوانه حسابهای دریافتی کارت‌های اعتباری (Credit Card Backed Securities)

- اوراق قرضه با پشتوانه وامهای مسکن (Mortgage Backed Securities)

الف) تضمین شده توسط سازمانهای وابسته دولتی

ب) تضمین نشده دولتی (Whole Loan Backed Securities)

- اوراق قرضه با پشتوانه اوراق قرضه‌ای که پشتوانه وامهای مسکن دارند (Collateralized Mortgage Obligations)

الف) قرضه با پشتوانه تضمین شده دولتی  
ب) اوراق قرضه با پشتوانه تضمین نشده دولتی

### ۳) بالا بردن نقدینگی مؤسسات مالی

در بسیاری از مواقع برای ایجاد نقدینگی کافی در یک مؤسسه مالی احتیاج به فروش بعضی از داراییها می‌باشد. به این منظور از روش تبدیل به اوراق قرضه کردن داراییها استفاده‌های مکرر شده است و همه روزه مهندسان مالی به دنبال پیدا کردن راههای جدید برای ایجاد نقدینگی مؤسسات می‌باشند. حتی از روش تبدیل به اوراق قرضه کردن داراییهای ثابت برای بالا بردن نقدینگی دولتهای مکزیک و برزیل استفاده شده است.

بطور کلی مبحث مهندسی سیستمهای مالی بسیار وسیع و پیچیده بوده و با تغییر و تحولات بسیار جالبی همراه است. ●

و حسابداری در ایران با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور و با تحقیق و آزمایش، الگویی خاص جهت تعیین مانده مناسب نقدینه و سرمایه‌گذاری وجوه اضافی ارائه کنند و یا حتی مشخص سازند که تعیین مانده نقدینه مناسب در ایران تابع هیچ الگوی خاصی نیست. البته این امر به گفتار ساده است ولی در عمل آسان نخواهد بود. ●

مدلها در مؤسسات ایرانی که لازمه آن تغییرات بسیار در سیستم اقتصادی است و سرعت می‌توان نتیجه گرفت حداقل در کوتاهمدت امری دستیافتنی نیست. همچنین این‌گونه عمل کردن، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد بلکه هدایت آن به سمت داشته‌های فعلی خواهد بود. راه دوم این است که مراجع قانونی و حرفه‌ای و اندیشمندان و پژوهشگران مالی